

تهدید کی

گنہگار الت عالم ہستی



مؤلف:
علی مشعل پور فرد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نہدی (عج)
عدالت
عالم ہستی

مؤلف :

علی مشعل پور فرد

مدرس دانشگاه آزاد اسلامی

سرشناسه	: مشعل پور فرد، علي ، ۱۳۳۶ -
عنوان و نام پدیدآور	: مهدی (عج)، عدالت گستر عالم هستی / مؤلف علي مشعل پور فرد
مشخصات نشر	: اهواز: دانشگاه آزاد اسلامی (اهواز)، ۱۳۸۸
مشخصات ظاهری	: ۳۱۳ ص.
شابک	: 978-964-223-223-9
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه : ص ۳۱۱ - ۳۱۳
موضوع	: محمد بن حسن (عج) ، امام دوازدهم ، ۲۵۵ ق. - - غیبت
موضوع	: مهدویت - - انتظار
شناسه افزوده	: دانشگاه آزاد اسلامی . (اهواز)
رده بندی کنگره	: ۱۳۸۸ م ۹ / ۵۲۵ م / ۴ / ۲۲۴ PB
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۴۶۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۶۹۲۰۵۷

مهدی (عج) عدالت گستر عالم هستی

مؤلف : علی مشعل پور فرد

ناشر : دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز

ویراستار : ایرج بهرامی

تایپ و صفحه آرایی : نشر کردگار

طرح جلد : ابراهیم نگرایی

نوبت چاپ : اول - ۱۳۸۸

چاپخانه : اسوه

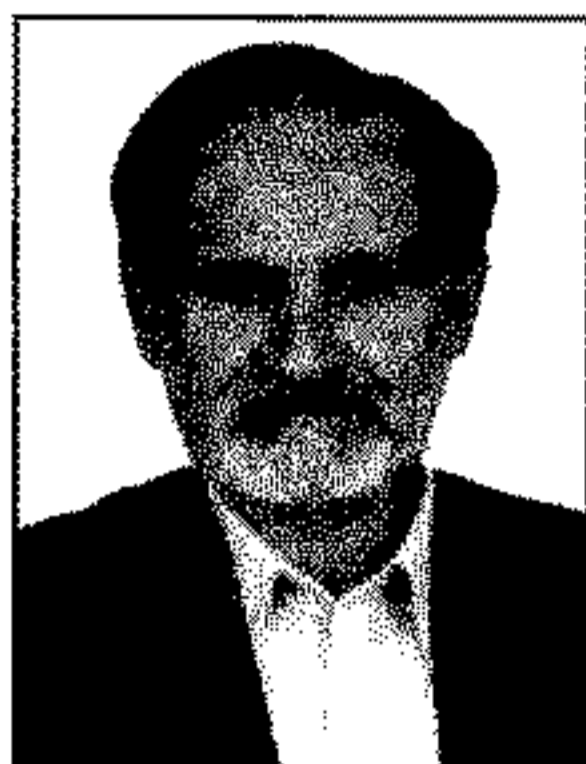
شمارگان : ۲۰۰۰

شابک : ۹ - ۲۲۳ - ۲۲۳ - ۹۶۴ - ۹۷۸

قیمت : ۳۰۰۰ تومان

تمامی حقوق چاپ برای مؤلف محفوظ است.

تلفن مؤلف : ۰۹۱۶۳۱۱۴۸۶۷
تلفن دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز : ۲۲ - ۳۳۴۸۳۲۰ (۰۶۱۱)



علی مشعل پورفرد متولد سال ۱۳۲۶ در شهرستان شوشتر در سال ۱۳۷۷ موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته قرآن و حدیث شده است.

از سال ۱۳۴۶ تاکنون به امر تدریس در مراکز مختلف آموزشی همت نموده است. از سال ۱۳۶۱ تدریس در مراکز عالی در استان خوزستان را به ویژه دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز را آغاز نموده است.

از سال ۱۳۵۱ تحقیق پیرامون موضوعات مختلف قرآنی و اخلاقی و آموزشی و تنظیم آنها به صورت دست نوشته را آغاز نموده است و از سال ۱۳۷۷ توفیق در چاپ چند عنوان به صورت کتاب و آماده سازی عناوینی جهت چاپ نائل آمده است (اسامی آنها در پایان کتاب ثبت گردیده است).

از سال ۱۳۴۱ فعالیت خود را در تدریس مراحل مختلف قرآن و معارف اسلامی را در مراکز آموزشی و مساجد و مجالس گوناگون آغاز نموده و در کنار آن فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی و خدماتی خود را در زمینه سازی، شکل گیری، پیروزی، حراست و نشر فرهنگ انقلاب امام خمینی (ره) را تاکنون با همت چشمگیری انجام داده است.

از ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ با شروع جنگ تحمیلی عراق، از طرف سردار شهید دکتر سید مصطفی چمران و سپاه پاسداران منطقه ششم خوزستان مسئولیت جمع آوری پیکر پاک شهدا و شناسایی آنها و اعزام آنها به محل زندگی آنها تا پایان جنگ، جان برکف همت نموده است و پیام تلاش در این راه تدوین کتاب بسیار نفیسی تحت عنوان جهاد و شهادت از دیدگاه قرآن و حدیث بوده است.

خداوند توفیقات ایشان را روزافزون فرماید.

هدیه : تقدیم به

محضر خداوند علیم و دوراندیش که با تدبیر حکیمانه مهدی (عج) را ذخیره هدایت عالم هستی قرار داد. محضر انوار تابناک پیامبران (سلام الله علیهم) و ائمه‌ی اطهار (علیهم السلام) که زمینه سازان نهضت عالم گیر مهدی (عج) در عالم هستی هستند. محضر تمامی مردان نیک اندیش و زنان گوهر پروری که در شکل گیری یاوران صدیق و جان بر کف مهدی (عج) خالصاً و مخلصاً از جان و هستی خود، دریغ نمی‌نمایند.

تشکر:

خدا را شاکرم که خواندن و نوشتن را به انسان آموخت و عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا را در حق او عنایت فرمود، و نیز از اولیاء الهی که مأمور به نشر و فرهنگ الهی شدند و راه کمال را برای انسان هموار نمودند. و نیز از تمامی انسان‌های وارسته و تلاشگری که هستی خود را در نمایاندن ابعاد مختلف ذخیره عالم هستی، امام زمان (عج) مصروف داشته‌اند تا حقیری چون بنده از انفاس قدسیه‌ی آنها خوشه چینی نمایم و این مجموعه گرانقدر تدوین و تقدیم گردد، و نیز از فرهیختگان ذره پرور دانشگاه آزاد اسلامی سازمان مرکزی و واحد اهواز که با عنایت در چاپ و نشر این اثر جاوید، بذل مرحمت فرموده‌اند، بی‌نهایت سپاسگزارم. امید است خداوند به نفس و قلب الهی آنها، نوری از انوار تابناک خود مرحمت فرماید.

ان شاء الله مؤلف

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

بخش اول / ۱

۲	مقدمه
۴	انگیزه اقدام به امر خطیر تألیف کتاب
۶	توجه به مهدویت از بنیادی‌ترین مراحل اعتقادی بشر در تمام ادوار تاریخ است.
۶	اعتقاد به مهدویت در آئین زردشت
۶	اعتقاد به مهدویت در آئین هندی
۷	اعتقاد به مهدویت در آئین بودایی
۷	اعتقاد به مهدویت در آئین یهود
۸	اعتقاد به مهدویت در آئین مسیحیت
۸	اعتقاد به مهدویت در اسلام
۸	اعتقاد به مهدویت در آئین اسلام (اهل سنت) تألیفات و نویسندگان آنها
۱۱	اعتقاد به مهدویت در آئین اسلام (اهل سنت) نظرات و اعتقادات علما و بزرگان آنها
۱۲	نظرات ابن حجر هیثمی در مورد حضرت مهدی (عج)
۱۲	نظرات ابوفدا ابن کثیر در مورد حضرت مهدی (عج)
۱۲	نظرات ابوالحسن محمد بن حسین بن ابراهیم بن عاصم سحری در مورد حضرت مهدی (عج)
۱۳	نظرات علامه خیرابدین آلوسی در مورد حضرت مهدی (عج)
۱۳	نظرات شوکانی در مورد حضرت مهدی (عج)
۱۳	نظرات استاد شیخ ناصرالدین البانی در مورد حضرت مهدی (عج)
۱۴	نظرات استاد کتانی مالکی در مورد حضرت مهدی (عج)
۱۶	نظرات دانشمندان اهل سنت که دیدگاه‌هایی مخالف به حضرت مهدی دارند
۱۷	نقد و بررسی نظرات ابن خلدون در مورد حضرت مهدی (عج)

- مطالب جالب در مورد عوامل مخرب در روایات مربوط به امام مهدی (عج) ۲۰
- اعتقادات شیعه نسبت به حضرت مهدی (عج) ۲۰
- اعتقاد به محدودیت در آئین اسلام (شیعه) تألیفات و نویسندگان آنها ۲۳
- دلایل ضرورت وجود اما و راهنما در طول تاریخ زندگی انسان تا حدوث قیامت ۲۶
- الف : مهدی (عج) و غیبت از دیدگاه ابوعلی سینا ۲۷
- ب : مهدی (عج) و غیبت از دیدگاه فیلسوف بزرگ اسلام ابونصر فارابی ۲۸
- ج : مهدی (عج) و غیبت از دیدگان فلاسفه اشراقی ۳۰
- د : مهدی (عج) و غیبت از دیدگاه فیلسوفان اخوان الصفا ۳۱
- و - مهدی (عج) و غیبت و طول عمر از دیدگاه متکلمان و علمای بزرگ عقاید ۳۲
- ز - مهدی (عج) و غیبت و ظهور از دیدگاه عارفان اسلامی ۳۳
- تاریخ تولد و محل تولد امام مهدی (عج) از دیدگاه علمای شیعه و سنی ۲۶
- آشنایی با شهر سامرا - محل تولد حضرت مهدی (عج) ۳۵
- کیفیت ولادت امام مهدی (عج) ۳۵
- آثار و اعجاز قبل از ولادت ۳۵
- علل کتمان ولادت حضرت حجت (عج) ۳۷
- اقدامات خلفای بنی عباس در کینه ورزی و دشمنی سرسختانه با حضرت مهدی (عج) ۳۹
- آثار و اعجاز در هنگام ولادت حضرت مهدی (عج) ۴۲
- شاهدان عینی که در طول پنج سال ولادت در محضر پدر بزرگوارشان بوده اند ۴۵
- نام مبارک و کنیه ها و القاب مقدس حضرت مهدی (عج) ۴۸
- بررسی زندگینامه همسر والا گهر امام حسن عسکری و مادر والا تبار امام زمان (عج) ۵۶
- داستان شگفت انگیز و شنیدنی مادر امام زمان (عج) ملکه خاتون ۵۶

بخش دوم / ۵۹

- ویژگی‌های فتنه‌های آخرالزمان به روایت از معصومین (علیهم السلام)..... ۶۵
- علائم قبل از ظهور امام زمان (عج)..... ۷۰
- ۱- فتنه شام..... ۷۰
- ۲- حرکت اهل خراسان با همراه داشتن پرچم‌های سیاه..... ۷۰
- ۳- صیحه‌ی آسمانی در ماه رمضان:..... ۷۰
- ۴- خروج سفیانی..... ۷۳
- ۵- انقلاب یمن و خدمت آن به حضرت مهدی (عج) قبل از ظهور..... ۷۴
- ۶- انقلاب مصر و زمینه سازی مصریان برای ظهور حضرت مهدی (عج)..... ۷۵
- ۷- قیام سید حسنی..... ۷۵
- ۸- اختلاف و خون‌ریزی و درگیری بین حکام حجاز در مکه و مدینه..... ۷۶
- ۹- خورشید گرفتگی در نیمه ماه رمضان و ماه گرفتگی در آخر آن..... ۷۶
- ۱۰- فرو رفتن بعضی از بلاد در عراق و بین مکه و مدینه در زمین..... ۷۶
- ۱۱- متوقف شدن خورشید از ظهر تا نزدیک عصر و طلوع از مغرب..... ۷۶
- ۱۲- کشته شدن نفس زکیه نماینده امام زمان (عج)..... ۷۶
- ۱۳- خراب شدن دیوار مسجد کوفه..... ۷۷
- ۱۴- قیام مردم سرزمین مغرب بنام قیام مغربی..... ۷۷
- ۱۵- فرود آمدن ترکان در جزیره..... ۷۷
- ۱۶- فرود و قیام رومیان در رمله..... ۷۷
- ۱۷- طلوع نمودن ستاره‌ای از مشرق..... ۷۸
- ۱۸- پیدا شدن هاله‌ی سرخی که در آسمان آشکار..... ۷۸
- ۱۹- پیدا شدن آتشی که از طرف مشرق بطرف آسمان بلند شده..... ۷۸
- ۲۱- شورش اهل مصر بر علیه فرمانروایی خود و کشتن آن..... ۷۸

- ۲۲- ویران شدن شام به واسطه حملات شدید مهاجمین ۷۸
- ۲۳- درگیری‌های شدید بین درفش‌های ایرانی، غربی‌ها و سفیانی‌ها در شام ۷۸
- ۲۴- حرکت درفش‌کنده‌ها به شهر خراسان ایران ۷۸
- ۲۵- ایجاد شکافی در فرات ۷۹
- ۲۶- خروج شصت نفر که هر کدام به دروغ ادعای نبوت می‌کنند ۷۹
- ۲۸- ایجاد پلی که از کرخه به شهر سلام وصل می‌شود ۷۹
- ۲۹- برخاستن باد سیاهی از منطقه عراق که در اوائل صبح آن روز به وقوع می‌پیوندد ۷۹
- ۳۰- پیدایش زلزله‌ای که در اثر آن بخش بزرگی از منطقه عراق فرو می‌رود ۷۹
- ۳۱- پیدایش ترس و وحشت و بوجود آمدن مرگ‌های دسته جمعی ۷۹
- ۳۲- ظاهر شدن گاه و بیگاه به طور مرتب ملخ ۷۹
- ۳۴- مسخ شدن عده‌ای از بدعت‌گذاران ۸۰
- ۳۵- تصویر صورت و سینه‌ای ۸۰
- ۳۷- باریدن بیست و چهار روز باران شدید ۸۰
- ۳۸- به پا شدن نظام اسلامی در عراق قبل از خروج سفیانی ۸۰
- ۳۹- خروج شیصبانی ۸۱
- ۴۰- خروج عوف سلمی ۸۱
- ۴۱- خروج شعیب بن صالح قبل از سفیانی ۸۲
- ۴۲- وقوع جنگ جهانی قبل از ظهور حضرت مهدی (عج) ۸۳
- ۴۳- شکافته شدن نهر فرات و جاری شدن آن در شهر کوفه، طبق روایات ۸۵
- ۴۴- در دوره شش ماهه غیبت صغری امام (عج) ۸۵
- ۴۵- تعصب قبیله‌ای بین مکه و مدینه ۸۵
- نقش ملت ایران در برنامه‌های زمینه‌سازی، و هنگام ظهور و بعد از قیام امام زمان (عج) ... ۸۶
- شکست سفیانی به سرپرستی شعیب بن صالح ۹۱

۹۲ اظهار نظر ابن حدید در مورد ایرانیان
۹۶ نهضت و قیام سید حسنی در زمینه‌سازی و یاری حضرت مهدی (عج):
۱۰۰ شرح حال و وقایع مربوط به خروج عثمان سفیانی
۱۰۰ نکات قابل توجهی درباره سفیانی
۱۰۵ حدیث نبوی در مورد آینده برنامه امام (عج) بعد از این پیروزی
۱۰۶ نکات بسیار جالبی در مورد حضرت عیسی (ع) و ظهور حضرت مهدی (عج)
۱۰۹ داستان شکل گیری دجال در عصر ظهور امام مهدی (عج)
۱۱۱ عمل کرد حضرت مهدی (عج) در پیشرفت نهضت الهی خود:
۱۰۵ نکات بسیار دقیق و شفاف و قابل توجه در برنامه‌ریزی‌های پیشبرد نهضت ظهور
۱۱۶ برنامه‌ها و نکات بسیار آموزنده‌ای بعد از پیروزی امام مهدی (عج)
۱۱۸ سیمای درخشان بقية الله الاعظم در آیات ملکوتی قرآن
 سیمای تابناک و درخشان حضرت بقية الله الاعظم (عج) در فرمایشات گهربار معصومین
۱۴۴ (علیهم السلام)

بخش سوم / ۱۴۳

۱۴۹ - استعدادهای امام زمان (عج) در رسیدن به
۱۴۹ حکومت جهانی از سن کودکی
۱۴۹ - رمز طول عمر
۱۴۹ - رمز غیبت
۱۴۹ - برنامه‌های امام زمان (عج) در زمان غیبت
۱۴۹ - سیمای باشکوه دولت کریمه حضرت (عج)
۱۴۹ - وظیفه شیعه در زمان غیبت

- امام زمان (عج) با توجه به سن ۵ سالگی چگونه می تواند امامت جامعه را عهده دار شود؟ ۱۵۰
- امامان شیعه در سن کودکی به امامت می رسند..... ۱۵۱
- شکست دانشمندان بزرگ ادیان از امامان در سن کودکی ۱۵۲
- بررسی طول عمر در معمرین و امام مهدی (عج) ۱۵۴
- ۱- در کتب پزشکی و گزارشات کنترل و پیشگیری های بیماری های انسان و سایر حیوانات و پرندگان و سیر تاریخی آن، ۱۵۴
- ۲- مراقبت و محافظت خداوند از بعضی پیامبران و اولیاء مومن، ۱۵۵
- طول عمر پیامبران و اولیاء خداوند ۱۵۷
- طول عمر ملائکه ۱۵۷
- طول عمر شیطان ۱۵۷
- توجه به قدرت و اراده خداوند در خلقت، حفظ، موت ۱۵۹
- برکات و فواید طول عمر در شکل گیری نهضت امام مهدی (عج) ۱۶۲
- موضوع غیبت در زندگی پیامبران و امامان (علیهم السلام) یک سنت الهی است ۱۶۵
- اسراری که می توان در مورد غیبت امام مهدی (عج) پیش بینی کرد ۱۶۷
- نکات قابل توجهی در مورد غیبت صغری ۱۶۹
- آشنایی با شرح حال نواب خاص امام مهدی (عج) در دوران غیبت صغری ۱۷۱
- عنوان اول مسائل مشترک بین هر چهار نفر نائب خاص: ۱۷۱
- عنوان دوم: شرح حال و ویژگیهای هریک از نواب خاص ۱۷۵
- الف - جناب عثمان بن سعید ۱۷۵
- توقیعاتی که از طرف حضرت مهدی (ع) به عنوان عثمان بن سعید مرحمت شده است ۱۷۷
- ب: شرح حال و فضائل جناب محمد بن عثمان نایب دوم امام زمان (عج) ۱۸۰
- ج: شرح حال نایب سوم جناب حسین بن روح نوبختی ۱۸۹

بررسی قیام شلمغانی بر علیه حسین بن روح نوبختی و اولین توقیع حضرت در لعن او توسط نوبختی.....	۱۹۲
عقاید شلمغانی.....	۱۹۴
عقاید شلمغانی به روایت از شیخ عباس قمی	۱۹۵
شرح حال نائب چهارم علی بن محمد السمری	۱۹۵
شرح حال و فضائل نایب چهارم جناب علی بن محمد السمری	۱۹۶
متن توقیع حضرت مهدی (عج) در مورد رحلت علی بن محمد سمری	۱۹۷
نمایندگان و نواب دیگر امام زمان (عج).....	۱۹۸
برنامه‌های جاری امام زمان (عج) در دوران غیبت کبری	۱۹۹
عرضه اعمال تمامی انسان‌ها بر امام زمان (عج) در طول شبانه روز	۲۰۰
سیمای با شکوهی از دولت کریمه حضرت مهدی (عج)	۲۰۱
عنایات خداوند در آیات و روایات:.....	۲۰۲
وظیفه شیعیان در زمان غیبت کبری	۲۰۸
وظیفه مؤمنین (شیعیان واقعی) از دیدگاه قرآن	۲۰۹

بخش چهارم / ۲۱۵

برکات وجود مبارک حضرت مهدی (عج).....	۲۲۱
کمالات و جایگاه رفیع حضرت مهدی (عج).....	۲۲۱
سیمای پیامبران و چهارده معصوم (علیهم السلام)	۲۲۱
در سیمای مهدی (عج).....	۲۲۱
ویژگی‌های یاران حضرت مهدی (عج).....	۲۲۱
تعداد و محل تولد ۳۱۳ یار حضرت مهدی (عج).....	۲۲۱

۲۲۱	اماکن مقدس منسوب به حضرت مهدی (عج)
۲۲۱	نکات مهم در مورد مسائل شخصی حضرت مهدی (عج)
۲۲۱	نحوه ملاقات با حضرت مهدی (عج)
۲۲۱	جایگاه رفیع انتظار در فرج حضرت مهدی (عج)
۲۲۱	وچند مطلب مفید و شنیدنی از حضرت مهدی (عج)
۲۲۲	برکات وجود مبارک حضرت مهدی (عج)
۲۲۴	کمالات اولیه ذاتی و الهی
۲۲۸	کمالات اکتسابی امام زمان (عج)
۲۳۰	کمالات موهبتی حضرت مهدی (عج)
۲۳۱	فضائل و برکات حضرت مهدی (عج)
۲۳۷	فضائل و برکات حضرت مهدی (عج) در فرمایشات معصومین (علیهم السلام)
۲۴۸	جایگاه رفیع و ملکوتی حضرت مهدی (عج) در روایات شیعه و سنی
۲۴۹	جایگاه حضرت مهدی (عج) در قرآن از دیدگاه اهل سنت
۲۵۱	حضرت مهدی (عج) با وسائل میراث از رسول اکرم (ص) قیام می کند
۲۵۴	تحلیلی به صورت برداشت از روایات معصومین (علیهم السلام) در مورد امام زمان (عج)
۲۵۶	ویژگی های یاران حضرت مهدی (عج)
۲۵۷	ویژگی های صفات یاران حضرت مهدی (عج)
۲۶۰	ویژگی های یاران امام
۲۶۶	اماکن مقدسه در رابطه با امام زمان (عج)
۲۶۷	تاریخچه مسجد مقدس جمکران:
۲۶۷	الف: آشنایی با مسجد مقدس جمکران
۲۶۸	ب: تاریخچه مسجد مقدس جمکران و نماز حضرت حجت (عج)
۲۷۰	جایگاه و منزلت قم در فرمایشات معصومین (علیهم السلام)

- الف: موضوع قیام مردی از قم: ۲۷۰
- ب: در رابطه با منزلت و جایگاه شهر قم در روایات ۲۷۱
- اظهار نظر در مورد وضعیت ازدواج و موضوع اولاد داشتن امام (عج) ۲۷۴
- نکاتی در مورد محل و چگونگی زندگی حضرت مهدی (عج) ۲۷۸
- الف: اظهار نظر در مورد مکان و محل زندگی امام زمان (عج) ۲۷۸
- ب: اظهار نظر در مورد لباس امام زمان (عج) ۲۸۱
- ج: اظهار نظر در مورد قیافه و سن ظاهر امام (عج) ۲۸۱
- د: اظهار نظر در مورد غذا خوردن امام (عج) ۲۸۲
- نحوه ملاقات با امام زمان (عج) ۲۸۳
- ۴- انتظار فرج ۲۹۰
- ۵- دعا کردن جهت حفظ وجود مبارک امام عصر (عج) ۲۹۳
- ۶- صدقه دادن برای حفظ وجود مبارک امام زمان (عج) ۳۰۱
- ۷- موضوع شیطان و لشکریان او: ۳۰۳
- ۸- توفیق حج کردن و زیارت معصومین (علیهم السلام) و یا اماکن متبرک ۳۰۳
- ۹- توصیه‌های مفید و کارساز در بهره‌گیری از وجود با برکت امام زمان (عج) ۳۰۴
- ۵- توجه به واجبات و اجتناب از محرّمات ۳۰۸
- ۶- توجه به لقمه حلال و شغل حلال: ۳۰۹
- ۷- تلاش در تزکیه نفس و رسیدن به تقوای لازم ۳۰۹

بخش اول

- آشنایی با مهدویت در مذاهب و ادیان
- آشنایی با مهدویت از دیدگاه دانشمندان
- اعجاز ولادت
- توجه به اصل و نسب حضرت مهدی (عج)

مقدمه

اگر با دید کارشناسی و تخصصی به خلقت انسان عنایت شود، رمز اعجاز آمیزی از اقدام خداوند در مورد این پدیده خلقت کشف می‌شود. و آن این که این موجود سر تا پا غرق در موهبت‌های الهی است. از جمله قرار دادن روح الهی در او، مسجود ملائکه قرار دادن^۱، اعطاء علوم الهی به او^۲ تسخیر عالم هستی در دست او^۳، داشتن عقل و شعور، و قدرت بصیرت^۴، قرار دادن او بعنوان خلیفه روی زمین، و توجه به او در کسوت کرّما و شرفنا و فضلنا بنی آدم، و ده‌ها مورد دیگر از یک طرف، امیال و گرایش و کشش‌های نیازمندی به مسائل مادی از طرف دیگر، انسان را موجودی عجیب قرار داده است. گاهی این انسان به حدی از اوج عظمت و قرب الی الهی می‌رسد که خداوند او را دعوت به انس با خود و بندگی خود افتخار می‌دهد.

یا آیتها النفس المطمئنه ارجعی الی ربک راضیه مرضیه فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی.^۵

و گاهی همین انسان با این همه شکوه و عظمت، به پست‌ترین موجود می‌رسد «ثم رکذ ناه اسفل سافلین^۶» و بدتر از آن توصیف به الاغ^۷ و گاهی اوقات از حیوانات پست‌تر می‌شود.^۸

این شکل وجودی انسان یک نکته ظریف و فنی را در ذهن ترسیم می‌کند. و آن ضرورت مستمر هدایت و نظارت در کنار انسان است. خداوند گر چه عالم طبیعت

۳- لقمان از آیه ۳۰.

۲- بقره، ۳۱.

۱- حجر، ۲۹.

۶- تین، آیه ۵.

۵- فجر، ۳۰ تا ۳۱.

۴- قیامت، ۱۴.

۸- اعراف، آیه ۱۷۹.

۷- جمعه از آیه ۵.

را وسیله بیداری قرار داده است. و بارها انسان را به آن توجه داده است^۱، و نیز بخشی از روح و نفس را بنام نفس لوآمه بعنوان هشدار دهنده و ملامتگر قرار داده است^۲، و پیامبران و ائمه دین را بدین منظور در کنار او قرار داده است ولی ضرورتاً با توجه به عدم استفاده مطلوب از تمام این رهنمودها، لطف و عنایت بی حد خداوند بر آن قرار دارد، که پس از بی‌توجهی به امامان حاضر در جمع خود، تا زمانی که صلاح بداند امام و راهنما را در پرده غیب داشته باشد، تا دائم از بندگان او مراقبت و مواظبت نماید.

و آن وجود ذیقدر و رهنمای شایسته و بایسته الهی، همانا حضرت مهدی موعود (عج) می‌باشد، که آثار و برکات فرماندهی و کیاست و ریاست و خورشید تابناک فیض و کرامت او همچون روز روشن برای اندیشمندان منصف عالم روشن و هویداست. و با مطالعه آثار و برکات و رهنمودهای متقن و عالمانه آن بزرگوار، صفحه صفحه برگ‌هایی از تاریخ، هدایت و رهبری‌های زرین و ارزشمند آن بزرگوار را، درخشان کرده است. خداوند توفیق بهره‌گیری مطلوب به همه‌ی ما عنایت بفرماید. و ما را از غلامان و خادمان واقعی ایشان قرار دهد، و توفیق دیدار و حضور در رکابش را به همه ما مرحمت بفرماید.

آمین یا رب العالمین

مؤلف

۱- عبس آیات ۲۴ تا ۳۲.

۲- قیامت، آیه ۲.

انگیزه اقدام به امر خطیر تألیف کتاب

از توفیقات بزرگ الهی، این که در شهرستان شوشتر (محل تولد)، جایگاه رفیع و با شکوهی بنام (مقام صاحب الزمان) احداث شده بود. مطالب بسیار ارزشمندی در سرگذشت این اقدام در تاریخ موجود است. اهالی شوشتر، به بهانه‌های مختلف در آنجا جمع می‌شوند و مراسم و دعا و توسلات دارند، بخصوص شب نیمه شعبان هر سال برنامه بی‌نظیر و استثنایی برگزار می‌شود. (هم اکنون با همان شکوه و بیشتر برنامه‌ها اجرا می‌گردد).

از همان کودکی با حضور در این مقام، آرزوی همیشگی من دیدار آقا و یا مورد توجه قرار گرفتن آن وجود عزیز بود. در سال ۱۳۴۱ سال سوم دبیرستان روزنامه دیواری مختصی بعنوان نیمه شعبان در شان امام زمان (عج) تنظیم کردم و در دبیرستان مورد توجه قرار گرفت.

از همان موقع در جمع آوری مطالب در مورد آقا اشتیاق پیدا کردم و به عناوین گوناگون تلاش در طرح و معرفی امام به عمل آوردم، تا بالاخره خداوند توفیق عنایت فرمود در سال ۱۳۷۷ مراسم زیارت آل یاسین را در شب‌های چهارشنبه با همت بعضی از دوستان در منازل خود به صورت سیار هر شب چهارشنبه برگزار گردد.

از اوائل سال ۱۳۸۰ از بنده خواسته شد که قبل از زیارت آل یاسین ۱۵ دقیقه پیرامون امام زمان (عج) صحبت کنم، این امر باعث شد که تلاش بیشتری در تدوین مطالب برای هر شب صورت گیرد.

در روز یکشنبه ۸۶/۱۲/۲۶ هشتم ربیع الاول سال ۱۴۲۹ روز شهادت حضرت امام حسن عسکری (ع) مطالب جمع آوری را بررسی کردم، مشاهده شد، جداً مجموعه

سنگین و زیادی فراهم شده است. تصمیم به استخاره جهت تدوین آنها بعنوان یک کتاب نمودم، استخاره بسیار عالی آمد.

لذا با تمسک به عنایات خداوند و توجّهات چهارده معصوم (علیهم السلام) به ویژه حضرت بقیة الله الاعظم امام زمان (عج) در فرخنده روز آغاز امامت و ولایت آن امام همام و پاره تن زهرای مرضیه، فعّالیّت در تدوین و تنظیم کتاب را تحت عنوان (مهدی (عج) عدالت گستر عالم هستی) آغاز نمودم امید است با نصرت خداوند و توجّهات ذرّه پروری وجود پر برکت خورشید تابناک ولایت و هدایت حضرت صاحب الزمان (عج) مجموعه‌ای مطلوب و مفید، تدوین گردد.

ان شاء الله - مؤلف

توجه به مهدویت از بنیادی‌ترین مراحل اعتقادی بشر در تمام ادوار تاریخ است.

مسئله توجه به مصلح جهانی موضوعی است که بر اعتقاد تمامی افراد بشر در تمام پیروان مکاتب و مذاهب الهی و غیرالهی تأثیر گذار بوده و هر کدام به گونه‌ای اعتقاد خود را در این راستا بیان کرده است. در این قسمت به نکات قابل توجهی اشاره می‌شود.

۱- در آئین زردشت: درباره دوران آخر الزمان و ظهور موعود (عج)، در اکثر کتب زردشتی اشاراتی شده است از جمله:

کتاب‌های اوستا، زند، جاما سب نامه، داتستان دینیک، زراثشت نامه.

در دین زردشت به موعود (سوشیانت) می‌گویند، که آخرین آن‌ها به نام (سوشیانت پیروزگر) می‌باشد و اعتقاد دارند که این همان موعود است. عنایت بفرمایید به گفته‌ی آنان:

سوشیانت مزدیسنان به منزله‌ی کریشنای برهمنان، بودای پنجم بودائی‌ان، مسیح یهودیان، فارقلیط عیسویان، و مهدی مسلمانان است.^۱

۲- در آیین هندی: در آیین‌های هندوان و کتاب‌های آنان از نجات دهنده و موعود از جمله در کتاب (مهابهاراتا) و پورانه‌ها صحبت شده است.

همه‌ی ادیان معتقدند که در پایان هر دوره‌ای از تاریخ، بشر از لحاظ معنوی و اخلاقی رو به انحطاط می‌رود. و چون طبعاً و فطرتاً در حال هبوط و دوری از مبدا است، و مانند احجار به سوی پایین حرکت می‌کند، نمی‌تواند به خودی خود به این

۱- خورشید مغرب محمدرضا حکیمی قم انتشارات دلیل ما ۱۳۸۲، چاپ اول، به نقل از دایره المعارف فارسی ج ۱

سیر نزولی و انحطاط معنوی و اخلاقی خاتمه دهد. پس ناچار روزی یک شخصیت معنوی بلند پایه، که از مبداء وحی و الهام سرچشمه می‌گیرد، ظهور خواهد کرد و جهان را از تاریکی جهل و غفلت و ظلم و ستم نجات خواهد داد.

در این مورد، در تعالیم هر دینی، به صورت رمز، به حقایقی اشاره شده است، که با معتقدات آیین‌های دیگر توافق و هماهنگی کامل دارد. مثلاً در کیش هندو، در کتب «پورانانا» شرح مفصلی درباره‌ی دوران آخر عصر «کالی» (آخر الزمان)، یعنی آخرین دوره‌ی قبل از ظهور دهمین «آواتا رای ویشنو» درج گردید است.^۱

۳- در آیین بودایی: در پاره‌ای از کتب آمده است که در دین بودایی نیز مسئله‌ی انتظار مطرح است و شخص مورد انتظار این آیین «بودای پنجم» معرفی شده است.^۲

۴- در آیین یهود: در آثار دینی یهود و اسفار تورات بخصوص اگر به کتاب «نبوت هیئلد» (کتاب کودک) توجه شود درباره‌ی ظهور پیامبر اکرم (ص) حوادث بعثت و پاره‌ای از علائم آخر الزمان و رجعت و اشاراتی به حضرت مهدی (عج) و حتی به واقعه عاشورا، اشاره شده است.^۳ و نیز در کتاب‌های یهودیت و عهد عتیق نیز، صحبت از موعود، به میان آمده است.

کتاب دانیال پیامبر (ع)، کتاب حجی‌ای پیامبر (ع)، کتاب صفیای پیامبر (ع)، کتاب اشعیای پیامبر (ع) نهایت یهودیان در آثار خود از سه چهره نام برده‌اند، حضرت مسیح (ع) حضرت محمد (ص) حضرت مهدی (عج) که متأسفانه تبعیت از حضرت مسیح (ع) و حضرت محمد (ص) ننموده‌اند و با توجه به اعتقاد به مهدی (عج) علیه او شورش می‌کنند و جنگ‌های وحشتناکی راه می‌اندازند و سرانجام همگی آنها با شمشیر مهدی موعود (عج) قتل عام و کشته می‌شوند.^۴

۱- خورشید مغرب ص ۵۴ به نقل از معارف اسلامی در جهان معاصر ص ۲۴۵

۲- همان

۳- همان

۴- همان

۵- در آیین مسیحیت: در این آیین، توجهات بیشتری به موعود آخر الزمان شده است. به واسطه‌ی نزدیک بودن این آیین به اسلام و بخصوص این که حضرت عیسی (ع) از آسمان فرود می‌آید و در کمک رسانی به مهدی موعود (عج) همکاری می‌کند و پشت سر او نماز می‌خواند.

در کتب زیر از حضرت مهدی (عج) موعود آخر الزمان صحبت شده است. انجیل متی، انجیل لوقا، انجیل مرقس، انجیل برنابا، مکاشفات یوحنا،^۱ لذا اگر به فرازی از یکی از زیارت‌های حضرت مهدی (عج) توجه شود، بر حضرتش سلام گفته شده، به واسطه‌ی این که همه ادیان از او یاد کرده‌اند و عامل پیوند همگی ادیان عالم می‌گردد.

«السَّلَامُ عَلَى مَهْدِي الْأُمَّمِ وَ جَامِعِ الْكَلِمِ»

سلام بر مهدی، که امت‌ها از او سخن گفته‌اند، همو که همه‌ی اقوام و افکار را متحد می‌کند، و زیر یک پرچم گرد می‌آورد.

اعتقاد به مهدویت در اسلام

۶- در آیین اسلام: الف : از دیدگاه شخصیت‌های مختلف اهل تسنن در آثار و تألیفات ارزشمند آنها.

توجه به امام مهدی (عج) از نظر اهل سنت در سه موضوع بررسی می‌شود: موضوع اول: نویسندگان و شخصیت‌های اهل سنت که در رشته و تخصص‌های مختلف در تألیفات خود بخش یا فصل مهمی را اختصاص به آوردن روایات متقن و مستند از پیامبر (ص)، که نمونه‌هایی از آنها به شرح زیر می‌باشد، و در ابعاد مختلف زندگی حضرت مهدی (عج) بحث شده است.^۲

۱- خورشید مغرب ص ۵۷ به نقل از معارف اسلامی در جهان معاصر ص ۲۴۵

۲- خورشید مغرب، ص ۶۲.

ردیف	نام کتاب یا رساله	نویسنده	تاریخ در گذشته	سال هجری قمری
۱	الرَّسَالَة	محمد بن ادريس شافعی	"	۲۰۴
۲	مُسْنَد	احمد حنبل شیبانی	"	۲۴۱
۳	صحيح	محمد بن اسماعيل بخاری	"	۲۵۶
۴	صحيح	مسلم بن حجّاج نیشابوری	"	۲۶۱
۵	سُنن	ابن ماجه قزوینی	"	۲۷۳
۶	سُنن	ابو داود سجستانی	"	۲۷۵
۷	جامع	ابو عيسى ترمزی	"	۲۷۹
۸	حديث الولاية	محمد بن جرير طبری	"	۳۱۰
۹	مستدرک الصحیحین	حاکم نیشابوری	"	۴۰۵
۱۰	شُعَبُ الْاِيْمَان	ابوبکر بیهقی	"	۴۵۸
۱۱	الاستيعاب	ابن عبدالبر قرطبی	"	۴۶۳
۱۲	تاریخ بغداد	ابوبکر خطیب بغدادی	"	۴۶۳
۱۳	مصابيح السنة	ابو محمد فراء بغوی	"	۵۱۶
۱۴	كشف الاسرار	رشيد الدين ميبدي	"	۵۲۰
۱۵	تاریخ موالید الائمة	ابو محمد ابن الخستاب	"	۵۶۷
۱۶	مفاتيح الغيب	فخرالدين رازی	"	۶۰۶
۱۷	جامع الاصول	مجد الدين ابن اثیر	"	۶۰۶
۱۸	معجم البلدان	ياقوت حَمَوِي	"	۶۲۶
۱۹	فتوحات مكيه	محي الدين ابن عربي	"	۶۳۸
۲۰	عنقاء المغرب	محي الدين ابن عربي	"	۶۳۸
۲۱	مطالب السؤول	ابن طلحه شافعی	"	۶۵۲
۲۲	تذكرة خواص الامّة	سبط ابن الجوزی	"	۶۵۴

ردیف	نام کتاب یا رساله	نویسنده	تاریخ در گذشته	سال هجری قمری
۲۳	شرح نهج البلاغه	ابن ابی الحدید مدائنی	"	۶۵۵
۲۴	فرائد السّمطین	شیخ الاسلام حمویئی	"	۷۲۲
۲۵	شرح الدائرہ	صلاح الدین صفدی	"	۷۶۴
۲۶	فصل الخطاب	خواجه پارسای بخاری	"	۸۲۲
۲۷	الفصول المهمّة	ابن صبّاغ مالکی	"	۸۵۵
۲۸	جواهر العقّدين	نورالدین سَمهودی	"	۹۱۱
۲۹	الجامع الصّغیر	جلال الدین سُیوطی	"	۹۱۱
۳۰	الیواقیتُ و الجواهر	عبدالوهاب شعرانی	"	۹۷۳
۳۱	الصّواعقُ المحرّقه	ابن حجر هیثمی	"	۹۷۴
۳۲	روضه الاحباب	جمال الدین شیرازی	"	۱۰۰۰
۳۳	کنوزُ الحقائق	زین الدین مناوی	"	۱۰۳۱
۳۴	السّیرةُ الحلّیّہ	نورالدین علی حلبی	"	۱۰۴۴
۳۵	لوامع الانوار البهیة	شیخ محمد سفارینی	"	۱۱۸
۳۶	اسعاف الرّاعیین	ابوالعرفان	"	۱۲۰۶
۳۷	ینابیع المودّة	خواجه کلان قندوزی	"	۱۲۹۳
۳۸	الفتوحاتُ الاسلامیة	احمد زینی دحلان	"	۱۳۰۴
۳۹	المنار	شیخ محمد عبده	"	۱۳۲۳
۴۰	مذاهب الاسلامیین	دکتر عبدالرحمن بدوی	معاصر	

موضوع دوم:

اعتقادات اهل سنت نسبت به حضرت مهدی (عج)^۱

۱- اهل سنت در مورد حضرت مهدی (عج) در بخشی از پاره‌ای از تألیفات خود، و یا کتاب‌های مستقلاً در مورد مهدی موعود (عج) که شاید بیش از پنجاه کتاب در این رابطه تألیف شده است. کلاً در نوشته‌های آنها بدو وجه بحث شده است:

الف: نکاتی که با نظرات شیعه هماهنگ نیستند. که مهمترین موارد آن این است که مهدی موعود (عج) را فرزند امام حسن عسکری (ع) نمی‌دانند و معتقد هستند که امام محمد بن حسن عسکری مهدی موعود (عج) نیست، یکی دیگر، این که اعتقاد دارند او هنوز متولد نشده است و نزدیک به ضرورت ظهور متولد می‌شود و برنامه‌هایش را انجام می‌دهد.

ب: وجه اشتراکی که با شیعیان دارند عبارتند از :

بشارت به وجود او، حرکت نهضت و ظهورش، اقدام در تجدید اسلام به آنگونه که مورد رضایت خداوند و جدش رسول اکرم (ص) و موافق با نظرات پدرانیش می‌باشد.

در مورد جهانی بودن حکومت او، این توافقات به طور مستند و متواتر، در روایاتی که از پیامبر (ص) و سایر ائمه روایت شده است و تألیفات و منابع آنها، موجود می‌باشد.

۲- کهن‌ترین کتاب اهل سنت که درباره‌ی حضرت مهدی (عج) صحبت کرده است کتاب «فتن و ملاحم» اثر حافظ نعیم بن حماد مروزی (متوفی سال ۲۲۷ هـ - ق) می‌باشد. این شخص از اساتید بخاری بوده است. نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه دائرة المعارف عثمانی در حیدرآباد هند به شماره ۳۱۸۷-۸۳ موجود است. و نیز نسخه‌ای از آن در کتابخانه موزه‌ی انگلستان که حدود دویست صفحه پشت و رونوخته شده است. و در سال ۱۹۲۴ میلادی در کتابخانه بریتانیا ثبت شده است.

همزمان با او خروج نموده و در کشتن دجال در دروازه (لد) در سرزمین فلسطین وی را یاری می‌کند و او بر این امت، امامت می‌کند و عیسی پشت سر او در تمام مدت فرمانروایی وی، نماز می‌گزارد.^۱

۴- علامه خیرالدین آلوسی در کتاب «غالیة المواعظ» آورده است که:

«بر اساس صحیح‌ترین گفته‌ها نزد اکثر اندیشمندان، ظهور مهدی (عج)، از جمله نشانه‌های قیامت است. و نظر برخی از اهل فضل ... که آمدن وی را انکار نموده‌اند، فاقد ارزش و اعتبار است...» وی پس از بررسی بعضی روایات مربوط به حضرت مهدی (ع) می‌گوید:

مطالبی را که درباره‌ی مهدی (عج) بیان کردیم، گفتاری است صحیح و از اقوال اهل سنت و جماعت^۲ می‌باشد.

۵- شوکانی در رساله خود تحت عنوان «التوضیح فی تواتر ما جاء فی المنتظر و الدجال و المسیح» به صراحت می‌گوید: این روایات به حدّ تواتر رسیده است و می‌گوید: «روایاتی که می‌توان «درباره مهدی (عج)» بر آن دست یافت پنجاه حدیث می‌باشد که شامل صحیح، حسن و ضعیف، قابل جبران است، که آنها بی‌شک متواترند. بلکه بنابر تمام اصطلاحات موجود در اصول، صفت تواتر در کمتر از این‌ها نیز صدق می‌کند»^۳

۶- استاد شیخ ناصرالدین البانی: وی در مقاله‌ای تحت عنوان «پیرامون مهدی (عج)» در مجله‌ی «تمدن اسلامی» می‌گوید: «اما مسئله مهدی (عج)، باید دانست که درباره ظهور او روایات فراوان و صحیح وجود دارد که بخش عمده‌ای از آنها دارای سندهای صحیح است.

براستی افرادی مانند رشید رضا و دیگران در مورد تک تک روایات مربوط به

۱- عصر ظهور ص ۳۹۹ به نقل از الامام عند اهل السنه ج ۱ ص ۳۶۹

۲- عصر ظهور ص ۴۰۴ به نقل از الامام المهدی عند اهل السنه ج ۲ ص ۱۶۰ و ۱۵۸

۳- عصر ظهور ص ۴۰۵

مهدی تحقیق و بررسی نکرده‌اند و در جستجوی سند هر روایتی تلاش ننموده‌اند و گرنه پاره‌ای از آن‌ها را دارای جهت می‌یافتند.

و این که رشید رضا مدعی است که سندهای روایات مربوط به مهدی (عج) خالی از راوی شیعه نیست. با آن که اصلاً چنین نیست، روایات چهارگانه‌ای که خود او آورده است، مردی معروف به تشیع در سند آنها دیده نمی‌شود، با آن که اگر این ادعا صحیح هم باشد خدشه‌ای در صحت روایت وارد نمی‌سازد، زیرا ملاک اعتبار در صحت روایت صداقت و دقت راوی است و به گونه‌ای که در علم روایت شناسی بیان شده، اختلاف مذهب در آن شرط نمی‌باشد. از این رو (ملاحظه می‌کنیم) مسلم و بخاری در کتاب‌های خود از بسیاری از شیعیان و دیگر فرقه‌های مخالف، روایاتی را نقل نموده و حتی به این گونه روایات، استدلال کرده‌اند.

کوتاه سخن این که عقیده‌ی به ظهور حضرت مهدی (عج) عقیده‌ای است که به طور متواتر از ناحیه‌ی پیامبر (ص) ثابت است. و از آنجایی که از زمره‌ی امور غیب است، ایمان به آن واجب می‌باشد و اعتقاد به آن از صفات متقن شمرده می‌شود. چنانچه خداوند در آیات اول سوره‌ی بقره می‌فرماید: «الم، ذلک الکتاب لاریب فیه هدی للمتقین، الذین یؤمنون بالغیب» و انکار آن جز از جاهل و یا معاند سر نمی‌زند، از خداوند مسألت دارم ما را به ایمان به آن و به تمام آنچه بدرستی در کتاب و سنت آمده است، بمیراند»^۱.

۷- کتانی مالکی: وی در کتاب «نظم المتناثر من الحدیث المتواتر» می‌گوید:

حافظ سخاوی در کتاب «فتح المغیث» آورده است که روایات مربوط به مهدی (عج) متواتر است. و نیز از ابوالحسن آبری نقل کرده است که روایات مربوط به مهدی (عج) متواتر است.

و نیز به نقل از ابوالعلاء ادریس حسین عراقی، در مورد حضرت مهدی (عج) چنین اظهار نظر کرده است. «مسلماً روایات وی متواتر و یا نزدیک به تواتر است. و

اضافه می‌کند که چند تن از حافظان و ناقدان روایت درباره بخش اول آن (متواتر) نظر قطعی داده‌اند...».

و در «شرح رساله» از شیخ جوس^۱ چنین آمده است: «روایت مربوط به مهدی (عج) در روایات سخاوی وارد شده و به حد تواتر رسیده است. و در شرح «مواهب» به نقل از ابوالحسن آبری در مناقب شافعی می‌گوید:

«بر اساس اخبار متواتر، مهدی از این امت می‌باشد. و عیسی (ع) پشت سر او نماز می‌گزارد. این مطلب را در پاسخ به روایت ابن ماجه «لامهدی الأعیسی» آورده است.»

شیخ حسن آبری در کتاب «مغانی الوفا بمعنای الاکتفا» می‌گوید: «در زمینه‌ی آمدن مهدی (عج) و این که وی هفت سال فرمانروایی کرده و زمین را پر از عدل و داد می‌کند، روایات از لحاظ کثرت راویان، به حد تواتر، از پیامبر (ص) مستفیض گردیده است. و در شرح عقیده‌ی شیخ محمد بن احمد سفاریتی حنبلی آمده: درباره‌ی ظهور مهدی (عج) روایات بسیار وارد شده که به حد تواتر معنوی می‌رسد و این مطلب میان دانشمندان اهل سنت شایع و رایج است، به گونه‌ای که جزء معتقدات آنان بشمار می‌آید. سپس پاره‌ای از روایات وارده‌ی در این باره را از جمعی از صحابه نقل می‌کند. و پس از آن می‌گوید: روایات متعددی از صحابه، چه آنها که نامشان ذکر شده و چه آنها که ذکر نشده و همچنین از تابعین نقل گردیده است که روی هم رفته موجب یقین می‌شود. بنابراین چنانکه، نزد اهل فضل و دانش ثابت بوده و در اعتقادات اهل سنت و جماعت تدوین شده است، ایمان و اعتقاد به ظهور مهدی (عج) واجب می‌باشد.»^۱

۱- عصر ظهور ص ۴۰۹ به نقل از الامام المهدی عنه اهل السنه ج ۲ ص ۱۹۴-۱۹۵

بررسی عقاید عده‌ای از دانشمندان اهل سنت که در مورد حضرت مهدی (عج) در بعضی جهات نظر مخالف دارند.

برای نمونه به دو شخصیت از آنها اشاره می‌شود.

الف: ابن خلدون: وی از دانشمندان و مفسرین قرآن قرن هشتم اهل سنت و صاحب کتاب معروف تاریخ ابن خلدون می‌باشد. وی در مقدمه ص ۳۱۱ می‌گوید: «بدان که بین همه‌ی مسلمانان مشهور است که با گذشت روزگاران، ناگزیر در آخرالزمان مردی از اهل بیت ظهور می‌کند که دین را یاری و عدالت را آشکار می‌سازد. و مسلمانان از او پیروی می‌کنند. وی بر ممالک اسلامی استیلا می‌یابد و مهدی (عج) نامیده می‌شود. و خروج دجال و حوادث پس از او که از نشانه‌های مسلم قیامت است، بعد از ظهور وی اتفاق می‌افتد و عیسی (ع) بعد از او فرود می‌آید و دجال را می‌کشد. و یا همزمان با ظهور مهدی (عج) فرود می‌آید و او را در کشتن دجال یاری می‌نماید و در نماز به مهدی اقتدا می‌کند.

و در ص ۳۲۲ همین کتاب می‌گوید:

این است همه‌ی روایاتی که راویان در شان مهدی (عج) و ظهور وی در آخرالزمان آورده‌اند، و چنانچه ملاحظه نمودید بجز اندکی، بقیه خالی از نقد و انتقاد نیست.

و در ص ۳۲۷ همین کتاب، بعد از روایات و آراء تصوف در مورد مهدی (عج) و نیز وضعیت جوامع اسلامی و عدم توانایی این جامعه متفرق در ایجاد وحدت جامعه اسلامی می‌گوید:

«بنابراین چنانچه ظهور این مهدی صحیح باشد، دلیلی بر ظهور و دعوت او وجود ندارد مگر آنکه از ایشان باشد (گروهی از طالبیان از جمله بنی حسن و بنی حسین بن جعفر که در سرزمین حجاز باقی ماندند)، و خداوند دل‌های آنان را در پیروی از وی

به یکدیگر الفت و پیوند دهد تا با قدرت تمام و حمایت کامل به ابراز دعوت خود بپردازد.

و مردم را به پذیرفتن آن وادار سازد، امّا به غیر این روش، مانند این که فردی فاطمی در گوشه‌ای از جهان بدون حمایت و پشتیبانی (فاطمی‌ها) و بدون قوّت و قدرت و صرفاً به خاطر انتساب به اهل بیت دست به چنین دعوتی بزند، نمی‌تواند موفق باشد.»

ابن خلدون گرچه اعتقاد به مهدی را به طور قطع رد نکرده است امّا آن را بعید دانسته و در تعدادی از روایات مربوط به مهدی مناقشه می‌کند.

نقد و بررسی نظرات ابن خلدون در مورد حضرت مهدی (عج):

الف: یکی از دانشمندان بزرگ اهل سنت که در علم حدیث استاد هستند، احمد بن صدیق مغربی است وی در کتاب خود «الوهیم المکنون من کلام ابن خلدون» در بیش از یکصد و پنجاه صفحه و تنظیم مقدمه‌ای به اوّل آن، و آوردن نظریات راویان حدیث در مورد حضرت مهدی و از جمله بیان این که نظریات ابن خلدون ناروا و انحرافی است، و او را این گونه مورد سرزنش قرار می‌دهد که او یک مورّخ است و تخصصی در روایات ندارد تا شایستگی این را داشته باشد که آن‌ها را مورد جرح و تعدیل و اجتهاد قرار دهد. سپس اشکالاتی که به وسیله‌ی ابن خلدون به سندهای بیست و هشت روایتی را که او ذکر کرده است یک به یک مورد نقد و پاسخگویی قرار داده، آن را بی اساس و ضعیف دانسته، آنگاه روایات مربوط به حضرت مهدی (عج) را تا یکصد روایت کامل کرده است.^۱

ب: بعد از غائله ادعای مهدویّت در مسجد الحرام توسط شخصی به نام محمد عبدالله قرشی، و تنظیم کتابی به نام «لامهدی ينتظر بعد الرسول خیر البشر» (بعد از

پیامبر (ص) مهدی‌ای نیست که انتظارش رود) توسط شیخ عبدالله محمود رئیس دادگاه‌های شرع امارات قطر، در ردّ مهدویت، عده‌ای از علمای حجاز علیه این جریان اعتراض کردند و در اقدام به ردّ او، پاسخ نوشتند.

از جمله دانشمند محدث استاد عبدالمحسن عبّاد استاد دانشگاه اسلامی مدینه منوره، به صورت پژوهش کامل تحت عنوان «الردّ علی من کذب بالا حدیث الصّحیحة الواردة فی المهدی» در بیش از پنجاه صفحه و در مجله‌ی «الجامعة الاسلامیة» شماره‌ی ۴۵ محرم ۱۴۰۰ (هـ - ق) منتشر و جواب داده شد.

در مقدمه این مجله به چند نکته بنیادی اشاره شده است از جمله:

الف: نگرانی عمیق و جریحه‌دار شدن تمام مسلمین جهان از این حرکت غیر انسانی مخالفین مهدویت.

ب: اقدام سریع دانشمندان و علمای اهل سنت از طریق رادیو و روزنامه‌ها به رد گفته‌ها و نوشته‌های آنها از جمله شیخ عبدالعزیز بن عبدالله بن باز رئیس اداره پژوهش‌های علمی و تبلیغی و ارشاد.

وی بعد از روشنگری کامل و اعلام ثابت بودن روایات در مورد مهدی (عج)، بی‌حرمتی و تجاوز احمقانه آن گروه منحرف نسبت به بیت الحرام را تقبیح نمود. و یکی دیگر از شخصیت‌های موجه اهل سنت که علیه این جریان انحرافی قیام نمود، شیخ عبدالعزیز صالح پیشوا و خطیب مسجد پیامبر (ص) می‌باشد که در یکی از خطبه‌های نماز جمعه، تجاوز این گروه خاطی و ستمگر را به زشتی و بدی یاد کرد و خاطر نشان ساخت که آنها و کسانی که او را مهدی پنداشتند انحرافی است، و آن مهدی که در روایات ذکر شده است در طریق دیگر است و با یکدیگر متفاوت است، (میان ماه من تا ماه گردون تفاوت از زمین تا آسمان است).^۱

دانشمند محدث استاد عبدالحسین عباد می گوید:

«و من مصلحت دیدم که این چند سطر را نگاشته و خطاها و خیال بافی‌های نویسنده این جزوه را بر ملا سازم و توضیح دهم که عقیده به ظهور مهدی (عج) در آخر الزمان بر اساس روایات صحیحه بوده و علمای اهل سنت و روات در گذشته و حال به استثنای اندکی بر آن اتفاق نظر دارند».

وی پژوهشی تحت عنوان «عقیده اهل السنه و الاثر فی المهدی المنتظر» نگاشته و در مجله «الجامعة الاسلامیة» شماره ۳ سال اول، ذی قعدة ۱۳۸۸ در مدینه به چاپ و منتشر گردید. که مشتمل بر ده قسمت به شرح زیر است:

۱- اسامی صحابه‌ای که روایات مربوط به حضرت مهدی (عج) را از پیامبر (ص) روایت کرده‌اند.

۲- اسامی پیشوایان اهل سنت که روایات و اخبار وارده‌ی درباره آن حضرت را در کتاب‌های خود آورده‌اند.

۳- دانشمندانی که درباره خصلت مهدی (عج) تألیف جداگانه‌ای دارند.

۴- دانشمندانی که حکم به تواتر مربوط به حضرت نموده اند و نقل کلام آنان.

۵- بیان برخی از روایاتی که درباره مهدی (عج) در صحیح بخاری و مسلم آمده است.

۶- بیان پاره‌ای از روایاتی که درباره حضرت مهدی (عج) در غیر دو کتاب یاد شده

آمده است همراه با ذکر سندهای بعضی از آنها.

۷- بعضی از دانشمندانی که به روایات مربوط به آن حضرت اعتراض کرده‌اند.

۸- کسانی که روایات مربوط به آن حضرت را انکار و یا در آن تردید نموده‌اند.

همراه با بیان مختصری از گفته آنان.

۹- بیان مطالبی که تصور می‌شود با روایات مربوط به مهدی تعارض دارد و

پاسخ آنها.

۱۰- پایان گفتار ما درباره این که اعتقاد به ظهور حضرت مهدی (عج) در آخر الزمان

ناشی از ایمان به غیب است و اعتقاد اهل سنت به مهدی ارتباطی به عقیده شیعه ندارد.

دو مطلب جالب در مورد عوامل مخرب در روایات مربوط به امام مهدی (عج):

مطلب اول: بعضی از منکران همه‌ی روایاتی که درباره آن حضرت است می‌گویند: این روایات بی‌تردید از مجعولات شیعه است، ولی این نظر مردود است، زیرا آن روایات با سندهای مربوط به خود، روایت شده و ما در احوال رجال سند آنها نیز تحقیق و بررسی نمودیم و آنان را معروف به عدالت یافتیم و حتی یک نفر از رجال جرح و تعدیل، با شهرتی که در نقد رجال دارند، آن راویان را به شیعه بودن متهم نساخته‌اند. (شوکانی)

مطلب دوم: «... و بسیاری از بنیانگذاران دولت‌ها، مسئله مهدی (عج) را وسیله‌ی رسیدن به اهداف خود قرار داده‌اند و ادعای مهدویت کرده‌اند تا مردم را بدین وسیله گرد خود جمع کنند، از جمله دولت فاطمی‌هاست که براساس این دعوت به پا گردید و مؤسس آن عبیدالله خود را مهدی می‌انگاشت و دولت موحدین برپایه‌ی این ادعا جریان یافت و بنیانگذار آن محمد بن توموت، حکومت خود را بر این دعوت استوار نمود. البته از این دولت‌ها و افراد مدّعی مهدویت در تاریخ فراوان است. این دو مطلب از شیخ محمد خضرحسین استاد دانشگاه الازهر مصر می‌باشد که طی مقاله‌ای تحت عنوان «نگرش بر روایات مربوط به مهدی» در مجله تمدن اسلامی به چاپ رسیده است.^۱ (شوکانی)

اعتقادات شیعه نسبت به حضرت مهدی (عج):^۲

برای بیان شفاف بودن اعتقادات شیعه به مهدی (عج) به نکات زیر باید توجه نمود.

- ۱- بواسطه اعتقاد راسخ شیعه به دوازده امام (علیهم السلام) مذهب آن را «مذهب امامی» و «مذهب اهل بیت» و «مذهب شیعه» یعنی پیروان واقعی آنها نامیده‌اند.

۱- عصر ظهور ص ۴۰۵ به نقل از شوکانی در کتاب التوضیح فی تواتر ماجاء فی المنظر و الرجال و المسیح.

۲- جمع بندی از آیات و احادیث به خصوص مربوط به روایات متقن در مورد حضرت مهدی (عج) توسط مؤلف.

۲- شیعه عقیده قاطع دارد که امام اوّل بعد از پیامبر اسلام (ص) در رهبری جامعه، حقّ علی بن ابیطالب (ع) بوده و پس از او به یازده فرزندش که آخرین آنها حضرت مهدی (عج) می‌باشد، از طرف خداوند به صورت انتصابی تعیین شده است.

۳- از نظر شیعه امام مهدی (عج) در سال (۲۵۵ هـ - ق) در سامرا متولّد شده است و پنج سال در محضر پدر بزرگوارش امام حسن عسکری (ع) حضور داشته است. و وی فرزند بزرگوارش را به عناوین مختلف به افراد مورد اعتماد معرفی نموده است.

۴- در روایات، هم شیعه و هم به نقل از برادران اهل سنت بعنوان سند قاطع و روشن در مورد بشارت به وجود او و حرکت نهضت و ظهورش و تجدید اسلام به دست آن بزرگوار و جهانی بودن حکومت وی، صحبت شده است و هیچ اختلافی در این مورد بین شیعه و سنی وجود ندارد. بخصوص در اظهار نظرات ابن عربی و شعرانی از علمای بزرگ اهل سنت، به طور روشن مطلب تأیید شده است.

۵- در اصول اعتقادی شیعه این که امام مهدی (عج) از فرزندان علی (ع) و زهرای مرضیه (س) می‌باشد و هم نام پیامبر اسلام (ص) به نام (م ح م د) می‌باشد در روایات متواتر طرح و برنامه‌ریزی شده است.

۶- در طول تاریخ از زمان حیات پر برکت رسول اکرم (ص) و امامان بعد از او به طور شفاف و متواتر موضوع حضرت مهدی (عج) و مسائل مختلف مربوط به وی از کلام دلنشین آنها مطرح شده است و همین، عامل اصلی و فراگیر عشق و محبت به حضرت مهدی (عج)، و شور و شغف به انتظار ظهور او، رسیدن به وصال ملکوتی وی در عصر ظهور، و حکومت کریمه عدالت گستر او می‌باشد.

۷- شیعه اعتقاد پویا دارد که حضرت مهدی (عج) بقیّة الله و حافظ و حامی و کنترل کننده تمام مسائل عالم هستی می‌باشد. و همان است که پاسدار واقعی قرآن و دین جدش رسول الله (ص) و نور درخشنده‌ای در عالم هستی می‌باشد. و جوامع

بشری را بدون این که خودشان متوجه شوند، هدایت می نماید و دقیقاً وجود مبارک او شبیه به نبوت و استمرار و ادامه رسالت پیامبر مکرم (ص) می باشد.

۸- شیعه با بینش وسیع الهی، فلسفه غیبت را از اهل بیت یاد گرفته است. تحمل در برابر جور و ستمگران را از پایداری و صبر و شکیبایی امامان خود هضم کرده است. و با نشاط روز افزون امید به آینده را که سرانجام حکومت شایستگان نزدیک است، خوی گرفته است. و با تمام قدرت و اعتقاد، عهد و میثاق خود را با اهل بیت تا ظهور مهدی (عج) روز به روز مستحکم تر می نماید. و از هیچ سرزندی از جاهلان و متعصبان کج اندیش ابایی ندارد.

۹- شیعه در مسیر کمال سازی اعتقادات خود، با توجه به محو شدن در عشق به عبودیت در برابر خداوند و شیفته و شیدای محبت به رسول اکرم (ص) و جانشینان او، دائم در کشف راه های خودسازی می باشند.

و این مطابق آیات قرآن است آنجا که می فرماید:

«أَطِيعُوا اللَّهَ وَ اطِيعُوا الرَّسُولَ وَ اُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» از این اصل بهره می گیرد. لذا هیچگونه منافاتی به عزت گذاشتن و تسلیم شدن در برابر علم و حکمت و فقاہت علما و پیشوایان خود ندارد. و دقیقاً استحکام شیعه و دوام آن تاکنون و بدون هیچگونه انحراف از نبی اکرم (ص) و اہلیت، همین تبعیت و پیروی حساب شده است، و به طور رسمی بودن مطلب، تحت عنوان اجتهاد و تقلید و حد پویا و شکوفایی مطلوب و سازنده بوده است.

۱۰- البته متأسفانه در عصر حاضر و بخصوص سنوات اخیر، دشمنان شیعه مرموزانه توانسته اند مغز و هسته عشق و محبت شیعه را به صورت کاذب به تصویر بکشند و توجه آنها را به مسائل جنبی و پوسته‌ی بعضی از امور جلب نمایند مثلاً

بجای این که عده‌ای از شیعیان به فرهنگ و معنویت و شدت وحدت ائمه دین و بخصوص شخص نبی اکرم (ص) توجه نمایند، و از عبادات، دیدگاه‌های مسائل مختلف فرهنگی - اجتماعی، سیاسی و اقتصادی رهروان واقعی اولیاء دین باشند آنها را در اکثر مواقع رها کرده‌اند و به پوسته‌های مذهب چسبیده‌اند، مثل ازدحام بی‌رویه در بوسیدن حتمی ضریح ائمه (علیهم السلام) تا حدی که اگر موفق به این کار نشوند، احساس می‌کنند زیارت معصوم (ع) برای آنها انجام نگرفته است. یا توجه بیش از حد به دستورات غیرمستند در روش‌های غیر عقلی سینه‌زنی و زنجیرزنی‌های ایام محرم و صفر است.

که متأسفانه از طرفی دشمن بهره‌گیری می‌کند تا شیعه را به این امور مشغول کند، و از طرف دیگر فرهنگ سازی در بین جوانان شیعه می‌کند، که مذهب شما این برنامه‌هاست و صحنه‌سازی می‌کنند که شیعه دست یابی به فن‌آوری‌های علمی و تحقیقی ندارد و مسائل بنیادی آنها، همین‌ها هستند که این جنایتکاران در ابعاد غیر مستقیم و فراوان برای تغذیه جوانان در رسانه‌ها، سایت‌ها و ماهواره‌ها و سایر امورات تبلیغی قلم فرسایی می‌نمایند.

آثار و کتب گران سنگی که در ابعاد وجود حضرت مهدی (عج) توسط علما و محققین شیعه تألیف شده است:

خوشبختانه از قدیم تا عصر جدید و در طول ادوار تاریخ، انسان‌های دانشمند و متفکر و نیک اندیش و خوش ذوق در عالم تشیع توانسته‌اند آثار و کتاب‌ها و نوشتار با ارزش و مستند و متقنی را در تمام ابعاد وجود امام مهدی (عج) به رشته تحریر درآورند. و همچون چشمه‌های زلالی در مسیر تشنگان حقیقت قرار دهند.

بعضی از آنها به شرح زیر است:

گروه اول: آثاری از تمام دوره‌های تاریخ از گذشته تا حال^۱

مؤلف	نام کتاب	ردیف
شیخ کلینی	اصول کافی (کتاب الحجّة)	۱
شیخ ابوجعفر صدوق	اکمال الدین	۲
شیخ مفید بغدادی	الارشاد	۳
شیخ مفید بغدادی	خمس رسائل فی اثبات الحجّة	۴
سید مرتضی علم الهدی	الوجیزة فی الغیبه	۵
شیخ طوسی	الغیبه	۶
شیخ ابوالفتح کراچگی	البرهان علی صحّة طول عمر الامام صاحب الزمان (ع)	۷
محمد بن ابراهیم نعمانی	الغیبه	۸
امین الاسلام طبرسی	اعلام الوری	۹
سید بن طاووس	المحالم و الفتن	۱۰
شیخ خواجه نصیر طوسی	فصول نصیریّه (فصل امامت)	۱۱
شیخ بهاء الدین عاملی	وسیلة الفوز و الامان (قصیده)	۱۲
شیخ هاشم بحرانی	المحجّة فیما نزل فی القائم الحجّة (عج)	۱۳
علامه مجلسی	بحار الانوار (ج ۱۳ قدیم - ج ۵۱ و ۵۲ و ۵۳ - جدید)	۱۴
شیخ حرّ عاملی	اثبات الهداق	۱۵
میر حامد حسین هندی	استقصاء الافهام	۱۶
حاج میرزا حسین نوری	نجم الثاقب	۱۷
حاج شیخ فضل الله نوری	الصحیفة المهدویة	۱۸
سید اسماعیل عقیلی طبرسی	کفایة الموحّدين (ج ۳)	۱۹
شیخ مجتبی قزوینی خراسانی	بیان و الفرقان (ج ۵)	۲۰
شیخ محمد جواد مغنیه لبنانی	المهدی المنتظر و العقل	۲۱
شیخ محمد حسن آل یاسین نجفی	المهدی المنتظر بین التّصور و التصدیق	۲۲
شیخ عبدالله سیّتی لبنانی	الی مشیحه الازهر	۲۳
شیخ محمد رضا شمس الدین	المصلح المنتظر	۲۴
سید محمد تقی موسوی اصفهانی	مکیال المکارم	۲۵
حاج میرزا خلیل کمره‌ای	قائم آل محمد (ص) و فلسفه غیبت	۲۶
حاج شیخ علی دوانی	موعودی که جهان در انتظار اوست	۲۷
شیخ لطف الله صافی گلپایگانی	نوید امن و امان	۲۸
استاد محمد تقی شریعتی	مهدی، موعود أمم	۲۹
شیخ ابراهیم امینی اصفهانی	دادگستر جهان	۳۰
سید جمال الدین دین پرور	جهانگشای عادل	۳۱
هیت قائمیه تهرانی	آخرین تحوّل	۳۲

گروه دوم: کتاب‌هایی که بر پایه‌ی اسناد و روایات و مدارک اهل سنت تألیف شده است.^۱

- ۱- المهدی آیه الله سید صدرالدین صدر
- ۲- منتخب الاثر شیخ لطف الله صافی گلپایگانی
- ۳- المهدی الموعود المنتظر شیخ نجم الدین جعفر العسکری
- ۴- الامام الثانی عشر سید محمد سعید موسوی هندی
- ۵- المنتظر علی ضوء حقایق العامة محمد حسین الادیب عراقی

گروه سوم: کتاب‌های تحقیقاتی اجتماعی و سیاسی با روحیه‌های اصلاحی و انقلابی.^۲

- ۱- آینده بشریت از نظر مکتب ما آیه الله سید محمود طالقانی
- ۲- قیام انقلاب مهدی (عج) از دیدگاه فلسفه تاریخ شیخ مرتضی مطهری
- ۳- انتظار مذهب اعتراض دکتر علی شریعتی
- ۴- فی انتظار الامام عبدالهادی الفضلی
- ۵- در فجر ساحل شیخ محمد حکیمی خراسانی
- ۶- و کتاب‌های دیگر به قلم دانشمندان نیک اندیش

گروه چهارم: کتبی که بر پایه مدارک پیش از اسلام و بشارت‌های پیشینیان گرد آوری شده است.^۳

- ۱- بشارت عهدین دکتر محمد صادقی
- ۲- المصلح المنتظر فی احادیث الادیان محمد امین زین الدین عاملی

۱- از کتاب خورشید مغرب محمد رضا حکیمی از ص ۹۴.

۲- همان، ص ۹۵.

۳- همان، ص ۹۵.

دلایل ضرورت وجود اما و راهنما در طول تاریخ زندگی انسان تا حدوث قیامت دلایل پیرامون مسئله ضرورت امام (عج) از دو جهت قابل بحث و بررسی می باشد.

مطلب اول از نظر نقلی است که پیرامون آن از قدیم الایام در کتب اولیه و نظرات پیشینیان بطور مستند و رسا بحث شده است، و نیز در ادیان الهی و رهبران آن بصورت جامع اظهار نظر شده است. و پیرامون تمام ابعاد نقلی بطور تقریباً کامل و جامع در صفحات این کتاب به آنها اشاره شده است. نهایتاً به دو مورد جهت یادآوری اکتفا می شود.

الف : آیه ۳۰ سوره بقره می فرماید :

وَ اِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰٓئِكَةِ اِنِّیْ جَاعِلٌ فِی الْاَرْضِ خَلِیْفَةً.

(ای محمد (ص)) در نظر داشته باش که خدا به فرشتگان، گفت همانا من تصمیم گرفته ام تا در زمین خلیفه ای قرار دهم.

ب : حضرت ثامن الحجج امام رضا (ع) در شرح و تأکید این آیه و به خصوص در قطعیت ضرورت «خلیفه الله» در روی زمین می فرماید:

اَلْاِمَامُ اَمِيْنُ اللّٰهِ فِی اَرْضِهِ وَ حُجَّتُهُ عَلٰی عِبَادِهِ وَ خَلِیْفَةُ فِیْ بِلَادِهِ.

امام، امانتدار است در زمین، و حجت خداست در میان مردمان، و خلیفه خداست در آبادی ها و سرزمین ها.^۱

لذا چون اسلام آخرین دین الهی است. و موضوع مهدویت که یک حقیقت اسلامی می باشد، باید از طریق قرآن و پیامبر اسلام (ص) و یازده وصی او پیرامون تمام ابعاد وجودی حضرت مهدی (عج) همانطور که در بخش های مختلف کتاب آمده است، صحبت شود تا زمینه آگاهی مسلمانان و شیفتگان حقایق فراهم گردد و بیدار شوند و آمادگی گسترش عدل الهی امام خود را در تمام عالم هستی پذیرا

۱- کتاب خورشید مغرب - محمدرضا حکیمی - نشر دلیل ما ۱۳۸۲ - قم به نقل از اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۱۹، چاپ قم، ۱۳۷۷.

باشند. لذا در تعالیم اسلامی بطور گسترده در مورد ضرورت امام و حجّت خدا بر روی زمین از طرف خداوند تا قیامت بحث شده است.^۱

مطلب دوم : ضرورت وجود امام و راهنما و حجّت خدا بر روی زمین از نظر فلاسفه و عرفا.

دانشمندان و پژوهشگران روشن اندیش اسلامی که در علوم فلسفه دیدگاه‌های بسیار متقنی داشته‌اند در این مورد نظرات بسیار ارزشمندی را ارائه داده‌اند. از جمله:

الف : مهدی (عج) و غیبت از دیدگاه ابوعلی سینا

ابوعلی سینا که در واقع دانشمند بزرگ اسلام و شیخ کبیر فلاسفه اسلام از او یاد می‌شود، در کتاب «الشفاء» در یک فصل در مورد مقامات و درجات باطنی و اخلاقی و علمی انسان کامل، نظری بسیار متین و معقول ارائه می‌نماید و می‌گوید:

وَ مَنْ فَازَ، مَعَ ذَلِكَ بِالْخَوَاصِّ النَّبَوِيَّةِ، كَادَ بَصِيرٌ رَبًّا أَنْسَانِيًّا وَ كَادَ أَنْ تُفَوِّضَ إِلَيْهِ أُمُورَ عِبَادِ اللَّهِ. وَ هُوَ سُلْطَانُ الْعَالَمِ الْأَرْضِيِّ، وَ خَلِيفَةُ اللَّهِ فِيهِ.

هرکس، علاوه بر آنچه (درباره امام و خلیفه) گفته شد، دارای خواص پیامبری باشد، چنین کسی ربّ النوع انسان تواند بود. و امور بندگان خدا به دست او سپرده تواند شد. و اوست فرمانروای جهان خاکی و همو خلیفه الله است در زمین.^۲

فیلسوف بزرگ، علامه میرداماد حسینی نیز، نظریات ابوعلی سینا را در این مورد با تایید و تأکید نقل نموده و تقریر فرموده است.^۳

ب : مهدی (عج) و غیبت از دیدگاه فیلسوف بزرگ اسلام ابونصر فارابی

۱- کتاب اصول کافی، بحث الحجّة

۲- کتاب خورشید مغرب، ص ۱۵۲ به نقل از کتاب الشفاء، فصل الحجّة

۳- همان ص ۱۵۳، به نقل از ابقسات چاپ جدید، ص ۳۹۷.

معلم ثانی علامه ابونصر فارابی صاحب تحقیقات و نظریات بسیار ارزشمندی می‌باشد. وی در کتاب «آراء اهل المدينة الفاضلة» در مورد مسئله حکومت و سیاست و تشکیل جامعه‌ی درست، و مدیریت صحیح اجتماع، آراء و تحقیقات قابل توجهی ارائه داده است. این دانشمند برجسته‌ی اسلامی که دارای ضمیری روشن و متصل به حبل المتین الهی است می‌فرماید:

هر عنصری از اعضای مدینه‌ی فاضله را صلاحیت آن نیست، که ریاست مدینه‌ی فاضله را برعهده گیرد. رئیس مدینه‌ی فاضله نمی‌تواند هرکسی باشد، زیرا ریاست به دو چیز است: یکی آنکه شخص از حیث سرنوشت و طبیعت آماده آن مقام باشد، دیگر آنکه واجد ملکه و هیئت ارادی چنان کاری باشد....

چنین انسانی، انسان کاملی است که بالفعل، هم عقل است و هم معقول ... این رئیس، هم معلم است، و هم مرشد، و هم مدبّر ... همه‌ی مردم، برحسب فطرت، به معلم نیازمندند، و هم باید از راه تربیت و تمرین، به مراحل که برای آن آمادگی دارند برسند.

فارابی، نظام اجتماعی خود را براساس «عالم اکبر» و «عالم اصغر» نهاده است، و برای برپا بودن اجتماع، وجود «معلم» را که همان «امام» باشد، ضروری می‌داند. و این یکی از عقاید شیعه است، که باید امام بر اجتماع، اشراف کامل داشته باشد. میان نظریه‌ی فارابی در مورد ارتباط رئیس مدینه‌ی فاضله با خدا به توسط «عقل فعال» و عقاید نصیرالدین طوسی، درباره‌ی «امام معصوم (ع)» شباهت بسیار است ... و همچنانکه بقای روح و جسم عالم، مرهون وجود امام است، بقای مدینه نیز وابسته به بقای رئیس مدینه است.

امام متصل به حقّ الاهی. اوست که از حقایق پرده بر می‌گیرد، و از برکت «علم تأویل» همه‌ی معارف حسی و وهمی و خیالی، در قالب صحیح معقولات مطلقه و وحی الاهی، در نظر او روشن است ...^۱

۱- خورشید مغرب، ص ۱۵۴، به نقل از تاریخ فلسفه در جهان اسلامی، ص ۴۴۱-۴۳۸.

نکته بسیار ضروری و قابل توجه در فرمایشات این محقق دورانیش این است که در مورد غیبت امام و تکلیف پیروان آن ها در زمان غیبت نظریات اندیشمندان ارائه نموده است از جمله می گوید:

وَ اِنْ اَتَّفَقَ اَنْ لَا يُوجَدَ مِثْلُهُ، فِي وَقْتٍ مِنَ الْاَوْقَاتِ، اُخِذَتْ الشَّرَائِعُ وَ السُّنَنُ الَّتِي شَرَعَ هَا هَذَا الرَّئِيسُ وَ اَمثالُهُ اِنْ كَانُوا تَوَالُوا فِي الْمَدِينَةِ فَاتَّبَعَتْ.

اگر چنین پیش آمد که به روزگاری، اینگونه رئیسی برای مدینه فاضله در دسترس نبود، باید شرایع و احکامی را که این رئیس و دیگر همانندان او - که در پیش بوده اند - وضع کرده اند، بگیرند، و همانها را قوانین قطعی جامعه قرار دهند.^۱ اگر دقت شود، نظریات فارابی به عنوان فیلسوف بزرگ اسلام در واقع همان مسائل امامت و غیبت است، که در ابتدا، یازده امام می آیند، و مبانی احکام قرآن و سنت پیامبر (ص) را توضیح می دهند، و آثار و احادیثی تدوین می کنند و در تمام امورات زندگی انسانها دستورالعملهای لازم را بیان می نمایند، و در تربیت شاگردان و عالمان و پیروان صدیق خود تلاش چشمگیری عنایت می فرمایند. و پس از آنها دوران غیبت امام دوازدهم، بنابر علی که در بخشهای قبل گفته شد، پیش می آید. و قابل توجه است که برای زمینه سازی این غیبت طولانی (غیبت کبری) مدتی با انتخاب نماینده ویژه (نواب خاص) این امر غیبت را برای پیروان خود امر طبیعی و قابل پذیرش می نماید. و با توجه به ضرورت اطاعت و پیروی از امام غائب و ارتباط جامعه با چنین امام برحقّی مسئله نیابت عامه و فقاہت و اجتهاد و موضوع ولایت فقیه در جامعه تشیع شکل ضروری و قانونی برای بقای جامعه در خط خداوند و قرآن و حقانیت، شکل الهی پیدا می نماید.

ج : مهدی (عج) و غیبت از دیدگان فلاسفه اشراقی

فیلسوف بزرگ فلسفه اشراقی، شیخ شهاب الدین سهروردی، در آغاز کتاب

۱- خورشید مغرب، ص ۱۵۵، به نقل از آراء اهل المدینه الفاضله، ص ۸۹، ج قاهره (۱۳۶۸).

«حکمة الاشراف» در مورد رهبر و اقسام آن و رئیس جامعه و مسئله غیبت، نظرات ارزشمندی را مطرح کرده است از جمله می گوید:

جهان، هیچگاه، از حکمت (علم کامل)، و از وجود کسی که دارای حکمت باشد، و حجج و بیّنات خدا نزد او باشد، خالی نبوده است. و این چنین کس، خلیفه‌ی خداست در زمین.

و تا زمین و آسمان برپاست، چنین خواهد بود (و زمین از وجود چنین کسی خالی نخواهد ماند) ... پس در هر زمان، چون شخصی به هم رسد، که خدایی باشد، و نمونه‌ی کامل علم و عمل، ریاست جامعه با اوست. و او خلیفه‌ی خداست در زمین. و زمین هرگز از چنین انسانی، تهی نخواهد بود... اینکه می گویم ریاست با اوست، مقصود من، به الزام، حکومت ظاهری او نیست، بلکه گاه «امام خدایی» حکومت تشکیل می دهد، و آشکار است و مبسوط الید، و گاه، در نهایت پنهانی (غیبت) به سر می برد. و این امام، همان کسی است که مردم او را «قطب زمان» (ولی عصر) می نامند. ریاست جامعه با این انسان است، اگر چه نشانی از او در دست نباشد. البته اگر این رئیس، ظاهر باشد و در رأس حکومت قرار گیرد، زمان، زمان نورانی خواهد بود.^۱

د: مهدی (عج) و غیبت از دیدگاه فیلسوفان اخوان الصفا

اخوان الصفا در مباحث فلسفه خویش اهمیت خاصی به مهدی (عج) و غیبت و ظهور و کلاً موضوع مهدویت نشان داده اند، از جمله:

اخوان الصفا معتقد به «مهدی (عج)» هستند و معتقدند که او بازمی گردد، تا زمین را پر از عدل و داد کند، بعد از آنکه پر از جور و ظلم شده باشد، مردم را از عبودیت می رهاند. و دعوت اخوان الصفا را آشکار می کند، و جمع پراکنده‌ی ایشان را گرد می آورد.

۱- خورشید مغرب، ص ۱۵۶، به نقل از (حکمة الاشراف)، ج ۲، ص ۱۱-۱۲ و ۲۳-۲۴.

و بدینگونه با ظهور آن، نفس زکیّه (جان پاک)، هر حقی به صاحبش بازمی‌گردد... می‌گویند: امام در میان مردم است، جز اینکه برای امامان دو دور وجود دارد: دور کشف و دور ستر. در دور کشف، امامان در میان مردم ظاهر شوند، و در دور ستر غیرظاهر. و این امر، از روی ترس نیست. و اما دوستان ایشان، جای امامان غایب را بدانند، و هرگاه اراده کنند نزد آنان روند. اگر چنین نباشد، زمانه از امام - که حجّت خداست بر خلق - خالی خواهد ماند، و حال آنکه خداوند - هیچگاه، خلق را بی‌حجّت نگذارد، و رشته‌ای را که در میان او و مردم کشیده شده است قطع نکند. امامان میخ‌های زمینند، و ... چه در دوره‌ی کشف و چه در دوره ستر - خلفای حقیقی خدا هستند. در دوره کشف، قدرت و تصرفشان در ابدان و اجسام ظاهر گردد، و در دوره‌ی ستر، اثرشان در جان‌ها و خردها و صاحبان مملکت ارضی و خلافت جسمانی جاری باشد. هرکس بمیرد، امام زمان خود را شناسد، چون مردم عصر جاهلیت (یعنی بی‌هیچ دینی)، مرده است. نیز هرکس بمیرد، و در گردن او بیعت امام نباشد، چون مردم عصر جاهلیت (یعنی بی‌هیچ دینی)، مرده است.^۱

و - مهدی (عج) و غیبت و طول عمر از دیدگاه متکلمان و علمای بزرگ عقاید دانشمندان بزرگ (علم کلام موضوع مهدویت را در ارتباط با (قاعده‌ی لطف الهی) تعبیر کرده‌اند. و ضرورت وجود مهدی (عج) را از این طریق اثبات نموده‌اند. علامه و فیلسوف بزرگ و متکلم مشهور جهان اسلام خواجه نصیرالدین طوسی می‌گوید:

در نزد خردمندان روشن است که لطف الهی (پس از فرستادن پیامبر (ص))، منحصر است در تعیین امام (عج) (تا مردمان، بی‌راهبر و مربی و معلم نمانند، و کتاب و سنت، شارحی لایق و مطمئن داشته باشد، و واسطه‌ی فیض قطع نگردد)، و وجود امام - به خودی خود - لطف است از سوی خداوند. و تصرف او در امور (و

۱- کتاب خورشید مغرب، ص ۱۵۸، به نقل از کتاب تاریخ فلسفه در جهان اسلامی، ص ۲۰۸-۲۰۷.

حضور اجتماعی او، و تشکیل حکومت اسلامی و نشر تربیت قرآنی به وسیله‌ی او) لطفی دیگر است. و غیبت او، مربوط به خود ماست.^۱

ز- مهدی (عج) و غیبت و ظهور از دیدگاه عارفان اسلامی

بطور کلی در بین عارفان مسلمان سنی و شیعه چهره‌های بسیار درخشانی دیده می‌شود، که هر کدام به گونه‌ای نسبت به وجود مهدی (عج) و امر غیبت و ظهور اظهار نظر نموده‌اند، و بر این امر تأکید کرده‌اند، و این موضوعات را از مسلمات حتمی دین و وقایع قطعی جهان اعلام کرده‌اند از جمله :

- | | |
|-----------------------------|-----------------------------------|
| ۱- شیخ محیی الدین ابن عربی. | ۷- شیخ فرید الدین عطار نیشابوری. |
| ۲- شیخ صدر الدین قونوی. | ۸- حافظ رجب بُرسی. |
| ۳- جلال الدین روحی. | ۹- شیخ محمود شبستری. |
| ۴- شاه نعمت الله ولی. | ۱۰- شیخ احمد جام نامقی (ژنده پیل) |
| ۵- شیخ حسن عراقی. | ۱۱- شیخ ابویعقوب بادسی |
| ۶- شیخ عبدالوهاب شعرانی. | ۱۲- خواجه محمد پارسا ^۲ |

۱- خورشید مغرب، ص ۱۵۹، به نقل از کشف المراد علامه حلی، ص ۲۸۵.

۲- همان، ص ۱۶۰.

تاریخ تولد و محل تولد امام مهدی (عج) از دیدگاه علمای شیعه و سنی

گرچه در تاریخ تولد آن امام همام اختلاف هست، ولی شخصیت‌های بزرگی همچون شیخ مفید در (کتاب ارشاد) و شیخ کلینی در (کافی) و کراچی در (کنزالفوائد) و شهید اول در (دروس) و کفعمی در (جنة) و علامه مجلسی در (جلاء العیون) با میلاد آن عدالت گستر جهان هستی در شب جمعه پانزدهم شعبان المعظم سال دویست و پنجاه و پنج موافق هستند.

در کتاب‌های پژوهشی اهل سنت بیش از شصت و پنج نفر از مورخان و محدثان آن‌ها در مورد ولادت امام مهدی (عج) نظر قاطع خود را اعلام کرده‌اند، از جمله افراد زیر:

۱- علی بن حسین مسعودی:

در سال ۲۶۰ (هـ - ق) ابو محمد حسن بن علی بن محمد علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب (علیهم السلام) در زمان خلافت المعتمد عباسی، در گذشت. او به هنگام درگذشت، ۲۹ سال داشت. و او پدر مهدی منتظر است.^۱

۲- شمس الدین ابن خلکان:

ابوالقاسم محمد بن الحسن العسکری بن علی الهادی بن محمد الجواد، دوازدهمین امام شیعه است، لقب او حجّت (الحجة) است، شیعه هم او را «منتظر» و «قائم» و «مهدی» می‌داند.

او، در روز جمعه نیمه‌ی ماه شعبان سال ۲۵۵ متولد شد. هنگام درگذشت پدر، عمر او پنج سال بود. نام مادر او «خمت» است و برخی گفته‌اند «نرجس»^۲.

۱- خورشید مغرب ص ۱۸ به نقل از مروج الذهب ج ۴ ص ۱۹۹ چ عصر ۱۳۷۷

۲- همان ص ۱۹ به نقل از تاریخ ابن خلکان و فیلات الماعیان ج ۳ ص ۳۱۶

۳- شیخ عبدالله شبراوی:

یازدهم از ائمه حسن عسکری است. وی در مدینه، در هشتم ماه ربیع الاول (صحیح ربیع الثانی است) و به سال ۲۳۲، تولد یافت، و روز جمعه هشتم ماه ربیع الاول، به سال ۲۶۰ (هـ - ق) در گذشت. در سن ۲۸ سالگی و همین افتخار، این امام را بس که او پدر امام مهدی (عج) منتظر است.

مهدی، در سامرا، در شب نیمه شعبان، به سال ۲۵۵، پنج سال پیش از درگذشت پدر خود، زاده شد، پدرش، او را از هنگام ولادت، از نظرها پنهان می‌داشت و به دلیل مشکلاتی که بود، و نگرانی‌هایی که از خلفای عباسی داشت فرزند خویش را از نظرها پنهان می‌کرد. زیرا عباسیان، در طلب خاندان پیامبر (ص) بر می‌آمدند، و آنان را به حبس و قتل و اعدام محکوم می‌کردند، چون معتقد بودند که به وسیله آل محمد (ص) سلطنت ظالمان منقرض خواهد شد، یعنی به دست امام مهدی (عج) و این مطلب را از احادیثی که از پیامبر (ص) رسیده بود، دانسته بودند.^۱

۴- شیخ عبدالوهاب شعرانی:

مهدی (عج) از اولاد امام حسن عسکری (ع) است، در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ متولد شده است. و او زنده است تا این که با عیسی بن مریم ملاقات کند.^۲

۵- شیخ سلیمان قندوزی:

خبر معلوم و مسلم، در نزد مؤتقان، این است که ولادت قائم (عج) در شب نیمه شعبان واقع شده است، به سال ۲۵۵ در شهر سامرا.

بسیار قابل توجه و خواندنی است که:

عالم معروف اهل سنت شیخ سلیمان قندوزی حنفی، ضمن تایید ولادت حضرت مهدی (عج) می‌گوید.

۱- خورشید مغرب ص ۱۹ به نقل از «الاتحاف بحب الاشراف ص ۱۷۸ ج عصر ۱۳۱۶
 ۲- همان ص ۲۰ به نقل از ینابیع المودة ص ۴۵۲ و به نقل از المهدی الموعود ... ج ۱، ص ۲۱۲.

ولادت قائم (عج) در شب نیمه شعبان واقع شده است. به سال ۲۵۵، در شهر سامرا، به هنگام قرانِ اکبر، در بُرج قوس، به طالع ۲۵ درجه، از برج سرطان. (از کتاب ینابیع المودة ص ۴۵۲)

شهر سامرا: حدود ۳۵ سال قبل از تولد امام زمان (عج) توسط معتصم عباسی هفتمین خلیفه عباسی ساخته شده و خود در آن شهر مستقر گردید. و بعداً به خاطر جلوگیری از خیانت، تمام افسران و نیروهای ترک، در آنجا مستقر شده، به صورت یک دژ نظامی پایتخت دوم عباسیان قرار گرفت. عباسیان برای جلوگیری از ولادت امام زمان (عج) این شهر را یک پادگان نظامی کردند. و امام جواد (ع) و امام هادی (ع) و امام حسن عسکری (ع) در این شهر بعنوان زندانی و محصور و تحت نظارت و مراقبت کامل دژ چمان عباسی بودند، بخصوص زمان امام حسن عسکری (ع) که اوج خفقان و مراقبت و فشار بر امام (عج) صورت می گرفت. چون در اخبار و احادیث فراوان شنیده بودند که امام زمان (عج) از امام حسن عسکری و فرزند او می باشد.^۱

مرقد مطهر امام حسن عسکری (ع) و امام هادی (ع) در این شهر قرار دارد و نیز سرداب مقدس که امام (ع) از آنجا غایب شده است در این شهر است.

کیفیت ولادت

الف: آثار و اعجاز قبل از ولادت:

۱- فضل بن شاذان در کتاب گرانقدر (اثبات الرجعه) از محمد بن عبدالجبار که از صحابه امام حسن عسکری (ع) بوده است، نقل می کند، که وی از امام (ع) سوال می کند که امام و حجت خدا بعد از شما کیست؟ امام می فرماید:

انَّ الْأَمَامَ وَ حُجَّةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِي ابْنِي، تَيْمِيُّ رَسُولُ اللَّهِ كُنِيَّةُ الَّذِي هُوَ خَاتَمُ حُجَجِ اللَّهِ وَ آخِرُ خُلَفَائِهِ.

«امام و حجت خدا بعد از من فرزند من است، که همانم رسول خدا (ص) و هم کنیت آن حضرت است او پایان بخش وصایت الهی و آخرین خلیفه از خلفای پروردگار است»^۱.

۲- اقدامات اولیه امام حسن عسکری در شب ۱۵ شعبان سال ۲۵۵.

شیخ صدوق با اسناد معتبر از حکیمه خاتون نقل می‌کند که: امام حسن عسکری او را به منزل دعوت می‌کند. به او می‌فرماید:

«يَا عَمَّةُ اجْعَلِيْ افْطَارُكَ هَذِهِ اللَّيْلَةَ عِنْدَنَا، فَانْهَآ لَيْلَةُ النُّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ، فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى سَيُظْهِرُ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ الْحُجَّةَ، وَهُوَ حُجَّتُهُ فِي أَرْضِهِ».

عمه جان امشب برای افطار به نزد ما بیا، زیرا امشب شب نیمه شعبان است، و آن شبی است که خدای تبارک و تعالی حجتش را که حجت خدا در روی زمین است، در آن پدید خواهد آورد. حکیمه از امام سوال می‌کند، مادرش کیست؟ امام می‌فرماید: نرجس حکیمه تعجب می‌کند و عرض می‌کند فدایت شوم، آثار حملی در او مشاهده نمی‌شود.

۳- کتمان حمل جهت تامین جانی امام (عج) توسط خداوند متعال:

بنی عباس با تمام قدرت و با حیل مختلف از طریق محصور کردن امام جواد (ع) و امام هادی (ع) و بخصوص امام حسن عسکری (ع) در سامرا، و مراقبت‌های ویژه در کنترل بیت امام حسن عسکری (ع) و گماشتن زنانی در تردد در بیت امام (ع) تلاش داشتند تا از ولادت امام بعد از امام حسن عسکری آگاه شوند و او را سرنگون سازند. لذا خداوند ولادت آن بزرگوار را شبیه به ولادت حضرت موسی (ع) قرار داد، که با توجه به سخت‌گیری‌ها و از گماشتن جاسوس توسط فرعون، حضرت موسی (ع) متولد شد و با قدرت الهی در کاخ فرعون بزرگ شد و سرانجام، فرعون که دنبال

موسی (ع) می گشت، و هزاران زن بی گناه و کودکان معصوم را به قتل رساند، موسی (ع) با قدرت الهی به رسالت رسید و دودمان فرعون و فرعونیان را سرنگون نمود.

اینجا نیز تولد امام زمان (عج) از اسرار شگفت انگیز الهی است، و به گونه‌ای قضیه سرّی است که حکیمه می گوید، شب نیمه شعبان شک کردم، که امام حسن عسکری (ع) از بیرون اتاق فرمودند:

«لَا تَعْجَلِي يَا عَمَّةُ فَهَاكَ أَلَا مُرْقَدٌ قَرِيبٌ»

عمّه شتاب نکن، آگاه باش که وعده الهی نزدیک است.^۱

علل کتمان ولادت حضرت حجت (عج)^۲

۱- بنی عباس به طور کلی مردمانی بسیار حقّه باز و عوام فریب بودند، و در جنایت به بنی هاشم، با بنی امیه هر چند که آنها هم خسارت‌ها و اسائه ادب به اسلام و بخصوص ائمه اطهار و بنی هاشم انجام دادند، ولی قابل مقایسه نیست. از جمله بعد از رونق علم و نشر فرهنگ شیعه در زمان امام محمد باقر (ع) و امام جعفر صادق (ع) رسماً وارد مقابله با امامت شدند و امام موسی کاظم (ع) را به عناوین مختلف و به بهانه‌های واهی در زندان محصور و از جامعه جدا کردند. ولی وقتی وضع را خطرناک دیدند. به بهانه ولیعهدی، امام رضا (ع) را از مرکز قدرت و عظمت اسلام، مدینه، جدا کردند و او را به طوس تبعید نمودند.

۲- بعد از شهادت امام رضا (ع) به دست مأمون، و قیام‌های پی‌درپی توسط بنی هاشم و اولاد حضرت امام کاظم (ع) در سراسر بلاد اسلامی از جمله ایران، به دست معترضین به ستم‌های دستگاه عباسی و خصوصاً اولاد بنی هاشم، سبب گردید که بنی عباس تصمیم گرفتند تا مدینه را که مرکز این اقدامات بود، متلاشی نمایند، و با

۱- گفتاری پیرامون امام زمان (عج) ... ص ۴۹

۲- خورشید مغرب از صفحه ۲۶-۲۰، گفتارهایی پیرامون امام زمان - سید حسن افتخارزاده از ص ۴۶.

این نیرنگ شروع به جابجایی جانشینان بعد از امام رضا(ع) نمودند.

۳- برای اینکه مدینه را از وجود امام جواد(ع)، جانشینی امام رضا(ع) خالی نمایند به بهانه این که خلیفه تمایل دارد تا دختر خود را به امام جواد(ع) تزویج نماید و او را داماد خود گرداند، امام را به بغداد منتقل نمود، و با وجود این که دختر مأمون بسیار دختری زیبا و با سواد بود ولی با نقشه امام و خنثی کردن طرح او، از او بچه‌دار نمی‌شود، و با کنیزی ازدواج می‌نماید و امام علی نقی(ع) از او متولد می‌شود. و تمام زنده دلان روشن فکر متوجه می‌شوند که امام جواد(ع) به خاطر دختر مأمون به بغداد مسافرت نکرده است، و سرانجام جوادالائمه(ع) با توطئه‌های دستگاه عباسی و ام الفضل دختر مأمون به شهادت می‌رسد.

۴- در دوران متوکل عباسی و خلفای بعد از او حساسیت نسبت به جانشینی امام جواد(ع)، یعنی امام هادی(ع) بسیار زیاد می‌شود و به طور جدی از ورود وی به مدینه جلوگیری می‌شود و با تلاش چشمگیری و مراقبت‌های ویژه، مدتی او را در بغداد نگه می‌دارند، ولی چون امام(ع) با سیاست‌های خاص با اصحاب خاص و بعضی شیعیان مخلص ارتباط برقرار می‌کند و دستگاه جاسوسی عباسی متوجه می‌گردد، امام را به سامره منتقل می‌کنند. در سامره امام با ظرافت خارق العاده‌ای به صورت سری ارتباطات خود را ادامه می‌دهد، ولی وقتی دستگاه متوجه می‌شود او را در محل سکونت نظامیان عباسی که همگی غیر عرب و رومی بودند، منتقل می‌کنند و در همین محل به زندگی خود ادامه می‌دهد، لذا به عسکری ملقب می‌گردد.

۵- با توجه به در دست داشتن احادیث فراوان از پیامبر اسلام (ص) که حجت خدا امام مهدی(عج) از نهمین فرزند امام حسین(ع) خواهد بود، تلاش کردند تا نسل ائمه را قطع کنند و اعلام کنند که به طور کلی هشتمین امام شیعه از امام حسین(ع) که امام حسن عسکری باشد اصلاً اولادی نداشته است و تبلیغ کنند که این احادیث تماماً دروغ می‌باشد، لذا با تمام قدرت و از طریق انواع حيله‌ها در محو

وجود امام یازدهم تلاش نمودند. از جمله معتمد عباسی زحمات و تزویرهای فراوان انجام داد تا دو کنیز بعنوان خدمه به حضرت عسکری هدیه کند تا در منزل ایشان خدمت نمایند. امام برای خشتی کردن نقشه او که جاسوس‌های خلیفه وارد منزل امام نشوند، فرمودند در منزل ما کار زیادی نداریم که نیاز به خدمه باشد.

اقدامات خلفای بنی عباس در کینه‌ورزی و دشمنی سرسختانه با حضرت مهدی (عج)^۱

برای توضیح این موضوع به گونه‌ای که بتوان حق مطلب را اداء نمود به نکات زیر باید دقت شود.

۱- به طور کلی بنی عباس مردمانی بسیار حيله‌گر و بخصوص ریا کار و منافق بودند. در ظاهر تظاهر به چاپلوسی در برابر ائمه (علیه اسلام) می‌کردند و در باطن نهایت دشمنی و بی حرمتی و ضربه زدن را نسبت به امامان اعمال می‌کردند. داستانهای مزورانه هارون الرشید برگهای تاریخ را پر کرده است. به طوری که اعمال آنها را حتی به دشمن‌ترین دشمنان امامان هم نمی‌توان نسبت داد. و با بررسی یک مقایسه بین بنی امیه و بنی عباس، هر چند که بنی امیه نیز بدترین سنگ دلی و شقاوت را در حق امامان انجام دادند، ولی آنها علناً دشمنی خود را اعلام کردند و از طریق برنامه‌های شفاف عداوت، پیش رفتند. ولی این جنایتکاران با لفظ پسرعمو، با پنبه سر بریدند و در شهادت امامان، اشک تمساح ریختند و مراسم عزای بر پا کردند و لباس مشکی پوشیدند. در صورتی که خود آنها قاتل بودند.

۲- از مکرهای آنها، اینکه تلاش کردند تا مکه و مدینه از وجود امامان خالی گردد زیرا این دو مکان مقدس مرکز تمدن و دادوستد و تردد تمام مردم برای کسب معرفت و علم و دانش و فضیلت از وجود مبارک امامان و جانشینان واقعی پیامبر اکرم (ص) بود. امامان شیعه نیز تا آنجا که می‌توانستند در ماندن در مکه و مدینه،

۱- خورشید مغرب، ص ۲۶ - ۲۰ و گفتارهایی پیرامون امام زمان (عج)، دکتر سیدحسین افتخارزاده، ص ۶۰-۴۸

بخصوص ایام حج استقامت می کردند ولی در مواقعی مطلقاً قدرت را از آنها می گرفتند.
 ۳- علت متلاشی کردن مکه و مدینه و گرفتن بزرگترین سنگر نشر فرهنگ اسلام و قرآن از امامان، این بود که برای دولت مردان عباسی از طریق بشارات کُتب آسمانی پیشینیان و نیز احادیث اسلامی بخصوص فرمایشات گهربار نبی اکرم (ص) ثابت شده بود که از امام یازدهم فرزندی بوجود خواهد آمد که ویران کننده حکومتها و تحت فرمانرواییهای جور و فرو ریختن تاجها و پایمال کننده قدرت‌های ستمگر است.

۴- به واسطه نشر فرهنگ اهل بیت در زمان امام باقر (ع) و امام صادق (ع) و نیز قیام‌های پی‌درپی شیعیان و طرفداران آنها و گروه‌های دیگر مخالف دستگاه عباسی، در زمان امام کاظم (ع) و به شهادت رساندن این سه امام توسط منصور عباسی و هارون الرشید، تصمیمات دستگاه عباسی مزورانه تغییر کرد.

۵- وقتی مأمون به خلافت رسید برای خالی کردن مدینه از امام رضا (ع) با تزویر و نیرنگ و عوا مفریبی بعنوان انتخاب امام (ع) به ولایتعهدی او را علی‌رغم میل امام (ع) به خراسان احضار کرد و با دسیسه خائنانه او را بشهادت رساند.

۶- مأمون در دومین توطئه خود، با توجه به سنگدلی و رفتار جنایت آمیزی که در حق برادرش امین نشان داد و روباه صفتانه ادعای دوستی و محبت با امام جواد (ع) را طرح ریزی می‌کند و بعنوان انتخاب او به دامادی، او را از مدینه به بغداد احضار می‌کند و دختر خودام فضل را به همسری او در می‌آورد تا به اهداف شوم خود برسد.

ولی امام جواد (ع) با توجه به همسرش که بسیار زیبا و با سواد بود، با کنیزی در کنار دختر مأمون ازدواج می‌کند و از او فرزندی برایش عنایت می‌شود و سرانجام با طرح توطئه‌های مأمون و دخترش، امام (ع) به شهادت می‌رسد.

۷- معتصم عباسی که در سال ۲۱۸ (هـ - ق) خلافتش شروع شد، اقدام به ساختن شهر سامرا بعنوان شهری نظامی و دژی محکم، در محاصره و محدود کردن کار امامان بنا نمود. و آنجا را مرکز جدید خلافت بنی عباس قرار داد. ابتدا امام هادی (ع) را از مدینه به بغداد تبعید و بعد از این که از تلاش امام (ع) آگاهی یافت او را به سامرا تبعید و تقریباً یک حالت زندانی داشتند.

۸- بعد از شهادت امام هادی (ع) دستگاه جور عباسی با تمام تلاش تبلیغ کرد که امام حسن عسکری (ع) فرزندی ندارد (زیرا امام مسئله تولد امام زمان (عج) را با نهایت دقت و کیاست مخفی نگهداشته بود) و تمام احادیثی هم که روایت شده است همه دروغ است.

معتصم عباسی با حيله جديد وارد معرکه می شود و به امام حسن عسکری پیشنهاد می کند. پسرعمو جان، ما دلماں برای تو می سوزد، اجازه بدهید دو تا کنیز را خدمتتان میفرستیم تا کارهای منزل را انجام دهند، امام می فرماید «ما آل محمد کارمان را خودمان انجام می دهیم و کار زیادی نداریم که احتیاج به کنیز باشد» ولی خلیفه با تمام وجود پافشاری می کند، اما امام زیر بار نمی رود و توطئه آنها از فرستادن جاسوس در خانه امام (ع) خنثی می گردد.

۹- بعد از تولد و داستان کنار زدن جعفر کذاب از نماز میت خواندن امام حسن عسکری (ع) و انجام نماز توسط وجود مبارک امام زمان (عج)، دستگاه جور عباسی به وحشت افتاد و اقدامات جنون آمیزی را آغاز کرد. از جمله:

الف: معتصم عباسی خلیفه وقت سراسیمه مأموران را به خانه امام حسن (ع) می فرستند تا امام را دستگیر کنند ولی چون موفق نمی شوند و سائل خانه امام را غارت می کنند و خارج می شوند.

ب: بعد از مدتی دو مرتبه معتصم عباسی سه نفر را مأمور می کند تا به خانه امام حسن عسکری حمله کنند و هر که را دیدند سر ببرند. رشیق مازندرانی می گوید

وقتی به خانه امام رسیدیم ... اتاقی بزرگ دیدیم که شخصی بر روی حصیر و روی آب عبادت می کرد، احمد بن عبدا... جلو می رود ولی در آب غرق می شود. دست او را گرفتم بیرون کشیدم ولی بعد از لحظه ای فوت کرد. دوست دیگرم باز به همین وضع در آب غرق شد. من از او عذر خواهی کردم و ترسیدم، ولی او هیچ حرکت و جوابی نداد و من از خانه بیرون آمدم.

معتضد افراد بیشتری به سرداب خانه امام حسن عسکری (ع) فرستاد ولی بدون این که آنها امام را ببینند، امام با اعجاز الهی از جلو آنها خارج شد و کسی او را مشاهده نکرد.

ب: آثار و اعجاز هنگام ولادت^۱:

با توجه به این که شیخ طوسی داستان ولادت امام زمان (عج) را از فرمایشات حضرت حکیمه خاتون دختر امام جواد (ع) و خواهر امام هادی و عمه امام حسن عسکری نقل می کند لازم است در شرافت این بانوی بزرگوار اشاره کوتاهی صورت گیرد. اول: این که دختر امام، خواهر امام و عمه امام است.

دوم: امین و محرم سرالهی است هنگام تولد حجت خدا توسط امام عسکری از او دعوت می شود. تا در این اعجاز عظمای الهی حضور داشته باشد.

سوم: مسئولیت تعلیم و تربیت حضرت نرگس خاتون از طرف امام هادی (ع) به ایشان سپرده می شود.

چهارم: نظاره گر تمام موارد اعجاز آمیز قبل از تولد و هنگام تولد و بعد از تولد حجت خدا امام زمان بوده است.

گزارش تولد به نقل از حضرت حکیمه خاتون:

۱- وی نقل می کند که از طرف امام حسن عسکری (ع) پیغامی دریافت نمودم که

۱- جهانگشای عادل، سید جمال الدین دین پرور، از ص ۱۶.

در محضر ایشان حاضر شوم. متن پیام:

«یا عَمَّةُ اجْعَلِي افْطَارَكَ هَذِهِ اللَّيْلَةَ عِنْدَنَا، فَإِنَّهَا لَيْلَةُ النُّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى سَيُظْهِرُ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ الْحُجَّةَ وَهُوَ حُجَّتُهُ فِي أَرْضِهِ»

عمه جان امشب برای افطار به نزد ما بیا، زیرا امشب نیمه شعبان است، و آن شبی است که خدای تبارک و تعالی حجّتش را که حجّت خدا در روی زمین است. در آن پدید خواهد آورد.

حکیمه می گوید وقتی به حضور امام رسیدم. عرض کردم از چه کسی؟ امام (ع) فرمود: از نرجس عرض کردم، آثار حملی در او ظاهر نمی باشد. امام فرمود: عمه جان مثال او مثال مادر حضرت موسی (ع) است که حمل موسی (ع) تا هنگام ولادت مشخص نبود.

حکیمه می گوید، نیمه شب شعبان رو به اتمام بود و در من شک و تردید ایجاد می شد، که امام عسکری که در بیرون از اتاق نشسته بود، فرمودند:

«لَا تَعْجَلِي يَا عَمَّةُ فَهَاكَ الْأَمْرُ قَدْ قَرُبَ»

عمه شتاب نکن آگاه باش که وعده الهی نزدیک است.^۱

حکیمه می گوید: بالاخره بعد از لحظاتی انتظار سرانجام وعده خداوند آشکار شد و اتاق از نور وجودش روشن گردید در حالی که دیدم بسیار پاک و پاکیزه می باشد. در همین لحظه مشاهده کردم که او به حالت سجده قرار گرفت و حمد و سپاس خداوند را بجای آورد.

ج: آثار و اعجاز بعد از ولادت:

- ۱- در همین لحظه امام حسن عسکری از بیرون اتاق فرمودند:
هَلُمِّي إِلَيَّ ابْنِي يَا عَمَّةُ: عمه جان پسر من را پیش من بیاور.

۱- گفتارهایی پیرامون امام زمان (عج)، دکتر حسن افتخارزاده، ص ۴۹.

من حجت خدا را به امام عسکری تقدیم کردم و امام بعد از مقدماتی در برخورد اولیه او با امام زمان (عج) فرمود: فرزندم به اجازه خداوند متعال سخن بگو. آن حضرت با صدای رسا و ملکوتی فرمود:

أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ. بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.
وَأُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَ
نَمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِيَ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ.^۱
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَ عَلَى الْمُرْتَضَى وَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَ الْحَسَنِ وَ
الْحُسَيْنِ وَ عَلَى بَنِي الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ
عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ أَبِي.

حکیمه می گوید: در همین لحظه پرندگان سبز رنگ و سفید رنگی تمام اطراف ما را پر کرد. از امام عسکری (ع) سوال کردم این پرندگان چه می باشند، امام فرمود اینها جبرئیل به همراه ملائکه هستند که به دیدار حجت خدا و تبریک و تهنیت و بهره گیری از برکات وجود مبارک امام و حجت خدا آمده اند.

حکیمه خاتون می گوید در حالی که کودک همچون خورشید تابناکی می درخشید و بر ساعد راستش آیه قرآن «جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» نوشته شده بود، او را به مادرش برگرداندم.^۲

۲- عروج ملکوتی حجت خداوند در طول پنج سال اولیه تولد:

حکیمه خاتون می گوید: روز بعد که خدمت امام عسکری رسیدم، و بر بستر حجت خدا حاضر شدم، نور خدا را در جایگاهش ندیدم، به امام موضوع را عرض کردم، امام فرمود:

۱- سوره قصص آیات ۵ و ۶

۲- گفتارهایی پیرامون امام زمان، دکتر سید حسن افتخارزاده، ص ۵۰.

«یا عَمَّةُ اسْتَوْدَعْنَاهُ الَّذِي اسْتَوْدَعْتَهُ أُمُّ مُوسَى، مُوسَى»

عمّه جان او را به کسی سپردم که مادر موسی، فرزندش موسی را به او سپرد. لذا گفته شده است که به طور مرتّب، در طول این پنج سال حجت خداوند برای کسب ودیعه‌های الهی، به آسمان عروج می‌کرد تا آمادگی لازم را برای فرماندهی کل عالم هستی از طرف خداوند منان کسب نماید.

تمام مسائل ولادت و موضوعات جنبی آن را شخصیت‌های بزرگ اهل شیعه و سنت با سندهای قطعی و اطمینان کامل، از جمله: شیخ صدوق در کتاب غیبت، دلائل الامامه ص ۲۶۸، حبيب السیر ج ۲ ص ۱۰۵، ینابیع المودة ص ۴۵۱، کمال الدین ج ۲ ص ۴۲۴، اعلام الوری ص ۳۹۴، البرهان ج ۳ ص ۲۱۸، روضة الواعظین ج ۲ ص ۲۵۶، حلیة الابرار ج ۲ ص ۵۲۲، و چند کتاب دیگر، بیان نموده‌اند و صحت آنها را تایید کرده‌اند.

شاهدان عینی که در طول پنج سال ولادت در محضر پدر بزرگوارشان بوده‌اند

در مورد رؤیت حجت خدا (عج) در کتب احادیث اهل شیعه و سنت به وفور روایت شده است. و اکثر این روایات مورد وثوق بوده، سند آنها تواتر و به معصوم (علیهم السلام) منتهی می‌شود. لذا هیچگونه شک و شبهه‌ای در اظهارات آنها در تاریخ به چشم نمی‌خورد، و به طور شفاف در کتبی همچون، غیبت شیخ طوسی ص ۱۴۲ تا ۱۵۱، کمال الدین ج ۲ ص ۴۲۴، کشف الغمّه ج ۳ ص ۲۸۸، اثبات الهداة ج ۳ ص ۶۶۸ حبيب السیر ج ۲ ص ۱۰۶، و دهها کتاب حدیث دیگر از شخصیت‌های مورد وثوق بیان شده است که در اینجا فقط به اسامی آنها اشاره می‌شود.

۱- از حضرت امام حسن عسکری (ع) بعنوان معصوم اهل بیت فرمایشات گهربار فراوانی روایت شده است.

۲- از حکیمه خاتون که صحبت‌های او مورد وثوق اکثر راویان و محدثین می‌باشد.

۳- عقبه خادم: که برای ابوالادیان و دیگران ولادت را شرح داده است.

۴- عقبه خادم: که اعلام کرده است هر آنچه را حکیمه گفته است درست است.

۵- ماریه: که در خانه امام عسکری (ع) خدمت می‌کرد که در همان روز اول، حجت خدا را دیده است که با انگشت سیابه اشاره به آسمان کرده، و می‌فرماید «الحمد لله رب العالمین و صلی علی محمد و آله».

۶- نسیم خادم: که او نیز هنگام تولد او را در حال سجده مشاهده کرده است.

۷- کنیز ابوعلی خیزرانی، که به امام حسن عسکری (ع) هدیه شده بود، بعد از شهادت امام، مامورین عباسی که به خانه امام حمله کردند، او به خانه خیزرانی برگشت و داستان ولادت حجت خدا را برای او نقل کرده است.

۸- حمزه بن ابوالفتح، که مسئله ولادت را به حسن بن منذر اطلاع می‌دهد و می‌گوید باید مطلب مکتوم بماند.

۹- حسن بن حسین از نوادگان امام حسن مجتبی (ع) که ولادت حجت خدا را به امام حسن عسکری (ع) تبریک می‌گوید.

۱۰- ابونصر خادم که در محضر حجت خدا حاضر می‌شود، و امام مهدی (عج) از او سوال می‌کند مرا می‌شناسی، او می‌گوید بلی شما سرور من و فرزند سرور من هستید، امام می‌فرماید این را نپرسیدم، پس می‌فرماید:

«أَنَا خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ، وَ بِي يَدْفَعُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ، الْبَلَاءَ عَنِ أَهْلِ وَ شِيعَتِي»

من خاتم اوصیاء هستم خداوند به وسیله من بلا را از خاندان و شیعیانم دفع می‌کند.^۱

۱۱- قابله‌ای از اهل سنت که امام عسکری (ع) بنابر مصالحی در شب ولادت او را به منزل دعوت کرد و با تعریف او برای دیگران، موجب هدایت گروهی از دشمنان اهل بیت شده بود.^۱

۱۲- گروهی از شیعیان که امام حسن عسکری (ع) در روز سوم ولادت، آنها را در خانه خود دعوت کرد و حجت خدا را به آنها نشان داد و فرمود:

هَذَا صَاحِبُكُمْ مِنْ بَعْدِي، وَ خَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ، وَ هُوَ الْقَائِمُ الَّذِي تَمْتَدُّ إِلَيْهِ الْأَعْنَاقُ بِالْإِنْتِظَارِ، فَإِذَا امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا، خَرَجَ فَمَلَأَهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا.

این جانشین من در میان شما، و صاحب شما بعد از من است. او همان قائم (عج) است، که در انتظارش گردن‌ها کشیده می‌شود، هنگامی که زمین پر از ظلم و ستم شد او ظاهر می‌شود و آن را پر از عدل و داد نماید.^۲

۱۳- افراد زیادی که توفیق تشریف در طول پنج سال اوّل ولادت به محضر مبارک امام عسکری (ع) و حجت خدا (عج) رسیده‌اند که جناب آقای علی اکبر مهدی‌پور در مقدمه کتاب جزیره خضراء، چهل نمونه از آنها را جمع آوری نموده، مشتاقان می‌توانند به این منبع موثق مراجعه نمایند.

نام مبارک: نام اصلی حضرت «محمد» است نامی که رسول اکرم (ص) برای او انتخاب فرموده است. در معجم کبیر سلیمان بن احمد طبرانی ج ۱۰ ص ۱۳۷ حدیث ۱۰۲۲۹، آمده است.

يُخْرِجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يُوَاطِي اسْمُهُ اسْمِي وَ خُلُقُهُ خُلُقِي، يَمَلَأُهَا عَدْلًا وَ قِسْطًا
كَمَا مَلَأْتُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا.

۱- غیبت طوی - ص ۱۴۴ و ۱۴۳

۲- کمال الدین، ج ۲ ص ۴۳۱

۳- از کتب معتبر اهل سنت می‌باشد که دهها حدیث در مورد حضرت مهدی (عج) در آن آمده است.

«مردی از اهل بیت من ظهور می کند که نامش همان من، و خلقتش هم خلق من است، زمین را پر از عدل و داد کند، پس از آنکه پر از جور و ستم شده باشد».

کنیه های آن حضرت: ابوالقاسم، ابوصالح، ابو عبدالله، ابوابراهیم، ابو جعفر، ابوالحسن.^۱

القاب منور آن بزرگوار^۲:

۱- مهدی: مشهورترین لقب شریف آن حضرت است، که رسول اکرم (ص) در حدیثی با این لقب از او یاد کرده است. یعنی هدایت شده به وسیله خداوند.

در کتاب «مطالب السؤل» کمال الدین نصیبی شافعی ج ۲ ص ۸۹، آمده است.

«نَحْنُ وَوَلَدُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ سَادَةُ الْجَنَّةِ: أَنَا وَحَمْزَةُ وَجَعْفَرُ وَ عَلِيٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ الْمَهْدِيُّ».

رسول اکرم (ص) می فرماید: «ما فرزندان عبدالمطلب سروران اهل بهشتیم: من، حمزه سید الشهداء، جعفر طیار، علی بن ابیطالب، حسن، حسین و مهدی».

۲- منصور: یعنی یاری شده از طرف خداوند.

۳- قائم: یعنی قیام کننده بر حق، بر علیه جور و ستم، و بسط عدل و عدالت و نشر فرهنگ دین جدش رسول الله (ص).

یادآوری: بین شیعیان رسم است که چون آقا امام زمان (عج) با لقب (قائم) خوانده می شود با تمام قد بلند می شوند و دست راست را روی سر می گذارند.

اغلب سوال می کنند که آیا این عمل بدعت است یا از معصومین (علیهم السلام) سنت می باشد.

مطالب زیر می تواند راهگشای این تفکر باشد.

۱- ده بحث پیرامون حضرت حجت (عج) سید حسین هاشمی دهرخی، ص ۱۹ به بعد به نقل از نجم الثاقب حاج میرزا حسین طبرسی نوری.

۲- همان.

۱- از حضرت صادق (ع) سوال شد، علت قیام شیعیان در موقع ذکر شریف «قائم» چیست؟ امام فرمودند: «صاحب الامر غیبتی دارد بسیار طولانی و از کثرت لطف و محبتی که به دوستانش دارد، هر کسی او را به این لقب که دلالت بر دولت کریمه او و اظهار تأثیری که از غیبت و غربت او در دل دارد، امام خود را یاد کند آن حضرت نیز متقابلاً نظر مرحمتی به آن فرد خواهد نمود، و لذا چون در این حالت مورد تفقد و لطف امام (عج) قرار می‌گیرد، شایسته است از باب ادب و احترام و تشکر، به پا خیزد و بر او درود بفرستد و از خداوند تعجیل و ظهورش را مسئلت نماید. یعنی برخیزد و بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ.^۱

۲- حضرت امام رضا (ع) در خراسان چون لقب مبارک حضرت مهدی (عج) با اسم شریف (قائم) ذکر شد، با تمام قامت برخاست و دستش را بر سر نهاد و فرمود:

اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ.

«پروردگارا: بر فرجش شتاب کن و راه ظهورش را آسان گردان.»^۲

۳- آیه‌الله سید محمود طالقانی (رحمة الله علیه) می‌فرماید: این دستور قیام در مورد لقب «قائم» شاید فقط برای احترام نباشد، زیرا مسئله احترام به پیامبر و ائمه دین، قطعاً شایسته همگی آنها نیز می‌باشد. این بدان جهت است که جامعه شیعه دائم در تلاش باشند و وسائل آمادگی و مقدمات نهضت جهانی امام را فراهم نمایند و قطعاً نشانه در صف ایستادن و برای پشتیبانی این حقیقت است. زیرا این همه فشار که از مخالفین بعد از پیامبر (ص) بخصوص بنی امیه (لعنة الله عليهم) بر شیعه وارد شد و جنگهای صلیبی و حمله مغول و دشمنی‌های دیگران در مورد اسلام باید خاکسترش هم باقی نمی‌ماند. ولی دینی که پیشوایان حق، دستور می‌دهند که چون

۱- الزام الناصب شیخ حائری یزدی ج ۱ ص ۲۷۱

۲- بحار ج ۵۱ ص ۳۰

اسم شریف «قائم» مؤسس دولت حقه اسلام برده می‌شود، به پا بایستید و آمادگی خود را برای انجام تمام دستورات او اعلام کنید، و خود را همیشه نیرومند و مقتدر نشان دهید، هیچوقت نخواهد مرد.^۱

۴- در بعضی مواقع بلند شدن در برابر شنیدن اسم شریف «قائم» و سایر القاب در مجالس واجب می‌شود، و آن زمانی است که در یک مجلس همه بلند می‌شوند ولی یک یا دو نفر بعنوان بی احترامی و کم ارزش (نشان) دادن مطلب، اعتنایی نمی‌کنند، در این حالت عمل آنها حرام می‌باشد. و بی حرمتی به ساحت قدیسه امام زمان (عج) گناه می‌باشد.^۲

۵- منتظر: چون غیبت می‌کند و باید منتظر فرمان خداوند برای ظهور باشد، به این لقب منسوب شده است، و در فضیلت انتظار در زمان غیبت احادیث فراوانی در دست می‌باشد.

منتظران امام (عج)، مثل کسانی هستند که در رکاب پیامبر (ص) شمشیر زده و شهید شده باشند. (امام صادق (ع) بحار ج ۵۲ ص ۱۲۶) (در بحث مستغنی مطلب توضیح داده شده است).

۶- بقیة الله: یعنی ذخیره نهایی و باقیمانده‌ی تمام پیامبران و امامان از طرف خداوند بر روی زمین برای هدایت تمامی موجودات عالم هستی و ریشه کن کننده تمامی جور و ستم از زمین.

از مولای علی (ع) در مورد بقیة الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین، سؤال می‌شود که، منظور کیست؟

حضرت فرمودند: «مقصود فرزندان مهدی (عج) می‌باشد.

از امام صادق (ع) سؤال شد، چگونه باید بر امام مهدی (عج) که غائب است سلام کنیم.

۱- از کتاب خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی، ص ۲۶۴

۲- کتاب یکصد پرسش و پاسخ در مورد امام زمان (عج) است و علیرضا رجایی ص ۶۲

- ۱۱- ابوابراہیم
 ۱۲- ابوالحسن
 ۱۳- ابوتراب
 ۱۴- ابوبکر
 ۱۵- ابوصالح
 ۱۶- الأَمْرَه
 ۱۷- احسان
 ۱۸- أذن سامعه
 ۱۹- آیدی
 ۲۰- بقیةُ الله
 ۲۱- بئرُ مُعطله
 ۲۲- بَلَدُ الامین
 ۲۳- بهرام
 ۲۴- بنده یزدان
 ۲۵- پرویز
 ۲۶- برهان الله
 ۲۷- باسط
 ۲۸- بقیةُ الانبیاء
 ۲۹- تالی
 ۳۰- تایید
 ۳۱- تمام
 ۳۲- تائر
 ۳۳- جعفر
- ۳۴- جمعه
 ۳۵- جابر
 ۳۶- جنبُ الله
 ۳۷- جوار الكنس
 ۳۸- حُجَّة
 ۳۹- حقّ
 ۴۰- حجاب
 ۴۱- حامد
 ۴۲- حمد
 ۴۳- حاشر
 ۴۴- خاتمُ الأوصیاء
 ۴۵- خاتمُ الأئمّه
 ۴۶- خجسته
 ۴۷- خسرو
 ۴۸- خداشناس
 ۴۹- خازن
 ۵۰- خلف یا خلف صالح
 ۵۱- خُنس
 ۵۲- خلیفة الله
 ۵۳- خلیفة الأتقیاء
 ۵۴- دَابَّةُ الأَرْض
 ۵۵- داعی
 ۵۶- رَجَل

- ۵۷- راهنما
 ۵۸- رَبِّ الارض
 ۵۹- زَنَد افریس
 ۶۰- سروش ایزد
 ۶۱- السلطانُ المأمول
 ۶۲- سَدْرَةُ المنتهى
 ۶۳- سَنَاء
 ۶۴- سَبِيل
 ۶۵- سَاعَة
 ۶۶- سَيَّر
 ۶۷- شَمَاطِيل
 ۶۸- شَرِير
 ۶۹- صَاحِب
 ۷۰- صَاحِب الغَيْبِ
 ۷۱- صَاحِب الزَّمان
 ۷۲- صَاحِب الرَّجْعِ
 ۷۳- صَاحِب الدَّار
 ۷۴- صَاحِب النَّاحِيه
 ۷۵- صَاحِب العَصْرِ
 ۷۶- صَاحِب الكُرَّةِ البِيضَاء
 ۷۷- صَاحِب الدَّوَالَةِ الزَّاهِرِ
 ۷۸- صَالِح
 ۷۹- صَالِح الامر
 ۸۰- صَمصام الاكبر
 ۸۱- صَبِيح مُسْتَفْر
 ۸۲- صَدَق
 ۸۳- صِرَاط
 ۸۴- ضِيَاء
 ۸۵- ضَحَى
 ۸۶- طَالِبُ التُّرَابِ
 ۸۷- طَرِيد
 ۸۸- عَالَم
 ۸۹- عَدَل
 ۹۰- عَاقِبَةُ الدَّار
 ۹۱- عِزَّة
 ۹۲- عَيْنِ يَا عَيْنِ اللهُ
 ۹۳- عَصْر
 ۹۴- غَايِب
 ۹۵- غَلَام
 ۹۶- غَيْب
 ۹۷- غَرِيم
 ۹۸- غَوْث
 ۹۹- غَايَةِ الطَّالِبِينَ
 ۱۰۰- غَايَةُ القُصُوى
 ۱۰۱- خَلِيل
 ۱۰۲- غَوْثُ الفُقَرَاء

- ۱۰۳- فجر
 ۱۰۴- فردوس اکبر
 ۱۰۵- فیروز
 ۱۰۶- فرخنده
 ۱۰۷- فرج المؤمنین
 ۱۰۸- الفرّج الأعظم
 ۱۰۹- فتح
 ۱۱۰- فقه
 ۱۱۱- فیدموا
 ۱۱۲- قائم
 ۱۱۳- قابص
 ۱۱۴- قید
 ۱۱۵- قَسَم
 ۱۱۶- قُوَّة
 ۱۱۷- قاتلُ الکفره
 ۱۱۸- قطب
 ۱۱۹- قائم الزّمان
 ۱۲۰- قِیمُ الزّمان
 ۱۲۱- قاطع
 ۱۲۲- کاشف الغطاء
 ۱۲۳- کمال
 ۱۲۴- کلمة الحقّ
 ۱۲۵- کيقباد دوّم
 ۱۲۶- کوکما
 ۱۲۷- کارّ
 ۱۲۸- لواء أعظم
 ۱۲۹- لندیطارا
 ۱۳۰- لسان الصّدق
 ۱۳۱- ماشع
 ۱۳۲- مهید الاخر
 ۱۳۳- مسیح الزّمان
 ۱۳۴- میزان الحقّ
 ۱۳۵- منصور
 ۱۳۶- م- ح- م- د
 ۱۳۷- نِیَّة الصّابرين
 ۱۳۸- متقم
 ۱۳۹- مهدی
 ۱۴۰- عبدالله
 ۱۴۱- مُوَمَّل
 ۱۴۲- مُدَبِّر
 ۱۴۳- ماء معین
 ۱۴۴- مخبرٌ بما یُعَلق
 ۱۴۵- مجازی بالأعمال
 ۱۴۶- مَوْعُود
 ۱۴۷- مظهرُ الفضايح
 ۱۴۸- مُبلی السّرائر

- | | |
|--|-------------------------------|
| ۱۴۹- مُبْدِئُ الْاٰیٰت | ۱۶۷- نَفْس |
| ۱۵۰- مُحْسِن | ۱۶۸- نُوْر اٰلِ مُحَمَّدٍ (ص) |
| ۱۵۱- مُنْعَم | ۱۶۹- نُوْر الْاَصْفِیَّاء |
| ۱۵۲- مُفْضَل | ۱۷۰- نُوْر الْاِتْقِیَّاء |
| ۱۵۳- مَنَّان | ۱۷۱- نَجْم |
| ۱۵۴- مَوْتُوْر | ۱۷۲- نَاحِیَّهٔ مَقْدَسَه |
| ۱۵۵- مُنْتَظَر | ۱۷۳- وَاقِیْد |
| ۱۵۶- مَأْمُوْر | ۱۷۴- وَتَّر |
| ۱۵۷- مُغْدَّرَه | ۱۷۵- وَجَه |
| ۱۵۸- مَأْمُوْل | ۱۷۶- وَلِیُّ اللّٰهِ |
| ۱۵۹- مُفْرَج | ۱۷۷- وَاْرث |
| ۱۶۰- مُضْطَّر | ۱۷۸- هَادِی |
| ۱۶۱- مَنْ لَمْ یَجْعَلِ اللّٰهُ لَهٗ شَبِیْهًا | ۱۷۹- یَدُ الْبَاسِط |
| ۱۶۲- مُقْتَصِر | ۱۸۰- یَمِیْن |
| ۱۶۳- الْمَصْبَاحُ الشَّدِیْدُ الضَّیَّاء | ۱۸۱- وَ هُوَ هَل |
| ۱۶۴- نَاقُوْر صُوْر | ۱۸۲- یَغْسُوْبُ الدِّیْن |
| ۱۶۵- نَاطِق | |
| ۱۶۶- نِهَار | |

نام پدر: حسن مشهور به امام حسن عسکری (ع).^۱

نام مادر: ملیکه دختر یشوعا فرزند میخائیل سوم سی و ششمین امپراتور روم (۸۴۲-۸۶۷ میلادی، ۲۲۷-۲۵۳ هجری قمری) قیصر روم می باشد.

۱- جهانگشای عادل - سید جمال الدین دین پرور - ناشر مؤسسه الامام المهدی. چاپ پنجم ۱۳۵۷ هجری - تهران از ص ۹ تا ۱۹ و ده بحث پیرامون حضرت حجت میرزا حسین هاشمی دهرخی. ج اول ص ۷.

از طرف مادر منسوب به شمعون از فرزندان حواریون، وصی حضرت عیسی (ع) می باشد «در مورد داستان ازدواج ملیکه با امام علی نقی (ع) مستقلاً در ذیل مطالعه بفرمایید».

بررسی زندگینامه همسر والا گهر امام حسن عسکری و مادر والا تبار امام زمان (عج)
 نه اسم همچون حضرت زهرا (س) که خداوند برای او نه اسم تعیین فرمودند، بیان شده است.

۱- ملیکه (ملکه و شهبانو) ۲- نرجس (گلی است که در زیبایی نظیر ندارد)
 ۳- سوسن (گلی است بسیار زیبا و دوست داشتنی) ۴- ریحانه (هر گیاه خوشبو و معطر را گویند) ۵- حکیمه (عالم و فرزانه) ۶- مریم (نام مادر بزرگوار حضرت عیسی (ع)) ۷- سبیکه (طلای ناب و خالص را گویند) ۸- خمط (نام درختی است بسیار خوشبو و معطر) ۹- صقیل (هر شیء درخشان و نورانی را گویند).
 اسامی حضرت زهرا (س) که نزد خداوند متعال محفوظ می باشد.

۱- فاطمه (س)	۲- صدیقّه	۳- مبارکه
۴- طاهره	۵- زکّیه	۶- راضیه
۷- مرضیه	۸- محدّثه	۹- زهرا (س)

داستان شگفت انگیز و شنیدنی ملیکه مادر سرآمد عالم هستی و عدالت گستر بشریت امام زمان (عج):

این داستان با تایید و تصدیق شیخ صدوق در کتاب کمال الدین ج ۲ ص ۴۱۷، شیخ طوسی کتاب غیبت ص ۱۲۴، ابن شهر آشوب در کتاب مناقب ج ۴ ص ۴۴۰ و ۴۴۱، مجلسی بحار الانوار ج ۵۱ ص ۶ تا ۱۰ شیخ حر عاملی در روضة الواعظین ج ۱ ص ۲۵۵ تا ۲۵۱ و طبری در دلائل الامامه ص ۲۶۲ تا ۲۶۷ و کتب معتبر دیگر از علما و دانشمندان شیعه و سنی نقل شده است.

بُشر بن سلیمان نخّاس از نسل (ابو ایوب انصاری) از صحابه و ارادتمندان امام هادی(ع) و امام عسکری(ع) بود. که با رعایت مسائل شرعی و دینی خرید و فروش برده، که از این دو امام یاد گرفته بود، به این شغل مشغول بود. وی نقل می‌کند که شبی امام هادی(ع) کافور غلام خود را به دنبال من فرستاد تا به حضور او بروم، وقتی خدمت امام رسیدم، فرمود، تو محرم اسرار ما هستی، آنگاه نامه‌ای که به خط رومی بود همراه کیسه‌ای که ۲۲۰ دینار در آن بود به دستم داد و فرمود:

این‌ها را بگیر و به سوی بغداد عزیمت کن و پیش از ظهر فلان روز در گذرگاه فرات حضور پیدا کن. هنگامی که قایق‌های حامل بردگان رسید و کنیزان پیاده شدند، گروه بسیاری از خریداران را مشاهده می‌کنی که از طرف فرماندهان عباسی دور آنها را گرفته‌اند، در آن میان تعداد اندکی از جوانان عرب را می‌بینی که به قصد خرید حضور یافته‌اند.

تو از دور مواظب برده فروشی به نام «عمر بن یزید» باش تا هنگامی که کنیزی را با این خصوصیات در حالی که دو جامه‌ی حریر تازه، خوشرنگ و درشت بافت بر تن دارد، برای فروش عرضه کند.

خواهی دید آن کنیز اجازه نمی‌دهد که هیچ خریداری نقاب از چهره‌اش بازگیرد، یا جامه از تنش کنار زند، و یا اندامش را لمس کند. در آن هنگام برده فروش در صدد آزار او بر می‌آید و او سخنی به زبان رومی می‌گوید و فریاد می‌آورد. معنای سخنان او این است که از حال خود شکوه می‌کند و از کشف حجابش بر حذر می‌دارد. در این هنگام یکی از خریداران خواهد گفت: من این کنیز را به سیصد دینار می‌خرم، زیرا عفت و پاکدامنی او موجب رغبت شدید من شده است.

و آن کنیز به زبان عربی به او خواهد گفت: «اگر در جامه‌ی حضرت سلیمان و بر فراز تخت شاهی ظاهر شوی، من رغبتی به تو نخواهم داشت، و لذا مالت را بیهوده خرج نکن.»

برده فروش به آن کنیز خواهد گفت: «چاره چیست؟ ناگزیر تو را باید فروخت»
کنیز در پاسخ می گوید: «این همه شتاب برای چیست؟ باید خریداری باشد که دل
من به سوی او کشش پیدا کند و به صداقت و امانت او اعتماد کنم».

در این هنگام تو برخیز و پیش عمر بن یزید برده فروش برو، و به او بگو: «من
نامه‌ی دلگرم کننده‌ای را از یکی از اشراف همراه دارم، که آن به زبان رومی و به خط
رومی نوشته شده، و در آن کرم و وفا و خرد و سخای خود را منعکس نموده است،
این نامه را به او بده تا آن را مطالعه کند و اخلاق و رفتار نویسنده‌اش را در لابلای
سطور آن جستجو نماید. اگر به نویسنده آن تمایل پیدا کرد و تو نیز مایل بودی، من
از طرف نویسنده‌ی نامه وکالت دارم که او را از تو خریداری کنم».

بشر بن سلیمان می گوید، من همه‌ی دستورات سرور خودم امام هادی (ع) را به
طور کامل انجام دادم، همین که آن کنیز در نامه نگریست به شدت گریست و به
«عمرو بن یزید» گفت:

«باید مرا به نویسنده‌ی این نامه بفروشی» و سوگند یاد کرد که اگر از فروختن او
به صاحب نامه خود داری کنی در معرض تلف شدن قرار خواهم گرفت.
آنگاه من در مورد قیمت کنیز با برده فروش وارد مذاکره شدم و سرانجام با همان
مبلغی که مولایم در کیسه همراه من فرستاده بود به توافق رسیدیم، آنگاه آن بانو را
در حالی که شاداب و خندان بود از او تحویل گرفتم و به خانه‌ای که در بغداد
می رفتم بردم.

آن بانو از شدت خوشحالی آرام نداشت، نامه‌ی امام هادی (ع) را بیرون آورد، آن
را می بوسید و بر صورت خود می نهاد و دست بر آن می کشید.

با شگفتی به او گفتم: «نامه‌ای را می بوسی که صاحبش را نمی شناسی؟!»

آن بانو پاسخ داد: ای عاجز و ناتوان از شناخت مقام اولاد پیامبران! خوب گوش
کن و به گفتارم دل بسپار تا به حقیقت راه یابی.

فرمایشات اعجاز آمیز و حیرت انگیز نرجس خاتون با بشر بن سلیمان:

من «ملیکه» دختر «یشوعا» پسر قیصر روم هستم و مادرم از تبار حواریون است و نسب من از طرف مادر به «شمعون» وصی حضرت مسیح (ع) می‌رسد. من اکنون تو را از یک حادثه‌ی وحشت انگیز و شگفت آور آگاه می‌سازم: هنگامی که سیزده بهار از عمر من گذشت، پدر بزرگم قیصر، تصمیم گرفت که مرا به عقد برادرزاده‌ی خود در آورد. سیصد نفر از اعقاب حواریون که همگی کشیش و راهب بودند گرد آورد، و هفتصد تن از دیگر کشیشان که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بودند فراخواند، آنگاه چهار هزار نفر از فرماندهان سپاه و امیران لشکرها و سرپرستان عشایر دعوت کرد و از مال ویژه خود تختی مرصع و مزین به انواع جواهرات بیار است و آن را در حیات کاخ و برفراز چهل پایه قرار داد. چون برادر زاده‌اش برفراز آن تخت قرار گرفت و صلیب‌ها را در گرد او بگردانیدند، و اسقف‌ها به حال تعظیم برخاستند و اوراق اناجیل را بگشودند، و مهیا شدند که مراسم ازدواج را به جای آورند.

ناگهان همه‌ی صلیب‌ها سرنگون شدند، پایه‌های تخت به لرزه در آمد و فرو ریخت، آن جوان که برفراز تخت قرار داشت مدهوش بر زمین افتاد. رنگ کشیشان پرید و لرزه بر اندامشان افتاد، و اسقف اعظم آنها به پدر بزرگم گفت:

«پادشاهها: ما را در مورد این حوادث نافرجام و نحوست بار که پیش در آمد نابودی آئین مسیحیت و شیوه‌ی امپراطوری است، معذور بدان.»

پدر بزرگم که شدیداً از این پیشامد ناگوار افسرده بود و آن را به فال بد زده بود، به کشیشان گفت: «این پایه را استوار سازید و این صلیب‌ها را یکبار دیگر بر پا دارید، آنگاه دیگر برادر این داماد نگون بخت را فراخوانید، تا این دختر را به ازدواج او در آورم، تا این نحوست با فرخندگی او بر طرف شود.»

بار دیگر که مجلس بیاراستند و فرمان او را به کار بستند، نظیر همان حوادث وحشتناک به وقوع پیوست، همه وحشت زده پراکنده شدند، و پدر بزرگم افسرده و دل مرده برخاست و به حرمسرا رفت و پرده‌ها را بیاویخت.

رویائی سرنوشت ساز:

در آن شب خوابی شگفت دیدم که سرنوشت مرا تغییر داد:

در خواب دیدم که حضرت مسیح (ع) و شمعون و گروهی از حواریون در کاخ پدر بزرگم گرد آمده‌اند و منبری از نور در آن نصب شده است که در شکوه و عظمت سر بر آسمان می‌ساید.

این منبر را درست در نقطه‌ای گذاشته بودند که پدر بزرگم تختش را در آنجا قرار داده بود.

در آن هنگام حضرت محمد (ص) با وصی و داماد معزز خود، امیرالمؤمنین (ع) و گروهی از فرزندانش وارد شدند حضرت مسیح (ع) پیش رفت و حضرت محمد (ص) را در آغوش کشید.

آنگاه رسول اکرم (ص) به حضرت مسیح (ع) فرمود «ای روح الله! من آمده‌ام که از وصی تو «شمعون» دخترش ملیکه را خواستگاری کنم. و با دست خود به سوی «ابومحمد» پسر نویسنده‌ی این نامه اشاره فرمود حضرت عیسی (ع) به سوی شمعون نگریست و فرمود: «ای شمعون! شرف. فضیلت به سوی تو روی آورده است، خاندان خود را با خاندان آل محمد (ص) پیوند بزن». شمعون گفت: «اطاعت می‌کنم».

در آن هنگام رسول اکرم (ص) بر فراز منبر تشریف بردند، خطبه‌ای فرمودند و مرا به همسری فرزند خویش در آوردند. حضرت عیسی (ع)، حواریون و فرزندان رسول خدا گواهان عقد بودند.

هنگامی که از این رویای طلائی بیدار شدم، ترسیدم که اگر خواب را با پدر و پدربزرگم در میان بگذارم مرا بکشند، و لذا آن را پوشیده داشتم و برای آنان بازگو نکردم، ولی سینه‌ام چنان از محبت «ابومحمد» آکنده شد که دیگر میل خوراک را از دست دادم، و به همین سبب سخت بیمار و رنجور شدم.

در شهرهای روم هیچ پزشکی باقی نماند جز این که پدر بزرگم برای معالجه من فرا خواند ولی نتیجه‌ای نداشت. چون پدر بزرگم از معالجه‌ی من مایوس شد از روی شفقت به من گفت «ای نور دیده‌ام» آیا خواهش و آرزویی داری، که در این دنیا برای تو فراهم کنم؟».

گفتم: «پدر جان! درهای گشایش را به روی خود بسته می‌بینم، ولی اگر فرمان دهی که از دست و پای اسیران مسلمان که در زندان تو هستند بند و زنجیر بردارند و از شکنجه‌ی آنان دست نگهدارند و بر آنان منت نهاده، فرمان آزادی آنها را صادر کنی، امیدوارم که حضرت مسیح (ع) و مادرش حضرت مریم (س) سلامتی را به من ارزانی دارند».

چون پدر بزرگم خواسته‌ام را بر آورد تلاش کردم که خود را سالم‌تر نشان دهم، و اندکی خوراک تناول کردم، پدر بزرگم خوشحال شد و محبت بیشتری در مورد اسیران مبذول داشت.

دومین رؤیا:

پس از گذشت چهارده شب از خواب نخستین، در عالم رؤیا دیدم که سرور زنان دو جهان حضرت فاطمه (س) در حالی که حضرت مریم (س) و هزار تن از خدمتکاران بهشتی ایشان را همراهی می‌کردند، به دیدار من تشریف فرما شدند. حضرت مریم به من فرمود: «این بانوی دو جهان، و مادر شوهرت ابومحمد است».

من به دامن حضرت فاطمه (س) آویختم و گریستم، و از این که ابو محمد به

دیدار من نمی آید شکوه کردم.

حضرت فاطمه (س) فرمود: «تا هنگامی که تو مشرک هستی پسرم ابومحمد به دیدار تو نخواهد آمد. این خواهرم مریم دخت عمران است که از آئین تو به پیشگام احدیت بیزاری می جوید. اکنون اگر خواهان خشنودی خدا و مسیح (ع) و مریم (س) هستی، «اشتیاق دیدار ابومحمد را داری، بگو: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ».

چون این دو گواهی را به زبان راندم، حضرت فاطمه (س) مرا به سینه‌ی خود چسبانید و مرا دلشاد ساخت و فرمود: «از حالا انتظار دیدار ابومحمد را داشته باش. من او را به نزد تو خواهم فرستاد».

بیدار شدم و در انتظار دیدار ابومحمد ثانیه شماری می کردم و با خود می گفتم: «و اشوقاهُ الی لقاءِ اَبی مُحَمَّدٍ» «وه چقدر اشتیاق دیدار ابومحمد را دارم». شب بعد او را در خواب دیدم و به محضرشان عرض کردم: «ای حبیب من، پس از آنکه در دلم جای گرفتی و دلم آکنده از مهر تو شد و در این راه جانم در معرض تلف قرار گرفت، بر من جفا کردی و این مدت به دیدار من نیامدی؟».

فرمود: «تأخیر من در دیدار تو به سبب شرک تو بود و اکنون که به راستی ایمان آوردی همین امشب به دیدار تو خواهم آمد، تا روزی که خداوند در بیداری ما را به یکدیگر برساند». از آن شب تاکنون هیچ شبی مرا از دیدار خود محروم نساخته است.

شاهزاده و اسارت:

بشر می گوید: با او گفتم: پس چگونه اسیر شدی؟! گفت:

در یکی از شب‌ها «ابومحمد» در خواب به من فرمود: «در همین ایام - فلان روز - پدر بزرگت لشکری به جنگ مسلمانان گسیل می‌دارد، خود نیز پی لشکریان روان می‌شود، تو هم به طور ناشناس و در لباس خدمتکاران باید همراه دیگر زن‌ها از فلان

راه به آنها بپیوندی. من فرمان او را اطاعت کردم، ناگاه پیشتازان مسلمانان بر ما تاختند. من هم اسیر شدم، بدون این که کسی تاکنون متوجه شده باشد که من نوهی قیصر امپراطور روم هستم. جز تو، که اکنون خودم برایت بازگو کردم. کسی که من در اسارت سهم او قرار گرفتم، چون از نام من پرسید، نام خود را از او مکتوم داشتم و گفتم «نرگس» گفت: آری از نام‌های کنیزان است.

بشر می‌گوید: به او گفتم: عجب است که شما رومی هستید و این چنین به لهجه‌ی عربی سخن می‌گوی!

گفت: «آری پدر بزرگم از شدت علاقه‌ای که به تعلیم و تربیت من داشت و مایل بود که آداب ملل و اقوام را یاد بگیرم، به یکی از بانوانی که مترجم او بود دستور داد که هر روز بامدادان و شامگاهان پیش من بیاید و به من عربی بیاموزد. و بدین گونه زبان عربی را فرا گرفتم و زبانم به آن گویا شد.

دختر قیصر در دودمان پیامبر اسلام (ص):

بشر می‌گوید: چون او را به سامرا و حضور مولایم ابوالحسن امام هادی (ع) بردم، آن حضرت به او فرمود: «عزت اسلام، ذلت مسیحیت، و شرف خاندان عصمت و طهارت را چگونه یافتی؟» عرض کرد: «ای پسر رسول خدا، چیزی را که شما از من به آن آگاه‌تر هستید چگونه برای شما وصف کنم؟».

امام هادی (ع) فرمود: «می‌خواهم به تو پاداش بدهم، آیا ده هزار دینار طلا برای تو خوش‌تر است یا با مژده‌ای که در آن شرف جاودانه است؟». عرضه داشت: «مژده‌ی فرزند برای من».

فرمود: الْبُشْرَى بَوْلِدِ يَمْلِكِ الدُّنْيَا شَرْقًا وَ غَرْبًا وَ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا، كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا.

«مژده باد تو را به فرزندی که خاور و باختر گیتی را به ملک خویش در آورد و

جهان را از عدل و داد آکنده سازد، پس از آنکه از ظلم و ستم آکنده باشد» (غیبت طوسی ص ۱۲۸).

نرجس خاتون پرسید: «پدر این مولود فرخنده کیست؟»

فرمود: «همان که پیامبر اکرم (ص) در فلان شب از فلان ماه از فلان سال رومی تو را برای او خواستگاری کرد».

پرسید: از حضرت مسیح و وصی او؟

فرمود آری، حضرت مسیح (ع) و وصی او تو را به عقد چه کسی در آوردند؟

عرض داشت: فرزند گرامی شما ابومحمد (ع). فرمود: او را می شناسی؟

گفت: «چگونه نشناسم در حالی که از شبی که به دست بانوی بانوان جهان

حضرت زهرا (س) به شرف اسلام مشرف شده‌ام، شبی نگذشته که به دیدار من نیامده باشد».

ملیکه در مکتب حکیمه خاتون:

در آن هنگام حضرت هادی (ع) به خدمتکار خود «کافور» فرمودند: «خواهرم حکیمه را فراخوان».

هنگامی که حکیمه به محضر امام هادی (ع) شرفیاب شد، به او فرمود: «ها هیة»: این همان بانوی معهود است. حکیمه خاتون مدتی بس طولانی او را در آغوش کشید و ابراز شادمانی فرمود آنگاه امام هادی (ع) فرمود: «ای دختر رسول خدا (ص) او را به خانه‌ی خود ببر، فرائض دینی و سنن اسلامی را به او بیاموز، که او همسر ابومحمد، و مادر حضرت «قائم» (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می باشد.»^۱

بخش دوم

- ویژگی‌های فتنه‌های آخرالزمان
- علائم قبل از ظهور امام زمان (عج)
- نقش ملت ایران در برنامه‌های امام زمان (عج) قبل از ظهور و بعد از ظهور
- عمل کرد حضرت مهدی (عج) در پیشبرد نهضت الهی خود
- برنامه‌ها و روشهای حکومتی امام زمان (عج) بعد از پیروزی
- سیمای درخشان بقیة الله الاعظم در آیات ملکوتی قرآن کریم

ویژگیهای فتنه آخرالزمان به روایت از معصومین (علیهم السلام)

۱- فتنه آخرالزمان از شام برخاسته و عراق را فراگیرد، (جزیره) را زیر دست و پای خود به شدت کوبیده، و بلا و گرفتاری، مردم را مانند پوست دباغ‌خانه گوشمالی می‌دهد.

هیچ کس قادر نیست بگوید: بس کنید و دست نگهدارید اگر آن را از ناحیه‌ای برطرف سازند از ناحیه دیگر سر بر آورده و ظاهر می‌گردد.^۱

۲- این فتنه، آشوبی است دامنه‌دار و شامل همه اوضاع و احوال امنیتی، فرهنگی و اقتصادی مسلمانان می‌شود. هیچ کس در برابر خطر این فتنه نسبت به دین خود و خانواده‌اش و از جور فرمانروایان ستم‌پیشه و دستیاران شرقی و غربی آنان که سرپرستی امور امت اسلامی را بر عهده گیرند، پناهی نیابد، و در فرمایشات گهربار پیامبر (ص) آمده است.

«در آن هنگام گروهی از شرق و غرب آمده و بر امت من فرمانروایی می‌کنند»

۳- راه حل‌های انجام شده هیچگونه تاثیری در فرو نشاندن این فتنه ندارند، و مدت‌ها طول می‌کشد «و از ناحیه‌ای در صدد رفع آن بر نمی‌آیند، مگر این که از سوی دیگر آشکار می‌شود».

۴- فتنه تمام کشورهای اسلامی را فرا می‌گیرد، و یهودیان و غربیان بعنوان فرمانروایان و حاکمان واقعی به تمام امورات مسلمین مسلط می‌شوند.

پیامبر (ص) در این مورد می‌فرماید:

«سوگند به آن کس که جانم در دست اوست، بر امت من قومی فرمانروایی کنند

که اگر دم برآورند آنها را کشته و اگر سکوت نمایند همه چیز آنها را مباح می‌شمرند، اموال آنان را از آن خود گردانند و با زیر پا گذاشتن نوامیس آنها «خون آنها را ریخته، و دل‌هایشان مالا مال از کینه و وحشت می‌گردانند. از هیچ کاری روی گردان نیستند. اندامشان اندام آدمیان، اما دل‌هایشان دل‌های شیاطین است»^۱.

۵- تنها راه حل آن، و دفع شر اروپائیان و یهودیان از بلاد اسلامی و مسلمین زمینه سازی حکومت حضرت مهدی (عج) در بین امت‌های اسلامی و دلسوزی و احساس مسئولیت فرد فرد مسلمان نسبت به مسائل بوجود آمده می‌باشد، و سپس ان‌شاءالله ظهور آقا امام زمان (عج) می‌باشد که به این فتنه‌ها پایان داده شود.

۶- یکی دیگر از شاخصه‌های این ایام فتنه، انعطاف پذیری حکام جور بلاد اسلامی است، با روش‌ها و دیدگاه‌های متجاوزین اروپائیان و یهودیان سلطه‌گر بر مناطق اسلامی می‌باشد، متأسفانه اگر دقت شود از صدر اسلام با پشت کردن و روی گردانیدن از آیات قرآن در مورد اطیعوا الله و اطیعوا الرسول، خود سرانه مسیر اسلام را عوض کردند، با پیامبر (ص) مخالفت کردند، با علی (ع) و امامان بعد از او هر کدام به بهانه‌ای برخورد خصمانه کردند، آنها را محدود کردند، زندانی و یا تبعید و یا شهید کردند. و همین جریان الان نیز ادامه دارد، و اغلب برنامه‌های سلطه‌گری کفار شرق و غرب بر بلاد اسلامی به واسطه‌ی فشار ستم و تجاوز رهبران اکثر کشورهای اسلامی است که با نهایت ددمنشی جو اختناق و سلب آزادی‌های حتی بسیار ساده را به ملت‌های خود، اعمال نموده‌اند. و با تمام طرح و برنامه‌های غیر اسلامی و غیر انسانی، راه را برای نفوذ بیگانگان بر بلاد اسلامی، و ثروت و ناموس آنها، فراهم نموده‌اند.

۷- در فتنه آخر الزمان نیش‌های مسموم غربی‌ها و بخصوص آمریکایی‌ها به سوی جوامع اسلامی بخصوص شیعه که حمایت بی‌وقفه از حضرت مهدی (عج) را سر

لوحه‌ی کار خود می‌دانند، آغاز می‌گردد. نبی اکرم (ص) در معرفی فتنه‌گران خارجی و داخلی و وضعیت دین و مسلمانان می‌فرماید:

«جریان امر شما همچنان ادامه می‌یابد تا این که فرزندان در دوران فتنه و ستم متولد شوند، که جز آشوب چیزی نشناسند (وضعیت کنونی فلسطین، افغانستان، عراق) و زمین چنان آکنده از ستم و بیداد شود که هیچ کسی جرات ندارد با آرامش و آزادی خدا را بخواند، آنگاه خداوند مردی را از ذریه و عترت من برمی‌انگیزد، تا زمین را از عدل و داد پر سازد، وقتی که از ظلم و ستم پر شده باشد.^۱

۸- و در پیش بینی نبی اکرم (ص) در همکاری سران کشورهای عربی و مسلمان که راه نفوذ بیگانگان را بر کشورهای خود هموار ساخته است می‌فرماید: «وای بر عرب از شری که به آنها نزدیک است، بادهای چیست آن بادهای؟ بادی که وزش آن نابود کننده است، و بادی که وزش آن بر انگیزاننده است، و بادی که وزش آن سستی آور است، وای بر آنها از کشتار سریع و مرگ آنی، و گرسنگی دردناک، بلا و گرفتاری بر سر آنان فرو ریزد فرو ریختنی!»^۲

البته در برداشت‌های تفسیری از بادهای و بال‌ها، اشاره شده است که شاید شکستن دیوار صوتی به وسیله غرش هواپیماهای غول پیکر جنگی و نیز بمب افکن‌های بزرگ هسته‌ای باشد که غربی‌ها برای نجات خود به کار می‌برند.

۹- در مورد همکاری سران جنایتکار کشورهای اسلامی با بیگانگان و دشمنان اسلام، نبی اکرم (ص) می‌فرماید: وای بر این امت از دست رهبران ستمگر که مسلمانان را کشته و آنها را از خانه و دیارشان آواره می‌گردانند، مگر کسی که به اطاعت آنها تن در دهد، در آن زمان مؤمن با تقوی به زبان با آنان سازگار و به دل از آنان گریزان است.^۳

۱- بحار ۵۱ ص ۶۸

۲- ابن حماد ص ۵۳

۳- عصر ظهور - علی کورانی ص ۵۰

ابن حماد از محمد بن کعب روایت کرده است که همانطور که در صدر اسلام وقتی امر به جهاد شد بعضی از اعراب گفتند: مال و زن و فرزندان، ما را سرگرم و مشغول داشته است، در زمان ظهور نیز عده‌ای از اعراب کمک به دشمن می‌کنند و عده‌ای بی تفاوت هستند و عده‌ای در رکاب امام جهاد می‌کنند.

۱۰- بهره‌گیری‌های ضد بشری از مسلمانان به عنوان جاسوس و با عوامل اجرایی بمب گذاری و ترور شخصیت‌های بزرگ اسلامی:

نبی اکرم (ص) در این پیش بینی می‌فرماید:

«مشرکان، مسلمانان را به خدمت خویش گمارده و آنان را در شهرها (برای اجرای عملیات غیر انسانی به دول دیگر) به فروش می‌رسانند، و هیچ نیکوکار و بدکاری از این عمل پروایی ندارد، (مزدوری که آیات شیطان را تنظیم می‌کند و با آنان که، فیلم‌های ضد انسانی به نام شخصیت‌های بزرگوار اسلام تدارک می‌نمایند).

این بلا و گرفتاری آن چنان گریبان گیر مردم آن روزگار شود که همه ناامید و مایوس و بدبین شده و تصور کنند که گشایشی برای آنان وجود نخواهد داشت.»^۱

۱۱- پیوند شوم ملت‌ها و کشورهای کفر با هم علی رغم میل باطنی آنها علیه کشورهای اسلامی.

پیامبر مکرّم (ص) در یک دوران‌دیشی دقیق و شفاف در این باره می‌فرماید:

«نزدیک است امت‌ها علیه شما یکدیگر را فرا خوانند، بسان فراخواندن خورندگان بر سر سفره، هر چند شما از نظر عدد بسیارید، اما همچون خاشاک بر روی سیل می‌باشید، خداوند هیبت و شکوه شما را از دل دشمنانتان برداشته، و در اثر علاقه‌مندی به دنیا و بیزاری از مرگ، ضعف و سستی را به دل شما می‌افکند.»^۲

۱- عصر ظهور ص ۵۱ برگرفته از الملاحم و الفتن ص ۱۰۸

۲- همان ص ۱۲۹

علائم قبل از ظهور امام زمان (عج)

۱- فتنه شام:

از رسول اکرم (ص) روایت شده است که فرمود:

«قبل از ظهور حضرت مهدی (عج) فتنه‌ای پدید می‌آید که مردم را سخت در محاصره قرار می‌دهد. پس مبادا اهل شام را دشنام دهید زیرا مؤمنان حقیقی از آن سامان هستند، بلکه ستمگران آنها را نفرین کنید و بزودی قضا و قدری از آسمان می‌فرستد تا آنها را پراکنده سازد به گونه‌ای که اگر روبه‌ان با آنها در آویزند، بر آنان پیروز می‌گردند. آنگاه حضرت مهدی (عج) ظهور می‌فرماید و مهربانی و دوستی و نعمتهای مسلمانان را به آنان باز می‌گرداند».

۲- حرکت اهل خراسان با همراه داشتن پرچم‌های سیاه و با هدف پیوستن به

حضرت مهدی (عج) در شام، که متحمل درگیری‌های بسیار شدیدی با مخالفین شیعه پیدا می‌کنند به خصوص با سفیانی در عراق و شام که سرانجام سفیانی‌ها از ایرانیان شکست می‌خورند و به طرف فلسطین فرار می‌کنند

به بخش عنوان «نقش ملت ایران در برنامه‌های مختلف ظهور امام مهدی (عج)

مراجعه شود»

۳- صیحه‌ی آسمانی در ماه رمضان:

از مولا علی (ع) سوال می‌شود: صیحه‌ی آسمانی در ماه رمضان چیست؟ «فرمود: آیا نشنیده‌اید گفته‌ی خداوند را در قرآن «اگر بخواهیم، از آسمان نشانه‌ای را بر آنها فرو فرستیم به گونه‌ای که همه در برابر آن سر تسلیم فرود آورند».^۱ نشانه‌ای که دختران جوان را از سرا پرده برون آورد و خفته را بیدار می‌کند و بیدار را به وحشت می‌اندازد».^۲

۱- سوره شعرا- آیه ۴

۲- بحار ج ۵۲ ص ۲۲۹

امام باقر(ع) به جابر جعفی می فرماید: وقتی اختلاف و خون ریزی در شام شدت پیدا می کند، ندا کننده‌ای از آسمان پیام می دهد و این صدا از ناحیه دمشق شنیده می شود و مژده ظهور حضرت مهدی(عج) را می دهد.^۱

از امام صادق(ع) روایت شده است که:

«چون ندا کننده‌ای از آسمان بانگ زند که حق با آل محمد است، در آن هنگام نام مهدی(عج) بر سر زبان‌ها جاری شود و محبت او در دل‌ها قرار گیرد و مردم اندیشه‌ای جز او ندارند».

در ص ۶۰ نسخه خطی ابن حماد از ابن مسعود از نبی مکرم (ص) سوال می شود که:

«ای رسول خدا صیحه‌ی آسمانی چیست؟ حضرت فرمود: این صیحه در نیمه‌ی ماه رمضان و شب جمعه خواهد بود. صدایی است که شخص خوابیده را بیدار می کند و ایستاده را می نشاند و زنان نجیب و پوشیده را از پرده‌ها بیرون می آورد در شب جمعه و در سالی که زلزله‌ها زیاد است. وقتی نماز صبح جمعه را بجا می آورید به خانه‌های خود بروید و در و پنجره را ببندید و خود را پوشانید و گوش‌هایتان را ببندید وقتی آن صوت را شنیدید سر بر سجده بگذارید و بگویید: سبحان القدوس، سبحان القدوس، سبحان القدوس

هر کسی چنین کند نجات یابد و هر کس نکند هلاک شود.

در بعضی روایات آمده است که دو صیحه شنیده می شود. یکی از آسمان که بر حق است و یکی از زمین که توطئه شیطان است.

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود:

«دو صیحه رخ می دهد، یکی در آغاز شب و دیگری در پایان شب دوم، هشام بن سالم گوید پرسیدم: چگونه است؟ فرمود صیحه‌ای از آسمان است و صیحه‌ای دیگر

از سوی ابلیس، پرسیدم: چگونه این یکی از دیگری باز شناخته می‌شود؟ فرمود: کسی که به آن گوش فرا دهد، پیش از آنکه بوجود آید آن را تشخیص می‌دهد.^۱ البته با توجه به احادیث، دقیقاً ممکن است صدای زمینی از ابلیس باشد، زیرا همین برنامه را در جنگ احد انجام داد، که فریاد کرد محمد(ص) کشته شد. ندائی است آسمانی به مردم جهان که همه و اهل هر زبانی به زبان خود آن را می‌شنوند.

صدائی است قوی و نافذ از آسمان و از هر سمت می‌آید، خفته را بیدار می‌کند و نشسته را بر پا می‌دارد.

مردم با این صیحه‌ی آسمانی به ناله و فریاد در می‌آیند و از خانه‌هایشان بیرون می‌آیند تا ببینند چه خبر است.

ندای آسمانی مردم را به خود داری از ظلم و کفر و درگیری و خونریزی و به پیروی از امام مهدی(عج) دعوت می‌کند، حضرت را با نام خود و پدرش می‌خواند. ناگزیر این سوال مصرانه و عالمگیرانه پی در پی بر سر زبان‌ها می‌افتد و در رسانه‌های تبلیغاتی، همه جا گفته می‌شود که: مهدی کیست؟ و او کجاست؟

اما همین که می‌شناسند وی رهبر مسلمانان و از خاندان پاک پیامبر (ص) است و بزودی در حجاز ظهور خواهد کرد، مبادرت به ایجاد شک و تردید، پیرامون صدای معجزه‌آسای آسمانی و برنامه‌ریزی و توطئه جهت ضربه زدن به موج جدید اسلامی و به شهادت رساندن رهبر این نهضت حضرت مهدی(عج) می‌نمایند.

اما ایمان آوردندگان به غیب که روایات مربوط به این صوت را شنیده‌اند، آگاهند که این ندا همان ندای حق وعده داده شده است و سر بر سجده‌ی شکر می‌نهند و

بر خشوع دل‌هایشان در پیشگاه خدوند افزوده می‌شود. آنان همواره از آن حضرت سخن می‌گویند و جویای او می‌شوند و خود را جهت یاری وی مهیا می‌کنند.^۱
در مورد صیحه‌ی آسمانی نکات فوق بیان شد ولی لازم است نمونه‌هایی از فرمایشات معصومین از منابع شیعه و سنی یاد آوری گردد.
از امام صادق نقل شده است که فرموده‌اند:

«منادی از آسمان صاحب این امر را بانگ می‌زند که فرمانروایی از آن فلانی فرزند فلانی است پس کشتار برای چیست؟»^۲

۴- **خروج سفیانی: الف:** ابن حماد از زهری نقل کرده است که او گفت:

یاران درفش‌های سیاه (منظور سپاه خراسان با بیرق‌های سیاه) و دارندگان درفش‌های زرد رنگ (اروپائیان و مغربی‌ها) در محل قنطره، سواران با یکدیگر برخورد نموده و به کارزار می‌پردازند، تا این که وارد فلسطین می‌گردند، در این هنگام سفیانی بر اهل مشرق خروج می‌کند، وقتی که مردم مغرب زمین در اردن فرود آمدند. سفیانی با آنها به نبرد پرداخته و آنها را شکست می‌دهد و آنان به اطاعت او در می‌آیند.^۳

ب: امام صادق (ع) در توجه دادن به وقایع قبل از ظهور به سریر از صحابی خود می‌فرماید: در شام سه درفش، حسنی (خراسانیان) اموی (پیروان اصحاب) و درفش قیس (ابقع) جمع می‌شوند. در حالیکه با یکدیگر اختلاف دارند، ناگهان سفیانی خروج می‌کند و آنها را همچون کشت زار درو می‌کند و من هرگز نظیر این را ندیده‌ام.

ج: از امام زین العابدین روایت شده است که فرمود:

«امر قائم (عج) از سوی خداوند حتمی است و امر سفیانی نیز از جانب خداوند قطعی می‌باشد و قائم (عج) ظهور نمی‌کند مگر پس از آمدن سفیانی»^۴

۱ - عصر ظهور ص ۲۷۸ و ۲۷۹

۲ - عصر ظهور به نقل از بحار ج ۵۲ ص ۳۹۶

۳ - نسخه خطی ابن حماد در کتاب عصر ظهور ص ۱۰۸

۴ - عصر ظهور به نقل از بحار ج ۵۳ ص ۱۸۲

در بخش جداگانه‌ای (خروج سفیانی با بررسی بیشتری طرح شده است، به آنجا مراجعه شود).

۵- انقلاب یمن و خدمت آن به حضرت مهدی (عج) قبل از ظهور.

نکات و موارد مهم زیر در این مورد قابل توجه است.

الف: از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود:

«خروج این سه تن، خراسانی، سفیانی و یمنی در یک سال و یک ماه و یک روز اتفاق می‌افتد. و درفش یمنی از همه هدایت کننده تر است زیرا که دعوت به حق می‌کند»^۱.

ب: (با توجه به سابقه درخشان ایرانیان در خدمت به امام مهدی (عج) که در بخش خدمات ایرانیان به ظهور گفته خواهد شد) چرا در فرمایشات امام صادق (ع) درفش یمنی از همه هدایت کننده تر است آمده است.

کارشناسان روایات و محققین آشنا به برنامه‌های یمنی‌ها و ایرانی‌ها چند نکته را متذکر شده‌اند:

نکته اول: یمنی‌ها دارای فرمانروایی به طبیعت سادگی و قبیله‌ای جامعه مشهورند ولی ایرانیان به طبیعت وراثت تمدن و ترکیب جامعه کهن مشهورند.

نکته دوم: دستگاه‌های یمنی قاطع و نیروهای مخلص و مطیع هستند و رسیدگی به تخلفات محکم است. ولی ایرانیان به چنین مسائلی توجه ویژه ندارند و قاطعانه در برابر مسئولین مقصر، عمل نمی‌کنند.

نکته سوم: مسئولین یمن مستقیماً از رهنوذهای حضرت مهدی (عج) اطاعت می‌کنند و سرپیچی از آن را مستوجب آتش جهنم می‌دانند. ولی ایرانیان بیشتر توجه به جامعه دارند و ستایش جامعه می‌کنند تا رهبر خود.

نکته چهارم: انقلاب یمنی به نهضت ظهور امام (عج) نزدیک‌تر است تا انقلاب زمینه‌ساز ایرانیان.

۶- انقلاب مصر و زمینه سازی مصریان برای ظهور حضرت مهدی (عج)

الف: در بحار الانوار به روایت از معصوم (ع) آمده است:

«پیش از سفیانی، مصری و یمنی خروج و قیام می‌کنند».^۱

ب: در روایات آمده است که سر کرده‌ی فرماندهان در مصر قیام می‌کند و سپاهیان را تجهیز و بسیج می‌نماید، و قبل از ورود نیروهای غربی، مردم را بسوی آل پیامبر (ص) دعوت می‌کند.

ج: در روایت دیگر آمده است:

اهل غرب به نام نیروهای سفیانی به سوی مصر هجوم می‌آورند همین که وارد مصر می‌شوند، فرمانروائی سفیانی برقرار می‌شود. در حالیکه قبل از آنها توسط فرماندهان مصری مردم را به سوی آل پیامبر (ص) دعوت نمودند».^۲

(در بخش‌های مختلف قبل از ظهور و بعد از ظهور در مورد مسائل مصر صحبت شده، مراجعه شود.)

۷- قیام سید حسنی: سید حسنی احتمالاً نفس زکیه که در مکه قیام می‌کند و شهید می‌شود و یا همان سید حسنی است که رهبر و عامل قیام در عراق باشد. زیرا در روایت عبارت «تَحَرَّكَ الْحُسَيْنِي» آمده است.

ولی آنچه موثق می‌باشد این است که در سال ظهور امام مهدی (عج) سید حسنی با سپاهیان از سمت ایران وارد عراق می‌شود و حرکات و اقدامات اساسی جهت زمینه‌سازی ظهور امام (عج) فراهم می‌نماید.

۱ - عصر ظهور ص ۱۶۶ به نقل از بحار ج ۵۲ ص ۲۱۰

۲ - همان بحار ج ۵۲ ص ۲۰۸

۸- اختلاف و خونریزی و درگیری بین حکام حجاز در مکه و مدینه به نام اختلاف بنی عباس:

این موضوع فاصله‌اش با ظهور امام (عج) تقریباً زیاد است و شاید بیش از صد سال فاصله داشته باشد. اما حادثه مهم دیگری که در حجاز شکل می‌گیرد، و قبل از ظهور صورت می‌گیرد، به واسطه خبرهایی که به دشمنان امام در مکه و مدینه رسیده است و مطمئن می‌شوند که وی در مکه و مدینه فعالیتش آغاز می‌گردد، به قلع و قمع و دستگیری و کشت و کشتار بنی هاشم و هواداران آنها می‌پردازند. و به این امید که مهدی (عج) در میان آنها است عده کثیری از مردم مکه و مدینه را شهید می‌نمایند. شدت خونریزی بعد از مراسم حج به گونه‌ای است که همچون سگ به یکدیگر حمله ور می‌شوند و قبیله‌ها به جان همدیگر می‌افتند و آنقدر خون ریخته می‌شود که جمره عقبه را سیل خون فرا می‌گیرد.^۱

۹- خورشید گرفتگی در نیمه ماه رمضان و ماه گرفتگی در آخر آن بر خلاف معمول.

۱۰- فرو رفتن بعضی از بلاد در عراق و بین مکه و مدینه:

در مورد بصره از امیرالمؤمنین (ع) در یکی از خطبه‌ها آمده است که: گویا می‌بینم مسجد شما را (مسجد بصره) مانند سینه کشتی بر آب نشسته، خداوند عذاب را از بالا و پائین آن فرو فرستاده است و هر آن کس که درون آن باشد غرق خواهد شد.

۱۱- متوقف شدن خورشید از ظهر تا نزدیک عصر و طلوع از مغرب.

۱۲- کشته شدن نفس زکیه نماینده امام زمان (عج) در پشت کوفه همراه با هفتاد نفر از صلحا:

در بعضی از نظرات بزرگان گفته شده است که نفس زکیه نامش محمد بن حسن

۱- عصر ظهور ص ۲۹۵ به نقل از ابن حماد ص ۶۰

همان سید حسنی است که در مکه شهید می‌شود. و در پاره‌ای برداشت‌ها می‌گویند شهید آیت الله سید محمد باقر صدر می‌باشد که به همراهی حدود هفتاد تن از علما و بزرگان دین به شهادت رسیدند. نفس زکیه از اهل نجف بوده ولی هفتاد نفر همراه او احتمالاً از جاهای دیگر به او پیوسته‌اند. ولی قطعاً او نفس زکیه و نماینده ویژه امام است که در کنار کعبه بین رکن و مقام سخنرانی می‌کند.

این اتفاق تقریباً حدود دو هفته قبل از ظهور صورت می‌گیرد و تقریباً جزیی از ظهور است و در واقع نماینده حضرت می‌باشد جهت ابلاغ ظهور امام (عج) که بعد از سخنرانی او را به طرز وحشیانه‌ای می‌کشند. ۲۳ یا ۲۴ ذی حجه، پانزده شب قبل از ظهور.^۱

۱۳- خراب شدن دیوار مسجد کوفه: در کتاب ارشاد مفید ص ۳۶۰ آمده است که: دیوار عقب مسجد کوفه که به خانه عبدالله بن مسعود می‌رسد خراب می‌شود، آن زمان پایان سلطنت (خانسان فلان) است که بعد از آن حضرت قائم (عج) ظهور می‌فرماید. خرابی دیوار به این علت است که فرمانده نظامی به پناهندگان به مسجد، آن را خراب می‌کند. و نیز از علائم ظهور محاصره کوفه به وسیله خندق و کمین است.^۲

۱۴- قیام مردم سرزمین مغرب بنام قیام مغربی و ورود او در مصر و رسیدن به شامات: البته در فرمایشات شیخ مفید مشخص نشده است که این سواران مغرب منطقه سرزمین‌های اسلامی همین کشور مغرب کنونی است یا سوارانی از کشورها و مناطق غربی و اروپائی جهت کمک به سفیانی علیه مسلمانان داخلی و خراسانیان، وارد کوفه شده باشند.

۱۵- فرود آمدن ترکان در جزیره (منطقه‌ای بین مرز عراق و سوریه).

۱۶- فرود و قیام رومیان در رمله.

۱- عصر ظهور ص ۳۱۱

۲- عصر ظهور ص ۲۹۴ به نقل از بحار ج ۵۲ ص ۲۷۳

۱۷- طلوع نمودن ستاره‌ای از مشرق:

این ستاره مانند ماه نورافشانی کرده و سپس به گونه‌ای خم می‌شود که دو طرف آن به یکدیگر نزدیک می‌شود.

۱۸- پیدا شدن هاله‌ی سرخی که در آسمان آشکار و سپس در تمام نقاط آن پخش می‌گردد. امام باقر (ع) می‌فرماید: پیش از قیام قائم (عج) مردم به وسیله آتشی که برای آنان از آسمان پدید آمده و سرخی آن آسمان را می‌پوشاند از گناهانشان باز داشته می‌شوند.^۱

۱۹- پیدا شدن آتشی که از طرف مشرق بطرف آسمان بلند شده و سه یا هفت روز در هوا باقی می‌ماند.

۲۰- قیام کردن عرب‌ها علیه حکام خود و به تصرف در آوردن سرزمین‌های خود و خارج نمودن آن‌ها از تحت سلطه‌ی عجم‌ها (ترک‌ها و اروپائی‌ها).

۲۱- شورش اهل مصر علیه فرمانروایی خود و کشتن آن:

۲۲- ویران شدن شام به واسطه حملات شدید مهاجمین به آن سرزمین:

۲۳- درگیری‌های شدید بین درفش‌های ایرانی، غربی‌ها و سفیانی‌ها در شام.

۲۴- حرکت درفش‌کننده‌ها به شهر خراسان ایران: اشعث بن قیس رئیس قبیله بزرگ‌کننده و از سران منافقین و از جمله کسانی بوده که در قتل مولا علی (ع) شرکت داشت و دختر او جَعْدَه نیز همسر امام مجتبی (ع) بود که آن حضرت را با زهر مسموم نمود. و پسرش محمد بن اشعث در شهادت سیدالشهدا حضرت امام

حسین دست داشت، ضد ایرانیان بود و مولا علی (ع) به شدت او را در مجلس رسوا کرد. (به نقش ملت ایران مراجعه شود).

۲۵- ایجاد شکافی در فرات به گونه‌ای که آب کوچه‌های شهر کوفه را فرا خواهد گرفت: این اتفاق در همان سال ظهور صورت می‌گیرد. امام صادق می‌فرماید:

«سال فتح و پیروزی، فرات شکافته می‌شود به گونه‌ای که آب وارد کوچه‌های شهر کوفه می‌گردد».^۱

۲۶- خروج شصت نفر که هر کدام به دروغ ادعای نبوت می‌کنند:

۲۷- سوزاندن یکی از شخصیت‌های بزرگ از بنی عباس جولا (در عراق) و خانقین عراق:

۲۸- ایجاد پلی که از کرخه به شهر سلام وصل می‌شود:

۲۹- برخاستن باد سیاهی از منطقه عراق که در اوائل صبح آن روز به وقوع می‌پیوندد:

۳۰- پیدایش زلزله‌ای که در اثر آن بخش بزرگی از منطقه عراق فرو می‌رود:

۳۱- پیدایش ترس و وحشت و بوجود آمدن مرگ‌های دسته جمعی، کمبود و کاستی در اموال و جان‌ها و محصولات منطقه عراق و مصر به طور مرگ بار:

۳۲- ظاهر شدن گاه و بیگاه به طور مرتب ملخ و ویران کردن محصولات کشاورزی مناطق مصر و عراق.

۳۳- نافرمانی بردگان و غلامان (کارگران در برابر کار فرمایان) و کشتن بزرگان و اربابان خود، و چیره شدن آنها بر حکومت و فرمانروایی آنها.

۳۴- مسخ شدن عده‌ای از بدعت گذاران به صورت میمون و خوک در بلاد اسلامی.

۳۵- تصویر صورت و سینه‌ای که در قرص خورشید برای مردم ظاهر می‌شود.

۳۶- زنده شدن مردگانی که جهت برگشت به دنیا، صورت می‌گیرد که یکدیگر را شناخته و ملاقات می‌کنند.

۳۷- باریدن بیست و چهار روز باران شدید و پی در پی و ختم وقایع قبل از ظهور و آماده شدن اوضاع اجتماعی و اقتصادی و سیاسی جهت ظهور امام مهدی (عج) و تغییر آرامش بخش در جهان هستی و مطلع شدن یاران مهدی (عج) از ظهور آقا در مکه و حرکت آنها برای یاری آن بزرگوار.^۱

۳۸- به پا شدن نظام اسلامی در عراق قبل از خروج سفیانی و ویران کردن آن: عمده روایاتی که در این مطلب از ائمه اطهار (علیهم السلام) رسیده است دلالت بر پیروزی ایرانیان زمینه ساز ظهور امام زمان (عج) می‌باشد، که بیانگر نبردهای سر سختانه و شدید با فرمانروایان ستم پیشه عراق است.

الف: امام باقر (ع) در این راستا می‌فرماید:

«گوئیا می‌بینم گروهی از مشرق زمین (ایرانیان منظور است) خروج نموده، حق خود را از مخالفان می‌جویند، ولی حکام زیر بار نمی‌روند. سرانجام طی چندین فقره جنگ و استقامت سرانجام قیام می‌نمایند و آنان درفش هدایت را جز به صاحب‌شان نمی‌سپارند (و بر عراق پیروز می‌شوند) و کشته‌های آنان شهیدند و اگر من آن زمان را درک می‌کردم و خویش را برای یاری صاحب آن امر نگه می‌داشتم».^۲ ...

۱- ارشاد مفید ص ۳۳۶ و بحار ج ۵۲ ص ۲۲۱-۲۲۹، از کتاب عصر ظهور ص ۱۸۳-۱۸۱

۲- عصر حضور ص ۱۸۹ به نقل از بحار ج ۵۲ ص ۴۳

ب: و نیز در روایت آمده است:

«در فش‌هایی سیاه از خراسان برون می‌آید که هیچ چیز قادر بر شکست و برگرداندن آنها نیست تا این که در بیت المقدس به اهتراز در آیند.^۱»

ج: و نیز به سند صحیح از شیعه و سنی و بعضی از صاحبان صحاح به نقل از رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «مردمی از مشرق زمین خروج می‌نمایند که مقدمات حکومت و سلطنت حضرت مهدی (عج) را فراهم می‌نمایند».^۲ (اشاره به مردم ایران است).

۳۹- خروج شیصبانی :

در روایات از امامان در معنای این کلمه، طاغوت و اشرار، بیان شده است و نیز در قاموس زبیری، این اسم در واقع نام شیطان است. و مورچه‌ی نر نیز گفته شده است. خروج او با فاصله بسیار کوتاهی قبل از سفیانی است، امام باقر (ع) می‌فرماید: «بعد از او بلافاصله منتظر سفیانی باشید».

محل خروج او در عراق است، فردی است بسیار طغیانگر و خونریز و علما و دانشمندان و مومنان سرشناس را بدون هیچ بهانه قتل عام می‌کند. امام باقر (ع) در مورد خروج این شخص می‌فرماید:

«دسترسی به سفیانی پیدا نمی‌کنید تا این که قبل از او شیصبانی در سرزمین عراق مانند آبی که از زمین بجوشد، ناگهان ظاهر می‌شود و خروج می‌نماید، او نمایندگان شما را بقتل می‌رساند و بعد از این ماجرا در انتظار سفیانی باشید که بعد از او حضرت قائم (عج) نیز خروج می‌کند».^۳

۴۰- خروج عوف سلمی: طبق روایات موجود نکات زیر در مورد وی قابل توجه است. الف: اهل تکریت که امروزه یکی از شهرهای مهم عراق است، می‌باشد.

۱ - همان، به نقل از ملاحم و فتن ص ۴۳

۲ - همان به نقل از بحار ج ۵۱ ص ۸۷

۳ - عصر ظهور ص ۱۸۹ به نقل از بحار ج ۵۲ ص ۲۵۰

ب: به همراهی تعدادی از هواداران خود در سرزمین جزیره (مرز عراق و سوریه) خروج می نماید و هدفش قیام علیه دولت سوریه می باشد.

ج: خروج و قیام او قبل از سفیانی است البته با فاصله بسیار اندکی می باشد.

د: بعد از اقداماتی سرسختانه و شکست در مبارزات، در بعضی روایات به تکریت فرار می کند، و در بعضی روایات در مسجد دمشق ترور می شود.
و رویهم رفته خروج او را از حوادث هم شام و هم عراق می توان در نظر گرفت.

۴۱- خروج شعیب بن صالح قبل از سفیانی:

الف: در روایات بخصوص روایات شیعه آمده است که وی ایرانی و از بلاد ری می باشد، و برای یاری رساندن به امام زمان (عج) و زمینه سازی ظهور به سرزمین عراق و در کمک رسانی به یاران امام در کنار سپاه خراسانیان جدیت می نماید، تا بالاخره وقتی امام ظهور می فرمایند به واسطه لیاقت و وفاداری وی به امام، به عنوان فرمانده کل ارتش امام انتخاب می گردد.

ب: از امام رضا(ع) روایت شده است که فرمود:

«قبل از این امر (ظهور مهدی(عج)) سفیانی و مروانی و شعیب بن صالح است، پس چگونه می گوید این و آن»^۱.

ج: در بعضی از روایات آمده است که سفیانی نیروهای خود را به جنوب ایران نزدیک دروازه های استخر (شهری قدیمی در منطقه اهواز در مجاور شهر نفت خیز مسجد سلیمان) می فرستد، در روایات این نبرد را جنگی بزرگ معرفی کرده اند، و در نسخه خطی ابن حماد به نقل از علی(ع) آمده است:

وقتی سواران سفیانی به سوی کوفه رفتند، گروهی را در جستجوی اهل خراسان می فرستد، و در این حال اهل خراسان به طلب مهدی(عج) بیرون می آیند آنگاه

(سید) هاشمی با درفش‌های سیاه در حالیکه شعیب بن صالح (به عنوان فرمانده سپاه ایرانی) در پیشاپیش آنها حرکت می‌کند، با امام مهدی (عج) ملاقات می‌کند و همچنین آن حضرت در محل دروازه استخر با یاران سفیانی برخورد می‌کنند و بین آنها نبردی بزرگ رخ می‌دهد. در این هنگام درفش‌های سیاه (به پشتیبانی نیروهای ایران) آشکار می‌شود و سواران سفیانی پا به فرار می‌گذارند و به طرف سرزمین‌های فلسطین می‌روند، «در این بحبوحه مردم آرزوی دیدار مهدی (عج) را داشته و او را می‌جویند».^۱

۴۲- وقوع جنگ جهانی قبل از ظهور حضرت مهدی (عج):

الف: در روایات آمده است که قبل از ظهور حضرت، شاید یک سال و با نزدیک شدن ظهور، جنگی خانمانسوز در جهان بوقوع می‌پیوندد که تلفات جانی و خسارات مالی آن قابل شمارش و حساب نیست و گرسنگی و در بدری زندگی جوامع را در بر می‌گیرد. امام صادق (ع) در این رابطه می‌فرماید:

«ناگزیر قبل از قیام قائم (عج) سالی خواهد بود که مردم در آن، از گرسنگی رنج می‌برند و ترس و وحشتی سخت در اثر کشتار، آنان را فرا می‌گیرد».

ب - در فرمایش امام باقر (ع) آمده است که مقاومت مردم شرق و غرب و نیز اهل قبله (مسلمانان) را جنگی وحشتناک فرا می‌گیرد.

«اهل شرق و غرب با یکدیگر اختلاف پیدا می‌کنند، آری و اهل قبله نیز (مسلمانان) و مردم با ترس و وحشت طاقت فرسایی روبرو خواهند شد و به همان حال بسر برده تا زمانی که منادی از آسمان ندا دهد. زمانی که بانگ زد پس کوچ کنید، کوچ».^۲

ج: در حدیثی طولانی از مولا علی (ع) در بحار ج ۵۳ از ص ۸۲ تا ۸۴ در رابطه با

۱ - همان ص ۱۵۱ به نقل از نسخه خطی ابن حماد ص ۸۶

۲ - در شماره‌ی ۲۶ اشاره شده است.

این واقعه نکاتی قابل دقت و همسان با موقعیت زمان ظهور یا کمی قبل از ظهور، به ذهن نزدیک می‌نماید.

از جمله: قبل از ظهور آشوبی جهان را فرا می‌گیرد که سرزمین شما را پایمال نماید. و یا می‌فرماید: در سرزمین مغرب زمین آتش جنگ بزرگی را با موادی قابل اشتعال فرا می‌گیرد و ناله انسان‌ها بلند می‌شود و فریاد می‌زنند وای بر او از این انتقامجویی و خونخواهی وحشتناک.

و در همین وقت مردی نصرانی، مسلمان می‌شود و صومعه را خراب می‌کند و صلیب را می‌شکند و با اتفاق عجم‌ها (ایرانیان) و مردم مستضعف سوار بر مرکب می‌شود و با درفش‌های هدایت حرکت می‌کنند و در محلی بنام فاروق جمع می‌شوند. و باز اشاره می‌کند که در این جنگ سه هزار یهودی و نصرانی کشته می‌شوند، در جای دیگر سه هزار، هزار، و در جای دیگر می‌فرماید دوسوم ساکنان جهان کشته می‌شود. سرانجام به دست امام (عج) و یاران امام خاتمه می‌یابد.

د: در مورد برنامه حضرت مهدی (عج) با اروپائیان (غربی‌ها) در روایات به چند نکته مهم توجه شده است.

۱- قرار داد صلحی بین امام و اروپائیان منعقد می‌شود تا از خون‌ریزی جلوگیری شود و احتمال دارد بخاطر این است که با آمدن حضرت عیسی (ع) در کنار امام، از طریق حضرت عیسی (ع) زمینه‌های مناسب جهت پیروی مسیحیان از امام فراهم گردد.

۲- در بعضی روایات بخصوص از امام باقر (ع) روایت شده است که:

«کشتی‌های رومیان در حدّ فاصل صور تا عکا، لنگر انداخته و مستقر می‌شوند و آن آرایش جنگی و کارزار بزرگی خواهد بود»^۱.

و در بخش دیگری از روایات آمده است که خداوند به وسیله معجزاتی از جمله حمله‌ی پرندگان از آسمان بر آنها زمین شکافته می‌شود و زمین لرزه‌های شدیدی رخ

می دهد و همگی آنها در پرتگاه‌هایی سقوط می کنند و از بین می روند و خداوند صبرکنندگان را یاری نموده و آنان را پاداش نیک می دهد.^۱

۴۳- شکافته شدن نهر فرات و جاری شدن آن در شهر کوفه، طبق روایات این حادثه در همان سال ظهور، اتفاق می افتد. از امام صادق (ع) روایت شده است که: «سال فتح پیروزی، فرات شکافته می شود به گونه‌ای که آب وارد کوچه‌های شهر کوفه می گردد».^۲

۴۴- در دوره شش ماهه غیبت صغری امام (عج) بعد از سفیانی و صیحه‌ی آسمانی، سرشار از فعالیت امام و یارانش می باشد. و کرامات و معجزاتی رخ می دهد. از طرف دیگر دشمنان نیز بیکار نمی نشینند و عواملی را برای تشویش ذهن مردم علم می کنند و به نام هواداران و یاران امام معرفی می کنند. از جمله در روایت آمده است توسط شیادان و دروغگویان، دوازده درفش قبل از ظهور بر افراشته می شود که ادعای مهدویت می کنند. و عجیب این است که دوازده تن از خاندان ابوطالباند که هر کدام درفشی را بلند می کند و مردم را بسوی خود دعوت می کنند که تمام آنها درفش‌های گمراهی و تلاش‌های دنیوی است، برای بهره بردن از موج گرایش به حضرت مهدی (عج).^۳

۴۵- تعصب قبیله‌ای بین مکه و مدینه:

امام رضا (ع) می فرماید:

«از جمله نشانه‌های فرج، حادثه‌ای است که بین حرم مکه و مدینه رخ می دهد. پرسیدم: آن حادثه چیست؟ فرمود: تعصب قبیله‌ای بین دو حرم بوجود می آید و

۱- همان، به نقل از ابن حماد ص ۱۲۴

۲- بحار ج ۵۲ ص ۲۱۷

۳- عصر ظهور ص ۲۹۰

فلانی از خاندان فلان، پانزده رئیس قبیله را به قتل می‌رساند»^۱.

نقش ملت ایران در برنامه‌های زمینه‌سازی، و هنگام ظهور و بعد از قیام امام زمان (عج)

۱- عظمت و شکوه و کیاست و پایبندی ایرانیان از دیدگاه خداوند در قرآن و رسول اکرم (ص) در احادیث:

الف: در تفسیر مجمع البیان در سوال از رسول گرامی (ص)، در مورد آیه ۵۴ سوره مائده که می‌فرماید:

«فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ».

منظور آیه درباره چه قومی می‌باشد که چنین توصیفی در عظمت آنها در قرآن آمده است. رسول اکرم (ص) در حالی که سلمان فارسی در کنار او نشسته بود، فرمودند:

«فَصْرَبَ بَيْدَهُ عَلَى عَاتِقِ سَلْمَانَ فَقَالَ هَذَا وَ ذُووهُ»

دست بر شانه سلمان فارسی می‌گذارد و می‌فرماید این مرد و همشهریان او می‌باشد. سپس حضرت اضافه می‌فرماید:

«لَوْ كَانَ الدِّينَ مُعَلَّقًا بِأَثَرِيَا لَتَنَا وَ لَهُ رِجَالٌ مِنْ أَبْنَاءِ فَارِسٍ»

اگر دین معلق و آویخته به ثریا باشد مردمی از فرزندان ایران و فارسیان به آن دست می‌یابند و دین را به دست می‌آورند (در اینجا دین به معنای مطلق علم و فضیلت و کمالات است)^۲.

ب: در مجمع البیان در ذیل آیه ۳۸ سوره محمد (ص) می‌فرماید:

«وَ إِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ»

از رسول اکرم (ص) سوال می‌شود که این قومی که در قرآن از آنها یاد شده است

۱ - همان ص ۲۹۳ به نقل از بحار ج ۵۲ ص ۲۱۰

۲ - زندگی نامه حضرت زینب - عماد زاده ص ۱۱

و جانشین مسلمانان مقصر عرب خواهند شد و در پیشرفت اسلام مجاهدت و فداکاری می‌کنند چه قومی هستند؟ در حالی که سلمان فارسی در کنار پیامبر نشسته بود، دست بر شانه او زد و فرمود:

«فَصْرَبَ يَدَهُ عَلَى فَخْدِ سَلْمَانَ: فَقَالَ هَذَا وَ قَوْمُهُ. وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ كَانَ الْإِيمَانُ مُعَلَّقًا بِالثَّرِيَّا لَتَنَا وَ لَهُ رِجَالٌ مِنْ فَارِسٍ».

از فرمایشات رسول اکرم (ص) اینطور برداشت می‌شود که سلمان فارسی پهلوی آن حضرت نشسته بود که دست به زانوی او زد و فرمود: قوم این شخص است. سپس اضافه فرمودند به خدایی که جان من به دست اوست، اگر ایمان در فلک اعلیٰ (ثریا) باشد، این قوم ایرانی، رجالی دارند که بدان دست خواهند یافت.^۱

ج: در سوره جمعه آیه ۳: خداوند می‌فرماید: «وَ آخِرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ». در تفسیر مجمع البیان و سایر تفاسیر اسلامی، وقتی پیامبر مکرم (ص) این آیه را تلاوت فرمود، بعضی از صحابه سوال کردند، این قومی که به مسلمین ملحق می‌شوند، کدام قوم است؟

«فَوَضَعَ يَدَهُ عَلَى كَتِفِ سَلْمَانَ وَ قَالَ: لَوْ كَانَ الْإِيمَانُ فِي الثَّرِيَّا لَنَا لَتَهُ رِجَالٌ مِنْ هَؤُلَاءِ».

دست به شانه سلمان نهاده فرمود: این است از آن قومی که ملحق به اسلام می‌شوند و فداکاری در راه نشر معارف دین می‌نمایند و اگر ایمان در ثریا هم باشد آنها به آن نائل و واصل می‌گردند و رجالی دارند که دست به همه علوم و فنون پیدا می‌کنند. آری اگر درباره خدمات ایرانیان به اسلام و اسلام به ایران مطالعات جدی صورت گیرد، مطالب درخشنده و ارزشمندی درباره هوش و کیاست، و تدبیر این ملت به دست می‌آید. و هم اکنون اگر دقت شود، جدی‌ترین قومی که از اسلام و قرآن و رسالت و امامت حمایت می‌کنند و ناشر نشر آنها هستند، ملت ایران است. فقط یک

نمونه از زحمات دانشمندان نخستین این ملت، رقم یک میلیون و هشتصد هزار کتاب خطی ایرانیان است که در موزهی بریتانیای کبیر همچون خورشیدهای تابناکی اعتبار علمی بشریت را نور افشانی می‌کند. و در دنیا هیچ ملتی و هیچ قومی این چنین از خورشید تابناک حضرت مهدی (عج) مطالب ارزشمندی نشر نداده است و نخواهد داد.

۲- در روایات آمده است که: ایرانیان قومی هستند که به زودی خداوند متعال آنان را علیه یهودیان برخواهد انگیخت.

۳- پاره‌ای از روایات مربوط به عصر ظهور، خاطر نشان می‌سازد که یهودیان در آخر الزمان در روی زمین فساد و فتنه انگیزی فراوانی ایجاد می‌کنند، و کبر و غرور می‌ورزند، آنگونه که خداوند در قرآن آنها را توصیف نموده است، ولی سرانجام این خوی سرکشی و برتری جویی آنها به دست پرچمدارانی که از خراسان خروج می‌نمایند، پایان می‌یابد و آنها نابود می‌گردند.

۴- از مقدرات الهی است که با یک خبر از یک نوع گنج در کنار رود فرات، دشمنان اسلام با تمام وجود در آنجا جمع شده و برای تصرف آن خون‌ریزی عجیبی به راه می‌اندازند به گونه‌ای که امام صادق (ع) می‌فرماید:

«همانا خداوند در قرقیسیا (خاک عراق مجاور رود فرات) سفره‌ی پر از طعامی دارد، که سروش آسمانی از آن خبر می‌دهد و ندا می‌کند، ای پرندگان آسمان و ای پرندگان زمین بشتابید برای سیر شدن از گوشت تن ستمگران»^۱.

پس از این کشتار وحشیانه در بین دشمنان اسلام از همدیگر، سفیانی وارد عراق می‌شود. گر چه سفیانی در مسیر راه تلفاتی را تحمل کرده است، و با قدرت وارد خاک عراق می‌شود. ولی ایرانیان زمینه‌ساز ظهور مهدی (عج) او را شکستی سخت می‌دهند و از منطقه به طرف فلسطین فرار می‌کند. آنگاه امام زمان (عج) بعد از این شکست سفیانی به دست ایرانیان وارد عراق می‌شود.

۱- عصر ظهور ص ۱۳۰ به نقل از بحار ج ۵۲ ص ۲۴۶

۵- روایات فراوانی بیان گر این حقیقت است که ایرانیان با شنیدن ظهور مهدی (عج) سراسیمه خود را به عراق می‌رسانند و دنبال امام زمان می‌گردند. تا با او بیعت کنند و او را یاری نمایند. در روایتی از امام صادق (ع) آمده است که:

«سواران سفیانی همچون شب ظلمانی و سیل ویرانگر روی می‌آورند. به هر چیز که برسند آن را هلاک و نابود می‌کنند تا آنکه وارد کوفه می‌شوند و پیروان آل پیامبر (ص) را به قتل می‌رسانند. آنگاه از همه جانب به جستجوی اهل خراسان می‌پردازند، در حالی که اهل خراسان به طلب مهدی (عج) بر می‌خیزند و او را می‌خوانند و به یاری او می‌شتابند».^۱

۶- در این که ایرانیان با بینش و درایت ولایتی دنبال رسیدن به محبوب خود هستند از امام باقر (ع) روایت شده است که:

«سفیانی وارد کوفه می‌شود، و سه روز در آنجا به غارت می‌پردازد، و شصت هزار نفر از اهالی آنجا را می‌کشد. سپس هجده شب در آنجا می‌ماند. آنگاه یاوران درفش‌های سیاه (اهل خراسان که بیرق آن‌ها سیاه هست) روی می‌آورند. و در کنار رود فرات منزل می‌کنند. سفیانی‌ها به محض اینکه خبر فرود آنها را می‌شنوند پا به فرار می‌گذارند، گروهی از نخلستان‌های کوفه خروج می‌کنند. در حالی که جز تعداد کمی از آنها مسلح نمی‌باشند و برخی از آنها اهل بصره هستند، به یاران سفیانی دست پیدا می‌کنند و اسرای کوفه را از دست آنها آزاد می‌سازند و یاران درفش‌های سیاه (سپاه خراسان) افرادی را جهت بیعت، نزد امام مهدی (عج) می‌فرستند».^۲

۷- ایرانیان به نام سپاه خراسان با بیرق‌های سیاه‌شانه به شانه امام مهدی (عج) حرکت می‌کنند. و حضرت با مسلمانان کشورهای اسلامی، مدینه را فتح و حجاز را آزاد و نیروهای دشمن را منکوب می‌سازند و لشکر سفیانی هر کجا که رویاروی آن

۱ - عصر ظهور ص ۱۳۵ به نقل از ابن حماد ص ۸۳

۲ - همان ص ۱۳۸ و به نقل ص ۸۴

حضرت قرار گیرد، از حجاز تا عراق و شام، شکست می خورد، در روایات، یک نبرد یا بیشتر را در این فرصت یاد می کند، که در عراق بین لشکر سفیانی از طرفی و سپاهیان مهدی (عج) و یاران خراسانی وی از ناحیه دیگر اتفاق می افتد.^۱

۸- در نسخه خطی ابن حماد از علی (ع) روایت شده است که فرمود:

«وقتی سواران سفیانی به سوی کوفه رفتند، گروهی را در جستجوی اهل خراسان (به جنوب ایران) می فرستد و در این حال اهل خراسان به طلب مهدی (عج) (به سمت جنوب ایران) بیرون می آیند. آنگاه هاشمی (فرمانده سپاه خراسان) با درفش های سیاه در حالی که شعیب بن صالح یکی از فرماندهان سپاه خراسان در پیشاپیش آنها حرکت می کند، با امام مهدی (عج) ملاقات می کند و همچنین آن حضرت در محل دروازه استخر با یاران سفیانی برخورد می کند و بین آنها نبردی بزرگ رخ می دهد. در این هنگام درفش های سیاه (سپاه خراسان به فرماندهی هاشمی خراسانی) آشکار می شود. و سواران سفیانی پا به فرار می گذارند. در این بحبوحه مردم (که از خراسانیان می باشند) آرزوی دیدار مهدی (عج) را داشته و او را می جویند».^۲

۹- ابن حماد در نسخه خطی ص ۸۸ به نقل از امام باقر (ع) می فرماید:

«یاران درفش های سیاه از خراسان به کوفه روی می آورند و چون مهدی (عج) در مکه ظهور نماید، گروهی را جهت بیعت نزد وی می فرستند».

۱۰- در ارزشمندی ایرانیان و خدمات آنها در زمینه سازی و یاری رسانی و مسئولیت های آنها در نهضت ظهور حضرت مهدی (عج) در روایات آمده است که:
درفش خراسانی و درفش های اهل مشرق به طور کلی به درفش هدایت توصیف شده و کشته شدگان آنها در زمینه سازی ظهور حضرت (عج) شهید محسوب

۱- همان ص ۱۴۹

۲- عصر حضور ص ۱۵۱ به نقل از نسخه خطی ابن حماد ص ۸۶

می‌شوند و خداوند دین خود را به وسیله آنان یاری می‌نماید و تعداد نسبتاً زیادی از ایرانیان، وزیران و مشاوران حضرت مهدی (عج) و یاران خاص او خواهند بود، که از جمله‌ی آنان فرمانده نیروهای ایرانی، شعیب بن صالح است، که امام مهدی (عج) وی را به سمت فرماندهی کل ارتش خود برمی‌گزیند. و نیز نقش ایرانیان، در زمینه سازی قیام حضرت مهدی (عج) در تمام سطح‌ها، نقش وسیع و فعال است. و آنان با قیام و فداکاری‌های خود که آغاز نهضت حضرت مهدی (عج)، به وسیله قیام آنان خواهد بود، نسبت به دیگران از برتری خاصی برخوردار می‌باشند.

۱۱- فداکاری و از خود گذشتگی ایرانیان برای زمینه سازی ظهور در عراق:

در روایت خطبةالبیان آمده است:

«آگاه باشید، وای بر بغداد از اهل ری، از مرگ و میر و کشتار و ترس و وحشتی که اهل عراق را فرا می‌گیرد، زمانی که شمشیر در بین آنان گذارده شود، آنقدر که اراده خداست کشته می‌شود و در این هنگام عجم بر عرب خروج نموده و بصره را به تصرف خود در می‌آورند.»^۱

شکست سفیانی به سرپرستی شعیب بن صالح

۱۲- در بعضی از روایات آمده است که سفیانی در جنوب ایران در محلی نزد یک استخر (شهری قدیمی در منطقه اهواز که آثار آن هنوز در نزدیکی شهر نفت خیز مسجد سلیمان، به نام مسجد سلیمان مشهور است)، ایرانیان به سرپرستی شعیب بن صالح با ایرانیان در مقابل او به طرف داری از حضرت مهدی (عج) با او مبارزه می‌کنند، و حضرت مهدی (عج) شعیب بن صالح را که فرمانده نیروهای ایرانی است بعنوان فرمانده کل نیروهای خود منصوب می‌نماید. و سپاه سفیانی را شکست فاحشی می‌دهد و از منطقه به طرف مناطق فلسطین فراری می‌دهد.^۲

۱- عصر ظهور ص ۱۸۷ به نقل از الزام الناصب ج ۲ ص ۱۹۱

۲- همان، ج ۲ ص ۲۵۰

اظهار نظر ابن ابی الحدید در مورد ایرانیان

۱۳- ابن ابی الحدید مفسر بزرگ و دانشمند سرشناس معتزلی در شرح نهج البلاغه، مطالب جالبی را در ارزش والای ایرانیان بیان نموده است. (شرح نهج البلاغه ج ۲۰ ص ۲۸۴).

«روزی اشعث بن قیس (رئیس قبیله بزرگ کنده و از سران منافقین و شریک قتل امیرالمؤمنین (ع) و دخترش جعدده همسر و قاتل امام حسن مجتبی (ع) می باشد) از بین صفوف جماعت، خود را به صف اوّل، خدمت امیرالمؤمنین (ع) رسانید و گفت: ای امیرالمؤمنین (ع) این سرخ رویان (ایرانیان) که اطراف شما را گرفته و نزدیک شما نشسته اند بر ما چیره شده اند. مولا علی (ع) بعد از تأملی به حالت عصبانیت و حق بجانب فرمودند:

کدام یک از این شکم پرستان بی شخصیت (اعرابی که با تمام وجود مشکلات ددمنشانه ای در حقّ علی (ع) و حضرت زهرا (س) ایجاد کرده بودند و هم اکنون مجدداً دور او جمع شده بودند) مرا معذور می دارد و حکم به انصاف می کند، که برخی از آنها مانند الاغ در رختخواب خود می غلظند و دیگران را از پند آموختن محروم می سازند. آیا مرا امر می کنی آنان (ایرانیان) را طرد کنم؟ هرگز طرد نخواهم کرد. چون در این صورت از زمره ی جاهلان خواهم بود. اما سوگند به خدایی که دانه را شکافت و بندگانش را آفرید، حتماً شما را برای برگشت مجدداً به آئین تان سرکوب می کنند همانگونه که شما آنان (ایرانیان) را در آغاز برای پذیرش این آئین سرکوب نمودید».

جداً نکات ارزشمند و بی نظیری در کلمات گهربار مولای متقیان (ع) آن هم با سبند بسیار متقن از مفسّر بی نظیر اهل سنت ابن ابی الحدید به چشم می خورد. که اگر به چند نکته از آن مجدداً اشاره شود خیلی پسندیده است.

الف: آفتابی کردن چهره‌های منافق و آنان که دوست ندارند انسانهای مؤمن و خالص دور امام جمع شوند.

ب: بینش و حمایت الهی و متقن مولا علی (ع) از ایرانیان که مورد وثوق امام هستند و اعلام بی وفایی گروه زیادی از اعراب در طول زندگی پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) و سایر امامان (علیهم السلام) را بیان می‌فرماید.

ج: مژده نوید بخش مولا علی (ع) که سرانجام پرچم پر افتخار نجات اسلام و قرآن و مسلمین به دست با کفایت ایرانیان در جهان بر افراشته می‌شود، و با تلاش و ایثار چشم گیر، زمینه ساز ظهور حضرت مهدی (عج) می‌شوند، به گونه‌ای که فرمانده کل لشکر امام زمان (عج) شخص با کفایتی همچون شعیب بن صالح، از اهل ری انتخاب می‌شود.

۱۴: فرمایشات گهربار نبی اکرم (ص) در مورد ایرانیان بسیار افتخار آمیز و کم نظیر است:

الف: احمد بن حنبل در مسند خود ج ۵ ص ۱۱ به نقل از نبی اکرم (ص) می‌نویسد:

«نزدیک است که خداوند متعال، اطراف شما را از عجم (ایرانیان) پر نماید، آنان چون شیرانی هستند که اهل فرار نیستند، طرفهای درگیر و دشمنان شما (اروپائیان و ترکان و سفیانی‌ها) را می‌کشند و از غنیمت‌های شما استفاده نمی‌کنند».

ب: نبی گرامی (ص) به طور شفاف اعلام می‌فرماید:

«نزد پیامبر (ص) صحبت از فارس به میان آمد، حضرت فرمود: فارس (ایرانیان) طرفداران و دوستداران ما اهل بیت هستند»^۱.

ج: نبی اکرم (ص) نسبت به ایرانیان اعتماد خاصی داشتند. حافظ ابونعیم در کتاب خود ذکر اصبهان ص ۱۲ به نقل از رسول گرامی (ص) می‌نویسد.

۱- ذکر اصبهان، حافظ ابونعیم ص ۱۱

«نزد پیامبر (ص) سخنی از موالی و عجم‌ها (ایرانیان) به میان آمد، آن حضرت فرمود: سوگند به خدا من بیش از شما (و یا بیشتر از بعضی از شما) به آنها اعتماد دارم. جداً اگر به طور دقیق و کارشناسی به وضع موجود کشورهای اسلامی با بعضی از این سران مزدور آنها (دولت مردان بی انصاف و ضد بشریت و دشمنان سرسخت اسلام و مسلمین) و کشورهای عربی، نظر افکنده شود، آیا جز ملت ایران و قلیل مردمان آزاده بعضی از کشورها، علیه آنها حرفی می‌زنند، هر روز به نحوی به یکی از مقدسات اسلام و مسلمین هتک حرمت می‌شود. چه ظلم‌ها و بیدادگری‌هایی که در سرزمین فلسطین، افغانستان و عراق و سایر مناطق مسلمان نشین که اعمال نمی‌شود؟ اگر فریادی هست، اگر انصافی هست و اگر اقدامی صورت می‌گیرد از طرف ملت ایران است. این است که ملت ایران مورد اعتماد پیامبر (ص) دور اندیش قرار گرفته است.

۱۵: نکات ارزشمندی در روایت حضرت علی (ع) در مورد مردم طالقان:

الف: در حدیثی از حضرت علی (ع) در منابع اهل سنت آمده است:

«خوشا به حال طالقان، خداوند متعال گنج‌هایی در آنجا دارد که نه از طلاست و نه از نقره، اما در آن خطه مردانی وجود دارد که خدا را آنطور که شایسته‌ی معرفت است شناخته‌اند و آنان، یاران مهدی (عج) در آخر الزمان می‌باشند».^۱

ب: در منابع شیعه نیز در بحار ج ۵۲ ص ۳۰۷ به روایت از امام صادق (ع) نقل شده است که: «خداوند متعال را گنج‌هایی است در طالقان که نه طلاست و نه نقره و در فشی که از آغاز تاکنون باز نشده و به اهتراز در نیامده است، این خطه دارای مردانی است که قلب‌های آنها مانند پاره‌های آهن محکم و نستوه می‌باشد و نسبت به ذات مقدس خداوند تردیدی در آن قلب‌ها ایجاد نمی‌شود. شدیدتر از آتش‌اند. اگر بر کوه حمله ور شوند آن را از جای بر می‌کنند، با به دست داشتن پرچم، آهنگ

هر دیاری که نمایند آن را ویران و منهدم می‌سازند، بر اسب‌هایشان همچون عقاب سوارند، بعنوان تبرک زین مرکب امام (عج) را بوسه زده و با دست لمس می‌نمایند. آن بزرگوار را پروانه‌وار در وسط گرفته و به هنگام خطر، آن وجود مقدس را با جان خود حفظ می‌کنند. شب‌ها را با مناجات سپری می‌کنند و روزسواران کار زارند، آنان زاهدان شب و شیران روزند. در اطاعت از امام و رهبرشان مطیع‌تر از کنیزکان نسبت به مولای خویش‌اند، درخشندگی آنها مانند چراغ‌های پر نور است، مثل اینکه قلب‌هایشان چراغی از ایمان است، از بیم خدا می‌هراسند، شهادت طلب‌اند و آرزوی کشته شدن در راه خدا را دارند. شعار آنان، خونخواهی سالار شهیدان حسین (ع) است. هنگامی که پیش می‌تازند رعب و وحشت آنان به مسافت یک ماه راه رفتن، در قلب دشمنان جایگزین می‌شود. گروه گروه به سوی حضرت روانه می‌شوند، به واسطه‌ی این رادمردان، خداوند امام بر حق مهدی (عج) را پیروز می‌گرداند.^۱

ج: با بررسی روایات و دقت در آنها اینطور به دست می‌آید که، منظور از طالقان مردمان ایران می‌باشد و بخصوص در اکثر روایات بنام قیام خراسانیان مشهور است. بخصوص در استان خراسان نیز منطقه‌ای بنام طالقان وجود داشته است که در حال حاضر اثری از آن نیست. نه منطقه طالقان فعلی که در حدود صد کیلومتری شمال غربی تهران است. و از چند روستا تشکیل شده است و شهر آن چنان بزرگی ندارد که بتوان سپاه و لشکرهایی با آن شکوه و عظمت در زمینه‌سازی و نهضت حضرت مهدی (عج) سر آمد سپاه آن حضرت باشند و فاتح و پیروز بر تمامی سپاهیان دشمن امام قرار گیرند. و فرماندهان سپاه امام و بخصوص فرمانده کل سپاه امام که ایرانی است (شعیب بن صالح) از این منطقه باشد.

نهضت و قیام سید حسنی در زمینه‌سازی و یاری حضرت مهدی (عج):

موضوع سید حسنی که یکی از علائم قطعی ظهور حضرت مهدی (عج) می‌باشد و در بحث علائم ظهور اشاره کوتاهی به آن شد، ولی با توجه به اهمیت ویژه‌ای که در زمینه‌سازی و زمان ظهور دارد، و عامل اصلی پیروزی امام بر دشمنان بخصوص ارتباط آن به شور و شوق ملت ایران که گذشت و در فرمایشات نبی گرامی (ص) و معصومین (علیهم السلام) نکات برجسته‌ای طرح شده است، لازم است که به طور مستقل نیز مطالب مهم این موضوع کارشناسی و یاد آوری گردد.

۱- در فاصله کوتاهی قبل از ظهور، ایرانیان در جنگ بسیار سنگین و نابرابری که با دشمنان خود درگیرند، و با توجه به فشار شدید بر سپاه ایران، و طولانی شدن آن، سران مملکت با اصرار و علی‌رغم میل خود سید حسنی را به عنوان سرپرست امور جنگ انتخاب می‌کنند، وی در اندک زمانی موفق می‌شود انسجام و وحدت لازم را در سپاه ایران ایجاد نماید و سردار رشید خود شعیب بن صالح را به فرماندهی کل نیروی مسلح خود تعیین می‌کند.

۲- بعد از این تحولات، خراسانی و شعیب جنگ را در مرزهای ایران - ترکیه - عراق، هدایت و اداره می‌نمایند، ولی وارد کشور عراق نمی‌شوند. و از جهت دیگر نیروهای مستقر در شام خود را به پیشروی دستور می‌دهند. و در همان زمان از دو جناح عراق و شام آماده پیشروی گسترده خود به سوی فلسطین و قدس می‌شوند. امام باقر (ع) تأخیر خراسانی را در پشت مرزهای عراق، علت نظامی می‌داند می‌فرماید: تا این که خراسانی و سفیانی بر آنها (اهل عراق) خروج نموده و هر دو مانند دو اسب مسابقه، یکی از اینجا و دیگری از آنجا به سوی کوفه در حرکت هستند.^۱

۱- عصر ظهور ص ۲۶۸ به نقل از بحار ج ۵۲ ص ۲۳۲

۳- در لحظه رسیدن به داخل خاک عراق در روایات آمده است که سید حسنی تعدادی از لشکر خود را به طرف مکه اعزام می‌نماید. زیرا ظهور امام (ع) در مکه در اخباری به گوش او رسیده است لذا اقدام او به جهت یاری امام (عج) در حجاز و مکه علیه دشمنان سر سخت ضد ظهور و ضد امام مهدی می‌باشد.

۴- توقف هجده روزه خراسانی در مرز عراق باعث می‌شود که سفیانی وارد عراق شود و سه روز تجاوزات سپاهش را به عراق مباح اعلام می‌نماید. در مورد عملکرد سفیانی در طول این مدت در نسخه خطی ابن حماد ص ۸۴ آمده است:

«سفیانی وارد کوفه می‌گردد، آن شهر را سه روز بر همه مباح می‌گرداند، شصت هزار از مردم را کشته و هجده شب در آنجا اقامت می‌کند.»

۵- خبر حمله سفیانی به کوفه و قتل و عام مردم توسط لشکریان او به گوش خراسانی می‌رسد. و او با سپاهیان خود وارد عراق می‌شود و به طرف کوفه حرکت می‌نماید. خبر رسیدن سپاه خراسانی به سفیانی، موجب وحشت او می‌شود و فرار را بر قرار ترجیح می‌دهد.

۶- خراسانی وقتی وارد عراق می‌شود، با اعلان دوستی و محبت و تجدید بیعت با امام (عج)، منتظر دستور امام مهدی (عج) می‌ماند. در روایت آمده است.

«درفش‌های سیاهی که از خراسان خروج می‌کنند. به سوی کوفه فرود می‌آیند و با ظهور آن حضرت برای تجدید بیعت حضور ایشان می‌رسند»^۱.

۷- هنگامی که حضرت (عج) از حضور ایرانیان در مرز عراق و شهر کوفه اطلاع پیدا می‌کند، حضرت به سپاه خراسانی فرمان می‌دهد تا علیه سفیانی قیام نمایند.

«زمانی که سواران سفیانی به سوی کوفه خروج می‌کنند، آن حضرت در پی اهل خراسان می‌فرستد و خراسانیان در طلب مهدی (عج) بر می‌آیند»^۲.

۱- عصر ظهور ص ۲۶۹ به نقل از بحار ج ۵۲ ص ۲۱۷

۲- عصر ظهور ص ۲۶۹ به نقل از ابن حماد ص ۸۶

۸- در پاره‌ای از روایات آمده است، که اجتماع انبوه ایرانیان در جنوب کشور در منطقه‌ای بنام (کوه سفید) نزدیک شهر اهواز و تحت رهبری سید خراسانی است که امام زمان (عج) بعد از فراغت از نبردهای حجاز و پیروزی سپاهش، متوجّه این منطقه می‌شود و با سید خراسانی و سپاه او و سپاه امام ملاقاتی صورت می‌گیرد، و تصمیمات جدی برای پیشرفت عملیات نظامی علیه دشمن، طرح‌ریزی می‌گردد.

۹- در همین محل جنگ سنگینی بین سپاه امام (عج) و نیروهای طرفدار سفیانی که رومیان می‌باشند و از طریق دریا وارد ایران شده‌اند به وقوع می‌پیوندد.

که سرانجام با پیروزی سپاه امام (عج) جنگ تمام می‌شود. و با این پیروزی، سپاه امام، جنگ تمام می‌شود و این پیروزی اولین مژده‌ی سرنوشت ساز قیام مهدی (عج) می‌شود و باعث می‌شود که موج انسان‌ها برای دیدار امام (ع) و یاری او در سراسر جهان ایجاد گردد.^۱

۱۰- پس از این پیروزی حضرت امام (عج). سید حسنی را طی حکمی به فرماندهی کل سپاه خود منسوب می‌نماید و طی حکم دیگری شعیب بن صالح را بعنوان فرمانده کل عملیات نظامی قرار می‌دهد. لذا این دو شخصیت به عنوان یاران مخلص و وفادار به امام (عج) قرار می‌گیرند.

۱۱- از این به بعد نیروهای خراسانی با سرپرستی سید حسنی و شعیب بن صالح به عنوان هسته‌ی مرکزی لشکریان حضرت قرار می‌گیرند و به کمک آنها جهت رسیدگی به وضع عراق و سرکوبی شورشیان و آزاد سازی این بلاد از آنها، و نیز سرکوبی ترکان طرفدار سفیانی و برنامه‌ریزی برای آزادی قدس، قرار می‌گیرند.

۱۲- در مورد خراسان که سید خراسانی به آن نسبت داده می‌شود، در روایات صرفاً به منطقه خراسان کنونی گفته نمی‌شود. زیرا در صدر اسلام نسبت دادن به

خراسان کلاً به مشرق ایران می‌گفتند و شامل تمام منطقه ایران و سایر مناطق اسلامی متصل به آن که امروز تحت اشغال شوروی می‌باشد. و در مورد شخص سید حسنی نیز بیش از این در روایات توضیحی داده نشده است، و در مورد جایگاه و مقام مرجعیت او صحبتی نشده است و احتمالاً با توجه به رهبری بزرگ در مشرق زمین از طرف مرجع و رهبری حضرت مهدی (عج) به رهبر بزرگ سیاسی منسوب شده باشد.

۱۳- در مورد شعیب بن صالح و یا در بعضی از روایات صالح بن شعیب در روایات توضیحات روشن‌تر است، که جوانی است گندم‌گونه و لاغر، دارای محاسنی کم پشت، صاحب بصیرت و یقین، و اراده‌ای خلل‌ناپذیر و از جنگاوران بنام و ممتاز می‌باشد. او مردی است شکست‌ناپذیر، اگر کوه در مقابلش بایستد آن را منهدم کرده و عبور می‌کند.

با برداشت از روایات ممکن است برای تحقق وعده‌ی الهی نام او مستعار باشد. بعضی از روایات او را اهل سمرقند که هم اکنون در اشغال شوروی است می‌داند ولی بیشتر روایات او را اهل ری معرفی کرده است. که با قبیله بنی تمیم نسبتی دارد، و یا این که غلامی از بنی تمیم است. و احتمال دارد وی اهل جنوب ایران باشد زیرا هنوز عشایری از قبیله‌های بنی تمیم وجود دارد و نیز گفته است از قبایل بنی تمیم که در صدر اسلام در استان خراسان ساکن شده‌اند و اکثر آنها در بلاد ایران تقسیم شده است و فعلاً چند روستا از این قبیله نزدیک مشهد مقدس زندگی می‌کنند و با زبان عربی صحبت می‌کنند.^۱

شرح حال و وقایع مربوط به خروج عثمان سفیانی نکات قابل توجهی درباره سفیانی:

- ۱- دانشمندان اسلامی شیعه و سنی اتفاق نظر دارند، که به واسطه‌ی نسبت داشتن با ابوسفیان لقب سفیانی پیدا کرده است.
- امیرالمؤمنین (ع) نسبت او را به هند جگرخوار، زن ابوسفیان مرتبط نموده است. (بحار ج ۵۲ ص ۲۰۵) در جایی دیگر امیرالمؤمنین (ع) در نامه‌ای به معاویه، او را به معاویه نسبت داده است. امام باقر (ع) او را از فرزندان خالد پسر یزید، پسر ابوسفیان می‌داند. (نسخه خطی ابن حماد ص ۷۵) در بین اهل سنت مشهور است که اسم او عبدالله می‌باشد ولی بین شیعه مشهور این است که عثمان نام دارد.
- ۲- در روایات آمده است که وی فرهنگی غربی دارد، و در سرزمین‌های اروپائی پرورش یافته است. و مقر زندگی او روم بوده است، در کتاب غیبت طوبی ص ۲۷۸ آمده است که:
- سفیانی که سر کرده‌ی قوم خود می‌باشد، از کشور روم به حرکت در آمده و خود را به شام می‌رساند، در حالی که چون مسیحیان صلیب به گردن دارد. در واقع رهبر سیاسی غربی‌ها و یهودیان می‌باشد.
- ۳- شقاوت و سنگ دلی و بی‌رحمی او در برابر مخالفین در روایات آمده است، که: سفیانی در مدت شش ماه کسانی را که نافرمانی وی کنند می‌کشد، و با ارّه آنها را سر می‌برد، و در دیگرها می‌پزد: (نسخه خطی ابن حماد ص ۸۰).
- از ابن عباس روایت شده است که گفت:
- سفیانی خروج می‌کند و دست به کشتار می‌زند، حتی شکم زنان را می‌درد و اطفال را در دیگ‌های بزرگ می‌جوشاند. (نسخه خطی ابن حماد ص ۸۴)
- ۴- سفیانی با سپاهی انبوه از دمشق وارد رمله‌ی فلسطین می‌شود و اروپائیان شوری نیز در همین مکان به او ملحق می‌شوند و در برابر امام زمان (عج) صف

آرایی می‌کنند. و با تمام تلاش برای حفظ یهودیان و اروپائیان وارد کارزار می‌شود، سرانجام از سپاه مهدی (عج) شکست می‌خورد و سپاهش به طرف اروپا حرکت می‌کنند ولی همگی آنها به دست یاران امام (عج) کشته می‌شوند.

۵- وی با نیرنگ و عوام فریبی در آغاز مبارزاتش بشدت تظاهر به اسلام می‌نماید و خود را به اهل فضل و دانش نزدیک می‌کند ولی هر کدام از آنها که دستورات او را عمل نمی‌کنند، او را به قتل می‌رساند، ولی سرانجام نیرنگ‌های او آفتابی می‌شود و پس از مدتی مسلمانان متوجه می‌شوند، که او مدافع یهودیان و اروپائیان است.

۶- یکی از بارزترین برنامه‌های سفیانی، تحریک اهل سنت علیه شیعیان و هواداران اهل بیت است. و در این راه از هیچ جنایتی خود داری نمی‌کند. و برای سر بریدن شیعیان در برابر هر سر هزار دینار جایزه قرار می‌دهد و امام باقر در زمان حیات مبارکش به اوضاع چنین روزی خبرهای دقیقی را اعلام فرموده است.^۱

امام صادق (ع) در این رابطه می‌فرماید:

«ما و اولاد ابوسفیان دو خاندان هستیم که به خاطر خدا با یکدیگر دشمنی داریم... ما گفتیم خداوند راست گفت، و آنها گفتند خداوند دورغ گفت. ابوسفیان به جنگ پیامبر (ص) برخاست، معاویه فرزند ابوسفیان به جنگ علی بن ابیطالب (ع) رفت و یزید پسر معاویه به نبرد با امام حسین بن علی (ع) پرداخت و سفیانی به مصاف حضرت قائم (عج) برمی‌خیزد».^۲

۷- گرچه در نسخه خطی ابن حماد، سفیانی را دو و یا حتی سه نفر می‌داند ولی به طور قطع و با بررسی روایات شیعه و سنی سفیانی یک نفر بیشتر نیست و در طول مبارزاتش از یک پرچم قرمز استفاده می‌کرد که علامت برتری جوئی و سیاست خون آشامی او می‌باشد.^۳

۱- بحار ج ۵۲ ص ۲۱۵

۲- همان ص ۱۹۰

۳- عصر ظهور علی کورانی ص ۱۲۲ و ۱۲۳

۸- از روایات امام صادق (ع) چنین به دست آمده است که:

«قیام سفیانی از نشانه‌های حتمی ظهور است و خروج او در آغاز تا انجام پانزده ماه بطول می‌انجامد. و در ماه رجب آغاز می‌گردد. وی در شش ماه اول کارزار می‌کند، همین که بر پنج شهر دست یافت، نه ماه فرمانروایی می‌کند بی‌آنکه روزی بر آن افزوده شود.^۱»

۹- سفیانی با تبانی و همدست شدن با یهودیان و مسیحیان و دشمنان امام زمان (عج) در شام، سپاه بزرگی را فراهم می‌نمایند و جنگ سختی با تلفات سنگین ایجاد می‌نماید.

امام باقر (ع) می‌فرماید: اولین سرزمینی که ویران می‌شود شام است. زیرا سپاه سنگین یهودیان، مسیحیان، لشکر سفیانی علیه اسلام و حضرت مهدی (عج) جمع شده‌اند.

حضرت علی (ع) می‌فرماید: «دمشق را قطعاً ویران می‌کنم و آن را تخریب خواهم کرد، و این عمل را مردی از خاندان من انجام می‌دهد» و این همان نبرد بزرگ آزاد سازی قدس است که توسط امام مهدی (عج) در نبرد با سفیانی و یهودیان و رومیان، اتفاق می‌افتد.

۱۰- امام باقر (ع) می‌فرماید: بعد از واقعه خون بار رود فرات و کوه طلا (که روایات آمده است یکصد و شصت هزار نفر کشته می‌شود) سفیانی با لشکر انبوه خود که تعداد آن را هفتاد هزار نوشته‌اند، به طرف عراق و کوفه حرکت می‌کند. (و همانطور که در خدمات ایران در عصر ظهور گفته شد، به دست ایرانیان که از خراسان آمده‌اند، شکست می‌خورد و به طرف قدس حرکت می‌کند).

۱۱- در نسخه خطی ابن حماد ص ۹۶ به نقل از امام باقر (ع) روایت شده است که: سپاه سفیانی با قدرت تمام در حرکت به سوی قدس می‌باشد و حضرت مهدی (عج)

نیز مقتدرانه با پشتیبانی مسلمانان و ایرانیان مسلمان به حرکت به طرف بیت المقدس می‌باشد. دو سپاه بهم نزدیک می‌شوند. در روایت آمده است که: «حضرت مهدی (عج) می‌گوید پسر عموی مرا نزد من آورید (اشاره به سفیانی که انتساب به ابوسفیان و از بنی امیه می‌باشد) تا با وی سخن گویم، پس او نزد حضرت آمده و با او گفتگو می‌کند، وی زمام امر را به امام (عج) تسلیم و با او بیعت می‌کند! و چون سفیانی نزد یاران خود باز می‌گردد، قبیله‌ی کلب (نام دایی‌های سفیانی و نام عشیره‌ی آنهاست) او را نادم و پشیمان می‌کنند به همین جهت او بر می‌گردد و تقاضای فسخ پیمان می‌کند، امام (عج) نیز بیعت وی را فسخ می‌کند. آنگاه سفیانی لشکریان خود را برای جنگ با امام (عج) بسیج می‌کند. ولی امام (عج) او را شکست می‌دهد و خداوند رومیان را نیز (که در معرکه جنگ بودند) به دست آن حضرت منهدم می‌سازد.

در روایت آمده است که نشانه‌های معجزه به دست مهدی (عج) و از خود گذشتگی و مجاهدت چشمگیر یاران امام (عج) آشکار می‌گردد. و تیره روزی به سفیانی و سپاهیانش و حامیان یهودی و رومی او روی می‌آورد و به بدترین شکل شکست می‌خورند. روایت می‌گوید: او را که در کنار دریاچه طبریه یا در ناحیه ورودی قدس بقتل می‌رسانند. و به تاریخچه جنایت‌بار پانزده ماهه او که ستمگران دیگر در سال‌های متوالی نمی‌توانند مرتکب شوند، پایان داده می‌شود.

۱۲- اولین معجزه ظهور آن حضرت (عج) در مورد سفیانی شکل می‌گیرد. آن است که سفیانی با سپاهش برای سرنگونی امام از مدینه حرکت می‌کند، در بین راه خود و لشکرش به زمین فرو می‌روند، هواداران او، آنانکه پشت سر او بودند، و آنانکه در مکه بودند برای یاری او و نیز مشاهده این خبر، همگی در بین راه مکه و مدینه به زمین فرو می‌روند و مصداق آیه قرآن این پیشگویی را اعلام فرموده است که می‌گوید:

«و اگر تو ای پیامبر سختی دل تبه‌کاران را مشاهده کنی، آنگاه که ترسان و هراسان گشته و هیچ از عذاب آنان فرو گذار نشود و از مکانی نزدیک گرفتار شوند».

- ۱۳- امام (عج) بعد از این معجزه، رهسپار مدینه می‌شود، مدینه را فتح می‌کند و با فتح مدینه تسلط کامل بر حجاز به دست مبارک امام (عج) شکل می‌گیرد.
- ۱۴- بعضی روایات بر این حاکی است که امام (عج) بعد از فتح حجاز به جنوب ایران وارد می‌شود و با سید خراسانی و شعیب بن صالح مصالحه می‌نماید و به همراه امام بطرف بصره می‌روند و بصره را فتح می‌نمایند.
- ۱۵- امام (عج) از بصره به خاک عراق وارد می‌شود، آنجا را از دشمنان بخصوص باقیمانده سپاه سفیانی پاکسازی می‌کند، آنگاه عراق را مرکز حکومت، و کوفه را پایتخت خود قرار می‌دهد، و پس از این تلاش چشمگیر، بر یمن، حجاز، ایران، عراق، و تمامی کشورهای خلیج فارس پیروز می‌گردد.
- ۱۶- پس از این پیروزی از روایات چنین بر می‌آید که اولین جنگ امام بعد از این مرحله، جنگ با ترکان که در واقع دولت روسیه می‌باشد. که بر اثر جنگ با اروپائیان ضعیف شده است. امام (عج) برای رسیدن به مقصود حرکت می‌کند و آنها را شکست می‌دهد و مطیع می‌گرداند.
- ۱۷- امام (عج) سپاهش را تجهیز می‌کند و بطرف قدس شریف حرکت می‌کند. سپاه امام با اقتدار پیش می‌رود، سفیانی و سپاهش با امام (عج) مواجه می‌شوند، سفیانی وحشت می‌کند، و در محلی به نام «مرج عذراء» نزدیک دمشق با هم به مذاکره می‌پردازند. سفیانی از موضعی ضعیف برخوردار است زیرا، مردم دسته دسته به امام ملحق می‌شوند. روایات می‌گویند که سفیانی و فرماندهان او عنقریب است که مطیع امام گردند ولی طرفداران یهودی و رومی او سرسختی نشان می‌دهند، و جنگی عجیب و سخت آغاز می‌گردد.
- ۱۸- نبرد، محورهای عکا در فلسطین و انطاکیه در ترکیه و در مرکز عملیات طبریّه در سرزمین فلسطین پیشروی می‌نماید. عملیات وحشتناک و خطرناک می‌شود،

که در این هنگام خشم خدا و امدادهای غیبی فریادرس می‌گردد و مسلمین یک نیروی فوق العاده الهی پیدا می‌کنند و بر دشمنان غالب گشته، همگی کشته می‌شوند. جالب این که در روایت آمده است، یک نفر از یهودیان پشت سنگی مخفی می‌شود، سنگ به صدا آمده و می‌گوید: یکی از دشمنان مخفی شده او را هلاک کن. و با عنایات خداوند، پیروزی کامل حاصل می‌گردد و امام با سپاه ظفرمند خود وارد قدس شریف می‌شود.

۱۹- غربیان مسیحی با شنیدن پیروزی امام (عج) خشمناک شده و علیه امام (عج) اعلام جنگ می‌نمایند، در این لحظه حضرت مسیح (ع) از آسمان به قدس شریف فرود آمده و با سخنان خود جهانیان بخصوص مسیحیان را خطاب قرار می‌دهد و سرانجام صلح هفت ساله‌ای بین امام و آنها منعقد می‌گردد.

حدیث نبوی در مورد آینده برنامه امام (عج) بعد از این پیروزی:

بین شام و رومیان چهار پیمان صلح برقرار می‌شود که چهارمین آنها به دست مردی از (خاندان) هرقل، انجام می‌پذیرد و هفت سال به طول می‌انجامد. مردی از عبدالقیس به نام «مسعود بن غیلان» پرسید: ای پیامبر خدا، پیشوای مردم در آن روز چه کسی خواهد بود؟ فرمود: مهدی (عج) از فرزندانم که مردی چهل ساله بنظر می‌رسد، چهره‌اش چون ستاره‌ی تابان می‌درخشد، بر گونه‌ی راست او خالی وجود دارد، و در حالی که دو قبای قطوانی (محلّی نزدیک کوفه) به تن دارد همچون مردان بنی‌اسرائیل جلوه می‌کند، وی گنجینه‌های زمین را استخراج نموده، شهری شرک آلود را آزاد می‌سازد.

آنگاه با شما پیمان شکنی نموده، با ارتش سنگین متشکل از هشتاد لشکر، و هر لشکر دوازده هزار سرباز بسوی شما گسیل می‌شوند. نبرد سختی شکل می‌گیرد و حضرت عیسی (ع) با هماهنگی با امام زمان (عج) بر آنها یورش می‌برند و حضرت عیسی (ع) پشت سر امام نماز می‌خواند و انقلابی در کشورهای مسیحی پیش می‌آید،

و دولت‌های غربی به وسیله ملت‌هایشان از امام (عج) اطاعت می‌کنند، و فتح و پیروزی امام (عج) بر کشورهای غرب گشوده می‌شود.

۲۰- در روایتی از بحار در مورد حمله سفیانی به عراق و بی‌رحمی‌ها و شقاوتی که در این بلاد انجام می‌دهد. و حتی گفته می‌شود دیوار مسجد کوفه به وسیله او و سپاهش خراب می‌شود. و در شقاوت او آمده است که :

«فرمانروای مردم در آن روزگار جبار و ستمگری لجوج است که کاهن و جادوگر نامیده می‌شود.^۱ (زیرا او بر گردنش صلیب آویزان می‌باشد).»

نکات بسیار جالبی در مورد حضرت عیسی (ع) و ظهور حضرت مهدی (عج)

۱- با بررسی آیات قرآن و روایات، از دیدگاه بزرگان اهل سنت و شیعه در مورد وقایع آخرالزمان و ظهور حضرت مهدی (عج)، همگی آنها معتقدند که حضرت عیسی (ع) از آسمان فرود می‌آید و در محضر امام زمان (عج) حضور پیدا می‌کند. در سوره نساء آیه ۱۵۹ می‌فرماید:

«هیچ کس از اهل کتاب نیست مگر آنکه پیش از مرگ، به وی (حضرت عیسی (ع)) ایمان خواهد آورد و در روز قیامت او بر نیک و بد آنان گواه خواهد بود.»

۲- حضرت عیسی (ع) بعد از فرود از آسمان در خدمت امام زمان (عج) قرار می‌گیرد و پشت سر او نماز می‌خواند.

در بحار علامه مجلسی از امام باقر (ع) روایت شده است که:

«پیش از قیامت، عیسی (ع) به دنیا فرود می‌آید و هیچکس از ملت یهود و مسیحی نمی‌ماند مگر آنکه قبل از مرگ به او ایمان می‌آورد و آن حضرت پشت سر مهدی (عج) نماز می‌گزارد.^۲»

۱- عصر ظهور ص ۱۸۸ به نقل از بحار ج ۵۲ ص ۲۷۳

۱- عصر ظهور ص ۳۴۱

۳- حضرت عیسی (ع) وقتی بر زمین فرود آمد، رهبر مسیحیان و یهودیان می شود. نبی مکرم (ص) می فرماید:

چگونه خواهید بود آنگاه که عیسی بن مریم (ع) در میان شما فرود آید و پیشوای شما از خود شما باشد.^۱

۴- در حدیثی دیگر از نبی گرامی (ص)، فرود حضرت عیسی (ع) به زمین وسیع تر بحث شده است. می فرماید:

«پیامبران با یکدیگر برادرند و به سبب‌هایی، آئین شان یکی و مادرانشان مختلف است. سزاوارترین ایشان نسبت به من عیسی بن مریم (ع) است. چرا که بین من و او پیامبری نیست، او در میان شما فرود خواهد آمد، پس او را بشناسید، مردی چهارشانه و درشت اندام و سرخ و سفید گونه است، خوک را می کشد، و صلیب را می شکند و مالیات وضع می کند و بجز اسلام آئینی نمی پذیرد و دعوت او یک جهت داشته که منحصر به پروردگار جهانیان است.»

۵- در مورد محل فرود او گر چه نظرات گوناگونی بیان شده است، ولی با توجه دقیق به احادیث، مشهور این است که در قدس شریف فرود می آید و سپس به شام می رود و به محضر حضرت مهدی (عج) حضور یافته و اعلام آمادگی در همکاری می نماید.

۶- در روایات به طور قطعی اعلام شده است که، وی پشت سر امام مهدی (عج) نماز می خواند، و همراه امام هر سال به حج خانه خدا مشرف می شود. در اجرای قوانین و مسائل شرعی از امام مهدی (عج) پیروی کامل می نماید.

۷- مدت عمر شریف او بعد از فرود به زمین چهل سال در روایات آمده است. و در این مدت، به حکم امام مهدی (عج) به همراهی مسلمانان، به نبرد با یهودیان، مسیحیان اروپا و دجال می پردازد.

۸- حضرت عیسی (ع) پس از انجام وظائف محوله‌ی الهی و خدمات رسالت خود در کنار امام خود مهدی آخرالزمان (عج) به امر خداوند رحلت می‌نماید. و در روایات آمده است که حضرت مهدی (عج) خود شخصاً مراسم دفن او را به طور آشکار و در برابر دیدگان مردم برگزار می‌کند که دیگر مسیحیان حرفهای گذشته را (در مورد به آسمان رفتن او را رد ننمایند) و بر زبان نیاورند. پیکر او را با پارچه‌ای که دستباف مادرش حضرت مریم (ع) است کفن نموده، نمازش با جمعیت انبوه مسلمانان برگزار می‌گردد و در کنار قبر مادرش، در قدس شریف به خاک می‌سپارند.^۱

۹- در حکمت الهی، به آسمان رفتن حضرت عیسی (ع)، و فرود آمدن وی از آسمان، و برداشت از قرآن که می‌فرماید:

«هیچ کس از اهل کتاب نیست مگر اینکه به او ایمان می‌آورد»

این باشد که خداوند طول عمر زیادی به او عنایت فرماید تا در عصر ظهور حضرت مهدی (عج) از آسمان فرود آید و در خدمت به رهبر جهانی بتواند مسیحیان و یهودیان که قدرت بزرگ جهانی این عصر را تشکیل داده‌اند، با انتخاب رهبری از خودشان، آنها را در امر اطاعت از حضرت مهدی (عج) آماده نماید، و در بر پایی تمدن بزرگ اسلامی و ایجاد حکومت الهی در کل جهان خدمت نماید.

۱۰- از مضامین روایات چنین بر می‌آید که حضرت عیسی (ع) از کشورهای مختلف بلاد غرب و شرق به امر امام خود، دیدن می‌کند و خداوند نشانه‌ها و معجزاتی به دست او در حضور مردم آشکار می‌کند و جهت هدایت تدریجی مسیحیان و یهودیان به اسلام در دراز مدت اقدام می‌نماید. و اولین بهره‌گیری از این سفرهای سیاسی فرود آمدن او، کاهش دشمنی آنها با حضرت مهدی (عج) می‌باشد که سرانجام به یک صلح هفت ساله بین آنها و حضرت مهدی (عج) منتهی می‌گردد.

۱۱- شرکت حضرت عیسی (ع) در نبرد سخت و فرسایشی، در کنار حضرت مهدی (عج) به عنوان معاون وی و خیل بزرگ سپاه اسلام در نبرد با دجال و شکست سپاه او که یهودیان را وادار کرد به نقض قرار داد صلح بین آنها و امام (عج) و سرانجام خود و سپاهش شکست خوردند و او نیز کشته شد.

۱۲- و در مورد تاکید بر نماز خواندن حضرت عیسی (ع) پشت سر امام (عج) و نیز کشتن خوگ و شکستن صلیب، از روایات چنین بر می آید که:

در انعقاد صلح هفت ساله بین مسیحیت و یهود، با امام زمان (عج) نقش اساسی آن توسط حضرت عیسی (ع) شکل می گیرد، ولی بعد از دو سال یهودی های لجباز و متعصب قرار داد را فسخ می کنند و با جمع نیروهای خود سپاه بزرگی فراهم می آورند و اعلام جنگ با حضرت مهدی (عج) می نمایند، لذا حضرت عیسی (ع) در برابر آنها، به طور رسمی وارد جنگ می شود و مسلمانی خود را قاطعانه اعلام می نماید و صلیب را می شکنند و خوگ را می کشند تا آنها بدانند که با حضرت عیسی (ع) طرف هستند و نه با مهدی (عج). این حرکت، در بین سپاه تفرقه می اندازد و باعث شکست آنها می شود. لذا نعمت و رحمت ذخیره شده حضرت عیسی (ع) قبل از تشکیل حکومت الهی و بعد از آن اثرات معجزه آسایی برای پیشرفت نهضت حضرت مهدی (عج) خواهد داشت.

داستان شکل گیری دجال در عصر ظهور امام مهدی (عج)

در رابطه با مسئله دجال، روایات به شرح زیر بحث کرده اند.^۱

۱- یهودیان متعصب و لجوج (که صهیونیست های کنونی از اذنان آنها هستند) در برابر پیروزی های امام (عج) و نقش حضرت عیسی (ع) در ایجاد تفرقه بین آنها

۱- حکومت عدل گستر، از ص ۱۷۲ به بعد.

و کشاندن رقم درشتی از آنها به اسلام، قابل تحمل نبود، و با توجه به پیمان نامه‌ای که امضا کرده بودند، دستشان از نظر اقدام به جنگهای مجدد بسته شد.

لذا شخصی را به نام دجال یک چشم پیدا کردند و آماده فتنه انگیزی در حکومت امام مهدی (عج) نمودند. چشم راست او ناپیداست و در چشم دیگرش چیزی مانند گوشت جویده شده دیده می‌شود که آمیخته به خون است. چشم وی مانند دانه‌ی انگوری که روی آب در گردش باشد از حدقه بیرون است.

۲- علت اقدام یهودیان و علم کردن دجال، این بود که در ضمن نهضت امام، تعدادی از مردم در فشار اقتصادی قرار گرفتند و نیز نظارت امام (عج) بر اجرای دستورات اسلام، برای بعضی افراد بخصوص جوانان مشکل بود. لذا زمینه‌های بهانه جویی فراهم و یهودیان با کارشناسی و جامعه شناسی و دیدگاه‌های روانشناسی اقدام به این آشوب و فتنه گری نمودند.

۳- برنامه یهودیان که مجری طرح دجال بودند، یک نوع زندگی پوچ‌گرایی از طریق خوش گذرانیها و عیش و نوش‌های بی رویه و بریدن از دین و بی‌نظم و بی‌انضباطی اجتماعی و فرهنگی بود، (تقریباً برای فهم آن به ذهن شبیه هیپی‌گری در غرب).

ولی با این تفاوت که طرحهای او بسیار پیشرفته و نشأت گرفته از ساختار علمی فریبنده بود.

۴- از جمله طرح‌های دجال بی‌اعتنایی و عدم ضرورت به برنامه‌های دینی، و ریخت و پاش بی رویه در رفع مشکلات اقتصادی مردم، و فریب دختران و پسران جوان، در آزاد بودن آنها به انتخاب همدیگر و معاشرت‌های غیر مشروع بین آنها، و رواج بی‌بندوباری در افراد، بخصوص جوانان، و حمایت بی‌دریغ یهودیان، رشد چشمگیری پیدا می‌کند، و مشکلات چشمگیری ایجاد می‌نماید، که برای مسلمانان بسیار سخت و ناگوار خواهد بود.

۵- گر چه عده‌ای از مردم بخصوص جوانان ناآگاهانه تسلیم توطئه‌های دجال می‌شوند، ولی نور تابناک الهی با علم و درایت کامل به طور شیوا و شفاف افشاگری می‌نماید و تمام توطئه‌های این ملعون مزدور را خثی می‌کند. بخصوص با آرامش نسبی که فراهم می‌آید، خداوند وفور نعمت را از زمین و آسمان در اختیار امام (عج) قرار می‌دهد و مردم از نظر اقتصادی نیز به برنامه‌های رفاهی لازم می‌رسند.

۶- سرانجام امام (عج) با سپاهی منظم و عظیم به همراهی حضرت عیسی (ع) بر سپاه دجال پیروز می‌شوند، و به امر امام (عج)، او کشته می‌شود. و از سپاه او، عده‌ای تسلیم و تعدادی کشته می‌شوند و بقیه فرار می‌کنند، و غائله دجال تمام می‌شود، (و اینکه بعضی در کتب نوشته‌اند که دجال به وسیله حضرت عیسی (ع) کشته می‌شود صحیح نیست، این مطلب از گفته‌های مسیحی‌ها در بعضی از نسخه‌های انجیل است. ولی در روایات شیعه و سنی این مطلب دیده نمی‌شود).

عمل کرد حضرت مهدی (عج) در پیشرفت نهضت الهی خود:

نکات بسیار دقیق و شفاف و قابل توجه در برنامه‌ریزی‌های پیشبرد نهضت ظهور:

۱- با توجه به متشکل شدن مخالفین و سنگ دلی آنها در کشتار شیعیان و اولاد پیامبر (ص) و هواداران و طرفداران حضرت (عج) و ویران کردن آبادی‌ها و سرزمین‌ها در روایات آمده است که: نوشته‌ای که با آن حضرت است، عهد نامه‌ای است به املائی جدش پیامبر (ص) و به خط علی (ع) که در آن چنین آمده است:

«آنان را به قتل برسان و همه را بکش و طلب توبه از کسی مکن»

۲- از امام باقر (ع) منقول است که:

قائم (عج) با ماموریت جدید و قضاوت جدید، قیام می‌کند، با اعراب به شدت برخورد می‌نماید. و کارش چیزی جز شمشیر نیست. او از احدی طلب توبه

نمی‌کند، و در راه خدا از سرزنش هیچ ملامت گری باکی ندارد.^۱

۳- علت این روش به ظاهر خشن و سنگین این است که اجداد بزرگوارش را با ملت آنها و خاندان نبوت و هواداران آنها بیرحمانه زجر داده‌اند، زندانی کرده‌اند، غارت نموده‌اند، و به قتل رسانده‌اند، از جمله فجایع برخورد با حضرت علی (ع) و حضرت زهرا (س)، نحوه به شهادت رساندن امام حسن مجتبی (ع)، صحنه‌های دلخراش جنایاتی که با امام حسین (ع) و اصحابش و بدن‌های آنها، اسرای آنها و نیز در طول تاریخ تا زمان ظهور، همگی حاکی از بیرحمانه‌ترین رفتار آنها با بندگان صالح خداوند است، لذا به هر جا قدم می‌گذارند از سرکوبی امام (عج) و یارانش دریغ نمی‌کنند و علیه آنها قیام می‌کنند. لذا امام (عج) چاره‌ای جز شدت عمل با آنها ندارد، و همه را از دم تیغ می‌گذرانند.

۴- امام صادق (ع) در شیوه قیام حضرت مهدی (عج) می‌فرماید:

«قائم (عج) در جریان نبرد خود با مسائلی روبرو خواهد شد که رسول خدا (ص) با آن مواجه نشده است. چون زمانی که پیامبر (ص) در بین مردم مبعوث گردید، آنان سنگ و چوب تراشیده (بت) را می‌پرستیدند، اما در زمان حضرت مهدی (عج) مردم بر او می‌شورند و کتاب خدا را برای آن حضرت تاویل و تفسیر می‌کنند و به همین جهت با حضرت می‌جنگند».^۲

۵- در شیوه برخورد و ورود امام (عج) به شهر کوفه امام باقر می‌فرماید:

«زمانی که قائم (عج) قیام می‌کند، به طرف کوفه حرکت می‌کند، جمعیتی حدود دوازده هزار نفر که بتریه نامیده می‌شوند از شهر خارج شده و سر راه را بر آن حضرت می‌گیرند. و بدو می‌گویند از همان راه که آمده‌ای برگرد ما را نیازی به اولاد

۱- بحار ج ۵۲ ص ۳۵۳

۲- بحار ج ۵۲ ص ۳۶۳

فاطمه نیست، پس حضرت شمشیر در بین آنها گذاشته و یک نفر از آنان را زنده نمی گذارد، آنگاه وارد کوفه می شود و همه منافقین شکاک و جنگجویان آنجا را از دم تیغ می گذرانند، تا موجبات رضایت حضرت حق را فراهم نماید.^۱

۶- فرهنگ دینی و وضع احکام اسلام هنگام ظهور امام (عج) به نقل از امام باقر(ع) مفاهیم آیات و احکام را بد گونه ای در ذهن خود ضبط کرده اند. از امام باقر(ع) در این مورد نقل شده است که:

«وقتی که صاحب امر (حضرت مهدی(عج)) به بعضی از احکام و سنت حکم کند، و سخن بگوید، گروهی از مسجد بیرون آمده و علیه امام(عج) شورش می کنند، وی به یارانش دستور می دهد، تا آنها را سرکوب نمایند. سپاه امام در محله تمارین (خرما فروشان) در کوفه به آنان می رسند و همگی آنها را به اسارت در می آورند. آنگاه به امر امام آنان را سر می برند. و این آخرین گروه از مسلمانان متعصب نادان است که بر قائم (عج) آل محمد(ص) خروج می نمایند.^۲

۷- پس از سرکوبی کامل اعراب مسلمان مخالف ظهور امام(عج)، چند روزی را در کوفه متوقف می شود. ابوبصیر از امام روایت می کند:

«پس (امام) توقف کوتاهی می نماید. تا اینکه در رُمیله ی دسکره، (از توابع کوفه) شورشیان غیر عرب (ترکان) بر او خروج می کنند که تعداد آنها قریب به ده هزار نفر و شعارشان «ای عثمان ای عثمان» است. آنگاه حضرت شخصی را (از فرماندهان عجم خراسانیان) فرا خوانده و شمشیرش را بدو می سپارد و او آهنگ آن جماعت نموده و همه ی آنها را بقتل می رساند به گونه ای که یک تن از آنها باقی نمی گذارد.^۳

۸- روش حکومت و فرماندهی بعد از پیروزی در کوفه و سرزمین عراق:

۱- بحار ج ۵۲ ص ۳۳۸

۲- بحار ج ۵۲ ص ۳۴۵

۳- بحار ج ۵۲ ص ۳۳۳

از امام صادق (ع) منقول است که:

(بعد از این که عراق به تصرف امام در آمد)

«محل زمامداری او کوفه، و مجلس قضاوت او مسجد جامع آن شهر، و بیت المال و محل تقسیم غنیمت‌های مسلمانان، مسجد سهله، و جایگاه استراحت و خلوت گاه او با خالق خویش در تپه‌های سفید غریین، می‌باشد، به خدا سوگند هیچ مؤمنی باقی نمی‌ماند مگر این که در آنجا و اطراف آنجا به سر می‌برد و یا به سوی آن منطقه می‌شتابند، مساحت شهر کوفه به چهل و پنج میل می‌رسد و آسمان خراش‌های آن شهر از عمارت‌های کربلا برتر می‌شود. و خداوند سبحان، کربلا را پناهگاه و جایگاه رفت و آمد ملائکه و مؤمنین قرار می‌دهد که موقعیتی بس مهم خواهد داشت.^۱

۹- از نکات مهم قبل از ظهور موضوع فرمایش آقا امیرالمؤمنین (ع) است که می‌فرماید:

«ظاهر شدن او اندکی ابهام آمیز است تا اینکه نام ویادش همه جا را فرا گرفته، آنگاه ظهور می‌کند»

در روایات آمده است که امام (عج) بعد از غیبت کبری، مدت شش ماه به صورت غیبت صغری نهضت ظهور خود را سپری می‌نماید. و در این مدت کارهایی به شرح زیر انجام می‌گیرد.

الف: امام (عج) مرقومه‌ای به نمایندگی خود، علی بن محمد سمري رضوان الله علیه می‌فرستد که متن آن چنین است:

«بزودی از پیروان من کسانی می‌آیند که ادعای مشاهده‌ی مرا دارند، آگاه باشید که هر کس پیش از خروج سفیانی و صیحه‌ی آسمانی ادعای مشاهده نماید، افترا بسته و دروغگو است و لاحول و لا قوة الا بالله العلی العظیم».^۲

۱- بحارج ۵۲ ص ۱۱ و ۱۲

۲- عصر ظهور ص ۲۸۳ به نقل از بحارج ۵۱ ص ۳۶۱

ب: ملاقات هفت نفر از دانشمندان کشورهای مختلف که بدون قرار قبلی در مکه با امام (عج) ملاقات نموده و هر کدام در شهر خود از سیصد و سیزده نفر از افراد متدین و مخلص بیعت گرفته‌اند، که هنگام ظهور به طمع خود، از یاران امام باشند.

ج: دیدارهای سری با بعضی از شخصیت‌های متدین و وفادار به امام (عج) در مدینه. و در روایات آمده است که این شش ماه، امام (عج) در مدینه مسکن انتخاب می‌کند.

امام صادق (ع) می‌فرماید:

«صاحب این امر را (بعد از غیبت کبری) غیبتی است و ناگزیر در آن غیبت، عزلتی می‌باشد، بهترین منزلگاه وی مدینه است و در کنار سی تن از یارانش به سر می‌برد و با وجود آنان، اضطراب و نگرانی نیست»^۱.

۱۰- شرط ظهور امام مهدی (عج) در کتاب یوم الخلاص به نقل از فناوری سیوطی ج ۲ ص ۱۳۵ از رسول اکرم (ص) نقل شده است که فرمود:

«مهدی خروج نمی‌کند مگر آنکه نفس زکیه کشته شود و چون او به شهادت رسید اهل آسمان و زمین بر قاتلان او غضبناک شوند، آنگاه مردم نزد مهدی (عج) در آیند و چونان عروسی که شب عروسی به خانه‌ی شوهر می‌برند، گرداگرد او جمع می‌شوند».

و باز از امام جعفر صادق (ع) روایت شده است که:

«همانا قائم (عج) (بعد از قتل نفس زکیه) از راه کوه ذی طوی (کوهی است نزدیک مکه) و سیصد و سیزده مرد به عدد رزمندگان جنگ بدر فرود می‌آید تا اینکه به حجرالاسود تکیه داده و پرچم پیامبر را بر می‌افرازد»^۲.

۱- همان به نقل از بحار ج ۵۲ ص ۱۵۷

۲- عصر ظهور ص ۳۱۶ به نقل از بحار ج ۵۲ ص ۳۰۶

در جای دیگر از امام زین العابدین (ع) روایت شده است: بعد از حضور در مسجد الحرام «در مقام ابراهیم چهار رکعت نماز می گذارد و به حجرالاسود تکیه می زند و پس از حمد و ثنای خدا و یاد و نام پیامبر (ص) و درود بر او، لب به سخن می گشاید، به گونه ای که هیچ یک از مردم، چنان سخن نگفته باشد، و نخستین کسانی که با او دست بیعت می دهند جبرئیل و میکائیل است»^۱.

برنامه ها و نکات بسیار آموزنده ای بعد از پیروزی امام مهدی (عج)

۱- بعد از قتل عام مسلمین و آواره شدن آنان به حدی که امید از زندگی قطع می شود. اراده ی خداوند متعال بر عزت مسلمین و اسلام قرار می گیرد و با قدرت خود پشت هر ستمگر ستیزه جو را می شکند، و او بر هر کاری که بخواهد تواناست. لذا رسول اکرم (ص) به حذیفه بن یمان که از صحابه صدیق می باشد می فرماید: «اگر از عمر دنیا بیش از یک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را آن قدر طولانی گرداند که مردی از خاندان من بیاید و بر جهان فرمانروایی کند و اسلام را آشکار سازد و خدا خُلف وعده نمی کند و او بر هر چیزی تواناست»^۲.

۲- اشاعه ظلم و ستم در جهان بحدی رواج پیدا می کند که امنیت از بشر گرفته می شود. هنگامی که ظالمین و ستمگران جهان، زندگی را بر بشریت تنگ کردند و ناله های مظلومین به آسمان عروج کرد، خداوند مردی از خاندان مرا برانگیزد و زمین را از قسط و عدل، آنگونه که از ظلم و ستم پر گردیده باشد، سرشار گرداند. ساکنان آسمان و زمین از وی خوشنود گردیده و زمین ذخائر خود را بر می آورد و آسمان از ریزش باران رحمت دریغ نمی ورزد.^۳

۳- در وضعیت نورانی و آرام بخش و سرشار از نعمت و برکت و الطاف الهی،

۱- عصر ظهور ص ۳۱۶ به نقل از بحار ج ۵۲ ص ۳۰۶

۲- عصر ظهور ص ۵۰ به نقل از بشاره الاسلام ص ۲۵

۳- از همان ص ۵۰

ظهور می کند. رسول اکرم (ص) می فرماید:

زمانی که یأس و ناامیدی تمام جوامع بشری، بخصوص کشورهای اسلامی را فرا می گیرد، خداوند مردی از پاکان عترت من و از نیکان ذریه ام برانگیزد، مردی عادل، خجسته و پاکیزه که ذره ای (از دستورات اسلام) را فرو گذار نمی کند. دین و قرآن، اسلام و مسلمانان را به وسیله او عزت و سر بلندی بخشیده و شرک و مشرکین را ذلیل و زبون می گرداند، وی پیوسته در حالت پروا از خداست و در اجرای حکم خداوند فریب خویشاوندان را نمی خورد، سنگ بر روی سنگ نگذاشته، و عمارتی برای خویش بنا نمی کند، در زمان فرمانروایی خود بر کسی تازیانه نزند مگر جهت اجرای حد شرعی، خداوند متعال تمام بدعت ها را به وسیله ای او محو و نابود ساخته و تمام فتنه ها را از بین می برد. و در هر حقی به وسیله ای او گشوده می شود و درهای باطل را می بندد و خداوند مسلمانان در بند را هر کجا که بسر برند توسط او به دیارشان باز می گرداند.^۱

۴- نکات جالب و ارزشمندی بعد از ظهور امام (عج) به نقل از علی (ع)

«آنگاه (مهدی و یارانش) به سوی مصر رهسپار می شوند و حضرت بر منبر آنجا بالا می رود و مردم را مخاطب قرار داده، برای آنها سخن می گوید، زمین در اثر عدالت شاد و خرم می گردد و آسمان باران رحمت خود را فرو می بارد و درختان بارور می شوند و زمین گیاهان خود را بیرون داده و چهره خویش را با گل و گیاه برای اهل زمین می آراید. حیوانات وحشی در امن و امان به سر می برند، به طوری که در چراگاه های روی زمین مانند چهار پایان اهلی به چرا می پردازند، نور دانش در دل های مؤمنان افکنده می شود، به گونه ای که هیچ مؤمنی نیاز علمی، به برادر و دانشمند خود ندارد. در آن روز آیه ای (خداوند بی نیاز کند هر کدام را از گشایش خود) مصداق پیدا می کند».^۲

۱- عصر ظهور ص ۵۲ از الملاحم والفتن ص ۱۰۸

۲- عصر ظهور ص ۱۷۰ به نقل از بشارة الاسلام ص ۷۱.

۵- حضرت امام باقر(ع) بعد از بیان نکات مهمی در مورد ظهور حضرت مهدی (عج) می فرماید:

«حضرت وارد کوفه می شود در حالیکه سه جناح دارای درفش ها، شهر را آشفته نموده اند و پس از آن زمینه برای ورود حضرت مهیا و شهر کاملاً آماده پذیرش اوست. آن حضرت وارد شده و با قرار گرفتن بر فراز منبر، آغاز سخن می کند. به نحوی که مردم از شدت گریه متوجه گفتار وی نمی شوند»^۱.

۶- با توجه به روایت از امیرالمؤمنین(ع) و امام باقر(ع)، ورود ایرانیان به کوفه و با نشان دادن قدرت و برتری بر تمام جناح های دیگر، زمینه را برای ورود حضرت مهدی(عج) به کوفه فراهم می کنند. به نقل از این دو بزرگوار می فرمایند:

«درفش های سیاهی که از خراسان خارج می شود، در کوفه فرود می آید و زمانی که حضرت مهدی(عج) (در کوفه) حضور می یابد، (خراسانیان) جهت بیعت مجدد به حضور آن بزرگوار شرفیاب می شوند»^۲.

سیمای درخشان بقیه الله الاعظم در آیات ملکوتی قرآن^۳

در قرآن آیات فراوانی دیده می شود که تفسیر و توضیحات معصومین (علیهم السلام) به جهاتی به وجود، ظهور، و حکومت معصومین (علیهم السلام) به خصوص امام زمان (عج) مرتبط می گردد. از جمله آیات زیر:

۱- حَتَّىٰ إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُمْ مِّنْ كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ.

تا روزی که راه یاجوج و ماجوج باز شود و آنان از هر جانب پست و بلند زمین شتابان درآیند (روز قیامت یا ولی عصر (عج) مقصود است).^۴

۲- بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ.^۵

۱- ارشاد مفید ص ۳۶۲.

۲- بحار ج ۵۲ ص ۲۱۷.

۳- برداشت از کتب تفسیر المزان - نمونه و سایر تفاسیر.

۴- سوره انبیاء آیه ۹۶

۵- هود آیه ۸۵

و بدانید که آنچه خدا بر شما باقی می‌گذارد و برکت بخشید (منظور ولی عصر (عج) می‌باشد) بهتر است از آن زیادتی است که به خیانت و کم‌فروشی به دست آورید اگر واقعاً به خدا ایمان دارید (این نصیحت وظیفه من است ولی اگر عصیان کردید دیگر) من نگهبان شما (از عذاب خدا) نیستم.

۳- قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ.^۱

ای رسول ما باز بگو (از کافران) به دیده‌ی تامل بنگریم که اگر آب که مایه زندگی شماست صبحگاهی به زمین فرود رود جز خدا کیست که باز آب گوارا برای شما پدید آورد که منظور از آب گوارا ولی عصر (عج) می‌باشد.

۴- وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ.^۲

و ما بعد از تورات در زبور داود نوشتیم (و در کتب انبیاء سلف وعده دادیم) که البته بندگان نیکوکار من ملک زمین را وارث و تصرف خواهند شد. (اشاره به ظهور مهدی (عج) و تشکیل حکومت الهی به دست مبارک ایشان می‌باشد).

۵- وَ لَنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَلْوَنِ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ.^۳

و ما کافران را عذاب نزدیکتر (و کمتر به بلاهای دنیا یا دوزخ، بچشائیم غیر آن عذاب بزرگتر شدیدتر (قیامت یا قیام حجت عصر عج) تا مگر (متنبه و پشیمان از کفر و عصیان شوند و به سوی خدا باز گردند).

۶- كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ. هر نفسی در گرو عملی است که انجام داده است (۳۸).

۷- إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ. مگر اهل یمین (که به یمین و سعادت نیکوکار شدند) (۳۹).

۸- فِي جَنَّاتٍ يَسَاءَلُونَ. آنان در باغهای بهشت متنعمند. (سوال می‌کنند) (۴۰).

۹- عَنِ الْمُجْرِمِينَ. از احوال دوزخیان گناه‌کار (۴۱).

۱- ملک آیه ۳۰

۲- انبیا آیه ۱۰۵

۳- سجده آیه ۲۱

- ۱۰- ما سَلَکْکُمْ فِی سَقَرٍ. که شما را چه عمل به عذاب دوزخ درافکند؟ (۴۲).
- ۱۱- قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ. آنان جواب دهند که ما از نماز گزاران نبودیم (۴۳).
- ۱۲- وَ لَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمَسْکِینَ. و مسکینی را طعام (و صدقه‌ای) ندادیم (۴۴).
- ۱۳- وَ کُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِینَ. و ما به اهل باطل به بطالت پرداختیم (۴۵).
- ۱۴- وَ کُنَّا نُکَذِبُ بَیْوَمِ الدِّینِ. و ما روز جزا را تکذیب کردیم (۴۶).
- ۱۵- حَتَّىٰ آتَانَا الْیَقِینَ. تا آنکه به مرگ یقین به قیامت یافتیم (۴۷).
- ۱۶- فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِینَ. پس در آن روز شفاعت شافعین (از انبیا و اولیا) در حق آنان هیچ پذیرفته نشود (۴۸).^۱
- ۱۷- قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا. (به امت) بگو که رسول حق آمد و باطل را نابود ساخت که باطل خود محو و نابودی (ابدی) است.^۲
- ۱۸- قُلْ مَنْ كَانَ فِی الضَّلَالَةِ فَلِیَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمَنُ مَدًّا حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا یُوعَدُونَ أَمَا الْعَذَابُ وَ أَمَا السَّاعَةُ فَسَیَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرٌّ مَّکَانًا وَ أضعْفُ جُنْدًا.
- ای رسول ما به امت بگو که هر کسی که به راه کفر و ضلالت رفت خدای مهربان به او مهلت و طول عمر و تمکن می‌دهد تا آن ساعت که وعده عذاب را به چشم خود ببیند که یا در دنیا عذاب قتل و اسیری بچشد یا ساعت قیامت وی فرا رسد و (کافران) بزودی خواهند دانست که از مومن و کافر کدام یک روزگارش بدتر و سپاهش ضعیف‌تر است؟ (البته کافران بد روزگار و مومنان خوش عاقبتند).^۳
- توضیح آیه ۷۵ از سوره مبارکه مریم: در کافی از ابوبصیر از امام ششم نقل کرده که فرمود: قیام قائم (عج) ماست و آن ساعتی است که پیروان باطل خواهند دید و عذاب خدا را به دست توانای قائم آل محمد (عج) خواهند چشید.
- ۱۹- أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَکُمْ مَّا فِی السَّمَوَاتِ وَ مَّا فِی الْأَرْضِ وَ أَسْبَغَ عَلَیْکُمْ نِعْمَهُ

۱- سوره مدثر آیات ۳۸ تا ۴۸

۲- اسراء آیه ۸۱

۳- مریم آیه ۷۵

ظَهْرَةً وَ بَاطِنَةً وَ مِنْ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ لَأَكْتَابُ مُنِيرٍ.
یا شما مردم به حس مشاهده نمی کنید که خدا از انواع موجوداتی که در آسمان و زمین است برای شما مسخر کرده و نعمتهای ظاهر و باطن خود را برای شما فراوان نموده (با وجود این) برخی از مردم بی خبر از کتاب روشن حق از روی جهل و گمراهی در دین خدای متعال مجادله می کنند.^۱

توضیح: در کتاب کافی از حضرت امام موسی کاظم (ع) روایت کرده که فرمود: نعمتهای ظاهری، امام ظاهر و نعمت باطنی امام غائب است که از دیدگان مردم پنهان می شود و گنجهای زمین برای او آشکار گردد و هر چیز دوری برایش نزدیک باشد.

۲۰- وَ لِنَبَلَوْنَكُمْ بَشِيئَةً مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِيرِ الصَّابِرِينَ. وَ الْبَتَّةَ شَمَا رَا بَه سَخْتِي بِيَازْمَائِمٍ چُون تَرَس وَ گَرَسَنگِي وَ نَقْصَانِ اَمْوَالِ وَ جَانِ هَايِ شَمَا وَ اَفَاتِ زِرَاعَتِ بِيَازْمَائِمٍ وَ بَشَارَتِ وَ مَثْرَدَهِي اَسَايشِ دَرِ سَخْتِي هَا اَز اَن صَابِرَانِ اسْت.^۲

توضیح: محمد بن مسلم از امام جعفر صادق (ع) روایت نموده که فرمود قبل از آمدن قائم (عج) علاماتی برای امتحان مومنین خواهد بود. عرض کردم آنها چیست فرمود: این امتحان که خدا می فرماید به چیزی از ترس این ترس بیماری های گوناگون است گرسنگی، بالا رفتن قیمتها است، کاستن مال قحطی است خطر مرگ شایع و زیاد است و نقص ثمرات زندگی، نیامدن باران، پس در آن موقع به آنها که ثابت قدم در عقیده هستند مژده بده و آنگاه فرمود: ای محمد این تاویل آیه است.

۲۱- اَفْغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَ لَهُ اَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ كَرْهاً وَ اِلَيْهِ يَرْجَعُونَ. آیا کافران دینی غیر دین خدا را می طلبند و حال آنکه هر چه در آسمانها و زمین است و خواه و ناخواه مطیع فرمان خدا است و همه به سوی او رجوع خواهند کرد.^۳

۱- لقمان آیه ۲۰

۲- بقره آیه ۱۵۵

۳- آل عمران آیه ۸۳

توضیح: وفاعه بن موسی گفت که شنیدم که امام صادق(ع) فرمود تاویل آن این است که موقع ظهور قائم(عج) ما زمینی نیست که در آن لاله الا الله و محمد رسول الله گفته نشود.

۲۲- وَ يَقُولُونَ لَوْ لَّا أَنْزَلَ عَلَيْهِ آيَةً مِنْ رَبِّهِ فَقُلْنَا إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ. (منکران رسول) گویند چرا بر او آیات و معجزه‌های از جانب خدا نیامد(که قهراً مردم مطیع شوند) پاسخ ده که دانای غیب و دانا به صلاح عالم، خدا است شما (کافران) منتظر عذاب خدا باشید، من هم با شما منتظر نصرت او می‌باشم. تذکر: ای پیغمبر بگو غیب مال خدا است. پس منتظر باشید که من نیز با شما از منتظران هستم.^۱

۲۳- اَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ. بدانید که زمین را خدا پس از مرگ (خزان) زنده می‌گرداند آیات و ادله خود را برای شما بیان کردیم مگر فکر و عقل خود را کار بندید.^۲ از ابن عباس روایت شده که در تفسیر این آیه گفت: خداوند زمین مرده را بعد از بیدادگری اهلش به ظهور قائم آل محمد(عج) اصلاح می‌کند و این آیه درباره‌ی او نازل شده است.

۲۴- وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ. یعنی مانند آنان نباشید که از پیش کتاب به آنان داده شد ولی زمان بر آنها طولانی گشت ما بین دلها تان سخت گردید و بسیاری از آنها فاسق می‌باشند.^۳

۲۵- وَ تِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ.

۱- یونس آیه ۲۰

۲- حدید آیه ۱۷

۳- حدید آیه ۱۶

یعنی این روزها را میان مردم می‌گردانیم.^۱ در تفسیر عیاشی از زراره روایت می‌کند که امام جعفر صادق (ع) فرمود: از زمان خلقت آدم همیشه دوستی از خدا و دوستی از شیطان بوده. پس در این زمان دوست خدا کو؟ آگاه باشید که صاحب دولت خدا قائم آل محمد (عج) است.

۲۶- الْيَوْمَ يَتَسَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ.

امروز کسانی که راه کفر پیش گرفته‌اند از دین شما نومید شدند، پس، از آنها نترسید، بلکه از قهر من بترسید.^۲ در تفسیر عیاشی از آقا امام محمد باقر (ع) نقل می‌کند که در تفسیر این آیه آمده است که آن روز، روز ظهور قائم آل محمد (عج) است که بنی امیه نومید می‌شوند و آنها هستند که کافر گشته و از آل محمد نومید می‌باشند.

۲۷- يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ ءَأَمَنَتْ مِنْ قَبْلُ.

یعنی روزی که بیاید یکی از آیات پروردگارت. ایمان کسانی که قبلاً ایمان نیاورده‌اند سودی نبخشید.^۳

صدوق در کمال الدین و ثوال الاعمال از حضرت صادق (ع) روایت نموده که فرموده آیات ائمه هستند و بعضی آیات قائم آل محمد (عج) است.

۲۸- فَلَا أُقْسِمُ بِالْحُسْنِ. چنین نیست (که منکران قرآن می‌پندارند) قسم یاد می‌کنم به ستارگان باز گردند.^۴

۲۹- الْجَوَارِ الْكُنَّسِ. که بگردش آیند در مکان خود رخ پنهان کنند.^۵

۱- آل عمران آیه ۱۴۰

۲- مائده آیه ۳

۳- انعام آیه ۱۵۸

۴- تکویر آیه ۱۵

۵- تکویر آیه ۱۶

در کتاب کمال الدین از آقا امام محمد باقر (ع) روایت می‌کند که در جواب ام هانی راجع به این آیه فرمود مقصود امامی است که سال ۲۶۰ هجری غایب می‌شود آنگاه چون ستاره‌ی تابان آشکار می‌شود اگر او را بینی دیدگانت روشن گردد.

۳۰- آلم- ذَٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ - الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ. از رموز قرآن است. این کتاب بی هیچ شک راهنمای پرهیزکاران است آن کسانی که به جهان غیب ایمان آوردند نماز پبای دارند و از هر چه روزیشان کردیم. به فقیران انفاق کنند.^۱

توضیح مورد ۳۰: شیخ صدوق در کتاب کمال الدین از حضرت صادق (ع) نقل می‌کند که فرمود: هر کسی اقرار به ظهور امام زمان کند، ایمان به غیب آورده و در کتاب مزبور روایت نموده که گفت تفسیر این آیه را از حضرت صادق (ع) پرسید فرمود (متقین) در این آیه شیعیان علی (ع) هستند و (غیب) حجت غایب می‌باشد.

۳۱- وَ فِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَ مَا تُوعَدُونَ. و روزی شما با همه وعده‌هایی که به شما دادند در آسمان (به اراده‌ی خدا) مقدر است.^۲

۳۲- قَوْرَبِ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِّثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطِقُونَ. به خدای آسمان و زمین که (این وعده رزق) به مانند تکلمی که با یکدیگر می‌کنید حق و حقیقت است.^۳ در غیب شیخ از ابن عباس نقل می‌کند که گفت: مقصود قیام قائم (عج) آل محمد (ص) است.

۳۳- أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ. آیا آن کیست، که دعای بیچارگان مضطر را به اجابت می‌رساند و رنج و غم آنان را برطرف می‌سازد. و شما مسلمانان را جانشینان اهل زمین قرار می‌دهد.^۴

۱- بقره آیه ۱۰۲ و ۳

۲- الذاریات- آیه ۲۱

۳- همان آیه ۲۳

۴- نمل از آیه ۶۲

از آقا امام صادق (ع) است که فرموده: این آیه درباره‌ی قائم آل محمد (عج) نازل شده. بخدا قسم (مضطر) اوست که دو رکعت نماز در مقام حضرت ابراهیم بگزارد و خدا را بخواند پروردگار نیز اجابت کند و گرفتاری او را بر طرف سازد و آنها را در زمین خلیفه خود گرداند.

۳۴- وَ لَمَنْ أَنْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ. هر کس پس از ظلمی که بر او رفته، برای انتقام یاری طلبد، بر او هیچ مواخذه‌ای نیست.^۱

ابو حمزه ثمالی از امام پنجم (ع) روایت می‌کند که فرمود: آن کس که انتقام می‌گیرد بعد از آنکه به وی ظلم شده قائم آل محمد (عج) و یاران او هستند. و کسی را برایشان راهی نیست. و چون قیام کند خود و یارانش از بنی امیه و دروغگویان و دشمنان اهل بیت انتقام می‌گیرند.

۳۵- إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ. تنها راه مواخذه کردن، کیفر کسانی است که به مردم ظلم می‌کنند. و در زمین بنا حق شرارت انگیزند. بر چنین افرادی (در دنیا انتقال و در آخرت) عذاب دردناک است.^۲ (وقتی امام برحق که حضرت مهدی (عج) می‌باشد، ظهور کند، آنها را سرنگون می‌سازد).

۳۶- اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَ انْشَقَّ الْقَمَرُ. آن ساعت (قیامت) با قیام رسول حق نزدیک آمده، ماه آسمان شکسته شد.^۳

۳۷- مَدَّهَا مَتَّانٍ. درختان آن دو بهشت در نهایت سبزی و خرمی است.^۴
یونس بن طیبیان از آقا امام جعفر صادق (ع) روایت نموده که در تفسیر این آیه فرمود: در دولت امام زمان (عج) راه میان مکه و مدینه با درخت خرما اتصال یابد.

۱- شوری آیه ۴۱

۲- شوری آیه ۴۲

۳- قمر آیه ۱

۴- الرحمن آیه ۶۴

۳۸- يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ. یعنی می خواهند نور خدا را خاموش نمایند ولی خدا نور خود را (با قائم آل محمد (عج) تمام می کند) در آن زمان که ظهور کند تا خداوند او را بر همه‌ی مذاهب باطله غلبه دهد به طوری که جز خدای یگانه پرستش نشود هر چند کافرین دوست نداشته باشند.^۱

۳۹- ذَلِكَ وَمَنْ عَاقَبَ بِمِثْلِ مَا عُوِقِبَ بِهِ ثُمَّ بُغِيَ عَلَيْهِ لِيَنْصُرَهُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَعَفُورٌ غَفُورٌ. سخن حق این است و هر کس به همان قدر ظلمی که به او شده به مقام انتقام برآید و باز بر او ظلم شود البته خدا او را یاری می کند در این آیه ترغیب خلق است برگرفتن حق مظلوم از (ظالم) همانا خدا را از گناه خلق عفو و آمرزش بسیار است.^۲

۴۰- وَأُخْرَى تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحٌ قَرِيبٌ وَ بَشِيرٌ الْمُؤْمِنِينَ. و باز تجارتی دیگر که آن را هم دوست دارید نصرت و یاری خدا و فتح نزدیک است فتح قائم آل محمد (عج) و بشارت رحمت بر اهل ایمان است.^۳

۴۱- أَنَّهُمْ يُكِيدُونَ كَيْدًا. دشمنان اسلام هر چه می توانند کید و مکر می کنند.^۴

۴۲- وَ أَكِيدُ كَيْدًا. و ما هم در مقابلشان فکر خواهیم کرد (البته ما بر آنها غالب هستیم).^۵

۴۳- فَمَهْلِ الْكَافِرِينَ أَمَهُلُهُمْ رُؤْيَدًا. پس تو ای رسول اندکی کافران را مهلت ده (تا وقت کیفر آنها فرا رسد) که چون قائم (عج) قیام کند برای من، از ستمگران و سرکشان قریش و بنی امیه و سایر ملحدان انتقام گیرد.^۶

۴۴- وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى. قسم به شب هنگامی که پوشیده دارد.^۷

۱- صف آیه ۸

۲- حج آیه ۶۰

۳- صف آیه ۱۳

۴- الطارق آیه ۱۵

۵- الطارق آیه ۱۶

۶- طارق آیه ۱۷

۷- واللیل آیه ۱

محمد بن مسلم از حضرت امام محمد باقر (ع) روایت نمود که فرمود: مقصود امیرالمؤمنین است که در دولت باطل مستور گشت و ناگزیر گردید.

۴۵- وَ النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى! قسم به روز هنگامی که بدرخشد! و بعد فرمود: این روز روشن، قائم اهل بیت (عج) است که چون قیام کند بر دولت باطل پیروز گردد.

۴۶- قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ. ای پیغمبر به مردم بگو: به من بگوئید اگر آبی که در دسترس دارید در زمین فرو رود کیست که آب روان برای شما بیاورد؟^۲

در این آیه آقا امام زمان (عج) به آب تعبیر شده (که موجب حیات همه‌ی اشیاء است) و تاویل آیه این است: بگو اگر امام شما از نظر ما غایب گردید، کیست که آن امام را بیاورد؟

۴۷- هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَسَوْفَ يَكْفُرُونَ. اوست خدائی که رسولش (محمد مصطفی (ص)) را به هدایت و ابلاغ حق فرستاد تا آن را، هر چند کافران خوش ندارند، بر همه‌ی ادیان عالم غالب گرداند.^۳

این آیه نیز درباره‌ی قائم آل محمد (عج) است و او امامی است که خداوند او را بر همه‌ی کیشها غالب گرداند و او زمین را از عدل و داد پر کند همچنانکه از ظلم و ستم پر شده باشد.

۴۸- هَلْ أَتَيْكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ. ای رسول آیا خبر هولناک قیامت و بلیه عالمگیر حشر بر تو حکایت شده است؟^۴

۱- واللّیل آیه ۲

۲- ملک آیه ۳۰

۳- صف آیه ۹

۴- غایشه آیه ۱

در کتاب صواب الاعمال از محمد بن سلیمان از پدرش روایت می‌کند که گفت از آقا امام جعفر صادق (ع) پرسیدم: (هل آتیکَ حدیث الغایشه) یعنی چه؟ فرمود مقصود قائم (عج) ماست که اهل باطل را با شمشیرش فرو می‌گیرد.

۴۹- وَجُوهٌ یُّؤْمِنُ خَاشِعَةً. که آن روز گروهی (کافر و متکبر) ترسناک و ذلیل باشد.^۱

۵۰- تَصَلَّى نَاراً حَامِیَةً. پیوسته در آتش فروزان دوزخ معذب هستند. در موقع ظهور قائم (عج)، در آتش جنگ بسوزند و در سرای دیگر بدوزخ درافتند.^۲

۵۱- اِذَا تُتْلَىٰ عَلَیْهِ آیَاتُنَا قَالَ اَسَاطِیْرُ الْاَوَّلِیْنَ. در صورتی که چون آیات ما را بر او تلاوت کنند، گویند این سخنان، افسانه‌ی پیشینیان است.^۳

(پیرو چنین مردی برای این که مال و فرزندان بسیار دارند نباید شد).

در کنز الفوائد از امام ششم نقل کرده که فرمود: بی دینان چون خبر ظهور قائم (عج) را بشنوند افسانه پندارند و هنگامی که او را ببینند می‌گویند ما تو را نمی‌شناسیم و تو از فرزندان فاطمه (س) نیستی چنانچه مشرکین چنین سخنان بیهوده را به پیغمبر (ص) می‌گفتند. لذا خداوند به پیامبر (ص) فرمود، به آنها بگو من چیزی از شما نمی‌خواهم. قُلْ مَا اَسْئَلُكُمْ عَلَیْهِ مِنْ اَجْرٍ وَ مَا اَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِیْنَ اِنَّ هُوَ اِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِیْنَ وَ لَتَعْلَمُنَّ نَبَاَهُ بَعْدَ حَیْنٍ. (ای رسول به امت) بگو من از شما مزد نمی‌خواهم و من بی حجت و برهان الهی، مقام وحی و رسالت را بر خود نمی‌بندم، این قرآن، نیست مگر پند و اندرز برای تمام عالمیان و شما منکران، درستی این گفتار را بعد از مرگ متوجه خواهید شد.^۴

۱- غاشیه آیه ۲

۲- غاشیه آیه ۳

۳- قلم آیه ۱۵

۴- ص آیه ۸۶ تا ۸۸

۵۲- وَ لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ وَ لَوْ لَأَ كَلِمَةً سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَ أَنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ. و ما کتاب تورات را برای موسی (ع) فرستادیم آنگاه در آن اختلاف کردند و اگر کلمه سابقه الهی و مشیت ازلی خداوند نبود همانا میان آنها حکم (به عذاب) می شد و این مردم از این (گونه وعده وعیدها) همیشه در شکند و برخوردار ریب و شبهه می کنند.^۱ آقا امام باقر(ع) فرمود این امت نیز مانند بنی اسرائیل درباره‌ی معانی قرآن اختلاف پیدا کردند چنانچه درباره‌ی کتابی که با قائم (عج)، است و برای آنها می آورد، اختلاف نظر خواهند داشت به طوری که بسیاری از مردم، آنرا انکار می کنند و قائم(عج) هم گردن آنها را می زند.

۵۳- وَ الَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ. و آنانکه روز قیامت را تصدیق کنند.^۲ در کافی از آقا امام باقر(ع) روایت است که فرمود: کسانی که روز ظهور قائم(عج) را تصدیق و باور ندارند.

۵۴- قَالُوا وَ اللَّهُ رَبَّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ. یعنی گفتند: و الله بخدا قسم ما مشرک نبودیم.^۳ در کافی روایت می کند از آقا امام پنجم (ع) می فرماید: آنها هنگام ظهور امام زمان(عج) می گویند: ما منکر ولایت امیرالمؤمنین (ع) نبودیم.

۵۵- سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَ فِي أَنفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ. روزی باشد که آیات خودمان را در آفاق و در وجود آنها به آنان نشان دهیم تا به یقین بدانند که خداوندی هست.^۴ کلینی در کافی از ابوبصیر روایت می کند که گفت از حضرت صادق(ع) راجع به این آیه سوال کردم فرمود: خداوند به اهل باطل نشان میدهد که چگونه مسخ می شوند و آفاق بر آنها تنگی می گیرد. پس در آنوقت قدرت پروردگار

۱- هود آیه ۱۱۰

۲- معارج آیه ۲۶

۳- انعام آیه ۲۳

۴- فصلت آیه ۵۳

را در خود و آفاق خواهند دید. عرض کردم، یعنی چه؟ فرمود: ظهور قائم آل محمد (عج) به امر خداوند حتمی است. خدا او را ظاهر گرداند تا همه‌ی مردم او را ببینند.

۵۶- مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ.

یعنی: هرکس حاصل مزرعه‌ی آخرت را بخواهد ما بر تخمی که کاشته می‌افزاییم و هرکه تنها حاصل کشت دنیا را بخواهد او را هم از آن بهره‌مند می‌کنیم ولی در آخرت (از نعمت ابدی آن) نصیبی نخواهد یافت.^۱

توضیح: در تفسیر کافی از امام جعفر صادق (ع) نقل می‌کند که فرمود: اندوخته‌ی آخرت یعنی شناسایی امیرالمؤمنین (ع) و ائمه طاهرین (علیهم السلام) که خداوند از برکت دولت آنها دوستان آنان را نیز بهره‌مند می‌گرداند. ولی آنکس که چشم به اندوخته‌ی دنیوی دوخته، در دولت حق و ظهور قائم آل محمد (عج) بهره‌ای نخواهند داشت.

۵۷- وَ أَذِنَ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَ رَسُولُهُ.

و در بزرگترین روز حج، روز عرفه یا روز عید، که همه در مکه جمع هستند، خدا و رسولش به مردم اعلام میدارند که بعد از این از عهد مشرکان بیزارند.^۲ در تفسیر عیاشی از امام پنجم و ششم (ع) روایت شده که فرمودند: حج بزرگ، ظهور قائم آل محمد (عج) و اعلان دعوت مردم است.

۵۸- أَفَأَمَّنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ ياتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ.

۱- شوری آیه ۲۰

۲- توبه آیه ۳

آنان که بر کردار زشت خود مکرها می اندیشند، آیا از این بلا ایمنند؟ که خدا همه را به زمین فرو برد یا از جایی که پی نبرند عذابی می فرستد.^۱

در تفسیر عیاشی از امام پنجم (ع) نقل می کند که فرمود: عهد و پیمان پیغمبر (ص) بعد از حضرت اباعبدالله (ع) به علی بن الحسین (ع) رسید. پس از آن حضرت به محمد بن علی (ع) منتقل گشت. آنگاه خداوند آنچه خواهد می کند وقتی ائمه طاهرین در صحنه ی دنیا محکوم (دشمنان شدند) مردی از آنها قیام می کند که سیصد و سیزده مرد فداکار با او باشند و بیرق پیامبر (ص) با وی است و به طرف مدینه رهسپار می گردد. تا اینکه در (بیداء) می گوید: این است محل قومی که خداوند آنها را در زمین فرود می برد.

۵۹- فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ. تا آنگاه که در صور دمیده شد.^۲ در غیبت نعمائی از امام صادق (ع) روایت می کند، که چون تفسیر این آیه را از حضرتش پرسیدند فرمود: امامی از ما غایب می شود، پس چون خداوند اراده کند او را آشکار گرداند. علامتی در دل وی پدید آورد و بدینگونه به امر پروردگار ظاهر می گردد.

۶۰- وَ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. هرکسی را راهی است به سوی حق که بدان راه یابد و به آن قبله روی آورد. پس بشتابید به خیرات و عبادات که هر کجا باشید همه ی شما را خداوند به عرصه ی محشر خواهد آورد. محققاً خدا بر همه چیز قادر و تواناست.^۳ در کتاب غیب نعمائی، از حضرت امام جعفر صادق (ع) روایت نمود که فرمود: این آیه درباره ی قائم آل محمد (عج) و یاران او نازل شده و آنها پیش از آنکه موقع آمدنشان معلوم گردد. اجتماع می کنند.

۶۱- يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ. گناهکاران از سیمایشان شناخته می شوند.^۴

۱- نحل آیه ۴۵

۲- مدثر آیه ۸

۳- بقره آیه ۱۴۸

۴- الرحمن آیه ۴۱

این آیه درباره‌ی قائم آل محمد (عج) نازل شده که هنگام ظهور، مجرمین را از سیمایشان شناخته و با یارانش آنها را از دم شمشیر می‌گذرانند.

۶۲- لا تَرْكُضُوا وَ اِرْجِعُوا اِلَىٰ مَا اُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَ مَسَاكِنِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَسْئَلُونَ. فرار نکنید و باز گردید تا شما را از آن نعمتها و جایگاههایی که به خوشگذرانی سر گرم بودید باز خواست کنند.^۱ در حدیث است که چون امام زمان (عج) ظهور کند، بنی امیه از ترس به روم می‌گریزند. حضرت آنها را از روم بیرون می‌آورد و گنجهایی که پنهان کرده‌اند از آنها طلب می‌کند.

۶۳- قالوا يا وَيْلَنَا اِنَّا كُنَّا ظالِمين. بنی امیه می‌گویند: وای بر ما که ستمکار بودیم.^۲

۶۴- فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّىٰ جَعَلْنَا هُمْ حَصِيداً خَامِدِينَ.

پس همچنان بدین سخن تکلم کنند تا آنکه (به وسیله‌ی قائم آل محمد (عج) و سپاه او) همه را دور کنیم و از دم شمشیر بگذرانیم.^۳

۶۵- وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ اَنَّ الْاَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ. یعنی در زبور (حضرت داود پیغمبر) بعد از کتب آسمانی سابق نوشتیم که: زمین را بندگان صالح ما بارث می‌برند (و اینان قائم آل محمد (عج) و یاران او می‌باشند).^۴

۶۶- فَلَمَّا أَحْسَبُوا اَسْنًا اِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ. چون (بنی امیه) عذاب ما را (که به وسیله‌ی ظهور قائم آل محمد (عج) بر آنها فرو می‌فرستیم) احساس کنند، از آن می‌گریزند.^۵

۶۷- اُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِاَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَ اِنَّ اللّهَ عَلٰى نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ.

رخصت (جنگ) به (مؤمنان) که (دیگران) با آنها کارزار می‌کنند داده شده زیرا آنها از دشمن ستم کشیدند و خدا بر یاری آنها قادر است.^۶

۱- انبیاء آیه ۱۳

۲- انبیاء آیه ۱۴

۳- انبیاء آیه ۱۵

۴- انبیاء آیه ۱۰۵

۵- انبیاء آیه ۱۲

۶- حج آیه ۳۹

ابن ابی عمیر از عبدالله بن مشکان از آقا امام جعفر صادق (ع) روایت کرده که فرمود: اهل تسنن می گویند این آیه درباره ی پیغمبر نازل شده، در موقعی که کفار قریش حضرتش را از مکه بیرون کردند ولی او قائم آل محمد (عج) است که برای خون خواهی حسین (ع) قیام می کند.

۶۸- *انْ تَشَاءُ نُنزِلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ اَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ*. اگر بخواهیم می توانیم علامتی بر آنها از آسمان فرو فرستیم تا بدان وسیله گردنهایشان خاضع گردد.^۱

از آقا امام صادق (ع) روایت است که فرمود: مقصود بنی امیه که با یک صدای آسمانی بنام قائم آل محمد (عج) گردنهایشان در پیشگاه آن حضرت خاضع می شود.

۶۹- *عَسَى رَبُّكُمْ اَنْ يَّرْحَمَكُمْ وَ اِنْ عُدْتُمْ عَدُوْنَا وَ جَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيْرًا*.

امید است پروردگارتان به شما رحم کند و اگر شما به ستمگری برگردید ما هم به عقوبت و مجازات شما باز می گردیم و جهنم را زندان کافران قرار داده ایم.^۲

وَ اِنْ عُدْتُمْ عَدُوْنَا. اشاره به این است که اگر شما به عصیان گری برگردید، ما هم به

عقوبت شما باز می گردیم.^۳ یعنی اگر شما در شرکت با سفیانی خروج کنید. دولت

حق نیز با ظهور قائم آل محمد (ص) قیام خواهد کرد. در تفسیر عیاشی که آقا امام

صادق (ع) فرمود:

آیه ی (وَ قَضَيْنَا اِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْاَرْضِ مَرَّتَيْنِ) مقصود شهادت مولا امیرالمؤمنین (ع) و مسموم کردن آقا امام حسن مجتبی (ع) است.

وَ لَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيْرًا. اشاره به کشتن امام حسن (ع)^۴ (فَاِذَا جَاءَ وَعَدُوْا لِيُهْمَا) اشاره

به این است که چون زمان خونخواهی آن حضرت فرا رسد (بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا

۱- شعرا آیه ۲

۲- اسراء آیه ۸

۳- اسراء آیه ۸

۴- اسراء آیه ۴

أُولَىٰ بِأَسِ شَدِيدٌ فَجَا سُوا خِلَالَ الدِّيَارِ خدایند مردمی را پیش از ظهور قائم آل محمد (عج) برانگیزد که هر جا دشمنی از دشمنان و ظالمین آل پیغمبر (ص) پیدا کنند نابود نمایند. وَعَدَا مَفْعُولًا و این کاری است که قبل از قیام قائم (عج) شدنی است.^۱
(ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكُرَّةَ عَلَيْهِمْ وَآمَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا. اشاره به این است که:^۲

آنگاه حضرت امام حسین (ع) با هفتاد نفر از یاران جانبازش که در کربلا با وی شهید شدند رجعت می نمایند. در حالیکه لباس سفید پوشیده اند و به مردم اعلام می کنند که امام حسین (ع) با یارانش قیام نموده اند، تا اهل ایمان تردید ننمایند و بدانند که او دجال و شیطان نیست، بلکه او امامی است که در دسترس مردم است و چون یقین کردند امام حسین (ع) است تردید نخواهند کرد. (سپس از جانب آقا امام حسین (ع) امام زمان (عج) به مردم معرفی می شود و اهل ایمان نیز آن حضرت را تصدیق می کنند. چون امام زمان (عج) شهید گردد. حضرت امام حسین (ع) او را غسل داده و کفن و حنوط کرده و دفن می کند.

۷۰- وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَصَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ يُحْدِثُ لَهُمْ ذِكْرًا. و همچنان قرآن را با فصاحت عربی فرو فرستادیم، و در آن وعده ها و احوال قیامت را تذکر دادیم، باشد که مردم پرهیزکار شوند.^۳ أَوْ يُحْدِثُ لَهُمْ ذِكْرًا: یا به پندی از تو یادآوری شوند. یعنی ذکر ظهور قائم آل محمد (عج) و خروج سفیانی.

۷۱- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.

ای اهل ایمان در کار دین صبور باشید و یکدیگر را به صبر و استقامت سفارش

۱- اسراء آیه ۵

۲- اسراء آیه ۶

۳- طه آیه ۱۱۳

کنید و مهیا و مراقب کار دشمن بوده و خدا ترس باشید، که پیروز و رستگار شوید.^۱
توضیح: یزیدبن معاویه عجلی از امام باقر(ع) نقل کرده که فرمود: تاویل آیه این است: شکبیا باشید بر انجام فرائض دینی و صبر کنید بر آزار دشمنانتان و مواظب ظهور امام خود مهدی(عج) باشید.

۷۲- وَ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ ...

و از کسانی که گفتند مانصرانی هستیم پیمان آنها را گرفتیم ولی آنها فراموش کردند بهره‌ای را که به آنها یادآوری شده بود.^۲

توضیح: ابو ربیع شامی از امام جعفر صادق(ع) روایت کرده که فرمود نصارا آن بهره را بیاد خواهند آورد و گروهی از آنها همراه قائم (عج) ما قیام خواهند کرد.

۷۳- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ، يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید هر کدام از شما از دین خود برگردد بداند که بزودی خدا گروهی را می‌آورد که دوستشان دارد و آنها نیز خدا را دوست دارند آنها نزد اهل ایمان خود را ناچیز شمرند ولی در مقابل کفار نیرومند هستند، (مانند علی(ع) و شیعیانش) در راه خدا جهاد می‌کنند، و در راه دین از سرزنش احدی باک ندارند، این است فضل خدا هر که را عطا کند، و خدا رحمت وسیع و نامنتهی است و به احوال هر کس داناست.^۳

توضیح: سلیمان بن هارون عجلی گفت: شنیدم که امام جعفر صادق(ع) فرمود صاحب الامر(عج) در پناه خدا محفوظ است. اگر همه‌ی مردم از بین بروند خداوند

۱- آل عمران آیه ۲۰۰

۲- مائده آیه ۱۴

۳- مائده آیه ۵۴

یاران او را خواهد آورد و آنها کسانی هستند که خدا درباره‌ی آنها فرموده است. یأتی الله بقومٍ تا آخر آیه آیه ۵۴ مانده که در شماره، ۷۳ توضیح داده شد.

۷۴- فَإِنَّ يَكْفُرُ بِهَا هَؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لَّيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ.

اگر اینان به او کفر ورزند به جای آنها قومی را می‌آوریم که کفر نورزند.^۱

۷۵- قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْتَنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ: قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْتَضِرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ

الْمَعْلُومِ. شیطان گفت: خدایا به من مهلت بده تا روزی که مردم برانگیخته می‌شوند.

خدا فرمود به تو مهلت داده شده تا روزی که وقت آن معلوم است.^۲

توضیح: وهب بن جمع گفت: از امام صادق (ع) پرسیدم این روز کدام روز است.

فرمود: ای وهب روزی است که پیغمبر شیطان را به قتل می‌رساند و این بعد از قیام قائم ما مهدی (عج) است.

۷۶- وَ يُؤْمِنُ بِفَرَحِ الْمُؤْمِنِينَ بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ. آن روز

مومنین با پیروزی حق، خشنود می‌گردند، هر که را خدا بخواهد پیروزی می‌بخشد،

اوست که بر هر کاری مقتدر و به تمام خلق جهان مهربان است.^۳

توضیح: ابوبصیر از امام صادق (ع) نقل می‌کند که فرمود: در موقع قیام قائم (عج)

اهل ایمان از پیروزی خدا خشنود خواهند شد.

۷۷- قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيْمَانُهُمْ وَ لَا هُمْ يُنظَرُونَ.

بگو در روز پیروزی حق، آنها که کافر گشتند، سودی به حال آنها ندارد، و مهلت

داده نمی‌شوند.^۴

۱- انعام آیه ۸۹

۲- حجر آیات ۳۶-۳۷-۳۸

۳- روم آیه ۴-۵

۴- سجده آیه ۲۹

توضیح: جمیل بن درآج روایت کرده که امام ششم (ع) فرمود: این روز فتح و پیروزی، فتح جهان به وسیله‌ی قائم (عج) ما است.

۷۸- حم قسم: (قسم به حمید و مجید دو نام مقدس الهی).^۱ (ح - حمید، م - مجید)

۷۹- وَ الْكِتَابِ الْمُبِينِ. قسم به قرآن حکمت بیان.^۲

۸۰- اَنَا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ. ما آن قرآن را در شب مبارک (قدر) نازل کردیم، تا

خلق را از عذاب قیامت آگاه کنیم و بترسانیم.^۳

۸۱- اَنَا كُنَّا مُنذِرِينَ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ.

تا خلق را از عذاب قیامت آگاه کنیم و بترسانیم و هر امر محکمی از هم جدا

می‌گردد.^۴

توضیح: عبدالله بن مشکان از حضرت باقر و صادق و کاظم (علیهم السلام) روایت کرد، که فرمودند: خداوند تمام قرآن را در لیلۃ القدر به بیت المعمور نازل کرد سپس در مدت ۲۳ سال بر پیغمبر نازل نمود. پیغمبر آن را به امیرالمؤمنین (ع) تلقین فرمود. و آن حضرت به ائمه طاهرین از اولاد خود (علیهم السلام) رسانید تا آنکه نوبت به صاحب زمان مهدی (عج) برسد.

۸۲- وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا تَعْبُدُونََنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ.

و خدا به کسانی که از شما بندگان (به خدای رحمت) ایمان آرد و نیکو کار گردد، وعده فرموده است که (در ظهور امام زمان (عج) در زمین خلافت دهد و (بجای امم

۱- دخان آیه ۱ - در بعضی از نظرات در مورد حروف مقطعه، گفته شده آن اسماء الله هستند.

۲- دخان آیه ۲

۳- دخان آیه ۳

۴- دخان آیه ۴

سابقه حکومت و اقتدار بخشید) چنانکه امم صالح پیامبران سلف جانشین پیشینیان خود شدند. و علاوه بر خلافت، دین پسندیده آنان را که اسلام واقعی است بر همه ی ادیان تمکین و تسلط عطا کند، و به همه مومنان پس از خوف و اندیشه از دشمنان، ایمنی کامل دهد، که مرا به یگانگی، بی هیچ شائبه شرک و ریا پرستش کنند. و بعد از آن هر که کافر شود، بحقیقت همان فاسقان تبهارند (که با شناسایی معرفت حق از پی شهوت نفس به راه کفر می روند).^۱

۸۳- وَ تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ الْوَارِثِينَ. و ما اراده کرده ایم بر آن طایفه ای که در آن سرزمین ضعیف نگهداشته شده اند، منت گذارده و آنها را پیشوایان خلق قرار دهیم و وارث ملک و جاه فرعونیان گردانیم.^۲ اشاره به این است که مؤمنین واقعی با رهبری امام زمان (عج) به حکومت می رسند و بر تمامی طاغوتیان پیروز می گردند.

۸۴- وَالْعَصْرِ قَسَمٌ بَعْصِرٍ (نورانی رسول (ص) یا دوران پیروزی ولی عصر (عج)).^۳

۸۵- قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَ عَلَيْنِكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ وَ إِن تَطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَ مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ.

ای رسول به این امت بگو: از خدا و پیغمبر اطاعت و پیروی کنید، و اگر روی گردانید و سرباز زنید، بر آنها بار تکلیف خود، و بر شما بار تکلیف خودتان است. و چنانچه اطاعت کنید هدایت یافته و به سعادت می رسید و بر رسول (ص) جز ابلاغ رسالت، تکلیف دیگری نیست.^۴

۸۶- توضیح آیه ۵۴ از سوره مبارکه ی نور:

محمد ابن موسی از حضرت موسی بن جعفر (ع) روایت کرده، فرموده: مراد از ما

۱- نور آیه ۵۵

۲- قصص آیه ۵

۳- عصر آیه ۱

۴- نور آیه ۵۴

حُمَلَ شَنِيدَن و اطاعت کردن و حفظ امانت و امامت است، و مقصود از ما حُمَّلْتُمْ عهدیست که خداوند درباره‌ی امیرالمؤمنین (ع) و فرزندان گرامیش از مردم گرفته و در قرآن واجب و بیان نمود، و اطاعت آن بزرگواران را بقولش (وَ اِنَّ تَطِيعُوهُ تَهْتَدُوا) اگر اطاعت و فرمان برداری از علی (ع) کنید براه راست راه نمایی شوید.

در مورد رسول گرامی اسلام می فرماید: (قسمت ۸۷)

۸۷- وَ مَا مُحَمَّدٌ اِلَّا رَسُوْلٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرَّسُلُ... محمد (ص) نیست مگر پیامبری از جانب خدا، که پیش از او نیز پیامبرانی بودند. (اشاره به ضرورت وجود رهبر در عالم هستی تا روز قیامت و تأکیدی است بر ضرورت امامت بعد از رسالت و بیان اینکه هم اکنون امام زمان (عج) بشر را هدایت می کند و ظهور خواهد کرد.^۱

۸۸- اِنَّ اللّٰهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْاِحْسَانِ وَ اِيتَاءِ ذِي الْقُرْبٰى وَيَنْهٰى عَنِ الْفَحْشٰى وَالْمُنْكَرِ وَ الْبَغٰى يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُوْنَ.

خداوند امر به نیکی و عدالت می نماید و مقرر می دارد که به خویشاوندان و بستگان خود بخشش و عطا نموده و شما را از کارهای زشت و ظلم و بیدادگری منع کرده و شما را پند و اندرز می دهد.^۲

عیاشی ذیل آیه از سعد روایت کرده است که گفت: حضرت باقر (ع) به من فرموده: ای سعد مراد از عدل در این آیه محمد (ص) و منظور از احسان علی (ع) است و غرض از ابناء ذی القربی ما ائمه هستیم که خداوند بندگان خود را مکلف به اطاعت از ما فرموده و آنها را از فحشاء و منکر و سرکشی نهی کرده است.

۸۹- هُوَ الَّذِي اَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ اُمُّ الْكِتَابِ وَاٰخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَاَمَّا الَّذِيْنَ فِي قُلُوْبِهِمْ زَيْعٌ فَيَتَّبِعُوْنَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَاَبْتِغَاءَ تَاْوِيْلِهِ وَاَمَّا يَعْلَمُ تَاْوِيْلَهُ اِلَّا اللّٰهُ وَاَلرَّاسِخُوْنَ فِي الْعِلْمِ يَقُوْلُوْنَ اٰمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِّنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَا مَا يَذْكُرُ اِلَّا اَوْلُوْا الْاَلْبَابِ.

۱- آل عمران آیه ۱۴۴

۲- نحل آیه ۹۰

اوست خدایی که قرآن را به سوی تو فرستاد که برخی از آن‌ها، آیات محکم است، که آنها اصل و مرجع دیگر آیات خواهد بود و برخی دیگر آیاتی متشابه است تا گروهی که در دل‌شان میل به باطل است از پی تشابه رفته تا بتأویل کردن آن‌ها در این راه شبهه و فتنه‌گری پدید آرند. در صورتی که تاویل آن‌ها جز خدای، کسی نداند و اهل دانش گویند ما به همه‌ی آن کتاب گرویدیم که تمام محکم و متشابه قرآن از جانب پروردگار آمده و به این دانش تنها خردمندان آگاهند.^۱

تذکر: الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ:

در تفسیر اهل بیت (علیهم السلام) است که مراد از الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ، رسول اکرم (ص) است و علم رسول از تلقین جبرئیل و علم جبرئیل لوح محفوظ و کتاب لوح محفوظ از جانب حضرت عزت است.

۹۰- وَ إِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ. و هنگامی که وعده‌ی عذاب کافران به وقوع پیوندد (زمان انتقام ظهور قائم (عج)) جنبنده‌ای از زمین برانگیزیم که با آنان تکلم کند که مردم به آیات ما از روی یقین نگاه نمی‌کردند.^۲

۹۱- وَلَئِن أَخْرَجْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ لَّيَقُولُنَّ مَا يَحْسِبُهُ آلَا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَ حَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ.

اگر ما عذاب را تا مدت معینی (ظهور امام زمان (عج)) بتاخیر بیندازیم، با استهزاء خواهند گفت: چه چیز آنان را بازداشت (و مانع ظهور امام زمان (عج) چیست)؟ بدانید روزی که عذاب می‌آید از آنها برداشته نمی‌شود، بلکه بر آنان فرود آمده و به آنچه تمسخر می‌کردند سخت گرفتار شوند.^۳

توضیح: از مولا امیرالمومنین (ع) روایت شده که در تأویل این آیه شریفه فرمود:

۱- آل عمران آیه ۷

۲- نمل آیه ۸۲

۳- هود آیه ۸

أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ: اصحاب قائم آل محمد (عج) است، که سیصد و سیزده نفر می‌باشند. و در تفسیر عباسی از آقا امام صادق (ع) آمده که فرمود: خداوند اصحاب قائم (عج) ما را یک لحظه مانند ابرهای پراکنده فصل پاییزی جمع می‌کند، و در کتاب غیب نعمانی از اسحاق عبدالعزیز از آن حضرت روایت نموده که فرمود: (وَلَئِنْ أَخَّرْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ) این عذاب قیام امام زمان (عج) و امة معدودة یاران او می‌باشد که تعداد آنها برابر با سپاه اسلام در جنگ بدر هستند (یعنی ۳۱۳ تن می‌باشند).

۹۲- وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ ذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ.

و ما موسی عمران (ع) را با آیات (با تورات و معجزات بر فرعونیان)، خود فرستادیم تا قوم خود را از ورطه‌ی ظلمانی کفر در آورده، به عالم نورانی ایمان رهبری کند و آنها را به روزهای خاص خداوندی متذکر گرداند که در آن آیاتی است برای هر صبر کننده‌ی شکر گزاری.^۱

توضیح: روزهای خداوندی (ایام الله) سه روز است. روز ظهور قائم (عج) و روز مرگ و روز قیامت: (در خصال صدوق این روایت از آقا امام باقر (ع) نیز آمده است). و توجه به روزها یعنی سقوط ظالمین و پیروزی پیروان حق است.

۹۳- وَ قَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لُتْفُسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَ لَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا. در تورات بنی اسرائیل اعلام کردیم که فساد خواهید کرد البته در زمین دوبار و هر آینه سرکشی خواهید کرد البته سرکشی بزرگ.^۲

۹۴- فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَئِكَ لَا هُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَ كَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا. پس چون وقت انتقام اول فرا رسد بندگان سخت جنگجو

۱- ابراهیم آیه ۵

۲- اسراء آیه ۴

و نیرومند خود را بر شما برانگیزیم تا آنجا که در درون خانه‌های شما نیز جستجو کنند و این وعده حتمی خواهد بود.^۱

۹۵- ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمْ الْكُرَّةَ عَلَيْهِمْ وَ أَمَدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ جَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا.

پس برگردانیم برای شما نصرت را بر ایشان و اموال بسیار و فرزندان بسیار روزی کنیم و از اندازه فزون گردانیم.^۲ در تفسیر نمونه ج ۱۲، ص ۴۷ اشاره شده که حضرت مهدی (عج) و یارانش می‌باشند، یا دوستداران حضرت مهدی (عج) هستند که قبل از او قیام می‌کنند.

۹۶- اِنَّ اَحْسَنَتُمْ اَحْسَنْتُمْ لَآ نَفْسِكُمْ وَ اِنَّ اَسَآءَكُمْ فَلَهَا فَاِذَا جَاءَ وَعْدُ الْاٰخِرَةِ لِيَسْتُوْا وَ

وَجُوْهُكُمْ وَلِيَدْخُلُوْا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوْهُ اَوَّلَ مَرَّةٍ وَ لِيَتَّبِعُوْا مَا عَلَوْا تَتَّبِعُوْا.

اگر نیکی کنید. نیکی ببینید و اگر بدی کنید بدی یابید و چون وعده‌ی دیگر فرا رسند (یعنی قائم آل محمد (عج) و یارانش قیام کنند) صورت‌های شما سیاه گردد. و با یارانش به مسجد الحرام در آیند (مانند روزی که پیغمبر اکرم (ص) و امیرالمؤمنین (ع) سپاه اسلام، نخستین بار در آمدند) تا دولت و شوکت شما را سخت تباه گردانند (بر شما غلبه یافته همه‌تان را از دم شمشیر بگذرانند).^۳

آیات زیر در مورد مولا امیرالمؤمنین (ع) می‌باشد.

۹۷- اَلَمْ تَكُنْ اٰیٰتِيْ تَتْلٰى عَلٰیكُمْ وَ كُنْتُمْ بِمَا تُكْذِبُوْنَ.

به دوزخیان خطاب کنیم: که آیا آیات من برای شما خوانده نمی‌شد؟ و شما با گستاخی آن‌ها را تکذیب نمی‌نمودید؟^۴

توضیح:

محمد بن عباس در ذیل آیه مذکور از آقا حضرت موسی بن جعفر (ع) روایت کرد

۱- اسراء آیه ۵

۲- اسراء آیه ۶

۳- اسراء آیه ۷

۴- مؤمنون آیه ۱۰۵

فرمود: مراد از آیات امیرالمؤمنین (ع) است که منافقین حضرتش را تکذیب نمودند.
 ۹۸- اِنِّی جَزَّیْتُهُمُ الْیَوْمَ بِمَا صَبَرُوا اِنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ: خداوند می فرماید: من هم
 امروز پاداش صبر بر تمسخر شما را به آن بندگان پاک خود خواهم داد.

توضیح: ابن شهر آشوب ذیل آیه مذکور از ابن مسعود روایت کرده گفت، پیامبر
 گرامی اسلام (ص) فرمود: این آیه در شان علی بن ابی طالب (ع) و حضرت فاطمه (س)
 و حسین (ع) نازل شده، چه آنها بودند که بر بلاها و ملامت‌های افراد جاهل، در دنیا
 صبر نمودند و لذا در عالم آخرت رستگار می‌باشند.^۱

۹۹- حَتَّی اِذَا فَتَحْنَا عَلَیْهِمْ بَاباً ذَا عَذَابٍ شَدِیدٍ اِذَا هُمْ فِیهِ مُبْلِسُونَ. تا اینکه بر آنها
 دری از بلاها و عذابهای سخت گشودیم، و از هر سو نومید شوند، (این‌ها در
 رحمت توبه را به روی خود بستند).^۲

در بصائر الدرجات ذیل آیه مذکور عذاب شدید از آنها، امام باقر (ع) روایت کرده،
 فرمود: منظور از این باب و در که گشوده خواهد شد، علی بن ابی طالب (ع) است
 در زمان رجعت و بازگشت به سوی دنیا.

۱۰۰- و اِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ اِلَی صِرَاطٍ مُسْتَقِیمٍ. و البته تو این مردم را به راه راست و
 خداپرستی دعوت می‌نمائی. (لیکن آنها ایمان نمی‌آورند).^۳

توضیح: منظور از راه راست ولایت مولا امیرالمؤمنین (ع) است شیخ مفید در
 کتاب اختصاص ذیل آیه فوق، از آقا امام باقر (ع) روایت کرده که فرمود: مراد از
 صراط، ولایت ما آل محمد (علیهم السلام) است.

۱- مومنون آیه ۱۱۱

۲- مومنون آیه ۷۷

۳- مومنون آیه ۷۳

سیمای تابناک و درخشان حضرت بقیه الله الاعظم (عج) در فرمایشات گهربار معصومین (علیهم السلام):

همانطور که بیان گردید، در مورد امام زمان (عج) کتاب‌های زیادی توسط علما و دانشمندان و محققین شیعه و سنی تألیف شده و یا در بعضی از آثار آنها مباحثی پیرامون وجود مبارک امام (عج) آورده شده است. و از جمله کتابهایی که می‌توان گفت روایات را تقریباً به نحو احسن جمع‌آوری کرده و به صورت موضوعی به شکل مدون تنظیم نموده است، کتاب بسیار ارزشمند «منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر» تألیف آیه الله صافی گلپایگانی می‌باشد.

علاوه بر استفاده از منابع شیعه، بیش از شصت منبع و مدرک از اهل سنت را از جمله صحیح بخاری و سنن ابی داود را بررسی و از آنها استفاده نموده است. این کتاب شامل ده فصل و هر فصلی مشتمل بر چندین باب می‌باشد و مؤلف عنایت ویژه و با ارزشی در این فصول و ابواب نشان داده است. موضوعات و مباحث هر فصل و بابی را اعلام کرده است.

برای این که در یک زمان کوتاه به تمام احادیث، در موضوعات مختلف، آشنایی حاصل گردد، به صورت جدول تدوین و در اختیار علاقمندان قرار داده است. روایات فراوانی از پیغمبر بزرگوار و ائمه هدی (علیهم السلام) در مورد امام زمان (عج) آمده است که به قسمتهایی از آن به نقل از کتاب منتخب الاثر توجه داده می‌شود.

۱- روایاتی که می‌گویند امامان ۱۲ نفر می‌باشند و اول آن حضرت علی (ع) و آخر آنان امام زمان (عج)، ۹۱ حدیث

۲- روایاتی که می‌گویند مهدی (عج) از خاندان پیغمبر و ذریه آن حضرت است.

- ۳- روایاتی که می‌گویند مهدی (عج) هم نام و هم کنیه و شبیه‌ترین مردم به پیغمبر است. ۴۸ حدیث
- ۴- روایاتی که می‌گویند مهدی (عج) از دودمان علی (ع) است. ۲۱۴ حدیث
- ۵- روایاتی که می‌گویند مهدی (عج) از فرزندان فاطمه (س) است. ۱۹۲ حدیث
- ۶- روایاتی که می‌گویند از فرزندان امام حسن (ع) و امام حسین (ع) است. ۱۰۷ حدیث
- ۷- روایاتی که می‌گویند از فرزندان امام حسین (ع) است. ۱۸۵ حدیث
- ۸- روایاتی که می‌گویند نهمین فرزند امام حسین (ع) است. ۱۴۸ حدیث
- ۹- روایاتی که می‌گویند مهدی (عج) از فرزندان امام زین العابدین (ع) است. ۱۵۸ حدیث
- ۱۰- روایاتی که می‌گویند هفتمین از فرزندان امام پنجم (ع) می‌باشد. ۱۰۳ حدیث
- ۱۱- روایاتی که می‌گویند ششمین از فرزندان امام ششم (ع) است. ۹۹ حدیث
- ۱۲- روایاتی که می‌گویند پنجمین از فرزندان امام ششم (ع) می‌باشد. ۹۸ حدیث
- ۱۳- روایاتی که می‌گویند چهارمین از فرزندان امام هشتم (ع) می‌باشد. ۹۵ حدیث
- ۱۴- روایاتی که می‌گویند سومین از فرزندان امام نهم (ع) است. ۶۰ حدیث
- ۱۵- روایاتی که می‌گویند از فرزندان امام حسن عسکری (ع) می‌باشد. ۱۴۶ حدیث
- ۱۶- روایاتی که می‌گویند دارای غیبت طولانی است. ۹۱ حدیث
- ۱۷- روایاتی که می‌گویند دارای عمر طولانی است. ۳۱۸ حدیث
- ۱۸- روایاتی که می‌گویند او جهان را پر از عدل و داد می‌کند. ۱۲۳ حدیث
- ۱۹- روایاتی که می‌گویند ولادت او پنهان است. ۱۴ حدیث
- ۲۰- روایاتی که بشارت بظهور حضرت داده. ۶۵۷ حدیث
- ۲۱- روایاتی که می‌گویند دارای دو غیبت است. ۱۰ حدیث
- ۲۲- روایاتی که می‌گویند دارای سنت‌هایی از انبیاء است. ۲۳ حدیث

۲۳- روایاتی که می‌گویند آن حضرت ظاهر می‌شود بعد از آنکه مردم در امتحانات سخت قرار می‌گیرند. ۲۴ حدیث

۲۴- روایاتی که می‌گویند حضرت عیسی (ع) در نماز به آن حضرت اقتدا می‌کند. ۲۵ حدیث

۲۵- روایاتی که می‌گویند هنگام ظهورش منادی آسمانی بنام او و نام پدرش ندا می‌کند که همه می‌شنوند و ظهور آن حضرت را اعلام می‌کنند. ۲۷ حدیث

۲۶- روایاتی که می‌گویند پیش از ظهورش نرخها بالا می‌رود و بیماری زیاد می‌شود و جنگهای بزرگ برپا می‌شود و خلق بسیار از بین می‌روند. ۲۳ حدیث

۲۷- روایاتی که می‌گویند ۳۱۳ نفر از اصحاب او در یکساعت به محضرش حاضر می‌شوند. ۲۵ حدیث

۲۸- روایاتی که می‌گویند ولادت و مشروح تفصیلات و تاریخ آن و احوال ما در جلیله آن حضرت. ۲۱۴ حدیث

۲۹- روایاتی که می‌گویند دوازدهمین امام است و بعد از او امامی نیست. ۱۳۶ حدیث

۳۰- روایاتی که می‌گویند مرور زمان او را پیر نمی‌سازد و به چهره جوان ظاهر می‌شود. ۸ حدیث

جمع کل : ۳۹۹۷ حدیث

و نیز عزیزانی که مایل به مطالعه بیشتر در این زمینه می‌باشند به کتاب گفتارهایی پیرمون امام زمان (عج) نوشته جناب دکتر سید حسن افتخارزاده از صفحه سی به بعد مراجعه فرمایند (مضافاً مطالعه این کتاب توصیه می‌شود).

نکات برجسته و جمع بندی شده‌ای از فرمایشات گهربار رسول اکرم (ص) و معصومین (علیهم السلام) در مورد زمینه سازی و سر آغاز ظهور و نهضت حضرت

امام مهدی (ع) و یاران فداکار آن بزرگوار.

- ۱- به طور قطع وبدون هیچ تردیدی قیام امام (عج) از مکه آغاز می گردد.
- ۲- جنگ سختی بین غربی ها و ترکان بوجود می آید که نهایتاً به یک جنگ جهانی تبدیل می گردد.
- ۳- در ایران و در یمن دو حکومت که هوادار امام زمان (عج) هستند تشکیل می گردد. حکومت در ایران چند ماه قبل از ظهور شکل می گیرد و درگیر جنگ های سختی می شود ولی سرانجام پیروز می گردد.
- ۴- دو شخصیت بزرگ در ایران بوجود می آید، یکی سید خراسانی بعنوان رهبر سیاسی ایران می شود و دیگری شعیب بن صالح، رهبر نظامی ایران. و می توانند زمینه های ارزشمندی برای ظهور فراهم نمایند.
- ۵- اما در یمن، یاران امام (عج) با تلاش مستمر می توانند در حجاز اقدامات مؤثری را سامان بخشند ابو بصیر می گوید از رسول خدا (ص) پرسیدم، نتیجه ی درگیریها در حجاز چه می شود؟ رسول خدا (ص) فرمودند: سرانجام پایان می پذیرد و یاران امام زمان (عج) پیروز می شوند.
- ۶- سیفی بن عمیره از ابومنصور و او از امام باقر (ع) نقل می کند که در آغاز ظهور امام (عج) در ۲۳ رمضان یک صیحه ی آسمانی بگوش می رسد، که امام این صیحه را تایید کرده است.
- ۷- پس از این ندای آسمانی، در روایات آمده است که امام (عج) در مدینه با بعضی از یاران خود به طور سری ارتباط برقرار می کند، از وجود او در سراسر عالم صحبت می شود و شور و عشق در میان مردم زیاد می شود.

دشمنان امام (عج) سراسیمه برای آگاهی از وضع امام به مدینه سرازیر می‌شوند، و حکومت مدینه لشکریان سفیانی را که در سوریه هستند به مدینه دعوت می‌کند، وارد مدینه می‌شوند و قتل عام فجیعی از بنی هاشم بوجود می‌آید و عده زیادی از آنها را زندانی می‌کنند.

۸- امام زمان (عج) به طور سری از مدینه به مکه می‌آید، تعدادی از یاران را فرا می‌خواند و در شب دهم محرم بعد از نماز عشاء قیام خود را علنی می‌کند و در کنار دیوار کعبه اولین سخنرانی خود را آغاز می‌نمایند.

دشمنان تلاش در دست‌گیری او را دارند ولی موفق نمی‌شوند، سرانجام بر مسجد الحرام و سپس بر مکه تسلط می‌یابد. و پیامش به زبان‌های مختلف روی زمین، به اقوام ابلاغ می‌گردد.

ان شاء الله در آن زمان خداوند به ما توفیق عنایت فرماید تا از ملتزمین رکاب آن وجودگرا نقدر باشیم.

بخش سوم

- استعدادهای امام زمان (عج) در رسیدن به حکومت جهانی از سن کودکی
- رمز طول عمر
- رمز غیبت
- برنامه‌های امام زمان (عج) در زمان غیبت
- سیمای باشکوه دولت کریمه حضرت (عج)
- وظیفه شیعه در زمان غیبت

امام زمان (عج) با توجه به سن ۵ سالگی چگونه می تواند امامت جامعه را عهده دار شود؟

این سوالی است که عده ای بر توانمندی علمی و رهبری امام مطرح نموده اند. اگر در رابطه با این مطلب قدرت و علم و حکمت خداوند در نظر گرفته شود، قطعاً نیازی به اشکال گرفتن بر این موضوع بدیهی و ساده تاریخی که به کرات در دوران زندگی بشر ظاهر شده است و برگهای فراوانی از تاریخ را پر کرده است، دیده نمی شود.

قرآن می فرماید :

أَنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْءً أَن يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ.

فرمان نافذ خدا (در عالم) چون اراده خلقت چیزی را کند به محض اینکه گوید موجود باش بلافاصله موجود خواهد شد.^۱

عجیب این است که اغلب منکرین مسائل مختلف، سالهای سال با عناوین گوناگون، تلاش در مخالفت با تمام حقایق الهی و هستی نموده اند، و دقیقاً ناکام، عمر خود را تباه کرده اند. ولی باز عبرتی برای دیگر منکرین در طول تاریخ نشده است.

ایراد گرفتن سن امام زمان (عج) برای امامت، با توجه به آیات قرآن و احادیث و ساختار وجودی پیامبران و امامان، همچون خورشیدی تابناک بر پیکر جهان می تابد.

۱- در سوره مریم آیه ۱۲ داستان رسالت و نبوت حضرت یحیی (ع) را این چنین

بیان می نماید:

يَا يَحْيَىٰ خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا.

(چون زکریا ذکر تسبیح و نماز بکرد، ما به او یحیی را عطا کردیم) به یحیی خطاب

کردیم که تو کتاب آسمانی را به قوت نبوت فراگیر و به او در همان سن کودکی مقام نبوت دادیم.

۲- و در همین سوره، آیات ۲۹ و ۳۰ در مورد حضرت عیسی (ع) می‌فرماید:
فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا. قَالَ أَنِّي عَبْدُ اللَّهِ إِنِّي
الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا.

حضرت مریم (پاسخ ملامتگران را) به اشاره حواله به طفل (یک روزه) کرد، آنها گفتند ما چگونه با طفل گهواره‌ای سخن گوئیم. (آن طفل به امر خدا به زبان آمده) گفت: همانا من بنده خاص خدایم که مرا کتاب آسمانی و شرف نبوت عطا فرمود. بنابراین، در قرآن گریم که مستحکم‌ترین و موثق‌ترین کتاب الهی است و در طول نزول آن تاکنون کوچکترین اشکال و ایرادی در بعد لفظی و معنوی آن گرفته نشده است و هرگز نمی‌توانند بگیرند.^۱ دو نمونه از پیامبران را که در کودکی به پیامبری خود اعتراف و اقرار کرده‌اند بخصوص حضرت عیسی (ع) که در همان روزهای نخستین تولد، با اعجاز خداوند زبان باز می‌کند، یادآوری می‌نماید.

امامان شیعه در سن کودکی به امامت می‌رسند^۲

۳- همچنین در مورد امامان، مسئله امامت زودرس در زندگی نوربخش چند امام مشهود است.

امام محمد تقی (ع) در سن هشت سالگی و یا در پنج سالگی به امامت رسید.

امام علی تقی (ع) در سن نه سالگی به امامت رسید.

امام حسن عسکری (ع) در سن بیست و دو سالگی به امامت رسید.

لذا موضوع علم لدنی پیامبران و امامان یک امر الهی و اراده حکمت و قدرت خداوند است. در مورد امام مهدی (عج) مطلب نیز از همین اعجاز الهی سرچشمه گرفته و

۱- آیات ۲۳ و ۲۴ بقره

۲- پژوهشی پیرامون مهدی (عج)، سید محمدباقر صدر، نشر امید قم، ص ۱۰ تا ۴۶.

هیچگونه توجیه مؤجبهی بر رد آن نمی‌تواند قابل قبول باشد زیرا از جمله سنت‌های متقن و تثبیت شده الهی است.

شکست دانشمندان بزرگ ادیان از امامان در سن کودکی

۴- در طول زندگی با برکت علمی امامان، دشمنان امامت و ولایت بارها و بارها، دانشمندان ادیان مختلف را برای شکست علمی امامان بخصوص امام جواد (ع) و امام رضا (ع) جمع کرده‌اند ولی نه تنها نتیجه مثبتی به دست نیاورده‌اند، بلکه عظمت و شکوه علمی امامان، چنان درخشیده است که باعث خفت دستگاه جور و آن دانشمندان شده است.

۵- قدرت علمی امامان در سنین مختلف از چنان درخشندگی برخوردار بوده است که انسان‌های فهیم و علم شناس را چنان شیفته و مجذوب امامان کرده است که برای حمایت از آنها از هیچگونه تهدیدی، حتی ضرب و شتم، اسارت فرزندان و شهادت، ترس و واهمه‌ای نداشته‌اند. اسامی این بزرگواران در سراسر دوران بعد از رحلت پیامبر (ص) تاکنون را، در کتاب‌ها و نوشته‌های دوست و دشمن می‌توان مشاهده نمود.

۶- نکته بسیار زیبا در بهره‌گیری از علم و دانش و حکمت امامان (که عالی‌ترین مسئله ارتباط بین امامان و یارانشان مورد توجه است این است) که زمانی که امامان در محاصره کامل و اسیر وار در بعضی از شهرستان‌ها محدود بودند و یا در زندان‌های ویژه گرفتار بودند، هیچگاه رابطه‌ی علمی و انتقال علم امامت به یارانشان قطع نشده است و با کیاست و ظرافت، تمام سؤالات و اشکالات و نیازهای علمی از طرق مختلف از امامان خود، به آنها منتقل می‌گردید.

۷- باید به یک نکته زیبای دیگر توجه نمود، و آن اینکه تمام مخالفین امامت از اولین آنها تا دوره‌های بنی امیه و بنی عباس و تاکنون، تماماً بلااستثناء بر عظمت و

برتری علمی امامان اعتراف دارند. عمر بیش از هفتاد بار در کلامش وقتی در حل مشکلات علمی و یا فقهی درمانده می‌شد، از علی (ع) استمداد می‌طلبید و با صراحت اعلام می‌کرد. «لَوْ لَا عَلِيٌّ لَهَلَكَ الْعَمْرُ».

ولی روحیه‌ی حسادت، جهل، تعصب، و حرص و طمع به دنیا باعث شد که این چنین غیرعادلانه قضاوت کنند و بشریت را از اقیانوس بیکران علمی امامان که ریشه در علم خداوند داشت محروم نمایند.

۸- در بعضی از دوره‌های حکومتی و سلطنتی در ایران، گاهی اوقات نه تنها پادشاهی را به کودکی سپرده‌اند، بلکه در یک مقطع شاهنشاهی تاج سلطنت را بر روی شکم مادری که هنوز فرزندش به دنیا نیامده است. قرار داده‌اند و آنرا پادشاه اعلام کرده‌اند (شاپور ذوالاکتاف)

۹- در ایران و شاید در بعضی از کشورهای دنیا، افراد بسیاری بوده‌اند که در سن طفولیت از نبوغ و استعدادهای خارق العاده علمی برخوردار بوده‌اند، مانند علامه حلی و ابوعلی سینا که می‌گویند: ابوعلی سینا در سن نه سالگی به اجتهاد رسیده است و در سن ده یا یازده سالگی پزشک مخصوص دربار سامانیان بوده است.

این‌ها همه نکات بسیار درخشنده و شفاف هستند که اگر انسان اندکی انصاف داشته باشد، غیرت انسانیت خود، او را وادار به تسلیم در حقایق عالم هستی می‌کند و به خودش اجازه نمی‌دهد که انسان با این همه توجهات خداوند به او، که روح الهی به او اعطا شده است و مسجود ملائکه قرار گرفته است^۱، و علوم سبحانی به او مرحمت گردیده است^۲، عالم هستی مُسَخَّرٌ او گردیده است^۳، عقل و بینش و بصیرت

۱- حجر، آیه ۲۹.

۲- بقره، آیه ۳۱.

۳- لقمان، از آیه ۳۰.

به او اعطا شده است^۱ او را خلیفه خود بر روی زمین منصوب گردانیده است، و نکوهش‌هایی مثل **ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ**^۲، و **يَا قَتَلَ الْإِنْسَانَ مَا اكْفَرَهُ**^۳، یا القاب زشت حیوانی مثل **مِثْلُ مَثَلِهِمْ كَمِثْلِ الْحِمَارِ**^۴، یا **كَلَانِعَامٍ بَلْ هُمْ أَضَلُّ**^۵، و یا بدتر از آن **قَالَ اخْسَوْا وَاذْكُرُوا**^۶، اعلام گردد، همین انسانی که **أُدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ**، و یا **أَذْكُرُونِي وَاذْكُرْكُمْ**، و ده‌ها و صدها نمونه دیگر و عزت خداوند به انسان که در آیات و روایات به چشم می‌خورد، اسیر و سوسه‌های شیطان گردد.

بررسی طول عمر در معمرین و امام مهدی (عج)

در بررسی‌های دقیق و منطقی، شاید مطلبی شفاف‌تر از مسئله طول عمر به طور عام و طول عمر حضرت مهدی (عج) به طور خاص، در موضوعات تحقیقی علمی در اختیار بشر دیده نمی‌شود. نهایت برای رسا بودن مطلب می‌توان بشرح زیر این مسئله را پیگیری نمود.

۱- در کتب پزشکی و گزارشات کنترل و پیشگیری‌های بیماری‌های انسان و سایر حیوانات و پرندگان و سیر تاریخی آن، ثابت شده است که هرچه از سن تاریخ جلو آمده‌ایم، با رعایت مسائل بهداشتی مختلف اقدامات قابل توجهی در موضوع طول عمر و جلوگیری از مرگ و میر در سنین مختلف انسان صورت گرفته است، که دلیل بر استعداد انسان در افزایش عمر است و به طور خیلی عامیانه و زود فهم،

۱- قیامت، ۱۴.

۲- تین، آیه ۵.

۳- عبس، آیه ۱۷.

۴- سوره جمعه از آیه ۵.

۵- اعراف، آیه ۱۷۹.

۶- مؤمنون، آیه ۱۰۸.

هرچه انسان از خود و وسایل مایحتاج خود بیشتر و بهتر مراقبت نماید بر مدت عمر آنها افزوده می‌شود. مثل مراقبت از چشم، دندانها، و سایر جوارح بدن و وسایل زندگی.

به طور مثال ضمانت‌نامه‌های دستگاه‌های صنعتی، پیش‌بینی‌های عمر این ابزار چگونه تنظیم می‌شود، با چه اعتمادی این چنین برنامه ریزی می‌شود. همه این ادعاها بر مبنای اراده و اعتقاد سازنده این وسایل دور می‌زند. آنها می‌دانند چگونه این وسیله را طراحی کرده‌اند.

۲- مراقبت و محافظت خداوند از بعضی پیامبران و اولیاء مومن،

مثل حضرت نوح (ع) و راهنمایی خداوند در ساختن کشتی و حفظ او از غرق شدن، حفظ حضرت ابراهیم (ع) از آتش نمرودیان، حفظ حضرت اسماعیل (ع) از ذبح عظیم، حفظ حضرت موسی (ع) در کاخ فرعون و مراحل دیگر او، حفظ حضرت عیسی (ع) از کشته شدن او توسط دشمنان و عروج او به آسمان، حفظ پیامبر اسلام (ص) از دشمنان و در لحظه حساس بعد از هجرت با تار عنکبوت.

۳- اگر در تاریخ و زندگی شخصیت‌های الهی و پادشاهان و سایر افراد توجّهی شود، افراد زیادی بوده‌اند که از عمر نسبتاً زیاد برخوردار بوده‌اند که تعدادشان گرچه خیلی زیاد است ولی برای نمونه مواردی از آنها یادآوری می‌گردد.^۱

۱- آدم ابوالبشر ۱۰۰۰ سال

۲- نوح پیامبر ۲۵۰۰ سال

۳- ذوالقرنین ۳۰۰۰ سال «تذکره الخواص ص ۳۷۷»

۴- عاد کبری ۳۵۰۰ سال

۵- عوج بن عناق ۳۵۰۰ سال

۱- حکومت عدل گستر، حسین حیدری کاشانی، چاپ اول، ۱۳۶۲ - ص ۱۰۹ به نقل از کتب مختلف.

- ۶- رزیث بن ثملا از حواریون تا خلافت عمر زنده بود
- ۷- دومغ پدرریان ۳۰۰۰ سال
- ۸- ضحاک ۱۰۰۱ سال
- ۹- ریان بن دومغ پدر عزیز مصر ۱۷۰۰ سال
- ۱۰- شیث بن آدم ۹۱۲ سال
- ۱۱- ادریس ۹۶۵ سال
- ۱۲- انوش پسر شیث ۹۰۵ سال
- ۱۳- شداد بن عاد ۷۰۰ سال
- ۱۴- سلیمان بن داود ۷۱۲ سال
- ۱۵- سیف بن وهب ۳۰۰ سال المعمرین ص ۴۱
- ۱۶- شق کاهن ۳۰۰. کمال الدین
- ۱۷- فریدون ۵۰۰ سال
- ۱۸- عوف بن کنانه کلبی ۳۰۰ سال کمال الدین
- ۱۹- اوسن بن حارثه ۲۲۰ = المعمرین ص ۳۶
- ۲۰- عمرو بن لحي ۳۴۵ سال غیبت شیخ ص ۸۶
- ۲۱- ایوب بن حداد عبدی ۲۰۰ سال کمال الدین
- ۲۲- کعب بن حمة الدوسی ۳۹۰ سال تذکرة الخواص ص ۲۰۵
- ۲۳- حامل بن حادثه ۲۳۰ سال المعمرین ص ۶۹
- ۲۴- صیفی بن ریاح ۲۷۰ سال غیبت ص ۸۰
- ۲۵- حنظلة بن شرقی ۲۰۰ سال المعمرین ص ۴۹
- ۲۶- مرداس بن صبیح ۲۳۰ سال المعمرین ص ۳۵.

طول عمر پیامبران و اولیاء خداوند

۴- عنایات خداوند در مورد بعضی از پیامبران و اولیای خدا در طول عمر که هم اکنون نیز در حیات هستند مثل حضرت خضر (ع)، حضرت الیاس (ع) حضرت عیسی (ع).

طول عمر ملائکه

۵- عنایات خداوند در خلقت ملائکه و طول عمر آنها. (سند دقیق مدت عمر آنها در دست نیست).

طول عمر شیطان

۶- موضوع عمر شیطان. که بی ادب‌ترین مخلوقات عالم هستی در برابر خداوند است، آیه ۲۷ بنی اسرائیل می‌فرماید: «وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا».

و یا در آیه ۵۳ همین سوره می‌فرماید: «إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا»

نهایت بی‌شرمی و بی‌ادبی او زمانی است که از درگاه خداوند رانده می‌شود و لعنت خداوند تا روز قیامت بر او قرار می‌گیرد. (حجر آیات ۳۵ و ۳۴)

از خداوند درخواست می‌کند تا او را تا روز قیامت عمر بدهد تا بندگان خدا را با آن سوگندی که می‌خورد، گمراه گرداند. قرآن می‌فرماید:

قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْتَنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ. قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ. إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ. قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ. إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ.^۱

به داستان شیطان دقت شود، چند هزار سال قبل از ارتقاء او به قرب الی الله از عمر او گذشته بود، شش هزار سال هم که خدا را عبادت کرد، از زمان حضرت آدم

که رانده شد تا الان هم زنده است. آن هم به این خبثت، با این بی ادبی، با این جسارت. آیه صریح قرآن می فرماید: (خطاب به انسان، (ای انسان ها آیا با شما عهد نبستم که شیطان را نپرستید؟ او دشمن بزرگ و آشکار شماست؟) (یس - ۶) و یا در جای دیگر می فرماید: همانا شیطان دشمن من و دشمن شماست، از او دوری کنید. آیا شیطانی که دشمنی او برای خدا و بشریت آشکار است، و به نابودی انسان قسم یاد کرده است؟ می تواند از چنین عمر طولانی برخوردار باشد، و هیچکس در باره او شک و شبهه ننماید! و ایرادی نگیرد! و نگوید مگر می شود شیطان اینقدر عمر کند!

ولی امام زمان (عج) که ولی خداست، حبیب خداست، خدا از او راضی است و او هم از خدا راضی است، نمی تواند از رحمت و برکت و عنایات ویژه خداوند برخوردار باشد؟ و عمر طولانی داشته باشد؟ کجا هستند مته به خشخاش گذران طول عمر امام مهدی (عج)؟

۷- بعضی از منحرفین و منکرین به قول خودشان زرنگ و طراح مکر و حيله، به جای این همه آیات قرآن در مورد حضرت خضر (ع) حضرت عیسی (ع) حضرت الیاس (ع) و اشارات زیادی به مسائل ماندگار طرح شده در قرآن و نادیده گرفتن آن ها دست روی چند قسمت از آیات گذاشته اند. و نعوذ بالله، مطلب را با اسائهی ادب به خداوند حکیم، لوٹ کرده اند. از جمله می گویند.

قران در آیه ۱۸۵ سوره آل عمران آورده است که: *كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ*.

یا در آیه ۳۰ سوره زمر آمده است: *اِنَّكَ مَيِّتٌ وَّ اِنَّهُمْ مَيِّتُونَ*.

و یا در آیه ۶۸ سوره یس آمده است: *وَمَنْ يُعْمَرُهٗ نُنَكِّسُهٗ فِی الْخَلْقِ*.

اگر به این آیات دقت شود معنای آن ها درست یک مطلب را می رساند و آن اینکه در مسیر راه انسان مردن قرار گرفته است. ولی در این آیات ذکری از بعد از چند سال و یا چند قرن و یا چند روز نیامده است. در مورد امام زمان (عج) هم ذکری از این نشده

است که او نخواهد مرد، بلکه در تاریخ، بعد از ظهور، مدت فرمانروایی او مشخص شده است و حتی چگونگی شهادت و قاتل او هم طرح شده است و دقیقاً تمام برنامه‌های غسل و کفن برنامه نماز میت و محل دفن در روایات آمده است، پس استدلال به این آیات یک مغلطه است و قصد انحراف در اصل وجود امام زمان (عج) می‌باشد.

توجه به قدرت و اراده خداوند در خلقت، حفظ، موت.

۸- موضوع قدرت و علم و حکمت و اراده خداوند برای تمام انسان‌ها در ادوار مختلف تاریخ مشخص و معین است، در موارد گذشته به نکات متقن و روشن اشاره شد. و در سوره یس آیه ۸۳ و ۸۲ می‌فرماید:

فرمان نافذ خدا (در عالم هستی) چون اراده‌ی خلقت چیزی را کند به محض اینکه گوید موجود باش، بلافاصله موجود خواهد شد، پس منزّه و پاک خدایی که ملک و ملکوت هر موجود به دست قدرت اوست و بازگشت همه خلایق بسوی اوست.

بنابراین کار خداوند و برنامه او در طول تاریخ برای همگان روشن است، و درگیری و لجبازی‌های بشر با پیامبران خداوند و اولیاء او سراسر برگ‌های تاریخ را پر کرده است، که خداوند ابتدا با هدایت و بعد با تهدید در کاستن رزق و روزی آنها و نهایتاً در برخی از ادوار با برنامه‌های مختلف آنها را سرنگون کرده است و هیچوقت این بشر جهول، کفور، هلوع، منوع تصمیم نگرفته است که بجای درگیری با خداوند، عاقلانه از عظمت و رأفت و مهربانی خداوند استفاده نماید. نگاهی کوتاه به زندگی پیامبر مکرّم اسلام (ص) می‌تواند خیلی از مسائل را شفاف نموده، و مسیر واقعی حیات بخش زندگی عزتمند ما را ترسیم نماید.

زمانی که سراسر زندگی اهل مکه مملو از برنامه‌های غیرانسانی (که نام آنها در این مجموعه پربرکت صلاح نیست بازگو شود) پیامبر (ص) که هنوز پیامبر نشده بود از سن ۱۵ یا ۱۷ سالگی چنان درخشید و چنان امنیت ناموسی و مالی و جانی

بر سراسر منطقه حجاز به ویژه مکه تدارک نمود، و به گونه‌ای قلب‌های سنگ و حیوانی و درندگی آن‌ها را نرم و بهم پیوند نمود، که با دل و جان او را می‌پرستیدند و او را دوست داشتند و امین تمامی برنامه‌های زندگی خود می‌دانستند که او را محمد امین لقب داده بودند، ولی چه شد، وقتی پیام رسان وحی الهی شد، مدت سیزده سال در مکه، چگونه با او برخورد کردند، در ده سال عمر پر برکت آن وجود مبارک چه برنامه‌های وحشتناکی تنظیم کردند. در هشت سال، هفتاد و دو جنگ راه انداختند، آن هم نتیجه پایان عمر با برکتش که قضیه درخواست قلم و کاغذ، برای تنظیم وصیت نامه تاریخی و کیمیا گونه آن حضرت چه، فجایعی به بار آوردند، و بعد از پیامبر (ص) چه کردند، و بر اوصیاء او چه برنامه‌های غیرانسانی طرح‌ریزی کردند، آیا تاریخ می‌تواند عدد قتل عام بنی هاشم را به دست بنی امیه و بنی عباس رقم بزند؟ آیا کیفیت شهادت آل الله و هواداران عترت و اهل بیت، قابل نمایش هست؟ پس شیعیان دنبال چه موضوعی هستند، که عقول منور پیوند یافته به رسول اکرم (ص) و ائمه دین (علیهم السلام) که در زمینه‌های حرف حرف وجود نازنین امام زمان (عج) روایات متواتر در دست اهل سنت و شیعیان و مورد تایید بزرگان اهل سنت هستند، به بحث و مجادله و ضایع کردن عمر، صرف نمایند؟

قرآن در سوره انعام آیه ۱۲۵ تذکر بسیار روشن و شفافی را بیان می‌فرماید:

(آنان که طالب هدایت هستند) خداوند قلب آنها را به نور اسلام جهت هدایت روشن و گشاده می‌گرداند، ولی (آنان که رغبتی به هدایت و فهم حقایق ندارند) قلب آن‌ها برای پذیرش ایمان به خداوند تنگ و سخت می‌گردد. و گویی می‌خواهند به آسمان پرواز نمایند، لذا هر کس از راه‌یابی به حق و حقیقت رویگردان باشد، خداوند آنان را مردود و پلید می‌گرداند (لذا صحبت از حقایق و واقعیات زندگی برای آنها جز اتلاف وقت چیزی نیست).

و در آیه ۳۵ همین سوره، به طور تهدید با پیامبر (ص)، خداوند به او یادآور می‌شود که اگر این‌ها اهل هدایت و استدلال و منطق بودند، من خودم همگی آنها را

هدایت می‌کردم، که اگر تو بهتر می‌دانی که آنها ممکن است هدایت شوند و اگر می‌توانی وسائلی درست کن و آنها را به اعماق زمین، و یا نردبانی ساز و آنها را بر فراز آسمانها ببر، تا نشانه‌هایی از حقایق برای آنها بیآوری، پس (ای پیامبر اسلام سعی کن تو از جاهلان مباش، (زیرا آنها راضی به مشیت حق نیستند)).

و در آیه ۲۶ سوره انعام دقیقاً خداوند ماهیت افراد لجاج باز و کوردل را معرفی کرده است:

می‌فرماید: این‌ها کسانی هستند که هم مردم را از برکات (هدایت) آیات خدا باز می‌دارند و هم خود را از آن محروم می‌سازند، و غافل از آن هستند که آنها تنها خود را به هلاکت می‌افکنند.

و برای روشن کردن افکار نبی اکرم (ص) و در مورد چنین افرادی، ماهیت آنها را چنین آشکار می‌سازد. اگر ما کتابی را بر تو فرستیم در کاغذی که آن را به دست خود لمس کنند (آن طور که درخواست می‌کنند) باز همین افراد لجوج و کافر، (با کمال وقاحت می‌گویند) که این چیزی نیست مگر سحر و جادوی آشکار.^۱

و نیز هنگامی که خداوند در قرآن برای تشخیص انسان و خط و مشی آنها زیباترین و ساده‌ترین و شفاف‌ترین راه را برای ما تصویر کرده است، چرا نباید راه خدا را انتخاب کنیم آنجا که می‌فرماید:

(ای پیامبر (ص)) آنان که کفر را انتخاب کرده‌اند، چه آنها را بترسانی، و یا نترسانی، برای آنها تفاوتی ندارد، و ایمان نمی‌آورند، غضب خدا بر دل‌ها و گوش‌ها و دیدگان آنها پرده‌هایی افکنده است که مطلقاً قدرت فهم و شعور واقعیات از آنها گرفته شده است، و خداوند عذاب دردناکی برای آنها در نظر گرفته است.^۲

و خداوند چه زیبا علت رسیدن به این وضعیت اسف‌بار منکرین حقایق را بیان فرموده است. می‌فرماید: دل‌های آنها مریض است، (که هرگز حاضر به درمان آن

۱- انعام - ۷.

۲- بقره - ۷ و ۶.

نیستند) پس خداوند بر مرض (جهل و عناد) آنان بیفزاید، و عذاب دردناکی برای آنها تدارک شده است، زیرا حقایق الهی را تکذیب می کنند (و تلاش می کنند تا در دل بندگان خداوند شک و تردید ایجاد کنند).^۱

لذا معقول ترین راه. شاید این باشد که یاران امام (عج) و علاقه مندان به زمینه سازی ظهور امام (عج) سعی در قداست سازی خود نمایند، و عملشان در نشر فرهنگ اسلام و قرآن مطابقت با آیین حیات بخش اسلام باشد، که این عین رضایت خداوند و رسول او (ص) و ائمه (علیهم السلام) بخصوص امام مهدی (عج) می باشد و قطعاً این برنامه، قلوب جهانیان را بیدار و به سوی مهدی (عج) هدایت می نماید.

برکات و فواید طول عمر در شکل گیری نهضت امام مهدی (عج)

اگر با دید کارشناسی به موضوع طول عمر امام (عج) توجه شود، و بتوان فکر بشر را از درگیری های واهی تطهیر نمود. واقعیات شگفت انگیزی در فلسفه ی طول عمر به دست می آید. از جمله:

۱- طول عمر برای یک رهبر جهانی که قصد ایجاد یک حکومت الهی در پرتو عدالت جامع را طرح ریزی باید نماید، عامل بسیار مهمی برای فراهم کردن اطلاعات جامع از تجربیات در حال گذرای دستگاه ها و حکومت هایی است که با ظلم و ستم شکل می گیرند و چقدر ساده و بدون نیاز به برنامه های پیچیده واژگون می شوند.

لذا برای زمینه سازی، و سرنگونی دولت های قدرتمند زمان ظهور، بهتر و راحت تر می تواند اسباب زوال و نابودی آنها را فراهم نماید.

۲- وقتی امام از سن کودکی در اعماق ظلم و جور زندگی نماید. و با تمام زیر و بم شکل گیری و واژگون شدن چند حکومت و دولت را به چشم ببیند، از یک روحیه ی شجاعت و توانمندی خاصی برخوردار می گردد، که در آینده برای

شکل گیری حکومت عدل خود، ترس و هراس ندارد.

۳- طول عمر امام. به او فرصت حیاتی می دهد تا انسان ها را ارزشیابی کند، مطالعات امام در وفاداری و یا بی وفایی یاران پیامبران. و نحوه برخورد یاران با اجدادش همه بهترین آزمایش است، که سرشت انسان ها و نوع برخورد آنها با رهبرانشان مشخص و ارزشیابی گردد. لذا در دوران حیات و غیبت امام (عج) در تاریخ آمده است که نماینده ای را انتخاب کرده است و بعد از مدتی او را عزل نموده است و یا بعضی از یاران را در موقع ظهور که سال ها فوت کرده اند بار دیگر آنها را دعوت به حضور می نماید.

۴- طول عمر امام (عج) باعث می شود که در نصرت خداوند و یاری رسانی ذات مقدس الهی به پیامبران. و شیوه های متنوع خداوند در شکل گیری حکام جور، و ترفندهای زیبای اعجازهای خداوند در راهنمایی آنها و روش هدایتها و سرانجام سرنگونی آنها، برای امام روشن گردد،

و یقین و اعتقاد و ایمان بی نظیری در قلب او ایجاد می کند و داستان احتیاط و ترس حضرت موسی (ع) و درخواست، قراردادن هارون برادرش را در کنار او به وجود نمی آورد.

لذا با تمام اعتماد به یاری خداوند، خود را به خطر می اندازد و طبق روایات ائمه (علیهم السلام) حوادث اعجاز آمیزی برای امام در سرنگونی دشمن از طرف خداوند شکل می گیرد، مثل فرو رفتن سفیانی در زمین بین مدینه و مکه، یا زلزله و یا سایر مسائل که در روایات آمده است، بهترین نوید یقین بخش هستند برای آرامش امام در ادامه نهضت خود. برای نمونه داستان اصحاب کهف که از وضع موجود و کفر و قدرت طاغوتی زمان خود در عذاب هستند. ترک وطن می کنند و در یک خواب سیصد و نه ساله فرو می روند. و بعد که به امر خداوند بیدار می شوند، با یک حالت ناباوری، متوجه می شوند که آثاری از آن کفر و طاغوت باقی نمانده است، و

شیفته عظمت خداوند و این معجزات الهی می شوند.^۱

۵- این تجربیات چند صدساله و یا چند هزار ساله، امام را چنان آگاهی می بخشد که خیلی آسان و طبیعی می تواند، چهارچوب حکومت خود را بر موازین و دستورالعمل های بنیادین اسلام اجداش و قرآن پی ریزی نماید. او می داند که تمام قوانین تدوین شده به دست بشر، همگی دیدگاه دنیایی و نفع طلبی حکام جور را دارند و ارزشی برای حکومت الهی و عدالت گستر او ندارد و همگی آنها بر پایه ای سست و بی اعتبار بنا شده است و تلاش می کند آثاری از آنها در سیستم حکومتی او راه پیدا نکند.

یکی دیگر از برکات طول عمر امام، موضوع شناسایی انسان های خالص و ناخالص از نظر ادعای آنها به وفاداری به امام (عج) می باشد.

امام صادق (ع) می فرماید: حضرت قائم (عج) دوران غیبتش بدین گونه طولانی می شود تا حق کاملاً روشن و صفای ایمان از تیرگی و ناخالصی پاک و جدا گردد.^۲

همین قضیه نیز در زمان حضرت نوح (ع) اتفاق افتاد، وقتی حضرت نوح (ع) از خداوند تقاضای عذاب برای امتش نمود. خداوند هفت هسته خرما توسط جبرئیل به او دادند و گفتند آنها را بکار تا رشد کنند و ثمر دهند، وقتی ثمر دادند، دیدند عذاب نیامد، حضرت نوح (ع) در این مورد با خدا صحبت کردند، خداوند فرمود: دو مرتبه هسته ها را بکار، خلاصه تا هفت بار این عمل تکرار شد و بعد از هر مرحله تعدادی از یاران حضرت نوح (ع) بی حوصلگی کردند و مرتد شدند. تا تعداد آنها به سیصد نفر رسید، و تنها هفتاد نفر خلوص خود را به حضرت نوح (ع) نشان دادند. وحی آمد که اکنون حق و حقیقت آشکار شده است و خالص ها از ناخالص ها شناخته شدند. لذا داستان کشتی و آب، سوار شدن یاران و خلاصه موضوع غرق کفار طرح ریزی گردید.

۱- سوره کهف

۲- عصر حضور ص ۳۸۴ به نقل از بحار ج ۵۱ ص ۲۱۹-۲۲۲.

موضوع غیبت در زندگی پیامبران و امامان (علیهم السلام) یک سنت الهی است بحث غیبت در کنار شهود، دو مقوله هستند که عالم هستی از آنها شکل گرفته است. غیبت یعنی آنچه هست ولی قابل رؤیت نیست، مثل خداوند، ملائکه، روح، جن، عقل و دهها مورد دیگر که وجود دارند ولی قابل دیدن نیستند.

شهود یعنی آنچه هست و قابل دیدن و لمس کردن می باشد، مثل تمامی پدیده‌هایی که در عالم هستی وجود دارد. مثل بُعد جسمی انسان، حیوانات، گیاهان، کوه و دشت و ... خداوند در مورد پیامبران و یا امامان به ویژه حضرت مهدی (عج)، با توجه به اینکه حکیم و مدبّر است، مصلحت می داند یا برای تربیت و رشد افرادی، و یا ایجاد آمادگی و آزمایش قوم و امتی، پیامبری، یا امامی را برای یک مقطع زمانی در پرده‌ی غیب نگهدارد. این از سنت‌های مسلم تاریخ زندگی بشر است و هیچگونه انتقاد و بحثی هم تاکنون ایجاد نکرده است. مسئله غیبت امام زمان (عج) هم از سیر تکامل همین سنت الهی است و اگر عاقلانه و منصفانه دقت شود، هیچگونه موضوعی را نباید به حساسیت بکشاند.

مثلاً داستان حضرت یوسف که در قرآن به طور مفصل درباره آن بحث شده است. به آیات ۵۸ و ۷۷ سوره یوسف مراجعه شود. برادران یوسف سال‌ها و برای بارها با برادرشان تردد داشتند، ولی او را نمی شناختند در صورتی که یوسف کاملاً آنها را می شناخت.^۱

در فرمایشات معصومین (علیهم السلام) داستان غیبت حضرت مهدی (عج) را به حضرت یوسف تشبیه کرده‌اند، که یوسف به صورت یک انسان معمولی زندگی می کرد، و تمام کارهایش طبیعی انجام می گرفت ولی حتی پدرش که پیامبر بود نمی دانست کجاست. اما می دانست زنده است، در صورتی که برادرانش که این خطای بزرگ را در حق او انجام داده بودند، حتی در زنده بودنش هم اطمینانی نداشتند.

۱- حکومت عدل گستر حسین حیدری کارشانی، ص ۱۴۸.

و یا داستان حضرت موسی (ع)، که باز بنابر حکمت الهی و آزمایش قومش مدتی از جامعه غایب شد ولی متأسفانه قومش از غیبت او سوء استفاده کردند و گوساله پرست شدند و یا غیبت او از مصر و رفتن به مدین خدمت حضرت شعیب، و با حکم خداوند مراجعه به مصر و قیام علیه فرعون.

و یا غیبت حضرت عیسی (ع) از بین قوم یهود که تصمیم به کشتن او گرفتند و طبق آیهی قرآن که به آسمان برده شد.

و یا غیبت حضرت خضر (ع) که هنوز هم غائب است و در حیات می باشد و بنابه مصالحی گاهی اوقات خود را برای افرادی بخصوص با توجه به اینکه می گویند در خدمت آقا امام زمان (عج) می باشد، آشکار می نماید.

و یا حضرت الیاس (ع) که باز در کتابها داستانهای زیادی در برنامه های این پیامبر بزرگوار آمده است.

و یا در مورد پیامبر اکرم (ص) که بارها قبل از بعثت و بعد از بعثت از جامعه و محیط مکه، خود را از دید جامعه پنهان می کرد و بخصوص در مورد شکل گیری نطفه ی مقدّس حضرت زهرا ی مرضیه (س) که مدت چهل شبانه روز از خانه و کاشانه خود دور شد و در خانه ی ابیطالب اقامت گزید و ارتباطش را با مردم قطع نمود.

و نیز در مورد بعضی از امامان بخصوص از امام جواد (ع) و امام علی نقی (ع) و بویژه امام حسن عسکری (ع) برای طبیعی شدن مسئله غیبت، گاه گاهی خود را از جامعه مخفی می کردند، بخصوص در مورد امام عسکری (ع) گفته شده است، اغلب از پشت پرده با صحابه خود صحبت می کرد که نشان دهد، ندیدن، دلالت بر نبودن نمی باشد.

اینها و صدها مورد دیگر در تاریخ نشان می دهد که مسئله غیبت برای پیامبران و امامان و حتی انسانهای دیگری بعنوان یک سنت الهی در سیر زندگی بشر بوده و هست و نباید موضوع غیبت امام زمان (عج) این چنین حاد جلوه دهد. البته بیشتر از طرف دشمنان و فتنه گران مخالف شیعه این صحبتها جاری است و الا در نظر

نیک اندیشان، و مصلحان و محققین منصف، هیچگونه مطلبی در تاریخ به چشم نمی‌خورد و همگی آنها مطلب غیبت را می‌پذیرند.

اسراری که می‌توان در مورد غیبت امام مهدی (عج) پیش بینی کرد^۱

باید دقت نمود که آنچه بعنوان علت غیبت و یا اسرار آن در مورد حضرت مهدی (عج) گفته می‌شود. گرچه از فرمایشات پیامبر (ص) و ائمه دین معمولاً برداشت شده است، ولی باز اسرار این غیبت نیز نزد خداوند متعال شاید چیز دیگری باشد و لذا تا امام زمان (عج) ظهور نفرمایند، و علت غیبت خود را بنابر مصالح الهی، بیان ننمایند، باید به این اظهارنظرها بیشتر به عنوان آرام بخش توجه نمود. و اما نکات مهمی که بعنوان اسرار غیبت در گفتار و کتاب‌ها آمده است، به شرح زیر می‌باشد.

- ۱- آزاد بودن امام (ع) از بیعت با حکام جور و غاصب.
- ۲- آزمایش انسان‌ها از نظر گرایش به خوبی‌ها و بدی‌ها، طول غیبت، مؤمن و فاسق و کافر را از هم جدا می‌کند. در بعضی از آیات قرآن نمونه‌ای از پیامبران مثل حضرت موسی (ع) قومش آزمایش شد و مشخص شد. که مؤمنین و کافران چه کسانی هستند.
- ۳- در بعضی از روایات، غیبت باید به طول انجامد تا مؤمنین واقعی از صلب و نسل پدرانشان متولد شوند و جزء یاران امام گردند.
- ۴- باید غیبت باشد و طول بکشد تا یاران واقعی که در روایات سیصد و سیزده نفر، (به اندازه یاران پیامبر (ص)) در جنگ بدر هستند در عالم هستی بوجود آیند.
- ۵- حضور امام در جمع مردم، به آنها جسارت می‌داد تا در مورد مسائل دنیایی با او به مجادله برخیزند و اگر امام (عج) به خواسته‌های شیطانی و دنیایی آنها توجه نمی‌کرد. علیه او به جنگ برمی‌خاستند و او را می‌کشتند مثل اسائیه‌ی ادب‌هایی که

۱- اسرار و فوائد وجود حضرت ولی عصر (عج) در زمان غیبت - سید اسماعیل رسول زاده، چاپ اول، ۱۳۶۰. نشر کتابفروشی اسلامیة تهران، از ص ۱۴ تا ۱۹۰.

به ساحت مقدس نبی اکرم (ص) شد و به حضرت امیر المؤمنین (ع) و سایر ائمه دین (علیهم السلام) که در صفحات تاریخ بسیار شفاف و مشخص هستند.

۶- وجود مبارک امام (عج) در کنار قدرتمندان و حکام و خلفای جور، قابل تحمّل برای آنها نبود و چون امام (عج) از شایستگی بالایی برخوردار بود، و آنها لیاقت مقایسه با آنها را نداشتند، تصمیم به قتل و نابودی آنها می نمودند مثل خلفای بنی امیه و بنی عباس.

۷- باید غیبت بطول انجامد که جامعه از دین و مقررات الهی فاصله گیرد، فساد و فحشا و منکرات جامعه را گرفتار کرده باشد، به گونه‌ای که مردم از این وضع زننده به ستوه آمده باشند.

۸- باید زمینه‌هایی فراهم گردد، که انسان‌ها روحیه ای پیدا کنند تا نسبت به دستورات خداوند و آیات قرآن و پیام‌های منجی الهی تشنه گردند، و روزشماری ظهور یک مصلح الهی را داشته باشند.

۹- آشکار شدن ظلم و جور ستمگران و حکام ضدّ الهی و برملا شدن اهداف شیطانی و دنیا گرایی آنها و ایجاد فشارهای مختلف بر زندگی مردم و ظاهر شدن ابعاد مختلف نکبت بر زندگی مردم.

۱۰- آشکار شدن بی‌خاصیتی جوامع بین المللی در رفع ظلم و ستم از جوامع بشری و ضعف چشمگیر آنها در رفع مشکلات مردم.

۱۱- رشد و توسعه فکری در بین عموم مردم به ضرورت وجود یک مصلح و یک نجات دهنده از وضع بی‌سر و سامان موجود جوامع بشری.

۱۲- قطع امید کامل انسان‌ها از زندگی و میل و گرایش به درگاه خداوند، و تقاضای نجات و رهایی آنها از زندگی موجود که در آن گرفتار شده‌اند.

۱۳- یکی از علل غیبت موضوع نقش سازندگی انتظار است برای مؤمنین، انسان‌های مؤمن و با تقوا هر چه بیشتر در حال انتظار بمانند، تلاش و مراقبت بیشتری در تزکیه‌ی نفس برای حضور در محضر مولای خود، می‌نمایند.

۱۴- یکی از زیباترین برکات غیبت که می‌تواند نقش روشنی در کیفیت انسان‌ها داشته باشد این است که بعضی از انسان‌ها ظرفیت دیدار مولای خود را ندارند، و از روی نادانی و عدم آگاهی از آداب دیدار امام (عج)، شروع به نشر این موقعیت می‌نمایند، خدا ناکرده گاهی اوقات همین مطلب از طرف شیطان مسئله ساز می‌شود، یک قداست و برتر بینی، به طور ناخودآگاه در او ایجاد می‌شود که همین باعث زوال و نابودی او از مسیر واقعی هدایت و ارادت می‌گردد.

۱۵- غیبت امام (عج) اینطور نیست که محرومیت انسان‌ها از وجود او باشد، بلکه انسان‌هایی که ضمیر سالمی دارند، به گونه‌ای هستند که با یک سلام کردن بر امام، حضور ایشان را احساس می‌کنند و جواب سلام خود را از امام می‌شنوند. (که جواب دادن به سلام واجب است)، از نظر تأثیر روحی امام بر آن فرد، یک آرامش روحی چشمگیری در انسان شکل می‌گیرد که اگر چشم بصیرت باشد، دقیقاً وجود امام را با تمام وجود خود درک و لمس می‌کند، البته این حالت برای انسان‌های کوردل و بدبین قطعاً ایجاد نمی‌گردد. یعنی در واقع ظرفیت تربیتی و اعتقادی انسان نقش مهمی در این امر دارد.

نکات قابل توجهی در مورد غیبت صغری^۱

۱- غیبت امام در زمانی که در رحم مادرش بود، بنابر مصالحی مثل داستان حضرت موسی (ع) که فرعون دنبال قتل موسی بود. بنی‌عباس هم با تمام نقشه‌ها و جاسوس‌بازی‌ها خانه‌ی امام حسن عسکری (ع) را با تمام امکانات کنترل می‌کردند، تا ولادی از آن بزرگوار شکل نگیرد. چون در احادیث خوانده بودند که مهدی موعود (عج) ز امام حسن عسکری (ع) بوجود خواهد آمد.

این اولین دوران غیبت صغری حضرت مهدی (عج) است، چون مدت زمانش محدود و مشخص است و هیچگونه آثار حملی تا لحظه آخر در حضرت نرجس

۱- حکومت عدل گستر، حسین حیدری کاشانی، از ص ۱۶۰ تا ۱۶۶ به نقل از بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۴۵ تا ۳۶۱.

خاتون مشهود نبود.

۲- غیبت صغری پنج ساله زمان حضور او در محضر پدر بزرگوارش که باز ایشان زندگی مخفیانه‌ای داشت. امام حسن عسکری (ع) هر موقع که یکی از صحابه خاصش می‌آمد، حضرت را به آنها نشان می‌داد. و در روایات آمده است که اغلب اوقات عمر شریف امام در این پنج سال، به آسمان برده می‌شد و حکمت‌های الهی و برنامه‌های آینده ایشان در حق ایشان انجام می‌گرفت، یعنی حتی از پدر و خانواده خودش نیز غائب بود. و گاهی برای شکل گرفتن حقانیت و امامت این بزرگوار، جواب بعضی از سوالات صحابه را به ایشان محوّل می‌کردند و آن بزرگوار در همان سن سه و چهار و پنج سالگی به نحو مطلوب و جامع و کامل به پرسش‌های آنها پاسخ رسا می‌فرمودند.

۳- غیبت بعد از شهادت پدر بزرگوارش که در سال ۲۶۰ هجری اتفاق افتاد. که خود را در مراسم انجام نماز پدرش در سرداب مقدّس نشان داد، و عموی خود جعفر کذاب را کنار زد و تمامی حضار و مأمورین عباسی این اتفاق را دیدند و شنیدند، و مأموران عباسی هرچه تلاش کردند تا او را دستگیر نمایند، نتوانستند و در آبی که به اعجاز در سرداب پدید آمد، غرق شدند. و بعد از مراسم نماز پدر، غیبت امام (عج) شروع شد و حدود هفتاد سال بطول انجامید.

در این مدّت، امام بزرگوار چهار نفر از عالم‌ترین، با تقواترین و ارزشمندترین شیعیان خود را به نوبت به عنوان نائب خاص انتخاب فرمودند و کار آنها این بود که سئوالات و هدایای اصحاب و شیعیان را به امام می‌رساندند و دستورات لازم را به آنها می‌دادند، و نواب به افراد بر می‌گرداندند. و یا بنابر مصالحی که امام (عج) می‌دانست صحابه و افراد را به حضور می‌پذیرفتند و خود را به آنها نشان می‌دادند.

(شرح حال نواب خاص و بعضی نمایندگان و یا نواب دیگر در بخش‌های آینده به طور مفصل توضیح داده خواهد شد.)

آشنایی با شرح حال نواب خاص امام مهدی (عج) در دوران غیبت صغری
 بحث پیرامون نواب خاص امام زمان (عج) با توجه به وضعیت خاص و بحرانی
 بودن اوضاع و احوال قبل از تولد و زمان بعد از تولد امام (عج) و اختناق موجود به
 واسطه عباسیان، یکی از مهمترین و حساس‌ترین دوران زندگی امام زمان (عج)
 می‌باشد. لذا موضوع بحث پیرامون نواب خاص را در دو عنوان مستقل بررسی کرده
 و با توجه به کثرت مطلب در این باره تلاش می‌شود، به اهمّ مسائل لازم اشاره شود.

عنوان اوّل مسائل مشترک بین هر چهار نفر نواب خاص:

۱- هر چهار نفر، (عثمان بن سعید، محمد بن عثمان، حسین بن روح نوبختی،
 علی بن محمد السمری)، از موثق‌ترین، متقی‌ترین و برجسته‌ترین افراد زمان خود، که
 هر کدام از امامان، که آنها وکیل و نماینده‌ی ایشان بوده‌اند با قاطعیّت تمام، صداقت
 و امین بودن آنها را به شیعیان اعلام فرموده‌اند.

۲- از نظر علمی در تمام رشته‌های لازم و مورد پرسش دوست و دشمن اعلم
 بوده‌اند و با نهایت تسلط علمی به وص به سؤالات دشمنان ائمه (علیهم السلام)
 پاسخ مکفی و قانع کننده داده‌اند.

۳- در طول هفتاد سال نمایندگی آنها، به طور قطع بارها به محضر امام خود
 رسیده‌اند و مسائل و مشکلات جامعه را بررسی نموده‌اند و رهنمودهای لازم را از
 امام خود دریافت کرده‌اند. از جمله:

شیخ صدوق (علیه الرّحمه) به سند خود از محمد بن عثمان روایت کرده است
 که به خدا سوگند که حضرت مهدی (عج) در هر سال موسم حج حاضر می‌شدند و
 تمام حجّاج را می‌دیدند و می‌شناختند و ایشان نیز او را می‌دیدند ولی نمی‌شناختند.
 و نیز از ایشان سؤال شده است که آیا امام مهدی (عج) را دیده‌ای؟ گفت: بله
 دیده‌ام و دیدن آخر من در بیت الله الحرام بوده در حالی که می‌فرمود: «اللّهُمَّ أَنْجِزْ لِي

ما وَعَدْتَنِي» و باز او را در مستحجار دیدم که می فرمود: «اللَّهُمَّ أَنْتَقِمْ بِي أَعْدَائِي».

۴- این بزرگواران، کارشان و صحبتشان و اقداماتشان به گونه‌ای بود که تماماً از طرف امام زمان (عج) طرح ریزی و به آنها اعلام می شد.

محمد بن ابراهیم بن اسحاق می گوید: صحبت‌ها و اقداماتشان به گونه‌ای بود که تماماً از طرف امام زمان (عج) طرح ریزی و به آنها اعلام می شد.

محمد بن ابراهیم بن اسحاق می گوید: صحبت‌ها و دستورالعمل‌ها و برنامه‌هایی که از حسین بن روح می شنیدم از سطح بالایی برخوردار بودند. در دلم گذشت که آیا این‌ها را از طرف خودش می گوید؟ وقتی خدمت او رسیدم، او ابتدا تکلم کرد و مرا گفت: ای محمد بن ابراهیم اگر من از آسمان بیفتم و طعمه‌ی مرغان هوا شوم یا باد سختی مرا از بلندی پرتاب کند، دوست‌تر دارم از اینکه در دین خدا به رای خودم خرف بزنم.^۱

۵- عظمت و شکوه منصب جلیل و الهی آن‌ها به حدی بود که گاهی اوقات، عمل آنها شبیه معجزه و کرامت بود، یعنی برای اثبات وکالت خود، افرادی که به آنها مراجعه می کردند، اسمشان را می گفتند و از محتویات کیسه‌ها و نامه‌هایی که همراه داشتند، آنها را با خبر می کردند، لذا این عمل باعث می شد که شیعیان با قاطعیّت تمام به آنها اعتماد نمایند و امورات خود را با آن‌ها مطرح نمایند. این موقعیت بدین جهت از طرف امام (عج) به آنها داده می شد که زودتر برای شیعیان شناخته شوند.

۶- تمام آنها هنگام منصوب شدن به این امر خطیر توسط نماینده‌ی پیش از خود، با عنایات امام زمان (عج) و معرفی امام (عج) به نفر بعدی ابلاغ وکالت می شد و نیز توسط امام قبل، اکثراً به وسیله امام هادی (ع) و یا امام عسکری (ع)، انتخاب آنها ابلاغ می گردید. به خصوص در مورد (عثمان بن سعید و محمد بن عثمان)

۱ - سفیران امام عباس راسخی نجفی ص ۳۹ به نقل از تاریخ الغیبه الصغری ص ۴۶۲.

۷- ایشان به تمام زبان‌های رایج و زبان افراد مختلف که برای حل مشکلات یا سوالات خود خدمت آنها می‌رسیدند. قدرت تکلم داشتند. نقل می‌کنند وقتی زنی ایرانی (از اهالی اطراف ساوه قدیم) همراه مترجمی خدمت حسین بن روح که به عربی تکلم می‌کند می‌رسد، به محض اینکه خدمت نماینده‌ی امام می‌رسد، قبل از اینکه آن زن حرف بزند، او به زبان آن زن صحبت می‌کند و زن تعجب می‌کند.

۸- همگی آنها مأمور بودند که به نزدیک‌ترین یاران امام (عج) که در وثاقت آنها هیچگونه شکی نبود، اسم و مکان امام را به آنها نگویند زیرا شدیداً این عمل برای امام تهدیدآمیز بود.

برای مثال عبدالله بن جعفر حمیدی و احمد بن اسحاق که از بزرگان صحابه و دوستان مخصوص ائمه بودند در جمله‌ای به آنها گفته می‌شود که بر شما حرام است که در این باره پرسش کنید، زیرا نزد خلفا اعتقاد بر این بود که امام حسن عسکری (ع) وارث ندارد، اگر اسم امام مهدی (عج) فاش می‌شد، شدیداً باید او را به خلق معرفی می‌کردند و در دسر درست می‌شد.

۹- ملزم و مأمور به کتمان امور بودند، بحدی که حتی حسین بن روح مذهب خود را کتمان می‌کرد، و او را شیعه نمی‌دانستند، و شدت تقیه به گونه‌ای بود که ایشان فضیلت حضرت علی (ع) را بعد از ابوبکر و عمر و عثمان معرفی می‌کند. و هنگامی که یکی از غلامانش لعن معاویه می‌کند او را از خانه اخراج می‌کند، تا نشان بدهد که او شیعه نیست، البته صحابه خاص امام (عج) او را کاملاً می‌شناختند که شیعه و نایب امام (عج) می‌باشد.

و لذا اغلب خود را به صورت کاسب در می‌آوردند و به وسیله واگذاری اجناس به یاران و صحابه‌ی خاص، نامه‌ها و امانات بین آنها و امام (عج) رد و بدل می‌شد. بخصوص از زمان امام علی نقی (ع) و امام حسن عسکری (ع) و حضرت مهدی (عج) که زمان اوج محدودیت و سخت‌گیری بنی عباس بر امامان و شیعیان آنها بود. ولی

کیاست و دقت عمل نواب به گونه‌ای بود که آنها حتماً باید وجوهات و نامه‌ها را به امام می‌رساندند و جواب‌ها را دریافت می‌کردند.

۱۰- یکی از بزرگترین مشکلات نواب مسئله پخش اکاذیب و شبهات در دین بخصوص امر ولایت و به ویژه موضوع حضرت مهدی (عج) به عنوان آخرین امام شیعیان با توجه به احادیث فراوانی که او فرزند نهم امام حسین (ع) می‌باشد، بود.

نواب از قدرت علمی و استعداد بسیار بالایی برخوردار بودند و در رفع شبهات و تهمت‌ها ماهرانه کار می‌کردند. مثلاً مردی هروی حاضر نبود حضرت زهرا (س) را بر سه دختر دیگر پیامبر (ص) برتری بداند، تا اینکه حسین بن روح به او گفت: او برتر است به این دلیل که وارث پیامبر است. چون، دختران دیگر قبل از رحلت پیامبر (ص) فوت کردند و نیز خداوند نسل پیامبر (ص) را از او باقی گذارده است.

و نیز شهادت امام کاظم (ع) که در زندان مخفیانه صورت گرفته بود. کسی نمی‌دانست که چه کسی او را کشته است. که حسین بن روح پرده از این راز برداشت و اعلام کرد که یحیی بن خالد برمکی او را با دانه خرمایی مسموم کرده است.

و نیز در مورد رحلت پیامبر (ص) که این طور شایع کرده بودند که پیامبر (ص) با مرگ حتمی و اجل قطعی در گذشته است، جناب حسین بن روح با استدلال‌های قطعی ثابت نمود که ایشان را مسموم کرده‌اند. حدیث متواتر نبوی می‌فرماید: که هیچ پیامبر و معصومی رحلت نمی‌کند مگر به وسیله مسمومیت و قتل شهید می‌شود.

عنوان دوم : شرح حال و ویژگیهای هریک از نوّاب خاص

الف - جناب عثمان بن سعید:

۱- سمعانی نسب او را به عمر و بن حریث کوفی ... اسدی می‌داند. زیرا یکی از القاب وی (عمرویی) می‌باشد ولی ابونصر هبة الله بن محمد بن احمد می‌گوید ابوعمرو، او را عسکری نیز می‌گفتند زیرا از اهل قریه عسکر سر من رای بود، او را سمان هم می‌گفتند زیرا روغن فروش بود، ولی امام حسن عسکری (ع) دستور دادند که کنیه او را ابوعمرو و نامند و مشهور به عمری شد.

۲- در کتاب خلاصة الاقوال به نقل از قاضی نورالله شوشتری آمده است :

او شیخی ثقه، جلیل القدر، عالی مقام از اصحاب امام همام ابی جعفر محمد بن علی هادی (ع) و (امام جواد (ع)) بوده و از یازده سالگی در خدمت آن حضرت نشو و نما نموده و آخر به شرف وکالت امام حسن عسکری (ع) و حضرت محمد مهدی صاحب الامر (عج) فایز گردید. و اول کسی است از سفرا و ابواب که حضرت امام حسن عسکری (ع) او را جهت وکالت صاحب الامر (ع) منصوب ساخت.^۱

و مدت پنجاه سال در ناحیهی مقدّسه و خدمت آن حضرت متصدی امر وکالت شریفه بود و سؤالات و ملتزمات مخلصان را عرضه می‌نمود و جواب آن‌ها را از آن حضرت دریافت می‌نمود و به ایشان می‌رسانید.

۳- ابی نصیر می‌گوید: چون حضرت امام حسن عسکری (ع) شهید شدند کلیهی امورات تکفین، حنوط کردن و دفن نمودن و به خاک سپردن، طبق مأموریتی که داشت، توسط عثمان بن سعید انجام گرفت.

۴- شیخ صدوق در کمال الدین ج ۲ ص ۳۴۱ می‌گوید در هنگام تولّد حضرت مهدی (عج) عثمان بن سعید از طرف امام حسن عسکری (ع) مأمور شد تا برای میمنت این میلاد خجسته ده هزار رطل (پیمانه) نان و ده هزار رطل گوشت تهیه کند

۱- سفیران امام ص ۷۵ به نقل از قاضی نورالله شوشتری در کتاب خلاصة الاقوال.

و بین بنی هاشم هدیه نماید و نیز مأموریت پیدا کرد تا گوسفندی تهیه و به عنوان عقیقه امام مهدی (عج) آن را ذبح نماید. و در تمام برنامه ولادت در خدمت امام عسکری (ع) بوده است.

و به نقل از عثمان بن سعید آمده است که هنگام تولد امام (عج) نوری از بالای سرم تا به آسمان کشیده گردید و به حالت سجده قرار گرفت و پس از سجده این آیه را تلاوت می فرمود: «شَهِدَ اللهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ»!

۵- عثمان بن سعید از چنان جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود که شیخ بزرگوار عبیدالله بن اسدآبادی در کتاب خود المقنع بیان می کند که: «حضرت امام حسن عسکری (ع) نص و تفویض و منصوب فرمودند بعد از در گذشت خود که ابا محمد عثمان بن سعید عمری وکیل و واسطه‌ی بین شیعیان و حضرت امام زمان (عج) قرار گیرد. و تمام امورات محوله بین شیعیان و امام زمان (عج) از طریق ایشان انجام می گرفت و امام حسن عسکری (ع) قبل از شهادت، جمع کثیری از شیعیان را جمع کرد و مسئله وکیل بودن عثمان بن سعید را هم در مورد خودش و هم امام زمان (عج) را رسماً اعلام فرمودند و با قاطعیت امام زمان (عج)، فرزند خود را با برنامه‌ریزی رسمی به عنوان جانشین خود معرفی فرمودند. و نیز عثمان بن سعید از افراد بسیار وثوق خانوادگی امام حسن عسکری (ع) بودند به طوری که کنیزان خود و از جمله مادر امام زمان (عج) (نرگس خاتون) را همراه ایشان به بغداد فرستادند، و نیز مردم از گوشه و کنار به حضور ایشان می رسیدند و مشکلات و مسائل خود را با ایشان طرح می کردند. ایشان نیز به عرض مبارک امام زمان (عج) می رسانیدند.»

از احمد بن اسحاق روایت شده است که روزی خدمت امام علی النقی (ع) شرفیاب می شود و به امام عرض می کند اگر روزی موفق به حضور در محضر شما نشدم به چه کسی اعتماد کنم و سوالاتم را از چه کسی بپرسم؟ امام می فرماید:

ابو عمرو (عثمان بن سعید) مردی موثق و امین است، آنچه وی برای شما نقل می‌کند از طرف من می‌گوید و آنچه به شما می‌رساند از جانب من می‌رساند.^۱

و نیز از احمد بن اسحاق نقل شده است که بعد از شهادت حضرت امام علی النقی (ع) از امام حسن عسکری (ع) باز همین سوال را عرض کردم. ایشان فرمودند: که این عمر و مرد ثقه و امین است، هم ثقه امام گذشته بود و هم ثقه من است هم در حال حیات و هم بعد از وفات آنچه به شما می‌گوید از جانب من می‌رساند.^۲

امام حسن عسکری (ع) در جلسه‌ای که بیش از چهل نفر از صحابه او جمع بودند عثمان بن سعید را دعوت می‌کند و امام به آنها می‌فرماید: آیا شما را خبر دهم که برای چه سوالی آمده‌اید؟ گفتند آری. امام فرمودند: آمده‌اید پرسید از حجت بعد از من، گفتند آری. ناگاه طفلی را به ما نمود که شبیه‌ترین مردم بود به امام حسن عسکری (ع) آن گاه فرمود که این است امام و خلیفه من بر شما، اطاعت کنید او را. بعد از من متفرق و پراکنده نشوید که به هلاکت می‌رسید. و این عثمان بن سعید هرچه می‌گوید قبول کنید و او خلیفه‌ی امام شماست.^۳

۶- قبر مطهر عثمان بن سعید در شهر بغداد، خیابان میدان جنب دروازه و مسجد دروازه در سمت قبله‌ی مسجد می‌باشد. و در زمان او بردن نام امام (عج) به طور کلی ممنوع بوده است.

توقیعاتی که از طرف حضرت مهدی (عج) به عنوان عثمان بن سعید مرحمت شده است.

۱- عنایت امام زمان (عج) در تنظیم توقیعی جهت تعزیت و تسلیت فوت عثمان بن سعید به محمد بن عثمان در یک فصل آن آمده است: به درستی که ما برای

۱- سفیران امام ص ۶۳

۲- همان.

۳- همان ص ۶۷ به نقل از مهدی موعود ص ۶۶۸.

خداییم و به سوی او خواهیم برگشت، به امر او تسلیم و به قضای وی راضی شدیم، پدرت با نیک بختی زندگی نموده. در حالتی که ممدوح و پسندیده شده بود وفات یافت. پروردگار او را رحمت کند و او را به دوستان خود ملحق گرداند. او همیشه در چیزهایی که او را به خدا و به مولای خود نزدیک می نمود، سعی و تلاش می کرد. خداوند عالم روی او را تر و تازه گرداند و لغزش وی را ببخشد.^۱

۲- توقیع دیگری در کتاب الغیبه طوسی ص ۲۲۰ بشرح زیر آمده است:

بعد از وفات ابوعمر، و خداوند عالم پسر او را زنده دارد و او در حال حیات پدرش ثقه و معتمد ما بود. خداوند عالم از پدر او راضی شود و او را هم از خودش راضی و خوشحال گرداند. و روی وی را تر و تازه نماید. پسرش در نزد ما مانند اوست در جای وی نشسته هرچه گوید از امر ما می گوید و به گفته‌ی خود عمل نمی کند. خداوند عالم به او صاحب شود پس قول وی را قبول کن و نظر ما را درباره‌ی او بدان.^۲

۳- توقیع دوم به عنوان ابوعمر و عامری که ایشان به حضرت نوشته بودند که عده‌ای از شیعیان و پسر ابن ابی قزوینی در مورد جانشینی امام حسن عسکری (ع) شک داشتند. حضرت (عج) در توقیع مفصل و شرح مبسوطی به ابوعمر و عامری می فرماید:

بسم الله الرحمن الرحيم. پروردگار شما را از فتنه‌ها نگاه دارد. و به ما و به شما روح یقین را بخشش فرماید و ما و شما را از سوء عاقبت باز دارد. خبر تردیدی که گروهی از شما در امر دین نموده‌اید و شک و تحیری که درباره صاحبان امر خود به دل راه یافته است به من رسید.

۱- سفیران اما ص ۶۸ به نقل از بحار الانوار ج ۵۱، ص ۳۴۸.

۲- همان ص ۷۰.

ما از این موضوع به خاطر شما اندوهگین شدیم نه به خاطر خودمان، در باره‌ی شما ناراحت شدیم نه درباره‌ی خودمان، زیرا حق با ماست و ما حاجتی به دیگران نداریم و جز به پروردگار به هیچکس دیگری نیاز نداریم. بنابراین کسی که از اطاعت ما سرباز زند ما را به وحشت نمی‌اندازد.

ما اثر صنع خدائیم و مردم به طفیل وجود ما موجود گشته‌اند.

ای مردم چرا دچار تردید گشته و در حال تحیر مطلب را بر خود مشتبه می‌سازید! آیا نشنیده‌اید که پروردگار عزّ و جلّ فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ».

ای کسانی که ایمان آورده‌اید اطاعت و پیروی کنید پروردگار را و اطاعت کنید پیامبر و صاحبان امر از شما را.^۱

آیا نمی‌دانید در اخبار رسیده است که حوادثی برای ائمه گذشته و آینده شما روی می‌دهد؟

آیا نمی‌دانید که پروردگار برای شما دژهای استوار و محکم قرار داده که به سوی آنها پناه برید و پیشوایانی قرار داده از زمان آدم تا زمان امام حسن عسکری (ع) سنگرهایی برای شما قرار داده که به آنها پناه برید و علایمی مقرر داشته تا به وسیله آن هدایت شوید به طوری که اگر یکی از آنها پنهان شود، پیشوای دیگری ظاهر می‌گردد و هر وقت ستاره‌ای غروب کند ستاره دیگری می‌درخشد.

وقتی که امام حسن عسکری (ع) رحلت فرمودند، گمان کردید که پروردگار، دین خود را باطل کرد و رشته‌ی واسطه میان خود و بندگانش را قطع نمود. چنین نبوده، تا روز رستاخیز چنین خواهد بود تا آنکه امر خدا آشکار شود در حالیکه مردم او را کراهت خواهند داشت.

امام گذشته با سعادت رحلت فرمود و همچون پدران بزرگوارش از دست مردم رفت. وصیت و علم و فرزند و جانشین او در میان ماست و جز ظالمان گناهکار کسی درباره‌ی منصب و مقام امامت وی با ما نزاع ندارد و جز کافر منکر، کسی ادعای این منصب بزرگ را نمی‌کند. اگر ملاحظه مغلوب شدن امر خدا، آشکار گشتن سرّ الهی نبود چنان حقّ ما برای شما ظاهر می‌گردید که عقلهایتان حیران گردد و شک و تردید آن برطرف شود.

ولی آنچه را خداوند خواسته واقع باشد و برای هر مدّتی نوشته‌ای است.

پس شما هم از خدا بترسید و تسلیم ما شوید و کارها را به ما واگذارید. همه گونه خیر و خوبی از ما به مردم می‌رسد. آنچه بر شما پوشیده است برای اطلاع از آن اصرار نوزید و به چپ و راست میل نکنید. مقصد خود را با دوستی ما براساس راهی که روشن است به طرف ما قرار دهید. من آنچه را لازمه‌ی نصیحت بود به شما گفتم و خداوند بر من و شما گواه است اگر محبت به شما نداشتم و صلاح شما را نمی‌دیدم و به خاطر ترحم و شفقت بر شما نبود گفتگو با شما را ترک می‌گفتم. وی از سال ۲۵۶ تا سال ۳۰۰ نیابت خاص را به عهده داشته است.^۱

ب: شرح حال و فضائل جناب محمد بن عثمان نایب دوم امام زمان (عج)

محمد بن عثمان از شخصیت‌های طراز اوّل و برجسته صحابه‌ی ائمه دین می‌باشد و بعضی از فضائل او به شرح زیر است:

۱- حضور آن جناب در خانه‌ی امام حسن عسکری (ع) هنگام ولادت با سعادت حضرت مهدی (عج). غیاث بن اسد از محمد بن عثمان نقل می‌کند که گفت: هنگامی که حضرت امام زمان (عج) متولد گردید، نور روشن و درخشنده‌ای از او ساطع گردید و به آسمان بالا رفت و فضا را روشن و نورانی نمود، پس از آن پیشانی

۱- سفیران امام - عباس راسخی نجفی ص ۷۳ تا ۷۱ به نقل از احتجاج.

مبارک خود را بر سجده گذارد، آنگاه بلند شد و این آیه را تلاوت نمود: «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ...»^۱

۲- توقیع حضرت مهدی (عج) به محمد بن عثمان به منظور تعزیت رحلت پدر بزرگوارش عثمان بن سعید. سلسله سند از شیخ کلینی و شیخ صدوق به نقل از عبدالله جعفر توقیعی از ناحیه مقدسه‌ی امام زمان (عج) برای ابوجعفر محمد بن عثمان به شرح زیر صادر گردید.

«أَنَا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» تسلیم فرمان و راضی به قضای الهی هستیم. پدرت با سعادت زیست و با افتخار مرد. خدا او را رحمت کند و به اولیای خدا و سروران خود (علیهم السلام) ملحق سازد. او پیوسته به آنچه او را به خدا و موالیان خود نزدیک می‌نمود تلاش و کوشش داشت. روی او را تر و تازه گرداند و او را بیامرزد. محمد بن عثمان پدر را به امر حضرت غسل داد و تمام مراسم کفن و دفن او را انجام داد.

۳- از محمد بن همام روایت نموده‌اند و ضمن بیان سلسله سند، نقل شده است که: محمد بن ابراهیم بن مهزیار اهوازی نقل نمود که بعد از وفات عثمان بن سعید توقیعی بدین مضمون برای من آمد:

«خداوند پسر او را حفظ کند. او در زمان پدرش مورد اعتماد ما بود، خدا از او و پدرش خشنود باشد و روح پدرش را شاد گرداند پسرش در نزد ما مانند اوست و در جای وی نشسته است. آنچه از ما بگوید گفته‌ی ماست و به فرمان ما عمل می‌کند.»^۲

۴- با عنایات و توجهات حضرت مهدی (عج) وی دارای کرامات و معجزاتی شده بود که بعضی از آنها بشرح زیر می‌باشد:

۱- آل عمران آیه ۱۸.

۲- سفیران امام ص ۷۹، به نقل از مهدی موعود ص ۶۷۲.

الف : آگاهی از فوت محمد بن عبیدالله حایری در شهر واسط و فرستادن لباس و وسائل لازم کفن و دفن توسط محمدبن متیل، و تحویل آنها به محمد بن قطاء در اول شهر واسط که منتظر محمد بن متیل برای دریافت آنها بود.

ب : شخصی اموالی را از قم خدمت محمدبن عثمان آورده بود و دو جامه را از آن اموال به وی مسترد نکرد. او به آن فرد گفت که این اموال ناقص است، ابتدا آن مأمور انکار می کرد تا سرانجام تمام نشانی های جامه ها و فرستنده آنها را یادآوری کرد، آن شخص یادش آمد و جامه ها را از اموال خود جدا کرد و به او داد.

ج : به نقل از ابوالحسن علی بن احمد دلال قمی، می گوید روزی خدمت محمد بن عثمان رسیدم دیدم نقاشی لوحه ای را درست می کند و روی آن اسامی ائمه را نقش می کند، از او سوال کردم این چیست، گفت لوحه ای است که هنگام مرگ می خواهم آن را در قبرم بگذارم، و سپس گفت در فلان سال، و فلان ماه و فلان روز وفات خواهم کرد، و دقیقاً طبق تاریخی که اعلام کرده بود، فوت نمود. ^۱ قبرش در بغداد، کنار قبر مادرش در خیابان شارع الرشید قرار دارد. تاریخ فوت آخر جمادی الاول سال ۳۰۵ هـ. ق می باشد.

۵- وی از چنان موقعیت و رفعتی برخوردار بود که هم امام حسن عسکری (ع) او را توثیق فرمود و به شیعیانش خبر داد که او از وکلای فرزندان مهدی (عج) است، و هم توقیعی از جانب حضرت مهدی (عج) صادر شد که هم تعزیت پدرش در آن اعلام شده بود و هم اینکه او نایب از جانب ولی خداست و جانشین در امر سفارت و مقام پدرش می باشد. ^۲

۶- وی هم وکیل حضرت هادی (ع) و هم امام حسن عسکری (ع) و هم مدت ۳۵ سال از طرف ناحیه ی مقدسه، نایب امام (عج) بوده است، و در طول زندگی پربرکت او در خانه ی محقر و کوچکی بدون پیش خدمت زندگی نموده است. و

۱- سفیران امام ص ۸۲

۲- همان.

رویهم رفته مدت پنجاه سال وکیل و نایب سه معصوم (علیهم السلام) بوده است.
 ۷- از اسحاق بن یعقوب روایت کرده‌اند که از محمد بن عثمان تقاضا کردم تا نامه‌ای را که مسائل و مشکلاتی را در آن نوشته‌ام به حضرت مهدی (عج) برساند، پس از تقدیم نامه به امام (عج) توقیعی به شرح زیر از طرف حضرت امام (عج) از طریق محمد بن عثمان دریافت نمودم.

محمد بن عثمان که خداوند از او پیش از وی از پدرش خشنود باشد مورد وثوق من است و نامه او نامه من می‌باشد.^۱

۸- بعد از فوت پدرش عثمان بن سعید، همه امور به وی منتقل گردید و جماعت شیعه به عدالت و وثاقت و امانتش اتفاق داشتند زیرا که در خصوص امانت و وثاقت او نص وارد شده است.

و مردم هم در حیات حضرت امام حسن عسکری (ع) و هم بعد از شهادتش در حال حیات پدرش عثمان بن سعید مأمور شده بودند به اینکه در امورات دینیه به او رجوع نمایند. در عدالتش مابین شیعه اختلافی نبود و در امانتش شکی نداشتند، و توقیعات در خصوص کارها در مدت حیاتش به خطی که در زمان پدرش بیرون می‌شد به دست او برای شیعه در می‌آمد. شیعیانش در خصوص این امر غیر او را نمی‌شناختند و به امری سوای او رجوع نمی‌کردند. دلائل بسیار از او نقل شده و معجزات حضرت امام مهدی (عج) به دست او ظاهر می‌گردید.

۹- به نقل از ابونصر. محمد بن عثمان چند جلد کتاب داشت که در فقه تصنیف کرده بود، و همه آنها را از امام حسن عسکری (ع) و صاحب الامر (عج) و پدرش عثمان بن سعید که او نیز از امام علی النقی (ع) و امام حسن عسکری (ع) اخذ نموده بود و شنیده بود به دست آورده بود.

۱۰- شیخ صدوق به سند خود از محمد بن عثمان روایت کرده است که قسم به

۱- همان ص ۸۴ به نقل از کتاب مهدی موعود ص ۶۷۲.

خدا، هر آینه حضرت حجت هر سال در مراسم حج حضور دارند و خلایق را می‌بینند و ایشان او را می‌بینند ولی نمی‌شناسند.

۱۱- از محمد بن عثمان سوال شد که آیا حضرت حجّت (عج) رادیده‌ای؟ گفت: بلی. دیدن آخرین من در بیت الله بود در حالی که می‌گفت: «اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي» و نیز او را دیدم در مستجار آن حضرت را که می‌گفت: «اللَّهُمَّ أَنْتَقِمْ بِي أَعْدَائِكَ». یعنی: پروردگارا! به وسیله‌ی من از دشمنانت انتقام بگیر.

و نیز می‌گوید برای آخرین بار دیدار من با حضرت صاحب الامر (عج) زمانی بود که:

حضرت را دیدم دست‌های مبارک خود را به پرده‌ی کعبه آویخته و چنین می‌گفت:

پروردگارا وعده خود را که مرا وعده فرمودی به انجام رسان و از دشمنان خود به وسیله‌ی من انتقام بگیر.

۱۲- در جواب عده‌ای از شیعیان که دنبال اسم و محل سکونت حضرت حجت (عج) هستند، توقیعی به عنوان محمد بن عثمان در درخواست آنها از طرف حضرت به شرح زیر صادر می‌گردد.

«باید بدانند و مطلع گردند کسانی که از اسم امام زمان (عج) پرسش می‌کنند، اگر سکوت کنند و پرسش ننمایند از برای آنان است بهشت. و اگر پرسش کنند و حرفی زنند از برای آنان است، جهنم و آتش دوزخ، چه اینان اگر از اسم واقف شوند و بدانند، ضایع و تباه کنند و احترام را مراعات نکنند و اگر از مکان و جایگاه واقف شوند دلالت و راهنمایی نمایند و نشان دهند.»

۱۳- پاسخ حضرت مهدی (عج) به سؤالات عبدالله حمیری از طریق محمد بن عثمان.

عبدالله حمیری نامه‌ای را تنظیم می‌نماید و سؤالات مختلفی را در آن مطرح

می‌نماید و از طریق محمد بن عثمان به محضر امام می‌رساند. امام (عج) متقابلاً جواب تمام سوالات را به نحو شایسته پاسخ می‌فرمایند.

سوال و جواب‌ها زیاد است علاقه مندان می‌توانند به کتاب سفیران امام نوشته عباس راسخی نجفی از صفحه ۹۱ به بعد مراجعه نمایند. ولی در این مجموعه یک سوال و جواب آن برای نمونه نوشته می‌شود.

سوال : کسی که به زیارت قبور امامان (علیهم السلام) می‌رود : ۱- آیا جایز است که بر قبر امام سجده نماید؟ ۲- و در موقع خواندن نماز، قبر امام را در جلوی صورت خود قرار دهد؟ ۳- آیا جایز است که بالای سر یا پایین پای امام نماز گزارد؟ ۴- آیا جایز است که در موقع خواندن نماز پشت به قبر امام کند؟

جواب : ۱- سجده بر قبر امام جایز نیست، خواه نماز نافله باشد و خواه نماز واجب. همین طور در موقع زیارت، سجده بر قبر جایز نیست (آنچه که معمول و مرسوم است این است که در موقع زیارت طرف راست صورت را در مقابل قبر بگذارند). ۲- اگر در موقع نماز خواندن، قبر امام را در جلوی صورت خود قرار دهد اشکالی ندارد.

۳- جایز نیست که بالای سر یا پایین پای او به طوری که مساوی با قبر امام باشد نماز بگذارد.

۴- نباید در موقع نماز قبر امام را در پشت سر خود قرار دهد، زیرا جایز نیست که کسی مساوی یا مقدم بر امام باشد.

۱۴- پاسخ حضرت مهدی (عج) به اسحاق بن یعقوب از طریق محمدبن عثمان. نامه‌ای است مفصل با سؤالات فراوان در زمینه‌های گوناگون. ولی به علت طولانی بودن آن برای تبرک به چهار مورد از پاسخ سوالات اشاره می‌شود.
الف : و اما ظهور فرج به درستی که آن به دست خدای عزّ و جلّ است، دروغ می‌گویند کسانی که تعیین وقت می‌کنند.

ب : اَمَّا راجع به حوادثی که رخ می‌دهد به راویان اخبار و احادیث ما رجوع نمایید، زیرا ایشان از طرف من بر شما حجت هستند و من از طرف خدا بر ایشان حجت هستم.

ج : اَمَّا محمد بن عثمان (رضی الله عنه و عن ابيه) مورد وثوق و اطمینان من است نامه‌ی او نامه‌ی من می‌باشد.

د : و اَمَّا کسانی که متلبس به اموال ما هستند پس اگر چیزی از آن را حلال بدانند و بخورند به درستی که آتش می‌خورند.^۱

۱۵- توقیع حضرت مهدی (عج) در باره جعفر کذاب.

جعفر کذاب فرزند امام علی نقی (ع) و برادر امام حسن عسکری (عج) و عموی حضرت مهدی (عج) می‌باشد. وی راه انحراف را برگزید و بعد از امام حسن عسکری (ع) ادعاهایی اعلام نمود که طی نامه‌ای آن را بین مردم شایع کرده بود و یا برای افراد خاصی فرستاده بود.

احمد بن اسحاق از طریق محمد بن عثمان نامه‌ای تنظیم می‌کند و با قرار دادن نامه‌ی جعفر کذاب در کنار آن، آن‌ها به محضر امام زمان (عج) می‌رسد. امام توقیع مبارک مفصل و چند صفحه‌ای را در این مورد صادر می‌کند که با توجه به طولانی بودن آن فقط چند مورد آن ذکر می‌شود.

«سپس پیغمبر خود، محمد (ص) را قبض روح فرمود و قرار داد امور ولایت را بعد از او به برادر و پسر عمو و وصیش حضرت علی بن ابیطالب (ع) و پس از او اوصیا از فرزندان او یکی بعد از دیگری، زنده کرد به ایشان دینش را، تمام نمود به وجود ایشان نورش را...»

«... و قرار داد آنها را خزانة دار علم خود و امانت دار حکمت خود و محل اسرار و راز خود و تقویت نمود آنها را به دلیل‌ها و معجزه‌ها...»

« ... و به تحقیق که ادعا کرد این باطل کننده‌ی حق (جعفر کذاب) و افترا زننده بر خدا دروغی را که ادعا کرده آن را، پس نمی‌دانم به چه حالتی او امید دارد که ادعایش را ثابت کند.»

آیا به فقه و دانایی در دین خدا امید دارد؟ به خدا سوگند که او حلال را از حرام تشخیص نمی‌دهد و فرقی میان خطا و صواب نمی‌گذارد.

آیا به علم و دانش این ادعا را می‌نماید. « با اینکه نمی‌داند حق را از باطل و نه محکم را از متشابه و نمی‌شناسد حد نماز و وقت آن را.

آیا به ورع و پارسایی و تقوا و پرهیزکاری می‌خواهد بر این مسند تکیه کند، که پروردگار شاهد و گواه است که چهل روز نماز واجب را ترک و خیال می‌کرد که با این چله نشستن شعبده‌ای ساز کند و یا علم سحری به دست آورد و مردم را فریب دهد.

و شاید خبر او به شما رسیده باشد و این است خم‌های شراب او کار گذاشته شده، و آثار سرکشی و معصیت به خدای عز و جل که مشهود و آشکار و برپاست.

آیا به یک معجزه و کرامتی این دعوی را دارد؟ آیا به حجت و دلیلی می‌گویید؟ پس بیاید و اقامه کند. آیا دلیل و برهانی در دست دارد؟ آنرا یاد کند.

پس طلب کن - خداوند تو را توفیق دهد - از این ستمکار آنچه را برای تو ذکر کرده است از حجت و دلیل و او را آزمایش کن و سوال نمای آیه‌ای از کتاب خداوند را که تفسیر کند.

یا حدود نماز واجب را بیان نماید، و آنچه واجب می‌شود برای فراگرفتن حال و مقدار آن و به تحقیق ظاهر می‌شود برای تو بیسوادی و نقصان او خداوند حساب کش اوست.^۱

۱۶- ابوالحسن بن جعفر اسدی روایت می‌کند که سؤالاتی را تنظیم کردم و از

طریق محمد بن عثمان از امام مهدی (عج) سوال کردم. امام در توقیعی به سؤالاتم پاسخ فرمودند. در اینجا به چند سوالی که امام پاسخ فرموده اشاره می‌شود.

«اما آنچه از نماز خواندن وقت طلوع خورشید و وقت غروبش پرسیده‌ای پس اگر آنگونه که مردم می‌گویند باشد که خورشید از میان دو شاخ شیطان طلوع کرده و در میان دو شاخ شیطان غروب می‌کند، پس هیچ چیزی بهتر از نماز، دماغ شیطان را به خاک نمی‌مالد. پس نماز را به پا دار و دماغ شیطان را به خاک بمال.»

و اما از آنچه که در مورد وقف (آنچه را که انسان از اموال و املاک خود وقف می‌کند) به ناحیه‌ی ما و آنچه را که برای ما قرار داده شده پرسیده‌ای، که صاحبش به آن نیاز پیدا می‌کند. پس هرچه به عنوان موقوفات تسلیم شد، دیگر صاحبش در آن اختیاری ندارد.

محتاج باشد یا محتاج نباشد، نیاز به آن داشته باشد یا از آن بی‌نیاز باشد.

و اما آنچه پرسیده‌ای از کسی که اموال ما در دست اوست و آن را حلال می‌داند و در آن مانند مال خود بدون اذن ما تصرف کند پس هرکس این کار را انجام دهد ملعون است و هرکس به ما ستم روا دارد از جمله‌ی ستمگران می‌باشد و لعنت خدا بر او شامل است. زیرا خداوند می‌فرماید: آگاه باشید لعنت خدا بر گروه ستمگران است.^۱

۱۷- توقیع مبارک حضرت مهدی (عج) از طریق محمد بن عثمان در رد شبهه‌ی آنان که نسبت به تفویض خلق خداوند عده‌ای از شیعیان با هم در امر خلقت و روزی دادن از طریق ائمه اطهار (علیهم السلام) که خداوند این امر را به آنها تفویض کرده است با هم به مجادله برخاستند.

سرانجام از طریق گروهی راهنمایی شدند تا مطلب از طریق محمد بن عثمان، از امام عصر (عج) جویا شوند، امام در پاسخ درخواست آنها فرمودند:

۱- سفیران امام ص ۱۰۲ به نقل از چهره درخشان امام زمان (عج) ص ۴۴۰.

«به درستی که خداوند تعالی اوست که ایجاد کرده و آفریده اجسام را و تقسیم روزی نموده، برای این که او جسم نیست و حلول در جسمی هم نکرده، نیست مانند او چیزی و او شنوای داناست. اما ائمه (علیهم السلام)، پس ایشان درخواست می‌کنند از خدا، پس خلق می‌کنند و می‌خواهند پس روزی می‌دهند، به خاطر اجابت کردن درخواست ایشان و بزرگ داشتن حق ایشان، از طرف خداوند.»^۱

ج : شرح حال نایب سوم جناب حسین بن روح نوبختی

پیرامون مسائل زندگی پربرکت حسین بن روح نوبختی مطلب فراوان است، ولی به خاطر جلوگیری از طولانی شدن بحث، و نیز آشنایی به زندگی او نکات برجسته‌ای انتخاب، و به شرح زیر تقدیم می‌گردد.

۱- در کتاب خاندان نوبختی نوشته استاد اقبال، حسین بن روح نوبختی بعد از بوسهل اسماعیل بن علی مشهورترین فرد این خاندان است و عمده‌ی شهرت و اعتبار او به جهت مقام دینی اوست که در میان شیعه دارد. وی سومین نایب خاص امام زمان (عج) می‌باشد که مدت بیست و دو سال (از سال ۳۰۵ تا ۳۲۶) افتخار این امر بعهدہ ایشان واگذار شده بود.

۲- حسین بن روح از نظر نسبی ارتباطی با خاندان نوبختی نداشته است ولی به واسطه وصلتی که پدرش با خاندان نوبختی ایجاد نمود، به نوبختی مشهور گردید و خاندان او همگی از اهالی بغداد می‌باشند. ولی تمام اصحاب رجال و علمای اخبار او را نوبختی نوشته‌اند.

۳- ابن آشوب در مناقب ص ۴۵۸ می‌نویسد که وی در زمان امام حسن عسکری (ع) نیز از صحابه‌ی خاص بوده است و اصطلاحاً باب امام یازدهم (ع) بوده است.

۴- در غیبت طوسی ص ۲۴۲ نصب و انتصاب وی به نیابت خاص توسط حضرت حجت (عج) صورت گرفته است و توسط نایب قبل از او محمد بن عثمان

۱- همان به نقل از تحفه قدسی ص ۲۳۳.

در حضور جماعتی از شخصیت‌های امامیه از جمله ابوعلی محمد بن همام، ابو عبدالله بن محمد کاتب، ابو عبدالله باقطنی و ابوسهل اسماعیل بن علی نوبختی و ابو عبدالله حسن بن علی الوجناء نصیبی، صورت گرفته است.

۵- حسین بن روح نوبختی از مقربین خاص نائب دوم محمد بن عثمان بود، و او اول کسی است که بعد از نصب محمد بن عثمان از طرف امام (عج) اجازه حضور در محضر نائب امام زمان پیدا کرد.

۶- در کتاب غیبت طوسی صفحه ۲۴۳ تا ۲۴۲ به نقل از ام کلثوم دختر محمد بن عثمان نایب دوم. حسین بن روح از سال‌ها قبل از فوت پدرم، او وکیل پدرم بود و در امر املاک او نظارت داشته و اسرار دینی را از جانب او به رؤسای شیعه می‌رسانید و از خواص و از محارم او بود. و باعث جلالت و معروفیت او گردید به گونه‌ای که وی در چشم شیعیان بسیار محترم و بزرگ گردید. و سرانجام از طرف پدرم با دستور حضرت حجت (عج) به نیابت خاص منصوب شد.

۷- در کمال الدین ص ۲۷۶ و ۲۷۵ آمده است که محمد بن عثمان از دو سال قبل از فوتش تمامی شیعیان را برای ادای دیونات و یا سؤالات خود به حسین بن روح نوبختی هدایت می‌کرد، دستور داده بود نیاز به گرفتن رسید از او نیست و هرگاه کسی از این کار سرپیچی می‌کرد مورد سرزنش محمد بن عثمان قرار می‌گرفت.

۸- حسین بن روح بعد از فوت محمد بن عثمان به همراه عده‌ای به دارالنیابه بغداد آمد و رسماً به عنوان نایب سوم امام حجت (عج) خود را معرفی کرد و خادم ابوجعفر محمد بن عثمان به نام (ذکاء) حاضر شد و عصا و کلید صندوقچه ابوجعفر که حاوی خواتیم ائمه بود، به او تحویل داد و اعلام کرد که ابوجعفر گفته است وقتی فوت کردم این برنامه را در جمع شیعیان انجام دهم.^۱

۱- سفیران امام ص ۱۳ به نقل از غیبت طوسی ص ۲۴۳.

۹- در منزلت و شخصیت حسین بن روح آمده است که بعد از فوت محمد بن عثمان از ابوسهل اسماعیل بن نوبختی که شخصیت طراز اوّل خاندان نوبختی است، سوال شد چرا تو را به جانشینی محمد بن عثمان انتخاب نکرده‌اند؟ به او گفت: کسانی که حسین بن روح را به این منزلت برگزیده‌اند از ما بیناتر و داناترند. کار من مناظره با خصم، بحث و گفتگو با ایشان است. اگر من مکان امام غایب را چنانکه ابوالقاسم می‌داند، می‌دانستم در تنگنای محاجه، او را به خصم معرفی می‌نمودم در صورتی که ابوالقاسم اگر امام زمان (عج) را زیر دامن خود پنهان داشته باشد و او را با مقرض ریز ریز کنند امام را آشکار نخواهد ساخت.

۱۰- حسین بن روح در اوّل شروع نیابت خود یعنی از سال (۳۰۶ تا ۳۱۱) مورد توجه خاص آل فرات بود و شیعیان وجوهات خود را به او می‌دادند، ولی بعد از سقوط خاندان آل فرات وزیر جدید دستور تحویل اموال شیعه را به حسین بن روح نوبختی صادر کرد ولی چون ایشان اطاعت نکردند، توسط دستگاه دولتی او را به زندان انداختند و تا سال (ذی حجه ۳۱۲) در زندان بود ولی چون از حبس آزاد شد دو مرتبه همان قرب و احترام را در بین مردم به دست آورد و مراجعات شیعیان با ایشان شروع گردید.^۱

۱۱- حسین بن روح در زمان نیابت، شهرت و اراضی و مال و مقام بالایی را کسب کرده بود و شیعیان اموال زیادی به او تحویل می‌دادند و به تصدیق دوست و دشمن وی از فهیم‌ترین و عاقل‌ترین مردم روزگار بود (غیبت طوسی ص ۲۵۰) و در بغداد در میان مردم و پیش خلفا عزت و احترام خاصی داشت. بخصوص در زمان خلیفه مقتدر و مادر او سیده، منزلت بزرگی داشت و انسانی بسیار عاقل و مصلحت شناس بود و در میان خلفا و دستگاه دولتی به تقیه عمل می‌کرد. و به حدی در این مورد دقت داشت که زمانی به او گفتند غلام یا دربان شما معاویه را دشنام داده است او از

باب تقیّه او را از خدمت عزل کرد و هرچه التماس کرد دیگر او را به کار نگرفت.
 ۱۲- در کتاب غیبت طوسی ص ۲۵۲ آمده است که وفات شیخ ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی در چهارشنبه هجده شعبان سیصد و بیست و شش (هـ. ق) در شب اتفاق افتاده است. و او را در محلی بنام نوبختیّه بغداد که محله‌ایست به نام سوق العطارین دفن نمودند.

بررسی قیام شلمغانی علیه حسین بن روح نوبختی و اولین توقیع حضرت در لعن او توسط نوبختی

صحبت در مورد شلمغانی مسائل متعددی را همراه دارد که اهم آنها به شرح زیر است:

- ۱- نام او محمد بن علی ابوجعفر و از مردم قریه شلمغان از قرای واسط بغداد است. او را ابن العزاقر و پیراوانش را عزاقریّه می‌نامند.
- ۲- وی قبل از انتصاب حسین بن روح یکی از کتاب و مؤلفین معروف بغداد بود و نزد امامیه مقامی جلیل و موقعیت بسیار خوبی داشت ولی با تعیین حسین بن روح نوبختی به جهت حسادت شدیدی که در او شکل گرفت بر ضدیت با او شروع به مخالفت نمود.
- ۳- در ابتدا کاری از پیش نبرد ولی هنگامی که حسین بن روح به زندان افتاد. از فرصت استفاده کرد و خود را نایب امام معرفی نمود و جماعت زیادی را از خواص و سرشناسان شیعه را به طرف خود کشید و به این نیت شروع به فعالیت کرد که این مقام را از حسین بن روح نوبختی تصاحب نماید. بعداً کار ادعای او بالا گرفت و کم کم دعوی نبوت کرد و سرانجام ادعای الوهیت نمود.

۴- بعد از عزل حامد بن العباس و روی کار آمدن خاندان الفرات با توجه به نسبتی که شلمغانی با آنها داشت به دربار خلیفه نزدیک شد و به کمک او عده زیادی را به بهانه دستیابی به اموال آنها سر بریدند. ولی بعد از قتل ابوالحسن بن الفرات و پسرش و روی کار آمدن ابوالقاسم خاقانی که از تاریخ (۳۱۲ تا ۳۱۳) به طول انجامید. شلمغانی از بغداد به موصل فرار کرد و در همین موقع بود که حسین به روح از زندان آزاد شد.

۵- وقتی نوبختی از زندان آزاد شد توفیق حضرت در لعن شلمغانی توسط حسین بن روح نوبختی به شرح زیر صادر گردید.

خداوند عالم عمر تو را طولانی گرداند و همه‌ی خیر را به تو بشناساند و عمل تو را با خیر و خوبی تمام نماید و نیک بختی تو را دایمی گرداند. بشناسان و بفهمان به کسانی که به دینداری آنان وثوق داری.

این امر را که محمد بن علی شلمغانی که خدا به عذاب او تعجیل نماید و او را مهلت ندهد که از اسلام برگشت و از آن جدا گردید. در دین خدا طریقه ملحدی را پیش گرفت و ادعای پاره‌ای چیزها نمود. که باعث کفر به خدا گردید. و بر خدا دروغ و بهتان گفت و به معصیت بزرگی مرتکب گردید. کسانی که از حق برگشتند و به خدا دروغ بستند گمراه شدند و زیانکار گردیدند. و ما از او به سوی خدا و رسول او تبری نمودیم و بر او لعنت کردیم و لعنت‌های خدا از پی یکدیگر در ظاهر و باطن و در هر وقت و هر حال بر او و کسانی باد که تابع او شدند و یا اینکه بعد از شنیدن این سخن، به دوستی او باقی بمانند. به ایشان آگاهی ده که از دوستی وی حذر می‌کنم چنانکه پیش تو از دوستی امثال او که شریعتی، نمیری و هلالی و بلالی و غیر ایشان باشد حذر کردیم.^۱

۶- تألیفات شلمغانی : در کتاب رجال نجاشی ص ۲۶۸ آمده است که ابوالفضل

۱- سفیران اما ص ۱۳۹ به نقل از احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۲۹۰.

محمد بن عبدالله بن المطلب تألیفات شلمغانی را پیش او خوانده است و از او اجازه گرفته است تا روایات او را بیان نماید. و تألیفات او را بالغ بر هجده مورد آورده است که بعضی از آنها به شرح زیر است.

کتاب التکلیف، ماهیه العصمة، الزاهر بالحجج العلیه، المباهله، الأوصیاء، المعارف، فضل النطق علی الصمت، الانوار، التسلیم، الامامة بزرگ، الامامة کوچک و غیر و ...

عقاید شلمغانی

۱- در بعضی از کتب، اسامی مختلفی را به او نسبت داده‌اند از جمله :

در کتاب الفرق بین الفرق ص ۲۴۹ او را روح القدس خوانده‌اند.

در کتاب الاثار الباقیه ص ۲۱۴. معجم الادباء ج ۱ ص ۳۰۱ و غیبت طوبی ص

۲۶۵ او را مسیح خوانده‌اند. و در کتب معجم الادباء ج ۱ ص ۲۹۸ و غیبت طوبی

ص ۲۶۵ و تجارب الامم ج ص ۱۲۳ حلاج خوانده‌اند.

۲- معتقد است خداوند در هر چیزی و به هر صورتی ظاهر می‌شود، خدا اسمی

است جهت معانی و نیز بر این عقیده است که آنچه که بر مردم پنهان است متصور

می‌نماید و در این مورد به حدی زیاده‌روی می‌کند که گویی مردم خدا را به مشاهده

در می‌یابند.

۳- معتقد است هرکسی که مردم به او احتیاج پیدا می‌کنند، خدای ایشان است

یعنی در واقع هر کس می‌تواند استحقاق خدایی پیدا کند.

۴- پیروان او با توجه به سلسله مراتب آنها هر کدام خدای افراد مرتبه پایین بود

به همین ترتیب شلمغانی خود را خدای خدایان می‌دانست و خدایی بالاتر از او نبود.

۵- پیروان او را عزاقریه می‌گفتند و معتقد بودند که امام حسن(ع) و امام

حسین(ع) فرزندان حضرت علی(ع) نیستند زیرا عقیده داشتند خدا بودن در کسی

شکل می‌گیرد که نه فرزند کسی باشد و نه فرزند داشته باشد.

۶- عقاید کفر آمیز وی در افراد زیادی شیوع پیدا کرد و حسین بن روح نوبختی با زحمات طاقت فرسایی توانست برای مردم، آنها را رد کرده و نشانه‌ای از الحاد نماید. تا زمانی که تویق حضرت مهدی (عج) به وسیله حسین بن روح به مردم ابلاغ گردید و عده زیادی از او روی برگرداندند.

۷- سرانجام شلمغانی. راضی خلیفه وقت به ابوعلی مقله وزیر دستور داد تا او را دستگیر نمایند. بعد از مدتی با زحمت، او و عده‌ای از دوستان نزدیک او را دستگیر و در تاریخ سه‌شنبه ۲۹ ذی‌العقده ۳۲۲ به همراه ابن ابی عول پس از ضرب شلاق و گردن زدن و به دار آویختن، آنها را سوزاندند و خاکستر آنها را به دجله انداختند.^۱

عقاید شلمغانی به روایت از شیخ عباس قمی :

۱- شیخ عباس قمی می‌نویسد محمد بن علی شلمغانی معروف به ابن ابی العزاقر که کتابهایی تألیف کرده و روایاتی نیز نقل نموده است ابتدائاً بر مذهب شیعه بود و از جمله یاران و اصحاب خاصه تا اینکه بر نایب سوم حسین بن روح نوبختی حسد ورزید و ترک طریقه حقه شیعه نموده و معتقد به مذهب ردیه گردید.

۲- از اعتقادات آنها ترک عبادات اسلام بود به طور کلی.

۳- حلال بودن محارم در امورات زناشویی.

۴- برای صاحب فضل رواست که پایین‌تر از خود را در فضیلت، به نکاح خود درآورد و با وی نزدیکی نماید تا او نیز صاحب فضیلت برتر گردد.

شرح حال نائب چهارم علی بن محمد السمری

علی بن محمد سمری یا سیمری از اهالی سامرا می‌باشد که به دستور حضرت مهدی (عج) توسط حسین بن روح نوبختی به نیابت منصوب می‌گردد. وی مدت

۱- سفیران امام ص ۱۴۱ تا ۱۳۵ به نقل از معجم الادباء ج ۱ ص ۲۹۷.

یازده و نیم سال نیابت داشت و شش روز قبل از فوت، به وسیله امام (عج) تاریخ فوت او اعلام شد و در سال سیصد و بیست و نه در حالی که امام زمان (عج) هفتاد و چهار سال از عمر مبارک را پشت سر گذاشته است، فوت می‌کند و توقیعی به شرح زیر از امام زمان (عج) دریافت می‌نماید.

ترجمه : بسم الله الرحمن الرحيم. ای علی بن محمد سمري! خداوند اجر برادرانت را در مصیبت تو زیاد کند. تو تا شش روز دیگر خواهی مرد. بنابراین، وصیت نکن به کسی که جانشین تو بشود. که باب نیابت مسدود شد و غیبت کبری آغاز گردید و ظهوری مگر به فرمان و اذن خداوند نخواهد بود. این ظهور بعد از آن است که زمین را ظلم و جور گرفته و دل‌ها سخت شده باشد. آگاه باش، به زودی افرادی از شیعیان من خواهند آمد که ادعای مشاهده مرا خواهند کرد، هر کس قبل از خروج سفیانی و صیحه‌ی آسمانی چنین ادعایی کند کذاب و افترازن است. و نیست حول و قوه‌ای مگر حول و قوه‌ی خداوند عالی مرتبه و بزرگ.^۱

شرح حال و فضائل نایب چهارم جناب علی بن محمد السمری

۱- شیخ جلیل معظم علی بن محمد سمري قائم مقام حسین بن روح نوبختی بود و بعد از او از طریق حضرت مهدی (عج) و به وسیله او بعنوان نایب خاص چهارم منصوب گردید و مدت سه سال در این امر، امور شیعیان را انجام می‌داد.

۲- امام زمان (عج) در توقیعی به علی بن محمد سمري دستور می‌دهد که نباید اسم مرا به کسی اعلام کنی و علت را در این توقیع چنین بیان فرموده است:

باید توجه داشت که سبب و علت این امر چیست؟ چرا باید اسم حضرت مکتوم باشد و افشا نگردد، آن علت را باید ضعف ایمان و خلوص و همچنین ضعف اراده فرد مسلمان دانست زیرا آن حضرت به علم امامت می‌دانست که اگر کسی از اسم

۱- گفتارهایی پیرامون امام زمان - افتخارزاده به نقل از بحار ج ۵۱ ص ۳۶۱.

حضرت اطلاع حاصل کند، او را فاش و ظاهر خواهد ساخت. لذا باید گفت که یکی از جهات وقوع غیبت کبری را نبودن شخص مورد اطمینان و وثوق باید دانست.

۳- علی بن محمد سمري با توجه به جایگاه رفیعی که داشت و عنایات خداوند و امام زمان (عج) نسبت به بعضی امور و اسرار آنها اطلاع داشت. از جمله احمد بن ابراهیم بن مخلد نقل کرده است که روزی در بغداد در محضر علی بن محمد سمري بوده است و او بدون مقدمه فرموده است:

خدا علی بن بابویه قمی (پدر شیخ صدوق) را رحمت کند. بزرگان حاضر در جلسه، تاریخ آن روز را نوشتند و چون بررسی کردند، خبر رسید که همان روز فوت کرده است.

۳- متن توفیق حضرت مهدی (عج) در مورد رحلت علی بن محمد سمري

بسم الله الرحمن الرحيم. ای علی بن محمد سمري، خدا عظیم گرداند اجر برادران تو را در مصیبت تو، تا شش روز دیگر، تو از دنیا مفارقت خواهی کرد. پس جمع کن کارهای خود را وصی و قائم مقام از برای خود قرار مده که غیبت تامه (کبری) واقع شده و بعد از این ظاهر نمی شویم از برای احدی مگر بعد از اذن از حق تعالی و این ظاهر شدن پس از آن خواهد بود که مدت غیبت بسیار به طول انجامد و دلها سنگین شود و زمین مملو شود از ستم و جور، و بعد از این، جمعی از شیعیان دعوی مشاهده خواهند کرد، هر که دعوی مشاهده کند پیش از خروج سفیانی و صدای آسمانی دروغگو و مفتری است و لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم.^۱

۴- در نیمه شعبان سال ۳۲۹ که آنرا سال تناثر النجوم (فرو ریختن ستارگان) به جهت اینکه در این سال شخصیت‌های بزرگی از علما و محدثین اخبار از جمله شیخ

۱- سفیران امام ص ۱۴۷ به نقل از تنمه المنتهی ص ۳۰۳.

محمد بن یعقوب کلینی صاحب کتاب کافی رحلت نمودند،^۱ قبر شریفش در بغداد نزدیک قبر شیخ کلینی در جاده معروف به شارع حلنجی جنب باب المحول نزدیک آب ابو عناب واقع است.^۲

نمایندگان و نواب دیگر امام زمان (عج)

باید دقت کرد و به این نکته توجه داشت که امام در شهرها و بلاد مختلف نواب و نمایندگان دیگری داشته است که یا مستقیماً از طرف خودشان منصوب می شدند و یا به اشاره امام به وسیله چهار نایب خاص معرفی می شدند. زیرا این چهار نفر از ویژگیهای بسیار بالایی برخوردار بودند و به عنوان مرکزیت، نمایندگی امام را به عهده داشتند.

در کتاب «کلمة الامام المهدی» - تألیف شهید سید حسن شیرازی و ترجمه سید حسن افتخارزاده، حدود ده تا پانزده نفر از آنها را معرفی کرده است که نمایندگان امام بوده اند.

البته درجه و مقام آنها کمتر از چهار نایب خاص مشهور هستند.

و نیز خود آنها نیز در یک مرتبه و مقام نبوده اند. حتی بعضی از آنها از این موقعیت سوء استفاده کرده و خیانت کردند که توسط امام (عج) طی توفیعاتی از نمایندگی خلع شده اند و حتی مورد لعن امام نیز قرار گرفته اند. از جمله شخصی به نام محمد بن علی شلمغانی است که در قم نیابت داشت و افراد دیگری هم بودند که به سرنوشت این شخص گرفتار شدند. امام (عج) هم آنها را عزل نمود و سزاوار لعن قرار داد.

۱- همان ص ۱۴۳ به نقل از العبقری الحسان ص ۲۷.

۲- همان ص ۱۴۷ به نقل از مهدی موعند ص ۶۸۹.

برنامه‌های جاری امام زمان (عج) در دوران غیبت کبری

۱- اشراف و نظارت کامل امام زمان (عج) بر اوضاع و احوال جهان و بخصوص شیعیان طبق آیه قرآن سوره توبه آیه ۱۰۵ که می‌فرماید:

بزودی کارهای شما را خدا و رسول و مؤمنان خواهند دید. بر طبق روایات به شما نبود، دشواری‌ها بر شما فرود آمده و دشمنان شما را پایمال می‌کردند از خداوند بزرگ پروا داشته باشید و از ما پشتیبانی کنید.

هریک از شما باید کاری کند که به دوستی ما نزدیک شود و از آنچه که خوشایند ما نیست دوری نماید. مقصود از به دوستی ما نزدیک شود؛ نزدیکی به، ائمه اطهار (علیهم السلام) می‌باشد.

در کتاب ترجمه تاریخ غیبت کبری، سید حسن افتخارزاده ص ۱۷۴، متن نامه‌ای که از طرف حضرت مهدی (عج) به مرحوم شیخ مفید (قدس سره) ابلاغ گردیده است به شرح زیر می‌باشد.

ما اگر چه هم اکنون در مکانی دور از جایگاه ستمگران سکنی گزیده‌ایم - که خداوند صلاح ما و شیعیان با ایمان را مادامی که حکومت دنیا به دست تبهکاران می‌باشد در این کار به ما ارائه فرموده است - ولی در عین حال بر اخبار و احوال شما آگاهی داشته و چیزی از اوضاع شما بر ما پوشیده و مخفی نیست. نابسامانی‌های شما را از آن زمان که گروه‌های کثیری از شما دست به کارهایی زدند که پیشینیان صالح از آن به دور بودند و پیمانی را که خداوند از آنان گرفته پشت سر انداخته گویا اصلاً چیزی نمی‌دانند، کاملاً آگاهیم، ما شما را رها نکرده و یادتان را از خاطر نبرده‌ایم و اگر از توجهات ما دوری گزینید، فرمان ظهور ما ناگهانی و بدون مقدمه می‌رسد به طوری که نه توبه فایده‌ای دارد و نه پشیمانی از گناه دردی را دوا می‌کند و فایده‌ای می‌بخشد.

عرضه اعمال تمامی انسانها بر امام زمان (عج) در طول شبانه روز
۲. امام باقر (ع) در حدیثی می فرماید:

تمام اعمال شما بر پیامبرتان هر عصر پنجشنبه عرضه می شود بنابراین باید از
اینکه عمل زشتی از شما بر پیامبر (ص) عرضه شود شرم کنید. در تفسیر برهان از
ص ۱۵۸ تا ۱۵۷ بالغ بر ۱۲ حدیث از معصومین (علیهم السلام) نقل شده است که
همگی آنها حکایت از این دارند که اعمال بر رسول خدا (ص) و ائمه (علیهم السلام)
عرضه می شود.^۱

۳. از حضرت علی بن موسی الرضا (ع) روایت شده است که شخصی به
خدمتش عرض کرد برای من و خانواده ام دعایی فرما. فرمود: مگر من دعا نمی کنم؟
به خدا سوگند اعمال شما هر شب و روز بر من عرضه می شود.

روای این حدیث می گویند این سخن بر من گران آمد. امام متوجه شد. به من فرمود:
«آیا کتاب خداوند را نمی خوانی که می گویند: عمل کنی خدا و پیامبرش و
مؤمنان عمل شما را می بینند»^۲ به خدا سوگند منظور از مؤمنان علی بن ابی طالب (و
امامان دیگر از فرزندان او) می باشد.^۳ و باز امام (ع) می فرماید: سوگند به خداوند که
اعمال شما در پنجشنبه هر هفته به ما عرضه می شود.

۴. اسماء بنت عمیس می گویند حضرت زهرا (س) برای من نقل فرمودند شوی که
علی (ع) بر من وارد شد شنیدم زمین با او سخن می گفت و او با زمین سخن
می گفت. صبح پادرم را از جریان شب خبر دادم. سجده طولانی کرد. سپس
سر برداشت فرمود: فاطمه (س) تو را مژده باد به فرزندان پاک. خدا برتری داده
شودت را بر همه بندگانش و زمین را فرمان داده که خبرهایش و هر چه بر آن واقع
می شود از مشرق تا مغرب برای علی (ع) بگوید.^۴

۱- صحیفه امام ص ۱۵۵، به نقل از کافی ج ۱ ص ۲۱۹.

۲- سوره توبه آیه ۱۰۵.

۳- صحیفه امام ص ۱۵۷، به نقل از کافی ج ۱ ص ۲۲۰.

۴- همان ص ۱۶۱، به نقل از کتاب حج المطلب ص ۶۷۸.

در هر ماه رمضان شب‌های قدر اعمال تمامی انسانها بر امام زمان عرضه می‌شود.
۵- در شب قدر تمام اعمال و مقدرات تمام خلایق عالم بر امام زمان (عج) عرضه می‌شود.

در کتاب مصلح جهان تألیف عباس راسخی نجفی ص ۳۵۴ به نقل از کتاب کافی در روایتی امام باقر (ع) می‌فرماید: «فرشتگان در هر عصری بر امام زمان (عج) در شب قدر نازل می‌شوند و به حضور آن حضرت تقدیم می‌دارند آنچه را که نوشته شده و مقدر گردیده در لوح محفوظ و درود و تحیات می‌فرستند بر امام زمان (عج) تا طلوع فجر. مردی پرسید ای فرزند رسول خدا شما می‌شناسید شب قدر را؟ پاسخ فرمودند: چگونه نمی‌شناسیم آن شب قدر را. در صورتی که در آن شب فرشتگان از آسمان فرود می‌آیند و به دور ما طواف می‌کنند و تحیت و درود بر ما می‌فرستند و مقدرات تمام خلایق عالم را به ما تسلیم می‌دارند. و در آن لوح ثبت است آنچه باید واقع شود.»^۱

سیمای با شکوهی از دولت کریمه حضرت مهدی (عج)

برنامه زمینه سازی و نهضت و استقرار حکومت الهی بقیه الله اعظم (عج)، مطلب ساده و معمولی نیست. در واقع برنامه‌ای است که اقتدار و مدیریت و حاکمیت خداوند به دست مبارک وی برای بشر به نمایش گذاشته می‌شود. زیرا فراعنه و طاغوت‌ها و مشرکین و کفار با عدم توجه به راه انبیاء و برنامه‌های انسان ساز آنها مانع رسیدن موهبت الهی به بشر گردیده است. خداوند باید برای انسان زمینه‌هایی را فراهم نماید تا صفاتی را که دارد، مصادیق بارقه‌های ملکوتی آنها را نشان دهد، بشر باید بداند که خداوند:

أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ. أَكْرَمُ الْكَرَمِينَ، اجودالاجودین. أَقْدَرُ الْقَادِرِينَ. أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ، و ده‌ها صفات لطف و عنایات واسعه خداوند یعنی چه! لذا باید اول عالم هستی را

از لوث وجود مفسدها تطهیر نماید و بعد با باران لطف و محبت خود، عالم را مملو از نور و برکت و فیض رحمانی گرداند.

عنایات خداوند در آیات و روایات:

۱- عالم و عالمیان در محضر امام (عج) مکشوف می‌گردد و خالص‌ها از ناخالص‌ها شناخته می‌شود. در سوره الرحمن آیه ۴۱ می‌فرماید:

«آن روز بدکاران به صورت‌هایشان شناخته شوند پس به موی پیشانی و با پاهایشان گرفتار شوند.»

در کتاب غیبت نعمانی ص ۱۲۷ امام صادق (ع) می‌فرماید:

«خداوند آن‌ها را همواره می‌شناسد، این آیه در مورد قائم (عج) نازل گردیده که مجرمان را از سیما و صورتشان می‌شناسد و او و یارانش با شمشیر آنها را تنبیه می‌کنند، تنبیه کردنی!»

از امام جواد (ع) نقل شده است که فرمود:

«وقتی لشکر او (مهدی (عج)) به حد نصاب یعنی ده هزار تن برسد به فرمان خدا خروج نماید و پیوسته دشمنان خدا را از دم تیغ بگذرانند تا آنکه خداوند از او خشنود شود، پرسیدم، چگونه از خشنودی خدا آگاه می‌گردد؟ فرمود: خداوند مهر و محبت و رحمت در دل او می‌افکند.»^۱

۲- در برنامه‌ریزی‌های خود از علم الهی و احکام واقعی خداوند پیروی می‌نماید.

«روایات نشانگر این معناست که حضرت خضر (ع) با حضرت مهدی (عج) ظاهر شده و از یاران آن حضرت خواهد بود و ظاهراً آن بزرگوار از علم لدنی خویش برخوردار می‌باشد. قرآن در این رابطه می‌فرماید: «ما او را از جانب خود رحمت بخشیدیم و از سوی خود وی را علم آموختیم.» (کهف آیه ۶۵) در بارور ساختن بذر

۱- عصر ظهور ص ۳۵۳ به نقل از بحار ج ۵۱ ص ۱۵۷.

خوبی‌ها از مؤمنان و از بین بردن دفع شر از تخم فساد و تباهی پیش از آن که درخت تنومند پلیدی گردد، اقدام می‌نماید. (عصر ظهور، ص ۳۵۵)»
در جایی دیگر از روایات آمده است که :

حضرت مهدی (عج) بین مردم با حکم واقعی خدای سبحان، که خداوند آن را به وی ارائه می‌دهد، داوری می‌کند. از این رو از هیچکس گواه و یا دلیل و برهان نمی‌خواهد. او در کشتن ظالمان و تبه‌کاران از دانش و بینش واقعی و لدنی خود استفاده می‌کند. و گاهی یاران او نیز در قضاوت و داوری بین مردم و به هلاکت رساندن مجرمان همین شیوه را انتخاب می‌کنند. اما در سایر کارها با مردم براساس ظاهر افراد رفتار می‌نمایند، ولی حضرت (عج) و یارانش دارای صلاحیت‌های ویژه‌ای می‌باشند.» (عصر ظهور ص ۳۵۵)

۳- تمامی ملت‌های عالم فرمانبر امر مهدی (عج) می‌شوند و دین اسلام را می‌پذیرند. از ابن عباس روایت شده است که گفت :

«هیچ یهودی و نصرانی و یا پیرو دینی نمی‌ماند مگر آنکه به اسلام گرایش پیدا می‌کند، تا اینکه جزیه به (مالیات سرانه) برداشته شود و صلیب شکسته و خوک کشته می‌شود و آن مصداق فرموده خداوند است که :

«اسلام را بر تمام ادیان جهان پیروز می‌گرداند هرچند کافران ناراضی و مخالف باشند» و این امر در زمان قیام قائم (عج) پدید می‌آید.»^۱

۴- حضرت مهدی (عج) با نصرت خداوند و ایجاد رعب در دل مخالفین بر تمام دشمنان پیروز می‌گردد.

از امام باقر (ع) منقول است که فرمود :

«قائم (عج) به سبب پیدایش ترس (در دل دشمنان) پیروز می‌گردد و با نصرت از ناحیه‌ی خدا تایید می‌گردد و زمین برای او پیموده می‌شود، گنج‌های زمین برایش

۱- عصر ظهور، به نقل از محجة بحرانی ص ۸۷

آشکار می‌گردد، و فرمانروایی و سلطنت وی شرق و غرب جهان را فرا می‌گیرد و خداوند دین خود را به وسیله او بر تمام مکاتب جهان پیروز می‌گرداند، هر چند مشرکان ناخشنود و مخالف باشند، ویرانی‌های زمین آباد می‌گردد و حضرت عیسی روح الله (ع) به زمین فرود می‌آید و پشت سر آن حضرت نماز می‌گزارد.^۱ و نیز از امام باقر (ع) روایت شده است که:

«کسی باقی نمی‌ماند مگر آنکه به رسالت حضرت محمد (ص) اعتراف و اقرار می‌کند.»^۲ هـ قبل از ظهور امام (عج) خداوند بامعجزات و تغییراتی در بعضی از امور، خروج او را اعلام می‌نماید. امام باقر (ع) در تفسیر ایه ۵۳ در سوره سجده می‌فرماید:

«بزودی نشانه‌های خود را در آسمان و زمین به آنان می‌نمایانیم تا برای آنان آشکار شود، که اوست حق» «خداوند مسخ شدن آنها را به صورت بوزینه و خوک به خودشان نشان می‌دهد و قدرت خداوند را در خودشان و در سراسر جهان احساس می‌کنند و مراد از گفته خداوند که فرمود:

«تا برای آنان آشکار گردد که اوست حق» خروج قائم (عج) است که از جانب خداوند حق است و این مردم ناگزیر او را خواهند دید.»^۳

۶- در معرفی حضرت مهدی (عج) و اهداف او. نبی اکرم (ص) در چند روایت می‌فرماید: «مهدی از خاندان من و از فرزندان فاطمه است، او براساس شیوه و روش من مبارزه می‌کند آن گونه که من براساس وحی مبارزه نمودم. (بیان شافعی ص ۶۳ در کتاب عصر ظهور ص ۳۵۹)

و نیز نبی مکرم (ص) می‌فرماید:

«او در آخر الزمان قیام به آئین (اسلام) می‌نماید همچنان که من در آغاز اسلام قیام به آن نمودم»^۴

۱- عصر ظهور ص ۳۵۷ به نقل از بحار ج ۵۲ ص ۱۹۱.

۲- همان.

۳- همان، ص ۳۵۸ به نقل از غیبت نعمانی ص ۱۴۳.

۴- همان، ص ۳۵۹ به نقل از بحار ج ۵۱ ص ۷۸.

از مولا علی (ع) نیز در این رابطه روایت شده است که می‌فرماید:
 «او قائم (عج) رأی و نظر را از قرآن می‌گیرد، آنگاه که دیگران قرآن را بر رأی و اندیشه‌ی خود باز می‌گردانند. به آنان شیوه عدالت را نشان می‌دهد و کتاب و سنت را که متروک و منزوی شده است زنده می‌کند.»^۱

۷- خداوند اسلام را به وسیله حضرت مهدی (عج) زنده می‌کند و بدعت‌ها را نابود می‌گرداند.

امام صادق (ع) می‌فرماید:

خداوند اسلام را پس از خوار شدن به وسیله او عزت می‌بخشد. و پس از متروک ماندن، آن را دوباره زنده می‌کند. و جزیه (مالیات سرانه) قرار می‌دهد و با شمشیر (کافران و منکران) را به سوی خدا دعوت می‌کند هرکس سرپیچی کند کشته می‌شود و هرکه با او در افتد خوار و بیچاره می‌گردد.»^۲

و نیز از امام صادق (ع) روایت شده است که می‌فرماید:

«خداوند هر گونه بدعتی را به وسیله او از بین خواهد برد و هر گمراهی را محو و هر سنتی را زنده خواهد ساخت.»^۳

۸- به یمن وجود مبارک حضرت مهدی (عج)، از زمین و آسمان نعمت‌های الهی ظاهر می‌گردد. رسول خدا (ص) می‌فرماید:

«زمین گنجینه‌هایش را برای او خارج می‌سازد. و وی مال و سرمایه بی‌شمار بین مردم پخش می‌کند.»^۴

۹- اطاعت از حضرت مهدی (عج) اطاعت از خداوند است:

امام باقر (ع) می‌فرماید: هرکس از وی اطاعت کند، از خدا اطاعت نموده و

۱- همان به نقل از شرح نهج البلاغه ج ۴ ص ۳۶.

۲- بشارة الاسلام ص ۲۹۷.

۳- کافی ج ۱ ص ۴۱۲.

۴- بحار ج ۵۱ ص ۶۸.

هر کس نافرمانی او را بکند نافرمانی خدا را نموده است، تورات و دیگر کتاب‌های الهی را از غاری در انطاکیه خارج می‌سازد و بین یهودیان براساس احکام تورات و میان مسیحیان طبق احکام انجیل و بین اهل زیور بر پایه دستورات آن و بین مسلمانان براساس آیات قرآن داوری می‌کند.^۱

۱۰- در برخورد با هر کس و هر گروه به تناسب وضعیت خاص آن‌ها عمل می‌کند.

امام صادق (ع) در روایتی می‌فرماید :

«از نشانه‌های مهدی (عج) سخت‌گیری نسبت به کارگزاران، و بخشنده بودن با مال و دلسوزی نسبت به بینوایان است.»^۲

۱۲- قلمرو حکومت و وسایل لازم برای پیشرفت فرمانروایی حضرت مهدی (عج) از حضرت سلیمان و ذوالقرنین گسترده‌تر و پیشرفته‌تر می‌باشد.

از امام صادق (ع) روایت شده است :

«قلمرو فرمانروایی ما از زمامداری سلیمان بن داوود و حکومت ما از سلطنت او بزرگتر است.»^۳

۱۳- حضرت مهدی (عج) و اجداد بزرگوارش تا پایان جهان حکمرانی خواهند کرد.

از امام صادق (ع) روایت شده است که می‌فرماید:

«حکومت جهانی حضرت. تا پایان دنیا استمرار خواهد داشت و بعد از او، فرزندان وی که ادامه دهندگان راه آن حضرت می‌باشند به حکومت می‌رسند، آنگاه بعضی از پیامبران و امامان اهل بیت (ع) به دنیا باز می‌گردند و تا پایان این جهان حکمرانی خواهند کرد.»^۴

۱۴- رجعت نیکان و کافران از امور مسلم قرآن و یک اعتقاد قطعی شیعه است.

۱- بحار ج ۵۲ ص ۳۵۱.

۲- عصر حضور ص ۳۶۵ به نقل از ابن حماد ص ۹۸.

۳- همان ص ۳۶۹.

۴- غیبت طوی ص ۲۲۹.

امام صادق (ع) می فرماید:

«همانا بعد از قائم (عج) یازده مهدی از فرزندان حسین (ع) از ما اهل بیت هستند.»
 امام زین العابدین (ع) می فرماید: «خداوند فرموده است: آن خدایی که قرآن را بر تو فرض گردانید، البته تو را به جایگاه خود بازگرداند» فرمود: «پیامبر شما به سویتان رجعت نموده و باز می گردد.»^۱

در بعضی از روایات گفته شده است که رجعت پیامبر (ص) بعد از رحلت امامان (ع) می باشد و نخستین کسی که از آنان (بعد از حضرت مهدی (عج)) به دنیا برمی گردد حضرت امام حسین (ع) است، چنانکه امام صادق (ع) می فرماید:

نخستین کسی که به دنیا بازگشت می کند حضرت امام حسین بن علی (ع) است و آنقدر حکومت و فرمانروایی می کند که (در اثر پیری) موی ابروانش به روی چشمهایش فرو می افتد.^۲

و نیز در روایتی از امام صادق (ع) آمده است که می فرماید:

«رجعت امری عمومی و همگانی نیست بلکه ویژه‌ی عدّه‌ای است. زیرا بازگشت نمی کنند (به دنیا) مگر مؤمنان راستین و خالص و یا کافران صد درصد مشرک.»^۳

فرمان دمشق از بزرگان و دانشمندان اهل سنت در کتاب خود «اخبار الدول و آثار الاول» در مورد اقدامات و برنامه‌های بعد از ظهور حضرت مهدی (عج) می گوید:
 «دانشمندان بر این عقیده اتفاق دارند که مهدی همان قیام کننده در آخر الزمان و اخبار ظهور وی را تایید می کند و برپرتوافشانی نور او هماهنگی دارند. ظلمت و تاریکی روزگاران با ظهور او به روشنایی بدل خواهد شد، و با دیدن رویش ظلمت‌های شب تاریک جای خود را به صبح راستین خواهد داد. و پرتو عدالتش سراسر جهان را تابناک‌تر از ماه تمام، نورافشانی خواهد نمود.»^۴

۱- بحار ج ۵۳ ص ۵۶

۲- عصر حضور ص ۳۷۳ به نقل از بحار ج ۵۳ ص ۴۶.

۳- همان. به نقل از بحار ج ۵۳ ص ۳۹.

۴- عصر ظهور ص ۴۱۰ به نقل از الامام المهدی عند اهل السنه ج ۱ ص ۴۶۳.

- محی الدین عربی از دانشمندان و بزرگان اهل سنت در کتاب خود «الفتوحات المکیه» در برنامه‌های بعد از ظهور حضرت مهدی (عج) می‌گوید:

«آگاه باش، خداوند ما را یاری گرداند، که پروردگار را خلیفه‌ایست ظهور می‌کند، در حالیکه زمین مملو از ظلم و بیداد شده باشد، و او آن را از عدل و داد سرشار خواهد ساخت، و اگر از عمر جهان تنها یک روز مانده باشد خدای سبحان آن روز را به حدی طولانی نماید تا خلیفه خدا از خاندان رسول الله (ص) و از فرزندان فاطمه و همانام با پیامبر (ص) (برجهان) حکمرانی کند.

«.... او در کارزار بزرگ که مهمانی خداست، در برج عکا حاضر می‌شود، ستم پیشگان را نابود می‌کند و دین را برپا داشته و جان تازه در کالبد اسلام می‌دمد، اسلام بعد از خواری، به سبب او عزیز و ارجمند می‌گردد و پس از انزوا دوباره زنده می‌شود، مالیات و جزیه را وضع می‌کند (دشمنان را) با شمشیر، دعوت به خدا می‌نماید، هرکس نپذیرد کشته می‌شود، و هر که با او در افتد خوار و بیچاره می‌گردد، در احکام و مسائل دین به گونه‌ای عمل می‌کند که پیامبر خدا (ص) همان گونه عمل می‌کرد، مذاهب باطل را از روی زمین بر می‌اندازد و جز دین پاک و ناب اسلام، آیینی باقی نمی‌ماند.»^۱

وظیفه شیعیان در زمان غیبت کبری

موضوع وظیفه و تکلیف، یک امر اعتقادی و ایمانی است که انسان مؤمن باید خود را در برابر اوامر خداوند و پیامبر مکرم (ص) و ائمه‌ی دین (علیهم السلام) موظف بداند تا عمل به تکلیف کرده باشد. در دنباله این تکلیف در برابر افرادی که مورد تایید و وثوق پیامبر (ص) و ائمه (علیهم السلام) هستند، همین وجوب اطاعت

۱- عصر ظهور ص ۴۱۰ به نقل از الامام المهدی عند اهل السنه، ج ۱ ص ۱۰۶.

جاری است، زیرا تمام این برنامه‌ها اساساً برای آزمایش انسان است در طول زندگی او، خواه در کنار پیامبر (ص) باشد، خواه در محضر ائمه (علیهم السلام) یا نمایندگان آنها. چه بسیار افرادی بودند که نه تنها در زمان پیامبران و امامان بلکه در بیت آنان، و یا پاره تن آنها بودند ولی علیه آنها حرف زدند و شمشیر کشیدند و کفر ورزیدند. تاریخ مملو از آنهاست. نیازی به بازگو نیست. و در مقابل این‌ها، افراد فراوانی بودند که هزاران سال و صدها کیلومتر از مقرّ زندگی پیامبران و ائمه (علیهم السلام) دور بودند، ولی با شنیدن ذکر نامشان مطیع و فدایی و جان بر کف آنها بودند، پس مطلب این نیست که انسان امام را ببیند یا نبیند.

برگ درختان سبز در نظر هوشیار هر ورقش دفترست معرفت کردگار
 زمانه پندی آزاد وار داد مرا زمانه را چو نکو بنگری همه پند است.
 به روزنیک کسان گفت تاتوغم نخوری بسا کسا که به روز تو آرزومندست
 از لقمان پرسیدند ادب از کی آموختی، گفت از بی ادبان.

اگر زمینه هدایت، فرهنگ و ادب، و حالت اطاعت در فرد باشد. به آنچه که خداوند توفیق عنایت بفرماید انسان آماده، به مطلوب خود خواهد رسید. و تمام این برنامه‌هایی که در طول تاریخ از طرف خداوند برنامه ریزی می‌شود، برای آزمایش انسان است، تا مشخص شود، انسان چگونه با دستورات خداوند و اولیاء امر برخورد می‌کند.

وظیفه‌ی مؤمنین (شیعیان واقعی) از دیدگاه قرآن

قرآن در سوره ملک آیه ۲ - چه زیبا می‌فرماید:

خدایی که مرگ و زندگی را آفرید که شما بندگان را بیازماید تا کدام نیکوکارتر (و خلوص اعمالش بیشتر) و او مقتدر و آمرزنده (گناهان بندگان) است.

و باز در سوره هود آیه ۷ برای تأیید مطلب بعد از آفرینش آسمانها و زمین و خلقت عرش و کائنات، موضوع آزمایش را بیان فرموده است. می فرماید:

تا شما را بیازماید که عمل کدامیک از شما نیکوتر است.

و نیز در سوره انعام آیه ۱۶۵ بسیار جالب موضوع آزمایش را طرح کرده است آن هم بعد از اینکه انسان را به عنوان خلیفه‌ی خود قرار داده است و مقدر کردن درجات و مراتب انسانها نسبت بهم. خیلی مهم است می فرماید:

او خدایی است که شما را جانشین گذشتگان اهل زمین قرار داد و رتبه‌ی بعضی از شما را بالاتر از دیگری گردانید تا شما را در این تفاوت رتبه‌ها بیازماید. که همانا خدا سخت زود کیفر و بسیار بخشنده مهربان است.

خداوند به انسان علوم را مرحمت کرده است، او را به روح الهی زینت بخشیده است، قدرت عقل و تفکر به او عنایت کرده است، و تمام اسباب و وسائل شناخت را اعم از اطراف او و در درون او قرار داده است و هیچگونه مشکلی برای به کمال رسیدن انسان وجود ندارد مشروط بر اینکه آرام و مؤدب و مطیع باشد، خداوند چنین انسانی را برای رسیدن به قرب خود تضمین کرده است و می فرماید: *انَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ*.

این سه اصل نه نیاز به مدرک دانشگاهی یا حوزوی دارد و نه نیاز به قرب و وابستگی دارد. خداوند ذرات عالم را برای انسان معلّم قرار داده است، اینکه هدایت نمی‌شود عیب از حالت‌های لجبازی، حسادت، و خود را به جهالت زدن می‌باشد. و باید دقت کرد که ورود در خطا و اشتباه یک امر عادی برای بشر می‌باشد مهم اینست که مثل حضرت آدم(ع) زود متوجه شود و با عجز و ناله توبه کند، یا مثل شیطان که اوج بی ادبی و جسارت را در محضر خداوند نشان دهد و تصمیم به انتقام و گمراهی انسان نماید.

لذا نباید انسان خود را فریب دهد و برای گمراهی خود خط و نشان رسم نماید و بعد از گمراه شدن باز ادعا کند که او راه درست را طی می‌کند.

شیعیان باید هوشیار باشند

در این قسمت چند نکته اساسی و کلیدی طرح می‌شود و به صورت پرسش و پاسخ شفاف بحث می‌شود تا آن شاء الله... هیچ شیعه علی بن ابیطالب (ع) در عالم تشیع در دام‌های پر زرق و برق شیطان گرفتار نشود.

سوال می‌شود: آیا در زمان غیبت که امامی دیده نمی‌شود، تکلیف در عمل به دستورات امام واجب است؟ بلکه به تمام ادله‌ی عقلی و نقلی و شرع و عرف تکلیف بر همگان واجب و لازم الاجرا می‌باشد.

سوال می‌شود: پس در دوران غیبت کبری معلّم و مدّیر و اداره کننده جامعه کیست؟

جواب: در درجه اوّل خود امام است که بر تمام امور اشراف کامل دارد و از نظر فیزیکی و شهود، نایب اوست که در مراحل نایب خاص بوده‌اند و بعد از آنها نواب عام، مجری دستورات امام در بین جامعه می‌باشند.

سوال می‌شود: نایب امام در زمان غیبت یک مقام تشریفاتی است یا یک مقام رسمی تشکیلاتی است.

جواب: نایب امام با درایت و بینش و آزمایش‌های سنگین از طرف امام تعیین و تمام دستورات و برنامه‌های الهی و قرآنی از طرف ایشان به شخص نایب اعلام می‌شود و نظارت دقیق بر امور دارد و هر جا پیش آید تذکرات لازم انجام گرفته و حتی در پاره‌ای از مواقع آنها را عزل و گاهی بعد از عزل حکم لعن هم داده است (داستان شلمغانی)

سوال می‌شود: آیا نیابت امام قابل تجزیه و تفرّق پذیر است؟

خیر. نایب امام یعنی فکر امام و دست امام و قدرت و اراده امام و احکام و دستورات امام است. نایب کسی جز سایه امام در جامعه نیست، لذا هیچ کس

نمی‌تواند بدون سازماندهی و انتخاب شخص امام بر مبنای شایستگی و توانمندی، به عنوان نایب امام خود را معرفی نماید.

سوال می‌شود: حال که چنین است آیا اطاعت از اوامر نایب امام در هنگام غیبت امام واجب است؟

دقیقاً و قطعاً واجب است چون نایب امام یک حرف و یک کلمه و یا یک دستور بدون اجازه امام، از طرف خودش اعلام نمی‌کند. لذا تمام صحبت‌ها و امر و نهی‌های نایب امام، عین اوامر و نهی‌های امام زمان (عج) می‌باشد و بدون هیچ تأملی، واجب و قابل اجرا می‌باشد.

حال با توجه به توضیحاتی که بیان شد، گرچه ان شاء الله اکثر شیعیان در عمل به وظایف خود در زمان غیبت قرار گرفته‌اند، ولی باز برای اتمام حجت دستورالعمل‌های مذونی را که به عنوان وظایف شیعیان در هنگام ظهور جمع آوری شده است، یادآوری می‌گردد.^۱

۱- به دست آوردن شناخت صفات و آداب آن جناب.

۲- رعایت ادب نسبت به یاد امام (عج).

۳- محبت به امام عصر به طور خاص.

۴- تلاش در محبوب نمودن او در میان مردم.

۵- انتظار فرج و ظهور امام (عج).

۶- اظهار اشتیاق به دیدار آن حضرت (عج).

۷- ذکر مناقب و فضائل آن حضرت (عج).

۸- اندوهگین بودن از فراق آن حضرت (عج).

۱- کتاب مکیال المکارم، ج دوم بخش هفتم، تألیف آیه الله سید محمدتقی موسوی اصفهانی، قم، چاپ اول، سال ۱۳۸۰، از ص ۵۷۵ تا ۱۸۱.

- ۹- حضور در مجالس فضائل و مناقب آن حضرت (عج).
- ۱۰- تشکیل مجالس ذکر مناقب و فضائل آن حضرت (عج).
- ۱۱- سرودن اشعاری در ذکر فضائل آن حضرت (عج).
- ۱۲- تشکیل مجالس و خواندن اشعار در فضائل آن حضرت (عج).
- ۱۳- قیام هنگام شنیدن نام آن حضرت (عج).
- ۱۴- گریستن بر مصائب وارده بر آن حضرت (عج).
- ۱۵- گریانیدن بر مصائب وارده بر آن حضرت (عج).
- ۱۶- خود را به گریه کنندگان شبیه کردن بر فراق آن حضرت (عج).
- ۱۷- درخواست معرفت به امام عصر (عج) از خداوند.
- ۱۸- تداوم بر دعا برای آن حضرت (عج).
- ۱۹- مداومت کردن بر دعاهای آن حضرت (عج) (به خصوص دعای غریق).
- ۲۰- تشکیل مجالس جمعی در خواندن دعاهای منسوب به آن حضرت (عج).
- ۲۱- تسلیم بودن و عجله کردن در امر فرج آن حضرت (عج).
- ۲۲- شناخت علامت‌های ظهور آن حضرت (عج).
- ۲۳- صدقه دادن به نیابت از آن حضرت (عج).
- ۲۴- صدقه دادن به قصد سلامتی آن حضرت (عج).
- ۲۵- حج رفتن به نیابت از طرف آن حضرت (عج).
- ۲۶- فرستادن نایب از طرف آن حضرت (عج).
- ۲۷- زیارت مشاهد رسول اکرم ((ص)) و ائمه معصومین (علیهم السلام) به نیابت از آن حضرت (عج).
- ۲۸- سعی در خدمت کردن به آن حضرت (عج).

- ۲۹- اهتمام ورزیدن به یاری آن حضرت (عج).
- ۳۰- تجدید بیعت در فرائض، روزه‌ها هر جمعه با آن حضرت (عج).
- ۳۱- صله‌ی رحم شیعیان و دوستان صالح ائمه به وسیله مال بنام آن حضرت (عج).
- ۳۲- خوشحال کردن مؤمنین برای رضای خدا و آن حضرت (عج).
- ۳۳- طلب خیر برای آن حضرت (عج).
- ۳۴- زیارت و سلام کردن در هر مکان به آن حضرت (عج).
- ۳۵- دیدار مؤمنین صالح و شیعیان مخلص آن حضرت (عج).
- ۳۶- خواندن نماز و هدیه ثواب آن به آن حضرت (عج).
- ۳۷- هدیه‌ی نماز مخصوص به هر یک از ائمه به نیابت از طرف آن حضرت (عج).
- ۳۸- اهداء قرائت قرآن به آن حضرت (عج).
- ۳۹- توسل و طلب شفاعت از خداوند به وسیله آن حضرت (عج).
- ۴۰- عرضه کردن خواسته‌ها و حاجات به آن حضرت (عج).
- ۴۱- دعوت مردم به آن حضرت (عج).
- ۴۲- رعایت حقوق آن حضرت (عج).
- ۴۳- حالت خشوع دل هنگام یاد آن حضرت (عج).
- ۴۴- عالم صالح عملش را آشکار سازد.
- ۴۵- تقیّه کردن از اشرار.
- ۴۶- صبر کردن بر اذیت و تکذیب دشمنان حضرت (عج).
- ۴۷- در خواست صبر از خدای تعالی.
- ۴۸- سفارش همراهان به صبر در زمان غیبت آن حضرت (عج).
- ۴۹- عدم شرکت در مجالسی که نام آن حضرت را مسخره کنند.

- ۵۰- مبارزه کردن با ستمگران و اهل باطل.
- ۵۱- ناشناس ماندن و پرهیز از شهرت یافتن.
- ۵۲- تهذیب نفس.
- ۵۳- اتفاق و اجتماع بر نصر آن حضرت (عج).
- ۵۴- متفق شدن بر توبه واقعی و بازگرداندن حقوق به صاحبان آنها.
- ۵۵- پیوسته به یاد او بودن.
- ۵۶- پیوسته به آدابش عمل کردن.
- ۵۷- دعا برای جلوگیری از نسیان یاد آن حضرت (عج).^۱
- ۵۸- خاشع بودن بدن در هنگام یاد آن حضرت (عج).
- ۵۹- مقدم داشتن خواسته آن حضرت (عج) بر خواسته خود.
- ۶۰- احترام کردن به نزدیکان و منسوبین به آن حضرت (عج).
- ۶۱- بزرگداشت اماکنی که به قدوم آن حضرت (عج) زینت یافته‌اند.
- ۶۲- وقت ظهور را تعیین نکردن.
- ۶۳- وقت گذاران ظهور را تکذیب کردن.
- ۶۴- تکذیب مدعیان نیابت خاصه در زمان غیبت کبری آن حضرت (عج).
- ۶۵- در خواست دیدار آن حضرت (عج).
- ۶۶- اقتدا کردن و تاسی جستن به اخلاق و اعمال آن حضرت (عج).
- ۶۷- حفظ زبان به غیر از یاد خدا.
- ۶۸- نماز آن حضرت (عج) را همیشه خواندن.
- ۶۹- گریستن در مصیبت مولایمان امام حسین (ع).

۱- تلخیص و برگزیده از کتاب مکیال المکارم

- ۷۰- زیارت قبر مولایمان حضرت امام حسین (ع).
- ۷۱- بسیار لعنت کردن بر بنی امیه در آشکار و پنهان.
- ۷۲- اهتمام در ادای حقوق برادران دینی.
- ۷۳- مهیا کردن سلاح و وسائل جنگی و در انتظار ظهور آن حضرت (عج) بودن.
- ۷۴- صله‌ی آن حضرت به وسیله‌ی مال.
- ۷۵- زیارت کردن آن حضرت.
- ۷۶- دیدار مؤمنین صالح و سلام کردن بر آنان.
- ۷۷- درود فرستادن بر آن حضرت (عج).
- ۷۸- هدیه نماز مخصوص.
- ۷۹- تهذیب نفس.
- ۸۰- اتفاق و اجتماع بر نصرت آن حضرت (عج).

معرفی کتابهایی که از شخصیت‌های موفق به تماس یا ارتباط با حضرت مهدی (عج) تألیف شده است.

۱- برکات حضرت ولی عصر (عج) خلاصه (العبقری الحسان). تألیف حاج شیخ علی اکبر نهاوندی، تنظیم خلاصه آن توسط سید جواد معلم. ناشر مؤلف - چاپ اوّل ۱۳۷۷ - تلفن ناشر ۸۰۳۱۳۳ مشهد - پخش در مشهد ۲۰۰۷۹، پخش در قم ۷۳۳۹۰۰

این کتاب به شرح زیر تدوین شده است:

بخش اوّل: اسامی هشتاد و پنج نفر که به محضر مقدس امام مهدی (عج) تشریف پیدا کرده‌اند و با وی صحبت کرده‌اند.

بخش دوم : اسامی هشتاد و چهار نفر که امام را مشاهده کرده‌اند و امام (عج) برای آنها مکشوف شده است و تشرّف داشته‌اند.

بخش سوم : اسامی بیست و سه نفر در رؤیاهای صادق به محضر آقا (عج) رسیده‌اند و سؤالاتی نموده‌اند و پاسخ شنیده‌اند.

بخش چهارم : اسامی هشت نفر که وجود آقا (عج) برای آنها تجلّی کرده است.

بخش پنجم : اسامی هفده نفر توسل داشته‌اند و بطریقی از برکات امام (عج) بهره گرفته‌اند.

۲- **با محرمان راز: تألیف حضرت آیه الله حاج سید محمد موسوی جزائری.** ناشر مؤسسه مطبوعاتی دارالکتاب جزائری. چاپ اوّل زمستان ۱۳۷۳ - قم - تلفن و فاکس ۲۴۵۶۸.

درفصل اوّل این کتاب، داستان‌هایی از کسانی که به حضور حضرت ولی عصر (عج) رسیده‌اند آورده شده است.

۳- **چگونگی ملاقات با امام زمان (عج) در بیداری و خواب - تألیف علامه**

محدث نوری، ناشر گل یاس، نوبت اوّل ۱۳۷۸، مرکز پخش قم - ۷۴۴۰۸۳

این کتاب بخش‌هایی از کتاب شریف نجم الثاقب است. رهنمودهای بسیار موثر را در راه‌یابی به وجود مقدس آقا امام زمان (عج) بیان نموده است، و داستان‌ها و معجزاتی را در این مورد طرح نموده است.

۴- **ملاقات درصاریا.** تألیف سید جمال الدین حجازی - چاپ نیمه شعبان ۱۴۲۰ هـ.ق،

ناشر پاسدار اسلام، قم ۷۴۱۷۴۶ - حوادث تاریخی (از دیدارها - شفاها - کمک‌رسانی‌های امام (عج) و نکته‌های علمی پیرامون مقام امام زمان (عج)، طرح شده است.

۵- **ملاقات با امام زمان (عج) - مؤلف سید حسن ابطحی، جلد اول، ناشر کانون**

بحث و انتقاد دینی، چاپ هفتم، جمادی الاول ۱۴۰۷ هـ.ق - پخش تهران ۵۶۹۶۹۳.

در این کتاب شرح احوالات هفتاد نفر را که به طرق مختلف با امام زمان (عج) در ارتباط، ملاقات و از برکات آن عزیز کسب فیض نموده‌اند، بیان شده است.

۶- **عنايات حضرت مهدی (عج) به علما و طلاب.** تألیف محمدرضا باقی اصفهانی.

- ناشر انتشارات نصایح، چاپ امین، چاپ دوم سال ۱۳۸۱، قم، ۷۷۴۴۳۹.
- سرفصل‌های مهم بخش‌های این کتاب به شرح زیر است:
- بخش اول: پاسخ امام زمان (عج) به سؤالات علما.
- بخش دوم: ارشاد علما در امور مصداقی.
- بخش سوم: تعیین مراجع تقلید به عنوان وکیل امام زمان (عج)
- بخش سوم: تعلیم دعا توسط امام زمان (عج)
- بخش چهارم: تصحیح دعا
- بخش پنجم: تشویق علما به علم آموزی
- بخش ششم: حمایت و دفاع از علما
- بخش هفتم: تعیین مراجع تقلید به عنوان وکیل امام زمان (عج)
- بخش هشتم: تعیین استاد
- بخش نهم: فرمان‌های امام زمان (عج)
- بخش دهم: فرمان به تألیف کتاب
- بخش یازدهم: اخطار به علما
- بخش دوازدهم: شفای امراض به برکت امام زمان (عج)
- بخش سیزدهم: اتمام حجت
- بخش چهاردهم: اعطای شهریه طلاب توسط امام زمان (عج)
- بخش پانزدهم: عطایای نقدی حضرت امام زمان (عج) به علما و طلاب
- بخش شانزدهم: عطایای غیرنقدی حضرت امام زمان (عج) به علما و طلاب
- بخش هفدهم: عطایای خاص حضرت امام زمان (عج) به علما و طلاب
- بخش هجدهم: برآوردن حاجات و رفع مشکلات علما و طلاب.
- بخش نوزدهم: عزت بخشیدن به دین و تعظیم شعائر الله
- بخش بیستم: نجات شیعیان به برکت حضرت بقیه الله الاعظم (ارواحنا له الفداء)

بخش بیست و یکم : نجات از دست ستمکاران به برکت حضرت بقیه الله ارواحنا له الفداء
 بخش بیست و دوم : نجات از مرگ به برکت حضرت بقیه الله ارواحنا له الفداء
 بخش بیست و سوم : عیادت از علما و طلاب

بخش بیست و چهارم : شرکت حضرت بقیه الله (عج) در سوگواری و تشیع جنازه

بخش بیست و پنجم : زیارت جمال مبارک حضرت بقیه الله ارواحنا فداء

بخش بیست و ششم: نجات گمشدگان توسط حضرت مهدی (عج)

۷- حکومت عدل گستر در دست مهدی (عج) منتظر. تألیف حسین حیدری کاشانی،

تاریخ انتشار، مرداد ماه ۱۳۶۲.

بعد از بحث‌های متعدد در مورد حضرت مهدی، بحثی پیرامون نواب امام زمان (عج) و آوردن اسامی افرادی که در زمان نواب خاص در بلاد اسلامی بعنوان وکیل امام، با نواب خاص در ارتباط بودند.

۸- کرامات المهدی - گردآورنده و ناشر - مسجد مقدس جمکران - پاییز ۱۳۷۶

بیان شرح حال ۲۵ مورد در شفابخشی و نجات و اقدامات حیاتبخش امام به شیعیان و فرازهایی از توقیعات مقدس بقیه الله الاعظم به افراد مختلف

۹- چهره‌هایی که در جستجوی قائم (عج) پیروز شدند. مؤلف حبیب الله مرزوقی شمیرانی چاپ مهر قم.

در این کتاب نام چهره‌هایی را که به صورت‌های مختلف از برکات و عنایات حضرت مهدی (عج) بهره‌مند شده‌اند، مؤلف جمع آوری کرده است.

۱۰- راهی بسوی نور - مؤلف حجة الاسلام علی رضا نعمتی.

ناشر مؤلف، مرکز پخش قم، فروشگاه کتاب زائر، تلفن ۷۴۳۵۱۹ - همراه ۰۹۱۲۱۲۹۲۲۹۰

اصل اهداف مؤلف، راهنمایی لازم جهت ارتباط روحی با امام زمان (عج)

بحث پیرامون امکان تشریف، راه‌های رسیدن به تشریف، رهنمودهای لازم جهت رسیدن به الطاف حضرت مهدی (عج) - بیان نمونه‌هایی از تشریف و رسیدن افرادی به عنایات آن حضرت (عج).

۱۱- سفیران امام (عج) : تألیف عباس راسخی نجفی: ناشر انتشارات محب قم. چاپ دوم ۱۳۷۵ - تلفن ۲-۶۱۶۱۲۱

در این کتاب طی فصول مستقل فضائل و شرح حال مبسوطی از نواب خاص امام مهدی (عج) بیان شده است، مسائل پیرامون نظارت کامل امام (عج) بر اعمال عبادالله و وقایع جهان، عرضه شدن اعمال انسان‌ها بر امام زمان (عج) بخصوص شب‌های قدر، راهنمایی‌های لازم در آداب استغاثه به امام زمان (عج).

۱۲- و ده‌ها و شاید صدها عنوان دیگر کتاب که در این راستا تدوین و انتشار یافته

بخش چهارم

- برکات وجود مبارک حضرت مهدی (عج)
- کمالات و جایگاه رفیع حضرت مهدی (عج)
- سیمای پیامبران و چهارده معصوم (علیهم السلام)
- در سیمای مهدی (عج)
- ویژگی‌های یاران حضرت مهدی (عج)
- تعداد و محل تولد ۳۱۳ یار حضرت مهدی (عج)
- اماکن مقدس منسوب به حضرت مهدی (عج)
- نکات مهم در مورد مسائل شخصی حضرت مهدی (عج)
- نحوه ملاقات با حضرت مهدی (عج)
- جایگاه رفیع انتظار در فرج حضرت مهدی (عج)
- و چند مطلب مفید و شنیدنی از حضرت مهدی (عج)

برکات وجود مبارک حضرت مهدی (عج)

قبل از این که با توجهات به فرمایشات گهربار معصومین (علیهم السلام) در باب فضائل و کرامات و برکات امام مهدی (عج) صحبت شود لازم است به چند نکته ضروری توجه شود.

۱- باید توجه داشت که فایده و برکت داشتن یک شیء یا شخص یا هر چیز دیگر، چند صورت دارد. اولاً برای خودش چه فایده‌ای دارد، برای دیگران چه بهره‌ای دارد، وجود آن در سیستم کل جهان هستی چه نقشی دارد، این‌ها مواردی هستند که در طرح فایده دادن یک موضوع قابل توجه هستند.

۲- اینکه آیا از یک شیء یا یک عنوان، در حدود وجود خودش، راه بهره‌گیری فراهم شده است؟ آیا بشر توانسته است در حکمت خلقت آن چیز علم پیدا کند؟ کشف بهره‌گیری صورت گرفته است؟ یعنی آیا انسان از آسمان‌ها، اعماق زمین، آنچه در آنها هست، از کوه‌ها، دریاها، جنگل‌ها، و غیره ... توانسته است از برکات آنها به نحو احسن بهره‌گیری نماید؟ قطعاً جواب منفی است.

۳- در بعد دیگر موارد برکت ساز، خود انسان‌ها هستند؟ آیا انسان از پیامبران، بخصوص پیامبر اسلام (ص) که رحمت و برکت خدا برای بندگان می‌باشد، استفاده کرده است؟ از امامان (علیهم السلام)، مخصوصاً مولای متقیان (ع) که دروازه علم نبوت بود، و می‌توانست اقیانوس علم و دانش خدا دادی را به بشر منتقل کند، استفاده کرد؟ از امامان (علیهم السلام) که دنیای علم و دانش و خیر و برکت بودند، استفاده برده است؟ آیا اگر بخل‌ها، حسادت‌ها، جهل و لجاجت‌های بشر خود سرو

نادان، کم می‌شد؟ و اجازه می‌دادند این بزرگواران مأموریت‌های خدایی خود را در حقّ بشر انجام می‌دادند، وضع زندگی بشر به این حالت اسفبار و وحشت‌زا، که توأم با جنایت و خیانت و خونریزی‌های وحشیانه در حقّ هم انجام می‌گیرد، بین آن‌ها جاری بود؟ قطعاً خیر.

۴- خلقت انسان کلاً در درجه اول برای جهان هستی حکمت و فایده خاصی دارد. که خداوند او را بنابه آن مصلحت خلق کرده است، از جهت خود انسان باز برای خودش و جامعه‌ی خودش فوایدی دارد که در مسیر زندگی کنونی به طریق مختلف مشهود است. مثل مصنوعات مختلف، خدمات گوناگون در ایجاد وسائل و ابزار راحتی و رفاه بشر و نیز برای جلوگیری از آفات و صدمات و امراض و غیره... لذا باید دقت نمود که پیامبران و امامان بخصوص، محور اصلی آفرینش جهان هستی هستند. و با برداشت از احادیث، اصولاً انسان‌ها به برکت آن‌ها روزی می‌خورند و از یمن وجود آنها آسمانها و زمین ثابت است و نعمتهای خود را به بشر ارزانی می‌کند.

آنها بخصوص امام زمان (عج) یک انسان کامل است که وجودش روشنی بخش عالم هستی می‌باشد، او مخزن تمامی توجهات و برکات خداوند است، اصولاً آنها عامل خلقت هستند و عالم هستی از وجود متبرک آنها شکل گرفته است. آنها کلید باب رحمت خداوند هستند، اگر دقت شود کلیه‌ی گنجینه‌های خداوند در اختیار او و اجدادش بوده است و هست. نور وجود امام عصر (عج) مستقیم و غیر مستقیم بر سراسر عالم هستی مشهود است و اگر چشم بصیرت باز شود، فهم و درک آن بسیار ساده و روان است.

با مطالعه و جمع‌آوری اطلاعات از دوران پر برکت غیبت صغری و کبری امام عصر (عج) در یاری رسانی به جوامع بشری بخصوص شیعیان، ارتباط با علما و دانشمندان در حل مجهولات و مشکلات علمی و عقیدتی، نجات انسانهای گرفتار،

شفای بیماران، دفاع از حریم دین، و رفع ظلم از مظلومان، و جلوگیری از توطئه‌گران در حق انسان‌های بی‌گناه، سراسر برگ‌های تاریخ زندگی پر برکت امام (عج) را پر کرده است.

برنامه‌ی آن حضرت (عج) افاضه برکت در خدمت به عالم بشریت است، سفره‌ی کرمش باز است، آمادگی کامل در بهره‌رسانی و کارگشایی دارد، ولی ما انسان‌ها متأسفانه شایستگی خود را در کسب فیض برکت از آن وجود ذیقدر پیدا نکرده‌ایم، کما این که عده‌ای با قبول زحمت و رنج سفر، به موهبت‌های برکات او رسیده‌اند، لذا با آرامش و ادب و اطاعت، می‌توان مسیر انس و بهره‌گیری را به دست آورد و آنوقت معلوم می‌شود که برکات امام چیست؟

نمونه‌های روشنی از برکات وجود مبارک حضرت مهدی (عج)

الف: آشنایی به جایگاه رفیع آن بزرگوار به عنوان یک انسان کامل در طول تاریخ بشریت.

۱- کمالات امام زمان (عج) به حدی گسترده و جامع است که می‌توان آنها را در سه بخش تقسیم بندی نمود. کمالات اولیّه‌ی ذاتی و الهی، کمالات اکتسابی، کمالات موهبتی.

کمالات اولیّه‌ی ذاتی و الهی:

در مورد کمالات اولیّه، تکلیفی که خداوند بر عهده امام زمان (عج) قرار داده است از تمام ائمه (علیهم السلام) و حتی پیامبران و بخصوص پیامبر اسلام (ص) مهمتر است زیرا اکثر قریب به اتفاق آنها مأمور ابلاغ بوده‌اند و نه اجرا.

درقرآن به نقل از پیامبر اسلام (ص) و سایر پیامبران آمده است:

«وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ»

«بر ما جز ابلاغ رسالت، تکلیفی قرار داده نشده است»
 در مسائل ابلاغی تمام پیامبران از حضرت نوح (ع) تا پیامبر اسلام (ص) همگی آنها
 مشکل ابلاغ داشتند و همانطور که برنامه‌های آنها در قرآن آمده است. کمتر توانستند
 افراد را راضی به اطاعت نمایند. و این بدان جهت است که خداوند در مسائل
 اعتقادی تصمیم ندارد که انسانها را بزور مطیع گرداند، زیرا در مسائل اعتقادی و
 اخلاقی باید زمینه‌های مناسب فراهم گردد تا شخص، خود، با رغبت، تربیت شود،
 اگر غیر این صورت باشد، دیگر انسان، انسان نیست.
 برای خداوند کار سختی نیست که همه را با جبر مؤمن کند، ولی نتیجه‌ای ندارد.
 در قرآن آمده است:

«وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا»

«و اگر پروردگارت می‌خواست همه‌ی کسانی که در زمین هستند ایمان
 می‌آوردند»^۱

بنابراین از کمالات الهی که به انسان‌ها داده شده است، موضوع ابلاغ دستورات و
 راهنمایی‌ها برای بهره‌گیری از آنها برای رسیدن به کمالات الهی است، بخش اصلی
 و رسیدن به این کمالات، شخص خود انسان است که مسئول اجرای دستورات
 خداوند است. لذا هر انسان از زمان حضرت آدم (ع) تا الآن، خودش مجری
 دستورات است زیرا مسائل لازم به او ابلاغ شده است و نسبت به آنها آگاهی دارد، و
 توان پیاده کردن دستورات خدا را در خود دارد، و اگر چنین کند، خلیفه‌ی خدا در
 روی زمین است. و از حضرت آدم (ع) تاکنون همه مسئول خود هستند. هر کدام از
 این‌ها در مورد اجرای عدل و عدالت در جامعه فقط مسئول خودشان هستند. و اگر
 توجه به دستورات دین کردند و در اجرای آنها تلاش نمودند، هدف آفرینش

درباره‌ی آنها انجام گرفته است.

چنین افرادی که به این درجه رسیده باشند دیگر نیازی به ظهور منتظر (عج) ندارد. زیرا خود به کمال الهی رسیده‌اند. مثل پیامبران و حضرت علی (ع) و صحابه خاص پیامبر (ص) و ابوذر، سلمان، مقداد و بعد از علی (ع) سایر ائمه دین (علیهم السلام)، اصحاب امام حسین (ع). این‌ها به حد کمال رسیده‌اند، اما این که این‌ها نیز در انتظار ظهور حضرت مهدی (عج) هستند، جهت دیدار جمال نورانی او و در رکاب ایشان به امام (عج) خدمت کردن و او را یاری دادن، می‌باشد.

نکته‌ی مهم دیگر مسئله مأموریت‌های پیامبران است. مثلاً بعضی از آنها در ابلاغ حکم جهانی دارند، ولی در اجرا، مأمور یک قوم و یا یک گروه هستند مثلاً حضرت موسی (ع)، مأمور به ابلاغ دین جهانی است ولی در اجرا فقط مأمور قوم بنی اسرائیل است، حتی بعضی از پیامبران فقط مأمور اجرای دین در خانواده خودش بوده است. ولی در مورد رسول اکرم (ص) مطلب تفاوت دارد. چون پیامبر اسلام (ص) آخرین پیامبر است، مأمور ابلاغ تمام دستورات دین به عموم بشر است. و بعد از او دستور جدیدی از طرف خداوند صادر نمی‌شود. لذا بعد از انتخاب حضرت علی (ع) به جانشینی خود، خداوند در آیات قرآن به او اعلام می‌فرماید»

«الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»

«امروز (روز غدیر هجدهم ذی حجه سال دهم هجری) دین شما را کامل کردم و

نعمت خود را تمام نمودم و بهترین آیین را که اسلام است برای شما برگزیدم»^۱

در صورتی که در آیه‌ی غدیر می‌فرماید: اگر این مراسم و معرفی حضرت علی (ع)

را به جانشینی انجام ندهی، رسالت خود را ابلاغ نکرده‌ای.

بنابراین نبی گرامی (ص) با تمام وجود، با آن همه مسائل نکبت‌باری که جامعه را

پز کرده بود، توانست کل دین الهی را به هر ترتیبی بود ابلاغ نماید، ولی متأسفانه

بعد از رحلت آن بزرگوار، آنان که می‌دانستند با وجود مولا علی (ع) به اهداف شیطانی دنیایی خود نمی‌رسند، و دنیای آباد خود را در چهره‌ی ابوبکر و عمر می‌دیدند، مسیر اسلام را عوض کردند و آدم‌ها را برای اطاعت انتخاب کردند، نه احکام الهی و قرآن را، و دین و قرآن را وسیله‌ای قرار دادند برای رسیدن به اهداف رفایی دنیایی خود و متأسفانه نگذاشتند تا در علم نبوت که علی (ع) بود، به روی بشر باز گردد، فقط یک ذره از آن به بشر داده شد، و نگذاشتند با رهنمودهای الهی مولا علی (ع) جامعه بشریت به کمال الهی برسد، فقط خود او رشد و کمال را طی نمودند.

در مورد بقیه‌ی ائمه دین هم همین داستان شکل گرفت که جامعه از انوار ملکوتی آنها محروم ماند. لذا بار سنگین ابلاغ تمام احکام الهی و اجرای آنها در جهان هستی و برای عموم به حضرت مهدی (عج) سپرده شده است. و ایشان باید ظهور کند و زمینه را در سطح جهان آماده نماید، تا دین جدش و کتاب الهی و احکام اسلام را به طور کامل هم ابلاغ نماید و هم اجرا کند.

لذا از طرفی مسئولیتی خطیر و سنگین و طاقت فرسا در ابلاغ و اجرا به عهده او گذاشته شده است. و از طرف دیگر خداوند تمام استعدادهای لازم الهی را در اختیار او قرار داده است، تا در این مأموریت عظمی، با کمال سرافرازی و افتخار، موفق گردد.

لذا، خداوند موهبت‌های الهی خود را در زمینه‌های سعه صدر، علم، قدرت، حلم، عظمت روحی، و توکل به خداوند را در او تثبیت نموده است.

خواجه نصیر طوسی صفات او را در برداشت از روایات چنین بیان کرده است:

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَىٰ صَاحِبِ الدَّعْوَةِ النَّبَوِيَّةِ وَالصَّوْلَةِ الْحَيْدَرِيَّةِ وَالْعِصْمَةِ الْفَاطِمِيَّةِ وَالْحِلْمِ الْحُسَيْنِيِّ وَالشَّجَاعَةِ الْحُسَيْنِيَّةِ وَالْعِبَادَةِ السَّجَادِيَّةِ وَ

الْمُؤَثَّرِ الْبَاقِرِيَّةِ وَ لُثَارِ الْجَعْفَرِيَّةِ وَ الْعُلُومِ الْكَاطِمِيَّةِ وَ الْحُجَجِ الرِّضْوِيَّةِ وَ الْجُودِ
الْتَّقْوِيَّةِ وَ النِّقَاوَةِ النُّقْوِيَّةِ وَ الْهَيْبَةِ الْعَسْكَرِيَّةِ وَ الْغَيْبَةِ الْاِلَهِیَّةِ.

یعنی هر چه که در تمام امامان هست، همه را خداوند به او عنایت فرموده است.

کمالات اکتسابی امام زمان (عج)

پیامبران و اولیاء دین و ائمه‌ی اطهار و مؤمنین قطعاً در دوران اولیّهی زندگی خود، نسبت به آنچه را که بعداً برایشان فراهم می‌شود، فرق می‌کند، وقتی از کمالات اولیه و ذاتی الهی خود پیروی کردند و در امر اطاعت از دستورات خداوند و تمرین و ریاضت در توجّه به عبادات و خدمت به بندگان خداوند، همت گماشتند. روز به روز بر درجه کمالات آنها به نام موهبت‌های اکتسابی آنها افزوده می‌گردد. مثلاً اعتبار پیامبر (ص) در مکه یک وضعیّت داشت، و بعد از آن همه شکنجه، حرف‌های ناسزا شنیدن، تهمت‌های عجیب و غریب را تحمل کردن، ولی در امر اطاعت خدا ماندن، در مدینه از درجات رفیع بیشتری برخوردار شد، و روز به روز که به عبادت خدا، و خدمت به بندگان خدا توجّه بیشتری می‌نمود، موقعیّت او نزد خداوند درخشان‌تر می‌شد.

ائمه هم همین حالت را داشتند، مجاهدت‌ها و عبادت‌ها و قبول مشقت‌ها برای علی (ع) و یا امام حسن (ع) و یا امام حسین (ع)، روز به روز بر درجات آنها افزوده می‌شد، یعنی هر چه زمان می‌گذشت و از آزمایشات بیشتری سربلند بیرون می‌آمدند بر کمالات آنها افزوده می‌شد.

موضوع امام زمان (عج) هم به همین گونه است، هر چه بر عمر مبارکش افزوده شود، قطعاً عبادت بیشتری می‌کند، اطاعت بیشتری از خدا می‌کند، در رفع مشکلات و گرفتاریهای جامعه بیشتر شرکت می‌کند، در شفای بیماران و رسیدگی به احوالات

مصیبت دیدگان قدم‌های مؤثرتری برمی‌دارد، که همین مسائل بر کمالات اکتسابی او می‌افزاید.

لذا وضعیت درجات کمالات اکتسابی امام زمان (عج) از تمام پیامبران و امامان بیشتر است. زیرا قریب به یک هزار و یکصد و چهل سال است در محضر خداوند، به او امر او مشغول است و یک لحظه نافرمانی خدا را نمی‌کند.

علم به تمام مسائل هستی دارد، ولی به امر خداوند از علمش آنچه در حد اجازه خداوند است تجاوز نمی‌کند. قدرت دارد، و می‌تواند با یک اشاره هر چه را عوض کند، ولی اجازه‌ی استفاده از قدرت را ندارد. باید در اوج برخورد و تحمل بلاها، گرفتاری‌ها، منظره‌های بسیار زننده‌ی ظلم و فساد را با توجه به دستور خداوند در تحمل همه‌ی این‌ها صبر کند.

جدّ بزرگوارش امیرالمؤمنین (ع)، فاتح تمام جنگ‌ها در زمان پیامبر (ص) بود، بعد از رحلت پیامبر (ص) باید صبر کند، باید از شمشیرش استفاده نکند، باید از علمش در افشا کردن نیات پلید غاصبین استفاده نکند، تحمل تمام بی‌ادبی‌ها، بی‌حرمتی‌های وحشیانه به پاره تن پیامبر (ص) زهرای مرضیه (س) را برای اطاعت از خداوند، با اوج ادب، تحمل نماید، تا به کمالات اکتسابی برسد، وضعیت امام زمان (عج) نیز همین طور است.

حضرت خضر (ع) سه عمل در برابر حضرت موسی (ع) انجام داد، حضرت موسی (ع) تحمل در سکوت نداشت و در برابر هر سه کار حضرت خضر اعتراض کرد، با وجود اینکه قول داده بود، در برابر کارهای حضرت خضر (ع) ساکت باشد. و باز حضرت موسی (ع) وقتی احساس قدرت کرد، در برابر فرد قبطنی قدرت نمایی کرد و او را مضروب نمود و سرانجام فرار کرد، ولی چه مسائلی را که امام زمان (عج) می‌بیند ولی به امر خداوند باید تحمل نماید.

لذا تمام پیامبران و تمام ائمه‌ی دین، آرزو می‌کنند که یککاش مثل مهدی (عج) می‌توانستند اینچنین فرمانبردار خدا باشند، و در خواست همه آنها از خداوند این است که در زمان ظهور، در خدمت امام (عج) خدمت نمایند.

این است که واقعاً در حال حاضر کسی نمی‌تواند مشابه امام زمان (عج) باشد و الان تک تاز خلیفه‌الهی خداوند است. و واقعاً بقیةالله الاعظم است یک نکته لطیف دیگری که باید به آن توجه شود این است که اگر خداوند به ما توفیق عبادت و خدمت در امورات خیر داده است، همیشه دعا کنیم که پروردگار کریم و رحیم به ما عمر طولانی با عزت عنایت فرماید تا مزرعه‌ی دنیایمان را پر بار و پر برکت نمائیم، درست است پرونده‌ی ما تأخر ما باز است ولی دیگر آثار پربرکتی از پرونده ما تقدّم یعنی آنچه به دست خودمان کشت می‌شود محروم می‌شویم. لذا گر چه شهدا به فیض پربرکت شهادت می‌رسند، ولی باز از فیض کشت اعمال و عبادات پربرکت دنیایی محروم می‌گردند. و نباید تصور کرد که قاتلین شهدا در حق شهدا احسان کرده‌اند، بلکه بزرگترین جنایت را در حق خوبان عالم انجام داده‌اند که آنها را از برکت عبادت و خدمت در راه خدا در دنیا محروم کرده‌اند.

کمالات موهبتی حضرت مهدی (عج)

در امورات دینی و انجام بعضی از عبادات، مسئله نیابت انجام دادن، یک برنامه رایج است و مغایرتی با احکام شرعی ندارد، مثلاً شخصی به زیارت اماکن مقدّسه می‌رود، و بجای افرادی که در شهرهای دور هستند به طور نیابت برای آنها نماز یا زیارت و یا بعضی از ادعیه را انجام می‌دهند، خاصیت چنین کارهایی هم برای انجام دهنده ثواب حساب می‌شود و هم برای آنهایی که زحمتی و خرجی نکرده‌اند، حتی این عمل برای افرادی که فوت کرده‌اند نیز صادق است. این کارها در افزایش کمالات افراد بسیار مؤثر است.

مثلاً در مورد پیامبر اسلام (ص) از روزی که رحلت کرده است تا امروز، چقدر انسان‌های مسلمان برای او نماز یا صلوات یا دستورات اسلامی را که ایشان آورده است، انجام می‌دهند، تمام این اعمال در بالا بردن کمالات پیامبر (ص) مؤثر است. در مورد پیامبر (ص) در آیات قرآن، حتی خداوند و ملائکه و مؤمنین برای پیامبر (ص) درود می‌فرستند.^۱ این‌ها همه در تعالی کمالات پیامبر (ص) مؤثر است. موضوع کمالات موهبتی امام زمان (عج) نیز از همین موضوع است. توسط شیعیان جهان در سطح تمام کشورهای جهان، چقدر نمازها، زیارتنامه‌ها، ادعیه و توسلات به نام امام زمان (عج) صورت می‌گیرد؟

موضوع دعا برای امام زمان (عج) از زمان حضرت آدم و توسط تمام پیامبران (سلام الله علیهم) انجام گرفته است و همین برنامه توسط تمام ائمه‌ی اطهار (علیهم السلام) طبق ادعیه و زیارتنامه‌های روایت شده، یک امر طبیعی و رایج بوده است. دعای ندبه توسط حضرت صادق (ع) قبل از میلاد مبارک امام زمان (عج) از طرف ایشان، تنظیم و بعنوان هدیه به وجود نازنین ایشان تقدیم شده است. لذا این‌ها اسباب کمالاتی هستند که توسط شیفتگان به ساحت مقدس بقیة الله الاعظم (عج) صورت می‌گیرد، و بعنوان کمالات موهبتی حضرت مهدی (عج) از جایگاه ارزشمندی برخوردار هستند.

فضائل و برکات حضرت مهدی (عج)

در کتاب منتهی الامال حاج شیخ عباس قمی در جلد دوم باب چهاردهم فصل دوم از صفحه ۷۶۳ تا ۷۷۱، چهل و شش خصلت و فضیلت در شأن آن حضرت بیان شده است. با توجه به حذف توضیحات بعضی از آنها به خاطر جلوگیری از طولانی شدن مطلب، چکیده مهم آنها به شرح زیر آورده شده است.

۱ - گفتارهایی پیرامون امام زمان - دکتر سید حسن افتخارزاده صفحات ۹۲ و ۱۰۵

- ۱- در اخبار معراجیه نور او در میان انوار ائمه (علیهم السلام) مانند ستاره‌ی درخشان در میان سائر کواکب است.
- ۲- نسب مبارکش از طرف پدر و مادر سر آمد و منتهی به انبیاء و اوصیاء (علیهم السلام) می‌باشد.
- ۳- بردن دو ملک وجود منور او را در روز تولد به سرا پرده‌ی عرش الهی و ابلاغ تبریک و تهنیت بر آن نور مقدس.
- ۴- برای وجود مبارک او خانه‌ای به نام بیت الحمد، خداوند قرار داده است که از روز تولد تا روز خروج چراغی در آن می‌درخشد.
- ۵- کنیه و اسم مبارک آن حضرت (عج) همسان با کنیه و اسم جناب پیامبر اسلام (ص) می‌باشد. ابوالقاسم (م - ح - م - د).
- ۶- حرمت بردن نام مخصوص آن بزرگوار به واسطی عظمت و شکوه او.
- ۷- لقب خاتم الوصیین و حجت خداوند در روی زمین به آن حضرت اختصاص دارد.
- ۸- غیبت از روز تولد و سپرده شدن او به جبرئیل امین و مجالست با ملائعالی و ارواح قدیسه.
- ۹- عدم معاشرت و مصاحبت با کفار و منافقین و فساق.
- ۱۰- نبودن بیعت احدی از جبارین بر گردن آن حضرت (عج).
- ۱۱- داشتن علامتی بر پشت او بعنوان ختم وصایت مثل نبی اکرم (ص) که همین علامت را در پشت به عنوان ختم نبوت دارا می‌باشد.
- ۱۲- اختصاص دادن حق تعالی آن جناب را در کتب سماویه و اخبار معراجیه از سایر اوصیاء (علیهم السلام) به ذکر القاب متعددی و نبردن نام شریفش.
- ۱۳- قرار دادن آیات غریبه و علامت‌های متعدد آسمانی قبل از ظهور مبارک آن حضرت (عج).
- ۱۴- قرار دادن صدایی آسمانی به قولی از جبرئیل در شب جمعه بیست و سوم

ماه مبارک رمضان به گونه‌ای که همه آن را می‌شنوند.

۱۵- کند و آهسته شدن گردش شب و روز به گونه‌ای که هفت سال حکومت او هفتاد سال طول می‌کشد.

۱۶- ظهور مصحف مولا امیرالمومنین (ع) که بعد از رحلت پیامبر (ص) غاصبین خلافت، مانع رونق و معرفی آن به جامعه شدند.

۱۷- سایه انداختن ابر سفیدی بر سر آن حضرت (عج) و ندای یک منادی از درون آن و اعلام اینکه او مهدی آل محمد (عج) است که زمین را پر از عدل می‌کند بعد از آن که پر از ظلم و جور شده است.

۱۸- همراه بودن ملائکه و جن در سپاه حضرت (عج) و ظهور آنها برای انصار آن حضرت.

۱۹- بی تاثیر بودن گذر زمان در وضعیت جسمی او و باقی ماندن وضعیت جسمی آن بزرگوار بین سن سی تا چهل سالگی.

۲۰- ایجاد حالت امنیت و آرامش و صلح بین انسان‌ها و حیوانات و درندگان و تمامی موجودات به طوری که بدون هیچگونه ترس و وحشتی در کنار هم زندگی می‌کنند.

۲۱- رجعت بعضی از آن‌هایی که سال‌ها فوت کرده‌اند. چنانچه در روایت است، بیست و هفت نفر از قوم موسی (ع) هفت نفر اصحاب کهف، ویوشع بن نون، و سلمان فارسی، ابوذر غفاری، ابودجاجة‌ی انصاری و مقداد و مالک اشتر از انصار آن جناب خواهند بود و در روایت آمده است که هر کس چهل روز دعای عهد (اللّٰهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ ...) را بخواند، زمان ظهور، در محضر حضرت حاضر می‌شود.

۲۲- با توجه به عنایات خاص خداوند، زمین تمام گنجینه‌ها و ذخائر خود را (برای رفاه و آسایش مردم) به یمن قدوم مبارک امام (عج) هدیه می‌نماید.

۲۳- باریدن باران به حد وفور، سرسبز شدن زمین به وسیله سبزه و درختان و گیاهان به طوری که غیر منتظره باشد. به حدی که مصداق آیه شریفه قرآن باشد «يَوْمَ

تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ».

۲۴- به برکت وجود آن شخصیت الهی، عقل‌ها و شعور مردم رشد چشمگیری پیدا می‌کند، و به همین جهت کینه، بخل‌ها، حسادت‌ها، همه از جامعه ترک می‌شود، همه از جایگاه علمی رفیعی برخوردار می‌گردند و آیه شریفه قرآن عینیت پیدا می‌کند «يَغْنِ اللَّهُ كُلًّا مِنْ سَعَتِهِ».

۲۵- در قوه‌ی دیدن و شنیدن اصحاب آن جناب، قدرتی پیدا می‌شود که از چهار فرسخ فاصله، آنها امام (عج) را می‌بینند و دستوراتش را می‌شنوند و اطاعت می‌نمایند.
۲۶- خداوند به برکت وجود آن جناب، به اصحابش طول عمر عنایت می‌فرماید، تا بیشتر در رکاب امام (عج) خود خدمت نمایند.

۲۷- خداوند به برکت وجود آن جناب، تمام ناراحتی‌ها، دردها و ضعف‌ها را از انصار و صحابه‌ی او برطرف می‌نماید، و همگی در سلامتی کامل به سر می‌برند.
۲۸- عنایات ویژه خداوند به انصار امام (عج) به گونه‌ای می‌شود که قدرت هر کدام از آنها در یاری رساندن به امام خود، برابر چهل مرد قدرتمند می‌گردد.

۲۹- توجه خداوند به وجود امام (عج) در نورانیت چهره و وجود او به گونه‌ای می‌شود که نیازی به روشنایی خورشید در روز و شب ندارند. و آیه قرآن درباره او آشکار می‌گردد. «وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا».

۳۰- در دست داشتن بیرق مخصوص نبی اکرم (ص) هنگام ظهور.

۳۱- همراه داشتن و پوشیدن زره مخصوص نبی اکرم (ص) و درست به اندازه بودن بر قامت مبارک آن حضرت (عج).

۳۲- عنایت استثنایی خداوند، در قرار دادن ابری برای جا به جایی حضرت (عج)، بهر مکانی که در آسمان‌ها و زمین، لازم باشد.

۳۳- عنایت خداوند در زمان ظهور و بعد از ظهور، در رفع شدت ترس و تقیه و خوف از کفار و مشرکین و منافقین. و فراهم آوردن موقعیت برای آنها، برای عبادت خداوند یکتا و آشکار شدن وعده‌ی خداوند که می‌فرماید:

«وعدده داده است خدای متعال آنان را که ایمان آوردند از شما و کارهای شایسته انجام داده‌اند، که هر آینه خلیفه گرداند ایشان را چنانچه خلیفه گردانید آنان را که پیش از آنان بودند. و هر آینه فراهم خواهد آورد امکانات پیروی از دین خود را که مورد پسند ایشان خواهد بود. و ترس و دلهره‌ی آنها را تبدیل به امنیت و آرامش قرار داد، تا مرا پرستند و برای من شریک قائل نشوند».

۳۴- و با مرحمت و توجه خداوند، تمام ساکنین روی زمین، تحت سلطنت و حکومت او قرار می‌گیرند و همه جا از فرمانش اطاعت می‌کنند. اخبار متواتر است «وَلَهُ اسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا».

۳۵- در تمام عالم هستی، آثار و برکات عدل و داد محسوس می‌شود. و همگان از این موهبت الهی برخوردار می‌شوند، و همگی نام امام مهدی (عج) را به احسن الوجه برای همدیگر بازگو می‌کنند.

۳۶- عنایت خداوند به ایشان و توجه خدا به بذل قدرتی که با علم امامت، بر تمام عالم حکومت می‌کند و هیچگونه نیازی، مردم برای بی‌نی و شواهد، احساس نمی‌کنند.

۳۷- آوردن و جاری شدن احکامی که تا آن زمان مشابه آنها در جوامع اسلامی رایج و مرسوم نبوده است.

۳۸- بهره‌گیری از تمام مراتب علوم که تا آن زمان از بیست و هفت مرحله علم فقط دو مرحله از علم الهی برای پیامبران و امامان کشف شده بود. در زمان آن حضرت از بیست و پنج مرحله‌ی دیگر علم بهره‌گیری می‌شود.

۳۹- خداوند به برکت وجود آن نور الهی، شمشیرهایی از آسمان برای انصار و اصحاب آن حضرت به هدیه می‌فرستد.

۴۰- تمام حیوانات موجود روی زمین از انصار و اصحاب امام اطاعت می‌نمایند.

۴۱- عنایات خداوند به برکت وجود آن امام (عج) در پیدایش دو نهر از آب و شیر در پشت کوفه که مقر سلطنت آن حضرت می‌باشد. و همراه داشتن سنگ جناب

حضرت موسی (ع) در مسیرهای حرکت به گونه‌ای که هر وقت آن را بر زمین می‌گذاشتند، چشمه‌هایی از آب و شیر جاری می‌شد و سپاه و همراهان امام (عج) از آن استفاده می‌کردند.

۴۲- عنایت خداوند در تأیید حکومت امام (عج) در فرود آمدن حضرت عیسی (ع) در کنار امام برای یاری او و تأیید حکومت او و پشت سر امام (عج) به نماز ایستادن.

۴۳- قتل دجال لعین که از آفت‌ها و عامل جنایت و قتل و خون‌ریزی در بین جامعه شده و ترس عجیبی در جامعه شکل گرفته بود.

۴۴- افتخار و استثناء کردن هفت تکبیر بر جنازه آن حضرت (عج)، که فقط در وصیّتنامه حضرت علی (ع) به امام حسن (ع) که بر جنازه‌ی مولا علی (ع) هفت بار تکبیر انجام گرفت.

۴۵- برای هر کدام از چهارده معصوم (علیهم السلام) تسبیحی در روایات اعلام شده است به شرح زیر:

تسبیح رسول اکرم (ص) اوّل ماه،	تسبیح امام رضا (ع) دهم و یازدهم هر ماه.
تسبیح امیرالمؤمنین (ع) دوم ماه،	تسبیح امام جواد (ع) دوازدهم و سیزدهم ماه.
تسبیح حضرت زهرا (س) سوم ماه،	تسبیح امام هادی (ع) چهاردهم و پانزدهم ماه.
تسبیح امام حسن تا امام کاظم (ع) به ترتیب تا نهم ماه،	
تسبیح امام عسکری (ع) شانزدهم و هفدهم ماه.	

و تسبیح حضرت حجت (عج) از روز هجدهم هر ماه است تا آخر ماه است، تسبیح آن حضرت به شرح زیر است.

سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ خَلْقِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ رِضًا نَفْسِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ زِينَةَ عَرْشِهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ مِثْلَ ذَلِكَ.

۴۶- سقوط و سرنگونی تمام دولت‌ها و حکومت‌های روی زمین به برکت دولت کریمه آن حضرت (عج).

فضائل و برکات حضرت مهدی (عج) در فرمایشات معصومین (علیهم السلام) ^۱

اگر انسان چشم بصیرت پیدا کند، متوجه می‌شود که تمام گردش کائنات و افاضات پر برکت زمین و آسمان‌ها، از طرف خداوند به عالم هستی، به واسطه‌ی عنایت و توجه به وجود پر فیض صاحب الزمان، مهدی موعود (عج) می‌باشد. با مروری به احادیث و روایات تابش نورانی الطاف الهی روشن می‌گردد.

۱- در کمال الدین شیخ صدوق از جابر بن عبدالله انصاری (رحمة الله علیه) روایت نموده که وی از رسول اکرم (ص) سؤال نمود، آیا دوستان «قائم» (عج) در مدت غیبتش از وجود مبارک او استفاده می‌برند؟ پیغمبر (ص) فرمود:

«إِنَّ الَّذِي بَعَثَنِي بِالنَّبُوَّةِ أَنَّهُمْ لَيَتَفَعَّلُونَ بِهِ وَ يَسْتَضِيئُونَ بِنُورِ وِلايَتِهِ فِي غَيْبَتِهِ كَأَنْتِفَاعِ النَّاسِ بِالشَّمْسِ وَ أَنَّ جَلَلَهَا السَّحَابَ» یعنی:

آری به خدایی که مرا به پیامبری برانگیخت آنها از وجود وی بهره‌مند می‌شوند، و از نور ولایتش در طول غیبت کسب نور می‌کنند، همانطور که مردم از آفتاب پنهان در ابرها استفاده می‌برند.

۲- شیخ کلینی متوفی ۳۲۹ (هـ - ق) در اصول کافی نقل می‌کند که اسحاق بن یعقوب یکی از دانشمندان بزرگ شیعه که چهل سال بعد از غیبت امام (عج) زندگی می‌کرده، طی نامه‌ای از طریق محمد بن عثمان نائب دوم امام (عج) از امام زمان (عج) علت غیبت را سوال می‌کند.

امام (عج) در پاسخ وی نوشته بود: و اما درباره علت غیبت من خداوند (در قرآن مجید) می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءٍ إِنْ تُبَدِّلُكُمْ تَسْؤُكُمْ ...» ^۲

«ای افراد با ایمان سوال نکنید از چیزهایی که اگر علت آن برای شما آشکار گشت، شما را ناراحت می‌کند... ولی انتفاعی که مردم در غیبت من از وجود من می‌برند، مانند استفاده از نور آفتاب است، که ابر آن را از نظرها پوشیده بدارد.» ^۳

۱ - اسرار و فوائد وجود حضرت ولی عصر - از ص ۱۴ به بعد.

۲ - مائده آیه ۱۰۱

۳ - مائده، ص ۲۶

۳- امام سجاده (ع) در روایتی فرموده است:

«ما پیشوای مسلمین و حجت بر اهل عالم و سادات مؤمنین و رهبر نیکان و صاحب اختیار مسلمین هستیم، ما امان اهل زمین هستیم چنانکه ستارگان امان اهل آسمانند، به واسطه‌ی ماست که آسمان بر زمین فرود نمی‌آید، مگر وقتی که خدا بخواهد، به واسطه‌ی ما باران رحمت حق نازل و برکات زمین خارج می‌شود، اگر ما روی زمین نبودیم، اهلش را فرو می‌برد. سپس فرمود: از روزی که خدا آدم را آفریده تا حال هیچگاه زمین از حجتی خالی نبوده است. و تا قیامت نیز از حجت خالی نخواهد شد، و اگر امام نباشد خدا پرستش نمی‌شود».

سلیمان می‌گوید: من عرض کردم مردم چگونه از وجود امام غائب بهره‌مند می‌شوند؟ فرمود: همانطور که از خورشید پشت ابر، بهره‌مند می‌شوند.^۱

۴- ایمان به حضرت مهدی (عج) و انتظار فرج و دل بستن به ظهور ناجی واقعی بشریت امام زمان (عج) مایه‌ی امیدواری و آرام بخش دل‌های تمامی مسلمین، بلکه تمام عالمیان می‌باشد.

لذا بنابر فرمایشات گهربار حضرت سجاده (ع)، انتظار فرج و گشایش. خودش یکی از بزرگ‌ترین اقسام فرج است. و از این جهت است که در احادیث اهل بیت، انتظار فرج از بهترین عبادات و در ردیف شهادت در راه حق شمرده شده است.^۲

۵- بهره‌گیری از برکت امام (عج) از طریق علمای بزرگوار.

طی توقیع مبارکی در جواب مسائل اسحاق بن یعقوب مرقوم فرموده است که: «و اما حوادثی که به شما روی دهد، پس مراجعه کنید در آنها به راویان حدیث ما، به درستی که ایشان حجت من هستند بر شما و من حجت خدایم برایشان».^۳

۱ - دادگستر جهانی ص ۱۵۶

۲ - اسرار و فوائد ص ۳۷ به نقل از اربعین هاشمیه ص ۳۸۸

۳ - همان از ص ۳۷ تا ۸۵

۶- شب قدر ملائکه بر امام زمان (عج) نازل می شوند.

نزول ملائکه در شب های قدر هر سال بر پیامبر (ص) و بعد از او به ترتیب، امام زمان هر مقطع زمانی و در حال حاضر بر حضرت مهدی (عج) به دو منظور صورت می گیرد. اول اینکه بر امام زمان (عج) نازل می شوند تا آنچه در این سال تقدیر شده است به نظر مبارکش برسانند به امر پروردگار و این مفاد آیهی شریفه سوره قدر است که می فرماید:

«بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ»

دوم اینکه ملائکه و روح الامین (جبرئیل) در شب قدر در مجالس مؤمنین حاضر شوند و بر آنها سلام کنند و در حق آنها دعا کنند و در عبادت آنها شرکت کنند و ثواب عبادت آنها را در نامه ی عمل مؤمنین ثبت نمایند و هدیه کنند ثواب عبادات خود را به مؤمنین و این ملائکه در جامعه ی مؤمنین هستند تا طلوع فجر که مفاد آیه شریفه سوره قدر که می فرماید:

«سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطَلَعِ الْفَجْرِ»^۱

۷- عالی ترین ایام عرضه ی اعمال به پیامبر (ص) و ائمه (علیهم السلام)

الف: در بعضی از احادیث آمده است که: در هر روز دوشنبه و پنجشنبه اعمال خلاق به ائمه اطهار (علیهم السلام) عرضه می شود.

در بعضی احادیث هر پنجشنبه اعمال خلاق به پیامبر (ص) و ائمه (علیهم السلام) عرضه می شود.

و در بعضی از احادیث در هر روز، صبح اعمال خوب و بد به پیامبر (ص) و ائمه (علیهم السلام) عرضه می شود.^۲

ب: از استاد اعظم آیه الله نوری در کتاب نجم الثاقب با بررسی روایات می فرماید: در عصر دوشنبه و پنجشنبه اعمال خلاق بر پیامبر (ص) و ائمه (علیهم السلام)

۱ - سفیران امام زمان (عج) به نقل از تفسیر اطیب البیان ج ۱۴ ص ۱۸۰

۲ - بحار ج ۷

عرضه می شود.^۱

شیخ طبرسی در مجمع البیان به نقل از روایات می گوید در هر دوشنبه اعمال بر پیامبر (ص) و ائمه (علیهم السلام) عرضه می شود.^۲

شیخ ابوالفتوح رازی در تفسیر خود با بررسی روایات می گوید هر شب دوشنبه و پنجشنبه اعمال بر پیامبر (ص) و ائمه (علیهم السلام) عرضه می شود.^۳

۸- پیامبر (ص) و ائمه (علیهم السلام) واسطه‌ی فیض و برکات خداوند به عالم هستی می باشند.

الف: شیخ صدوق به نقل از امام رضا (ع) می گوید:

ما حجت‌های خدا در زمین بر خلقش هستیم و خلیفه‌های خدا در بین بندگانش می باشیم و امین‌های خدا بر سرش هستیم، و ماییم کلمه‌ی تقوی و ریسمان محکم، و ماییم گواهان خدا و نشانه‌های او در بین مخلوقاتش، به واسطه‌ی ما خدا آسمان‌ها و زمین را از نابود شدن نگه می دارد.

و به وسیله‌ی ما باران را نازل می سازد و رحمتش را پهن می کند، و زمین خالی نمی ماند از یک نفر از ما که دین را پاس دارد. ظاهر باشد یا پنهان، و اگر زمین یک روز از حجت خالی ماند اهلش را فرو می برد چنانکه دریا با امواج خود اهلش را فرو برد و هلاک سازد.^۴

ب: از شیخ صدوق از طریق سلسله‌ی سند موثق از امام محمد باقر (ع) می گوید:
اگر روی زمین بدون امام از ما بماند هر آینه اهلش را فرو می برد و پروردگار مردم را به عذاب سخت‌تر گرفتار می کند. به درستی که خداوند ما را در زمین حجت ساخته و امان در زمین برای اهل زمین ماییم. و مردم در امانند از فرو رفتن تا گاهی

۱ - سفیران امام ص ۱۷۵

۲ - همان

۳ - همان

۴ - سفیران امام زمان (عج) ص ۱۷۹

که ما، در میان آنها هستیم.^۱

ج: شیخ صدوق به روایت از امام صادق(ع) و او از امام سجاد(ع) روایت کرده است که: ماییم امامان مسلمانان و حجت‌های خدا بر اهل عالم و آقایان بر مؤمنین، ماییم مولای مؤمنین و ماییم امان بر اهل زمین چنانچه ستارگان امان برای اهل آسمانند... پس از آن فرمود: و هرگز زمین از آنگاه که خداوند آدم را آفرید از حجتش خالی نبود، گاهی ظاهر و گاهی غائب و مستور بوده است. و هرگز هم زمین از حجت خالی نمی‌ماند تا روز قیامت اگر این چنین نباشد خدای پرستش نمی‌شود. سلیمان گوید: به حضرت صادق(ع) عرضه داشتم چگونه مردم از حجت غایب پنهان نفع می‌برند؟ حضرت فرمودند: چنانکه از آفتاب وقتی که ابر آن را پنهان نموده باشد نفع می‌برند.^۲

د: مجلسی در بحار طبع کمپانی ج ۷ ص ۳۳۸ به نقل از امام حسن عسکری(ع) آورده است که: پناه می‌برم به خدا از جماعتی که آیات محکمت کتاب الهی خدا را نادیده گرفته‌اند و حضرت رب العالمین را فراموش کرده‌اند. و پیغمبر اکرم(ص) و ساقی کوثر امیرالمؤمنین(ع) را در مواقف حساب روز قیامت و آتش سوزان و شداید و گرفتاری‌های بزرگ و نعمت بهشت و دار ثواب خدا را از خاطر و اندیشه‌ی خود محو کردند، پس ما بزرگترین مقام بلند پایه هستیم و مقام نبوت و ولایت و کرم در ماست. و ما مناره‌ی پرتو افکن و نور بخش هدایتیم و ما دستگیره‌ی محکم و متین و استواریم و پیامبران گذشته از انوار ما اقتباس می‌نمودند و از آثار ما پیروی می‌کردند و در آینده حجت خدا(عج) بر خلق با شمشیر کشیده برای اظهار حق ظهور خواهد کرد.^۳

۹- نامه متبرکة حضرت مهدی(عج) به شیخ مفید و عنایات آن رهبر فهیم و مدبّر در تمام امورات حیاتی و سازنده. اگر در این نامه با دیده بصیرت توجه شود

۱ - سفیران امام زمان(عج) ، ص ۱۸۰

۲ - همان ص ۱۸۳

۳ - همان، ص ۱۸۵

بیست و هشت مورد کلیدی در امور سازندگی بشر نهفته است که هر کدام به تنهایی می‌تواند جامعه را به اوج سعادت و کمال و قرب به خداوند راهنمایی نماید. می‌فرماید: به نام خداوند بخشنده مهربان.

درود خداوند بر تو ای یاور حق و ای کسی که با گفتاری راستین مردم را به حقیقت فرا می‌خوانی. ما خداوند را که جز او خدایی نیست نسبت به تو سپاسگزاریم و از او سلام و درود به آقا و مولایمان حضرت رسول (ص) خاتم النبیین و خاندان پاکش را خواستاریم.

و بعد، ما به مناجات تو نگریستیم. خداوند تو را با آن وسیله که به تو ارزانی داشته نگهداری فرماید و از نیرنگ دشمنانش در امان دارد.

این نامه را هم اکنون در مخفیگاه خود در قلّه کوهی می‌نگارم و به تازگی از جایگاه پیشین خود که در منطقه‌ای پردرخت بود، بدینجا آمده‌ایم، البته به زودی از این جا نقل مکان کرده و در دشت و صحرائی جای خواهیم گرفت. تو را از وضع خود با خبر خواهیم ساخت و دستورات لازمه‌ای را که موجب نزدیکی به ما می‌شود خواهیم داد. خداوند به رحمت خود تو را موفق بدارد و تو را حفظ کند تا بتوانی در مقابل آشوب و ستمی که خون مردم را می‌ریزد بایستی و منحرفین را از کار خود باز داری و بدین جهت مؤمنان شاد گردند و تجاوز کاران اندوهگین شوند. در این فتنه و آشوب پلید، نشانه‌ای از جنبش و نهضت ما وجود دارد و آن عبارت است از رویدادی که در خانه خدا در مسجد الحرام روی خواهد داد و یکی از منافقان پلید و تبه‌کار، خون بی‌گناهان را ریخته و مؤمنان را مورد تنبیه و کیفر قرار می‌دهد، لکن با تمام این‌ها به هدف خود نمی‌رسد زیرا از پشت سر، ما با دعای خود که حتماً مستجاب شده و تأخیر ندارد آنان را نگهداری می‌کنیم.

بنابراین دل دوستان ما محکم و مطمئن باشد، گرچه مشکلات و سختی‌ها همه را فراگیرد، فرجام کار به نیکویی تمام خواهد شد و تا وقتی که مؤمنان از گناهان بپرهیزند، عاقبت محمود برای آنان است.

ای دوست با اخلاص ما که با ستمکاران در ستیز و پیکاری، خداوند به همانگونه که اولیای شایسته پیشین ما را تأیید نموده تو را تأیید کند، برادران تو هر یک تقوی پیشه کنند و آنچه را که به گردن دارند به مستحقانش برسانند. از فتنه و آشوب ویرانگر و گرفتاری‌های ستم بار آن، در امان خواهند بود. و آن کس که در پرداختن به آنان که خداوند فرمان پیوند آنان را داده بخل ورزد، در دنیا و آخرت خود، زیان کرده است.

اگر پیروان ما که خداوند توفیق طاعتشان دهد، دل‌هایشان در وفای به عهد و پیمانی که با ما دارند همدل می‌شدند از دیدار مبارک ما محروم نمی‌شدند، سعادت دیدار ما را زودتر می‌یافتند. دیداری راستین و از روی معرفت نسبت به ما.

ما را از آنان جز اخبار ناگوار و ناخوشایند که از کارهایشان به ما می‌رسد چیزی باز نمی‌دارد. خداوند یارو یاور ماست و ما را کفایت کرده و وکیل نیکویی است. و درود او بر آقای بشارت دهنده و بیم دهنده‌ی ما، محمد (ص) و خاندان پاک او باد.^۱

۱۰- باید توجه نمود که در کلام دانشمندان و محققین و اسلام شناسان و امام شناسان، کلماتی به عنوان غوث و یا امام که طرح شده است، تمام آنها در واقع اشاره به وجود نازنین قائم آل محمد (عج) است. او صاحب الامر است، یعنی منتظر فرمان پروردگار است، صاحب الزمان است. یعنی زمام امور از نظر گردش جهانی به او بستگی دارد.

او مهدی (عج) است یعنی هدایت شده از طرف پروردگار است و طبق آیه «أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي»^۲ آیا آن کس که از طرف پروردگار هدایت

۱ - سفیران امام ص ۱۹۶ به نقل از الاحتجاج ج ۲ ص ۶۰۳ چ انتشارات اسوه

۲ - یونس از آیه ۳۵

یافته شایسته و سزاوارتر است از نظر هدایت کردن دیگران یا آن کس که هدایت نشده و خود احتیاج به هدایت دارد؟^۱

۱۱- امام زمان (عج) قطب عالم هستی است، زیرا او دارای ولایت تکوینی الهی است. حضرت مهدی (عج) در واقع خاتم الولاية است، قرآن است. حقیقت قرآن، شرع است، یعنی شریعت اسلام و دین است و دلیل بر این گفتار این است که گفته‌اند، «كُلٌّ لَانَ الْكُلِّ مَوْقُوفٌ عَلَيْهِ» همه به طفیل وجود او وجود دارند و او هست که به امر پروردگار در جهان دارای ولایت تکوینی است برای اینکه او قطب یعنی میله‌ای است که جهان به وسیله‌ی آن میله می‌گردد و وجود جهان پایدار نخواهد ماند مگر به قطب. و باقی هم نخواهد ماند مگر مانند آسیاب که به وسیله‌ی میله و قطب به گردش در می‌آید. و نفع و سود می‌رساند که اگر آسیاب میله نداشته باشد، هیچگونه نفع و سودی از او برده نخواهد شد. و اگر در جهان هم قطب یعنی قائم آل محمد (عج) نباشد به گردش در نمی‌آید.

«أَوَّلَا الْحُجَّةَ لِسَاخَتِ الْأَرْضِ بِأَهْلِهَا» اگر حجت نباشد زمین اهل خود را فرو می‌برد.^۲

۱۲- عالم هستی به برکت وجود پیامبر (ص) و اوصیای او خلق شده است. شیخ صدوق در کتاب اکمال الدین از علی بن موسی الرضا (ع) و با سلسله‌ی سند از رسول اکرم (ص) روایت می‌کند که رسول اکرم (ص) فرمودند:

پروردگار مخلوقی از من بهتر نیافریده و کسی نیست که نزد او گرامی‌تر از من باشد. علی (ع) عرض کردند: یا رسول الله (ص) تو بهتری یا جبرئیل؟ فرمود: یا علی (ع) پروردگار پیغمبران مرسل را به فرشتگان مقرب خویش برتری داده، و مرا بر همه‌ی پیغمبران و مرسلین برتری بخشیده است.

۱ - سفیران امام ص ۲۱۲

۲ - همان، ص ۲۱۱

ای علی (ع)! بعد از من، برتری از آن تو و امامان بعد از تو می باشد. زیرا که فرشتگان خدمتگزاران به ما و دوستان ما هستند. یا علی (ع) آن فرشتگانی که عرش را حمل نموده و یا اطراف آنند تسبیح به حمد پروردگارشان گویند و برای آنان که به ولایت ما گرویدند طلب آمرزش کنند. ای علی (ع)! اگر ما نبودیم خداوند آدم و حوا و بهشت و دوزخ و آسمان و زمین را نمی آفرید.

چگونه ما از فرشتگان برتر نباشیم و حال آنکه در توحید و خداشناسی پیشی گرفتیم و در معرفت و تسبیح و تقدیس و تهلیل پروردگار عزوجل بر آنها سبقت و پیشی جستیم پس وقتی پروردگار آدم (ع) را آفرید ما را در صلب او قرار داد و به فرشتگان دستور داد تا به خاطر تعظیم و احترام ما که در صلب آدم بودیم برای او سجده کنند. در واقع سجده آنها بندگی خداوند بود و احترام و اطاعت آدم برای ما بود که در صلبش قرار داشتیم. چگونه افضل نباشیم و حال آن که همه ی آنها برای آدم (ع) سجده کردند و برای اینکه هنگامی که مرا به آسمانها بردند، جبرئیل فصول اذان را دو به دو ادا کرد و دو به دو اقامه گفت: سپس جبرئیل گفت: ای محمد (ص) جلو بایست (امام جماعت بشو) گفتم: ای جبرئیل بر تو پیشی گیرم؟ گفت: آری زیرا که خدای تبارک و تعالی پیغمبرانش را بر همه ی فرشتگان برتری داده و تو را به خصوص بر تمامی آنها برتری داده است. من جلو ایستادم و برای آنها نماز خواندم.... ای محمد (ص) تو بنده ی من هستی و من پروردگار توام. مرا عبادت کن و بر من توکل نما، زیرا تو نور من در بندگانم و رسول من در مخلوقاتم و حجت من در آفریدگانم می باشی. و بهشتم را برای کسی که از تو پیروی کند آفریدم و دوزخم را برای کسی که نافرمانی تو را نماید، خلق کرده ام.

و کرامت خود را برای اوصیای تو واجب نمودم و ثوابم را برای شیعیان تو، گفتم: پروردگارا اوصیای من کیانند؟ پس خداوند فرمود که: ای محمد اوصیای تو همانها هستند که بر ساق عرش نامشان نوشته شده بود اول آنان علی بن ابیطالب (ع) و

آخرین آنها مهدی امت من (عج)، می باشد.

گفتم: پروردگارا! اوصیای پس از منند؟ ندا رسید: ای محمد آنان بعد از تو اولیاء و احبّاء و اصفیاء و حجج من هستند و اوصیاء و خلفای تو بهترین خلق بعد از تو می باشند.

قسم به عزّت و جلالم که دینم را به وسیله ی آنها ظاهر می کنم و کلماتم را به آنها بلند می نمایم و زمین را به آخرین آنها از دشمنانم پاک می کنم و مشارق و مغارب زمین را به کمک او و بادهای او در تصرف و تسخیر او قرار می دهم. و گردن های سخت را برای او رام می گردانم و او را با وسایل پیروزی مسلط می گردانم و با لشکریانم کمک و یاریش می کنم. و با فرشتگان مددش می رسانم، تا دعوت مرا بلند و خلق مرا بر توحید من جمع سازد. سپس ملک او را استمرار دهم و حکومتش را به دست اولیای خود دست به دست تا روز قیامت ادامه می دهم.^۱

جایگاه رفیع و ماموریت عظیمای امام زمان (عج) در خطبه عید غدیر در فرمایشات رسول اکرم (ص): جا دارد جهت تکمیل نسبی برکات و شأن وجود پر برکت امام زمان (عج)، مضامین فرمایشات گهربار نبی اکرم (ص) را که در عید غدیر در منزلت حضرت مهدی (عج) بیان شده است. برای نورانیت دل ها و زمینه سازی اخلاص در محضر عزیز زهرای اطهر (س)، عرضه گردد.

ای جمع مردم! بدانید که من پیغمبر فرستاده ی خدا هستم، و علی (ع) وصی و خلیفه و جانشین من است. من خاتم انبیاء و علی خاتم اوصیاء است، و بدانید که خاتم ائمه هم از ما و عترت ما خواهد بود، او قائم مهدی (عج) است که بر کلیّه ی ادیان و ملل غالب و پیروز می گردد. او منتقم حقیقی آسمانی از ستمکاران زمین است، او فاتح و قاهر و غالب بر همه قلعه های محکم دنیا است، و او منهدم و متلاشی کننده همه استحکامات غیر قانونی و غیر شرعی است، هر قدر مجهّز و مسلّح به سلاح جدید عصر خود باشند، به دست او مضمحل و متلاشی می گردند.

ای مردم بدانید قائم (عج)، منتقم ما که خواهد آمد کشنده‌ی هر قبیله مشرک و منافق است. ای مردم بدانید مهدی (عج) ما ناصر و یاور دین خدای عزوجل است، او کشتیان دریای عمیق و معراج زندگی متلاطم خلائق است. اوست که کشتی وجود را از میان امواج متلاطم و طوفانهای مهلک به ساحل نجات و سعادت می‌رساند.

ای مردم مهدی (عج) ما همه را به نام و نشانی و اسم و مسمی می‌شناسد و فضل و برتری هر کس را می‌داند و هر نابخرد و جاهل را به جهلش می‌شناسد.

ای مردم او انتخاب شده‌ی خداوند است. و برگزیده‌ی پروردگار است. او وارث علوم اولین و آخرین است او محیط به زمان و مکان و دانش است. او مخبر پروردگار از آسمان‌ها و افلاک و عناصر است. او بیدار کننده و هشیار سازنده‌ی خلائق به ایمان و عقیده‌ی پسندیده است. او رشید و سدید و هادی و مهدی و مهتدی است.

ای مردم بدانید که امور اداره‌ی جوامع بشری به قائم آل محمد (عج) تفویض شده است. او یک شخصیتی است آسمانی که از اولین و آخرین به وجود او بشارت داده و انبیاء گذشته او را معرفی نموده‌اند.

او حجت باقی خالق بر خلق است، و پس از او حجتی نیست. حقی در عالم نیست مگر به وجود او و علم و احاطه او، ای مردم همانطور که خداوند متعال جل شانه پیغمبران را برگزید و تربیت فرمود و برای هدایت خلائق فرستاد، مهدی امت و قائم منتقم (عج) را هم از نسل علی (ع) و دودمان من برگزید و تربیت فرمود و علم و قدرت خود را برای هدایت خلق به او عطا فرموده تا بشر را بیدار نماید.

ای مردم بدانید هیچکس بر قائم (عج) ما غالب نخواهد شد. و هیچ کس بر مهدی ما نصرت نمی‌یابد، و پیروز نمی‌گردد. او ولی خداست در زمین، وجود او حکم خدا در خلق است، او امین اسرار آفرینش است. او به هر چه پنهان و آشکار است واقف است.^۱

۱ - سفیران امام ص ۲۲۷ به نقل از خطبه غدیر - عماد زاده (از ۱۱۰ راوی این حدیث نام برده است)

جایگاه رفیع و ملکوتی حضرت مهدی (عج) در روایات شیعه و سنی

در منابع شیعه و سنی مقام و منزلت حضرت مهدی (عج) در پیشگاه خداوند بسیار ارجمند و رفیع است: از جمله:

- ۱- او سرور و سالار دنیا و آخرت و از سروران اهل بهشت و طاووس بهشتیان است.
 - ۲- جامه‌های درخشنده‌ای از نورالهی بر تن دارد و الهام گیرنده و هدایت شده از سوی خداوند است.
 - ۳- هر چند پیامبر محسوب نمی‌شود، ولی خداوند سبحان کرامت‌ها و نشانه‌های معجزات بسیاری را به دست وی جاری می‌سازد.
 - ۴- در روایات بسیار معروف شیعه و سنی آمده است که آن حضرت در صفوف پیامبران و رسولان (صلوات الله علیهم) جای دارد.
 - ۵- پیامبر (ص) در شأن حضرت مهدی (عج) فرمود: «ما فرزندان عبدالمطلب، سروران اهل بهشتیم، من، حمزه، علی و حسن و حسین و مهدی (عج)».^۱
 - ۶- وی نور خدا در روی زمین و شریک قرآن در واجب اطاعه بودن و معدن علم الهی و گنجینه‌ی سرّ خداوند است.
 - ۷- علما در کتب عقاید و تفسیر آورده‌اند که وی بعد از امیرالمؤمنین (ع) و امام حسن (ع) و امام حسین (ع) بر سایر امامان برتری دارد.
 - ۸- نزد اهل سنت نیز برتری او بر ابوبکر و عمر از واضحات است. از ابن سیرین (از علماء مفسرین معروف اهل تسنن) سوال شد:
- «مهدی (عج) بهتر است یا ابوبکر و عمر؟ گفت: مهدی (عج) از آن دو به مراتب بهتر و با پیامبر و نبی هم طراز می‌باشد».^۲

۱ - عصر ظهور ص ۳۸۰ به نقل از غیبت طوس ص ۱۳

۲ - همان به نقل از ابن حماد ص ۹۸

جایگاه حضرت مهدی (عج) در قرآن از دیدگاه اهل سنت

۱- ابن حجر هیثمی در کتاب خود «الصواعق المحرقة» به نقل از مقاتل بن سلیمان و مفسران پیرو او گفته‌اند که آیه شصت و یک سوره زخرف «وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ» درباره حضرت مهدی (عج) نازل گردیده است. و آیه شریفه دلالت بر برکت در ذریه‌ی فاطمه (س) و علی (ع) دارد و خداوند از آن دو، فرزندان پاک و شایسته‌ای برآورد و نسل آن دو را کلیده‌های حکمت و معادن رحمت قرار می‌دهد. و سر آن این است که پیامبر (ص) ذریه‌ی خود را از شر شیطان رانده شده در پناه خداوند قرار داد و برای علی (ع) نیز چنین دعایی نمود که شرح تمام آن از سیاق روایات مربوط به او استفاده می‌شود.

۲- جلال الدین سیوطی در کتاب «الحاوی للفتاوی» به نقل از ابن جریر طبری در تفسیر خود به نقل از سدی در مورد آیه ۴۱ سوره مائده «لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ» می‌گوید:

«اما خواری و ذلت در این جهان این است که وقتی مهدی (عج) قیام نماید و قسطنطنیه آزاد گردد آنها را از دم شمشیر بگذرانند و این است خواری و ذلت».

۳- محی الدین عربی: او در کتاب خود «الفتوحات المکیه» در مورد شان مقام و جایگاه رفیع الهی در مورد حضرت مهدی (عج) می‌گوید:

«او دارنده شمشیر حق و دارای سیاست کشور داری است، و آگاهی و علم وی از جانب خداوند به اندازه‌ای است که شان و منزلت او نیاز بدان دارد، زیرا وی خلیفه‌ای راستین و بحق است، زبان حیوانات را می‌داند و عدالتش در جن و انس جریان می‌یابد».

۹- فرمایشات مولا علی (ع) در شرافت و جایگاه رفیع حضرت مهدی (عج). «هان بدانید که مثل اهل بیت محمد (ص) به سان ستارگان آسمان است که هر گاه ستاره‌ای غروب کند ستاره‌ای دیگر طلوع می‌کند. گویی می‌بینم نعمت‌های الهی در پرتو

خاندان پیامبر (ص) بر شما تمام شده و شما به آرزوی خود دست یافته‌اید.^۱ به اهل بیت پیامبر خود بنگرید اگر سکوت کردند شما هم سکوت کنید. و اگر از شما یاری خواستند، یاریشان کنید. که خداوند ناگاه به واسطه‌ی مردی از ما اهل بیت (ع) فرج و گشایش به وجود می‌آورد.^۲

۱۰- از سریر صیرفی نقل شده که گفت: من و مفضل بن عمر و ابوبصیر و ابان بن تغلب در محضر امام صادق (ع) بودیم و بعد از دیدن آثار غم و اندوه فراوان در چهره او و اظهار ناراحتی فراوان، علت این همه نگرانی، در مورد مهدی (عج)، تقاضا شد تا درباره مهدی (عج) آن‌ها را آگاه سازد. امام فرمود:

«خداوند در مورد قائم (عج) ما سه امر را که درباره‌ی سه تن از پیامبران به اجرا در آورده است. عملی سازد. اوّل ولادت او را همچون ولادت موسی (ع) (که مخفی نگهداشته شدن و فرعون چه جنایاتی در حق بنی اسرائیل اعمال کرد و بیش از بیست هزار شکم مادر را پاره کرد و فرزندان نوزاد آنها را سر برید، تا شاید دسترسی به حضرت موسی (ع) پیدا کند): ولی اراده‌ی خداوند موسی (ع) را حفظ کرد و بر فرعون پیروز گردانید. بنی امیه و بنی عباس نیز نهایت جنایت را در حق بنی هاشم انجام دادند تا بر مهدی (عج) دست یابند و او را شهید کنند. ولی نتوانستند. دوم غیبت او را همچون غیبت حضرت عیسی (ع) (که یهود و نصاری عقیده دارند او کشته شده است اما خداوند گفته‌ی آنها را تکذیب کرده است و او را به آسمان برده است).

آیه ۱۵۶ سوره نساء می‌فرماید:

آنها نه او را کشتند و نه بردار زدند، بلکه در این امر به اشتباه افتادند. سوم داستان طولانی شدن عمر حضرت نوح (ع) جهت آزمایش امت او که برنامه‌ی کاشتن نخل را به وسیله‌ی جبرئیل شروع کرد و هفت بار کاشتن تکرار شد و بر هر بار تعدادی از

۱ - فرازهایی از نهج البلاغه خطبه‌های ۱۰۰ و ۱۳۸

۲ - فرازهایی از نهج البلاغه خطبه‌های ۱۰۰ و ۱۳۸

معتقدان به حضرت نوح(ع) رویگرداندند. تا به هفتاد نفر باقی ماند. داستان طول عمر امام(عج) هم به جهت مدعیان پیروی از اوست تا ناخالصها از خالصها جدا شود.^۱

حضرت مهدی (عج) با وسائل میراث از رسول اکرم(ص) قیام می کند

در روایتی می گوید: حضرت مهدی(عج) با میراث رسول الله(ص) «در حالی که شمشیر او در دست و زره وی را بر تن و پرچم در دست دیگر و عمامه‌ی پیامبر را بر سر و بُردیمانی او را در بردارد از مدینه خارج می گردد».^۲

طبق روایات، امام مهدی(عج) بر تمام امورات دنیایی و عالم هستی به امر خداوند و ولایت تکوینی اشراف دارد و مسئولیت‌های محوله را دقیقاً اجرا می نماید. از جمله از محمد بن عثمان عمری نائب خاص امام، رضوان الله علیه منقول است که گفت: «سوگند به خدا، صاحب این امر هر سال در موسم حج حضور می یابد و مردم را می بیند و آنها را می شناسد اما مردم در عین اینکه وی را می بینند نمی شناسند».^۳

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود:

«چگونه انکار می کند امت، این را که خداوند متعال در مورد حجّت خود، عملی را انجام دهد، همانگونه که درباره‌ی یوسف(ع) انجام داد به اینکه در بازارهایشان راه برود و روی فرش‌هایشان قدم بگذارد و در عین حال او را نشناسند تا آنکه خداوند اجازه دهد که خود را به آنان معرفی نماید آن چنان که به یوسف(ع) اجازه داد، وقتی که گفت: آیا می دانید چه بر سر یوسف و برادرش آوردید و شما ناگاه بودید؟ برادران گفتند: تو حتماً یوسف هستی؟!»

گفت: آری من یوسفم و این هم برادرم می باشد».^۴

۱ - بحار ج ۵۱ ص ۲۱۹ تا ۲۲۲

۲ - عصر ظهور ص ۳۰۰

۳ - عصر حضور ص ۲۸۶ به نقل از بحار ج ۵۱ ص ۲۵۰

۴ - همان ص ۱۴۲

بخش عمده‌ای از امورات جوامع بشری با اجازه خداوند توسط پیامبران و ملائکه و وجود نازنین معصومین (علیهم السلام) و یاران صدیق آنها و بخصوص امام زمان (عج) انجام می‌گیرد. و کسی از اجرای آنها اط‌لاعی ندارد. مثلاً وقتی که ماموران فرمانروای ستمگر، تصمیم گرفتند جلو کشتی‌ای را که خضر(ع) در آن رخنه و شکاف ایجاد کرده بود، بگیرند، چون آن را معیوب دیدند به حال خود رها ساختند. و توجه نداشتند که در آن دست غیبی دخالت داشته است. نمونه‌ی روشن آن در دوران انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی، قطعاً یک سری از پیروزی‌ها و یا دفع توطئه‌ها از طرف حضرت مهدی (عج) برنامه‌ریزی می‌شد و گاهی شکل عملی آنها ذهن آگاه را به آنها معطوف می‌نمود.

در حدیثی از پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) نقل شده است که فرمود: ما هفت تن از فرزندان عبدالمطلب سروران اهل بهشتیم: من و حمزه و علی و جعفر و حسن و حسین و مهدی (عج).^۱

ویژگی‌های برجسته پیامبران که در وجود مبارک امام مهدی (عج) از طرف خداوند به او عنایت شده است.

از حضرت آدم (ع)	طول عمر
از حضرت نوح (ع)	طول عمر
از حضرت ابراهیم (ع)	پنهان بودن ولادت و دوری از مردم
از حضرت موسی (ع)	پنهان بودن ولادت و غیبت از قوم، هیبت و شکوه‌مندی
از حضرت یوسف (ع)	زیبایی، جود، بودن در میان مردم و شناخته نشدن. ^۲
از حضرت صالح (ع)	غیبت از قوم
از حضرت داود (ع)	قضاوت کردن به حکم داودی. ^۳

۱ - بحار ج ۵۱ ص ۶۵

۲ - برادران یوسف او را می‌دیدند ولی نشناختند تا او، خود را به آنها معرفی نمود.

۳ - با عنایات خداوند بر طبق علم خود قضاوت می‌کرد.

از حضرت سلیمان (ع)	جهان‌داری و حشمت سیمائی
از حضرت ایوب (ع)	برخورداری از فرج و گشایش پس از گرفتاری
از حضرت یونس (ع)	رجوع به میان مردم پس از غیبت، در هیئت جوانان
از حضرت عیسی (ع)	نورانیت - مورد اختلاف قرار گرفتن احوال شخصی
از حضرت محمد (ص)	انقلاب خونین و خروج با شمشیر و در هم کوبیدن جباران
از حضرت شیث (ع)	اسماء شیشی
از حضرت هرمس (ع)	علوم هرمسی
از حضرت یونس (ع)	اذکار یونسی

توصیف حضرت مهدی (عج) به پدران خود در صلوات منسوب به حکیم شیخ طوسی

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ، عَلَيَّ:

صاحب الدَّعْوَةِ النَّبَوِيَّةِ

وَ الصَّوْلَةِ الْحَيْدَرِيَّةِ

وَ الْعِصْمَةِ الْفَاطِمِيَّةِ

وَ الْحَلْمِ الْحَسَنِيَّةِ

وَ الشُّجَاعَةِ الْحُسَيْنِيَّةِ

وَ الْعِبَادَةِ السَّجَّادِيَّةِ

وَ الْمَائِثَةِ الْبَاقِرِيَّةِ

وَ الْآثَارِ الْجَعْفَرِيَّةِ

وَ الْعُلُومِ الْكَاطِمِيَّةِ

وَ الْحُجَجِ الرِّضْوِيَّةِ

وَ الْجُودِ التَّقْوِيَّةِ

وَ النِّقَاوَةِ النَّقْوِيَّةِ

وَ الْهَيْبَةِ الْعَسْكَرِيَّةِ

وَ الْغَيْبَةِ الْإِلَهِيَّةِ

تحلیلی به صورت برداشت از روایات معصومین (علیهم السلام) در مورد امام زمان (عج)^۱

تفکر و توجه به وجود و ضرورت امام مهدی (عج) در فرمایشات پیامبر مکرم (ص) و روایات اهل بیت (علیهم السلام) به طور شفاف و جامع و در ابعاد مختلف وجودی این عزیز، طرح و بیان شده است. به گونه‌ای که هر انسان، که اندکی بصیرت و انصاف داشته باشد، موضوع را می‌گیرد و به این مطلب بدیهی و معلوم یقین حاصل می‌نماید. با این حال، توجه به نکات زیر، شاید گره گشای این بزرگواران و تأییدی برای معتقدین باشد.

۱- بیش از شش هزار روایت در مورد امام مهدی (عج) در دست می‌باشد که بیش از چهار صد مورد آنها در روایات اهل سنت بیان شده است، که در هیچ مبحث اسلامی اینچنین وفور روایت وجود ندارد.

۲- در بیش از دویست و هفتاد روایت موجود است که تعداد امامان بعد از پیامبر (ص) را دوازده نفر اعلام کرده است از جمله کتب مشهور اهل سنت. مثل صحیح بخاری - صحیح مسلم، ترمذی، ابوداود، و مسند احمد و مستدرک حاکم و ... می‌باشد.

۳- بسیار جالب است که بعضی از راویان مثل بخاری معاصر بعضی از ائمه اطهار یعنی امام جواد (ع) و امام علی نقی (ع) و امام عسکری (ع) بوده‌اند. و قطعاً اگر چنین راویانی مطلبی را به کذب از پیامبر مکرم (ص) بیان می‌کردند با مخالفت سرسختانه امام معصوم (ع) قرار می‌گرفتند.

و همین سکوت ائمه، دلیل بر صحت روایات توسط راویان اهل سنت می‌باشد. که

۱ - این تحلیل توسط مؤلف با توجه به برداشت از آیات و سخنان گهربار معصومین (علیهم السلام) برای تبیین و شفاف سازی حقیقت وجود امام زمان (عج) تنظیم گردیده است.

نتیجه این همه دقت و حساسیت در مورد روایات، علم رجال را به وجود آورد و علمای بزرگی در تزکیه و تطهیر احادیث عمر گرانقدر خود را مصروف داشته‌اند.

۴- نکته بسیار جالب‌تر این که رویکرد جامعه بصیر و عاقل به احادیث پیامبر (ص) ملموس است، زیرا سابقه‌ی روایات قبل از وجود مبارک دوازده امام (علیهم‌السلام) که از زمان رسول اکرم (ص)، در جامعه ثبت و ضبط شده و نشر پیدا کرده است. و در واقع جزء سنت‌ها و حقایق الهی هستند. نه شکل گرفته از جامعه بعد از پیامبر مکرم (ص).

۵- جالب‌تر از این‌ها موضوع اعتقاد و اعتماد ذاتی و ایمانی بیشتر مسلمین صدر اسلام به صحت فرمایشات پیامبر بزرگوار (ص) می‌باشد و بخصوص تثبیت یقین آنها از آیه‌ی قرآن که در شأن نبی گرامی (ص) می‌فرماید «لَا يَنْطِقُ الْهَوَى».

از روی هوی و هوس حرف نمی‌زند مگر آنچه را بر او وحی می‌شود بیان می‌فرماید. و نیز تصریح قرآن در اوائل سوره (یس) که صراط المستقیم بودن پیامبر (ص) را رسماً اعلام می‌فرماید.

«إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ، إِنَّكَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»

این‌ها همه دال بر صحت احادیث و روایات پیامبر (ص) و معصومین (علیهم‌السلام) بر وجود مبارک حضرت مهدی (عج) می‌باشد.

۶- مطلب بعدی که بسیار استدلال منطقی و باور جامعه را همراه دارد، موضوع هفتاد سال غیبت صغری امام (عج) است، که برای آماده‌سازی غیبت کبری، وجود نمایندگان و نواب خاص او می‌باشد، که بدون اطلاع خود آنها از این منصب، توسط خط مبارک امام (عج) انتخاب شده‌اند، علناً افراد به آنها مراجعه کرده‌اند، سوالات خود را طرح کرده‌اند، و پس از رؤیت امام (عج) جواب آنها را از وجود مبارک امام (عج) دریافت نموده‌اند، بعد از نایب چهارم، دیگر شیوه دستیابی به امام به طور کلی قطع و عوض شده است. و هیچ کس نمی‌تواند رسماً و علناً ادعای نایب امام بودن را اظهار نماید. و اعجاز مطلب این است که سنخیت نامه‌ها، پاسخ سوالات همگی در راستای

یک سبک و یک روش هستند، و در طول تاریخ هیچ کس نتوانسته است به پاسخ سوالات امام (عج) ایراد بگیرد و یا آنها را رد نماید. زیرا از چنان صلابتی برخوردار هستند و از عمق علمی وسیعی استخراج شده‌اند که مقابله با آنها محال است.

۷- مطلب بسیار جالب و شنیدنی دیگر اینکه در بین شیعیان انتخاب امام (عج) و ادعای امامت و تأیید امام (عج) از طرف آنها کار ساده‌ای نبود، سبک خاص و شیوه مخصوص بر این مطلب حاکم بود، از طریق تدوین سوالات خاص، با ساختار مخصوص که خود نوعی درس از امامان بود، به کار می‌بردند و خیلی راحت امام صادق را از امام کاذب جدا می‌کردند.

بخصوص در زمان خلفای بنی عباس که با تمام وجود و قدرت، اسباب زحمت امام و شیعیان را فراهم کرده بودند، وضعیت دشوارتر بود. و مدعیان دروغین امامان مخصوصاً امام مهدی (عج) فراوان شده بود، حتی تعدادی از خلفای عباسی خود را مهدی آخرالزمان معرفی می‌کردند، که با سؤالات مرموز شیعیان، رسوایی آنها بر همگان آشکار می‌شد.

۸- مطلب قابل توجه دیگر اینکه چون شیعیان از صدر اسلام. از همان زمان پیامبر (ص) با شامه الهی و ایمانی و حسن نیت و با آرامش دل، که توجه به فرمایشات پیامبر و امامان خود داشتند، به طور یقین وجود امام را در هر زمان تا الان، تأیید می‌کنند و می‌دانند که افرادی هستند که با لیاقت و شایستگی خود را به امام نزدیک کرده‌اند و سؤالات مشکل و موضوعات مبهم را از امام خود سوال کرده‌اند، جواب گرفته‌اند، و به عنایتی در گفتار و آثار خود بیان نموده‌اند. (در مباحث توفیق یافتگان به محضر امام (عج) صحبت خواهد شد).

ویژگی‌های یاران حضرت مهدی (عج)

۱- محی الدین عربی یکی از دانشمندان بزرگ و بنام اهل سنت در کتاب خود «الفتوحات المکیه» در مورد ویژگی‌های یاران مهدی (عج) می‌گوید:

او را مردانی الهی است که دولت وی را بر پا داشته و او را یاری می‌کنند، آنان وزیران و معاونان او محسوب می‌شوند که بار مسئولیت سنگین مملکت را به دوش کشیده و او را در مأموریت الهی اش کمک می‌کنند.

شهدای او بهترین شهیدان و امانت‌داران او برترین امانت‌داران هستند و همانا خداوند گروهی را که در پرده غیبت خود پنهان ساخته به معاونت او برگزیند و آنها را از طریق کشف و شهود بر حقایق آگاه سازد و آنچه تکلیف الهی اوست نسبت به بندگان خدا انجام می‌دهد و با مشورت آنان امور را فیصله می‌دهد و آنان آگاه به مسائل بوده، می‌دانند در آنجا چه وجود دارد.

از اسرار الهی، وزیران او می‌باشند که خدای سبحان آنان را به وزارت و معاونت او انتخاب می‌کند، که مصداق این گفته خداوند است که «این حق ماست که ایمان آورندگان را یاری نماییم» و آثاری در ردیف صحابه و بزرگان می‌باشند، که بر سر پیمان خویش با خدا باقی ماندند، آنان از عجم هستند و در میان آنان عرب نیست، ولی جز به زبان عربی سخن نمی‌گویند، نگاهبان دارند ولی از جنس خودشان نیستند، و هرگز نافرمانی خدا را نمی‌کنند و از وزرای ویژه و با فضیلت‌ترین امانت‌داران به شمار می‌روند»^۱.

ویژگی‌های صفات یاران حضرت مهدی (عج)

در مورد یاران امام (عج) و تعداد آنها روایات زیاد و گوناگون و مختلفی در دست می‌باشد. از جمله می‌توان مطالب زیر را دسته بندی کرد.

۱- در خیلی از روایات یاران خالص و وفادار امام (عج) که هنگام ظهور در حضور او جهت اطاعت از او امر آن حضرت می‌رسند ۳۱۳ نفرند به تعداد یاران پیامبر (ص) در جنگ بدر می‌باشند.

۱ - عصر ظهور ص ۴۱۱ به نقل از الامام المهدی عند اهل السند ج ۱ ص ۱۰۶ و ۱۰۷

۲- شیوه انتخاب، از طریق آزمایش و گزینش آنها با برنامه‌های متنوعی از طرف امام است. همانطور که خداوند یاران حضرت موسی (ع) را با روش الهی استفاده از نهر آزمایش کرد.

«ان الله مَبْتَلِكُمْ بِنَهْرٍ»

۳- قطعاً شاید این تعداد فرماندهان و سران، یاران و یا سپاه امام باشند، ولی یاران امام بیش از این تعداد است. یاران امام که از ایرانیان هستند و بسوی عراق جهت یاری وی حرکت می‌کنند ده‌ها هزار و شاید صدها هزار باشد و همچنین دیگر یاران امام که از سراسر جهان با او می‌پیوندند و او را یاری می‌دهند، بسیار زیاد هستند. در روایاتی از امام صادق (ع) آمده است که:

«در میان یاران مهدی (عج) افرادی شایسته از مصر، و مؤمنان واقعی از شام و افراد نیکوکاری از عراق وجود دارند».^۱

در مورد سن آنان از امیرالمومنین (ع) روایت شده است که فرمود:

یاران مهدی (عج) جوان هستند، میانسال در بین آنها نیست مگر همچون سرمه‌ی چشم و نمک توشه که ناچیزترین توشه‌ی مسافر، نمک است».^۲

۴- در بحار ج ۵۲ ص ۲۲۳ به نقل از امام باقر (ع) در بحث حفظ عدالت در جامعه، بین یاران امام، پنجاه زن وجود دارد، که عده‌ای از آنان در مداوای مجروحین در سپاه امام (عج) همکاری دارند.

۵- در بعضی از روایات اصحاب کهف هنگام ظهور امام (عج) بر انگیخته می‌شوند و در زمره یاران وی قرار می‌گیرند.

و نیز حضرت خضر (ع) و حضرت الیاس (ع) که در حیات هستند و در طول زندگی پیوسته قبل از ظهور در خدمت امام هستند، هنگام ظهور نیز از یاران و

۱- عصر ظهور ص ۳۰۵ به نقل از بحار ج ۵۲ ص ۳۳۴

۲- همان

مشاوران امام می‌باشند.

و نیز در روایات آمده است، افرادی که شایستگی یاری امام را داشته باشند، و در سالهای قبل فوت کرده‌اند، زنده می‌شوند و در حضور امام جهت همکاری حاضر می‌شوند.

۵- در نحوه جمع آوری یاران از امام صادق(ع) روایت شده است که:

«قائم(عج) روی می‌آورد (ظهور می‌نماید) با چهل و پنج مرد از نه منطقه، از منطقه‌ای یک مرد، و از منطقه‌ای دو مرد، و از منطقه‌ای دیگر سه مرد و از ناحیه‌ای چهار مرد و از منطقه‌ای پنج مرد و از نقطه‌ای شش مرد و از منطقه‌ای هفت مرد و از جایی دیگر هشت مرد و از منطقه‌ای نه تن، تا اینکه عدد یارانش کامل می‌گردد».

۶- یاران امام تحت نظارت و تربیت و نگهداری از طرف خداوند هستند.

امام صادق(ع) می‌فرماید: یاران صاحب الامر(عج) برای او محفوظ هستند، حتی اگر تمام مردم از بین بروند خداوند یاران مهدی(عج) را نزد او می‌آورد و خداوند سبحان در شأن آنها فرمود: اگر به کفر روی آوردند، ما گروهی را بر این امر می‌گماریم که به آن کفر نورزند و نیز در حقشان فرمود: «بزودی خداوند گروهی را جایگزین آنان می‌کند که وی آنها را دوست می‌دارد و آنها نیز دوستدار وی هستند. آنان نسبت به مؤمنان متواضع و در مقابل کافران سرسخت هستند».

در روایتی دیگر از امام صادق(ع) آمده است که:

خداوند سبحان آنان را در شب جمعه گردهم می‌آورد و صبح جمعه جملگی در مسجد الحرام با آن حضرت دست بیعت و وفاداری می‌دهند و هیچ یک از آنان سرپیچی نمی‌کند.^۱

۷- نهایتاً بررسی روایات به دست می‌آید که یاران امام(عج) آنانکه قبل از ظهور با تمام وجود در انتظار ظهور بودند و یا بعد از ملاقات و یا دیدار چهره نورانی او و

کلام دلنشین امام جزء گروه یاران او شده‌اند از تمام بلاد جهان و طوایف مختلف بخصوص یمنی‌ها، ایرانیان، بعضی از مردم حجاز حتی از نیروهای رژیم حجاز در مکه و مدینه، و عرب و غیر عرب و رومیان همه در یک انسجام بسیار محکم گوش به فرمان امام (عج) می‌شوند. در روایتی از امام باقر(ع) آمده است که:

«تعداد پاسداران او سی و شش هزار نفر است، بر سر هر راه که به بیت المقدس منتهی می‌شود دوازده هزار نفر، حضور دارد».^۱

ویژگی‌های یاران امام:

- از امام باقر(ع) نقل شده است، حضرت فرمود:

«گوئیا من یاران حضرت قائم (عج) را می‌بینم که بر شرق و غرب جهان احاطه پیدا کرده‌اند و همه چیز تحت فرمان آنهاست، حتی درندگان زمین و پرندگان شکاری آسمان در پی رضایت آنها خواهند بود. و همه چیز حتی این نقطه زمین بر نقطه‌ی دیگر آن، اظهار فخر و غرور می‌کند و می‌گوید:

امروز مردی از یاران قائم (عج) بر من قدم نهاد و عبور کرد.^۲

سیمای ۳۱۳ یار امام همراه با تعداد و محل زندگی آنها در کتاب الامام من المهباتی الظهور نوشته دانشمند بزرگ محمد کاظم قزوینی ترجمه حسین فریدونی چنین بیان شده است که:

در «خطبة البيان» که به حضرت امیرالمؤمنین(ع) منسوب است.

اسامی ۳۱۳ یار امام و اسامی شهرهای آنان ذکر گردیده است.

قابل ذکر است که در میان نام شهرها برخی اسامی دیده می‌شود که از نظر ما ناشناخته است، برخی نام‌ها نیز مشترکند. شاید نام برخی از شهرها تغییر یافته باشد

۱ - عصر ظهور ص ۳۳۹

۲ - عصر ظهور ص ۳۶۸ به نقل از بحار ج ۵۲ ص ۳۲۷

و یا اینکه بعضی شهرها در آینده ساخته شود و به چنین نام‌هایی نامیده شود و یا اینکه اشتباهات املائی و چاپی در ضبط این نام‌ها واقع گردیده باشد. می‌توانیم نام یاران حضرت مهدی (عج) و شهرها و قبیله‌های آنان را (بر مبنای خطبه یاد شده) به صورت جدولی براساس حروف الفبا به شرح زیر مرتب کنیم.

شهرستان و تعداد و اسامی ۳۱۳ یار امام مهدی (عج)

شهرستان	تعداد	اسامی
آبادان	۱۰	حمزه - شیبان - قاسم - جعفر - عمرو - عامر - عبدالمهمن، عبدالوارث، محمد - احمد
ارمنستان	۲	احمد - حسین
اسکندریه	۴	حسن - حسین - شیبیل - شیبان
اصفهان	۱	یونس
فرنگ (اروپا یا فرانسه)	۲	علی و احمد
آلمنه	۱	معشر
انبار (شهری در عراق و مرز سوریه)	۱	علوان
انطاکیه در سوریه	۱	عبدالرحمان
اوال (اسم سابق بحرین)	۵	عامر - جعفر - نصیر - بکیر - لیث
الیس (نزدیک دجله)	۲	مقداد - هود
اوس	۱	محمد
باس (روستایی در سوریه)	۱	نصیر
بدو عقیل	۳	منبه - ضابط - غربان (یا عریان)
بدو غیر	۱	عمرو (عمر)
بدوشیبان	۱	نهراش
بدوقسین	۱	جابر
بدوکاراب	۱	مطر
بدومصر	۲	عجلان - دراج
بُرعه (قریه‌ای اطراف طائف)	۳	یوسف - داوود - عبدالله
بصره	۲	علی - محارب

اسامی	تعداد	شهرستان
حسن	۱	بلخ در افغانستان
عبدالوارث	۱	بلست روستایی در اسکندریه
صادق	۱	بلقاء (در اردن)
بشر - داوود - عمران	۳	بیت المقدس
سعد - سعید	۲	بیضاء
احمد - هلال	۲	تستر (شوشتر)
محمد	۱	تفلیس
ریان	۱	تمیم (قبیله عربی)
هارون	۱	ثقلب (در منطقه نجد عربستان)
عبدالله - عبیدالله - قادم - یحیی - طالوت	۵	جبل الکام (کوهی مشرف به انطاکیه)
ابراهیم	۱	جدّه
یحیی - احمد	۲	جعارة شهری در کنار نجف اشرف
کثیر	۱	عراق
ابراهیم - عیسی - محمد - حمدان	۴	حبش
صبیح - محمد	۲	حبشه
محمد - علی	۲	حلب
جعفر	۱	حلّه
مالک - ناصر	۲	حمص
تکیّه - مسنون	۲	حمیر
عزیز - مبارک	۲	خرمستان
محمد - جعفر	۲	الخط (منطقه ساحلی در عربستان)
محروز - نوح	۲	خلاط (شهری بزرگ در ارمنستان)
داوود - عبدالرحمن	۲	خونج (روستایی در اهواز)
عبدالغفور	۱	دمشق
شعیب	۱	دورق
حسین	۱	دیار
طلیق - موسی	۲	ذهاب
جعفر	۱	رمله
مجمع	۱	رُهاط (در اطراف مکه مکرمه)
	۱	ری (شهر ری)

شهرستان	تعداد	اسامی
زوراء (بغداد)	۳	عبدالمطلب - احمد - عبدالله
زید (در سوریه)	۳	محمد - حسن - فهد
ساوه	۳	صلیب - سعدان - شیب
سجارج	۱	محمد
سرخس	۲	ناجیه - حفص
سامراء	۲	مرائی - عامر
سعداوه	۳	احمد - یحیی - فلاح
سلماس	۱	هارون
سمرقند	۲	علی - مجاهد
سند	۱	عبدالرحمان
سنجارج (نزدیک موصل)	۲	أبان - علی
سهم	۱	جعفر
سوس (مغرب شوش دانیال)	۲	نشیبان - عبدالوهاب
سیراف (جیرفت در ایران)	۴	خالد - مالک - حوقل - ابراهیم
سیلان (سرانندیب)	۳	نوح - حسن - جعفر
شوبک	۱	عمیر
شیراز	۴	عبدالله - صالح - جعفر - ابراهیم
شیزر (در سوریه)	۱	عبدالوهاب
صنعاء	۴	جبرئیل - حمزه - یحیی - سمیع
ضیعه	۳	زید - علی - موسی
ضیف (در عربستان)	۲	عالم - سهیل
طائف	۳	علی - سهبا - زکریا
طائف یمن	۱	هلان
طالقان	۲۴	صالح - جعفر - یحیی - هود - فالح - داوود - جمیل - فضیل - عیسی - جابر - خالد - عوان - عبدالله - ایوب - ملاعب، عمرو - عبدالعزیز - لقمان - سعد - قبضه - مهاجر - عبدون - عبدالوهاب - علی فلیح عون و موسی
(شهری در ایران نزدیک قزوین)		
طبریه (در فلسطین)	۱	
عدن	۲	

شهرستان	تعداد	اسامی
عرفه	۱	فرج
عسقلان (در فلسطین)	۵	محمد - یوسف - عمرو - فهد - هارون
عسکر مکرّم (شهرستان در خوزستان)	۲	طیب - میمون
عقر (محلّی نزدیک کربلا)	۱	احمد
عکّا (در فلسطین)	۲	مروان - سعد
عمارّه (شهری در جنوب عراق)	۱	مالک
عمّان	۶	محمد - صالح - داوود - هواشب - کوش - یونس
عُنیزه (شهری در استان نجد)	۱	عمیر
مُنسَطاط (شهری در مصر)	۴	احمد - عبدالله - یونس - طاهر
کاشان	۲	عبدالله - عبیدالله
قادیسیه	۱	حصین
قزوین	۸	هارون، عبدالله، جعفر، صالح، عمرو، لیث، علی، محمد
قم	۱	یعقوب
کازرون (فارسی)	۳	عمرو - معمر - یونس
کیش (اطراف مصر)	۱	محمد
کربلا	۳	حسین - حسین - حسن
کُرد	۱	قاسم
کرخ (در بغداد)	۱	عون
کرمان	۱	عبدالله
کوره (شهری در لبنان)	۱	ابراهیم
کوفه	۴	محمد - غیاث - هود - عقاب
لنجویه (جزیره‌ای در شرق آفریقا)	۱	کوثر
مدینه	۱۰	علی - حمزه - جعفر - عباس - طاهر - حسن - حسین - قاسم - ابراهیم - محمد
مراغه	۱	صدقه
مرقیه	۲	بشر - شعیب
مرو	۱	حذیفه
معاذة	۱۴	سوید، احمد، محمد، حسن، حسین، یعقوب،

شهرستان	تعداد	اسامی
		عبدالله، عبدالقدیم، نعیم، علی، حیّان، ظاهر، تغلب، کثیر
مکه	۴	عمرو - ابراهیم - محمد - عبدالله
منصوریه	۲	عبدالرحمن - ملاعب
مُهجم (شهری در اطراف زبید در یمن)	۳	محمد - عمرو - مالک
موصل	۲	هارون - فهد
نجف	۲	جعفر - محمد
نصیبین	۲	احمد - علی
نوبه (منطقه‌ای در آفریقا)	۲	واصل - فاضل
نیشابور	۲	علی - مهاجر
هَجَر (در چند جا از جمله بحرین)	۲	موسی - عباس
هَجَر	۱	عبدالقدّوس
هرات	۱	نهروش
همدان	۲	علی - صالح
هونین (در جبل عامل)	۳	عبدالسلام - فارس - کلیب
واسط	۱	عقیل
یمامه (عارض)	۲	ظاهر - جمیل
یمن	۱۴	جبیر، خویش، مالک، کعب، احمد - شبیان - غامر، عمّار - فهد - عاصم - حجر - کلثوم، جابر، محمد

جمع پنج صفحه ۲۹۸ نفر ۶ نفر از شخصیت‌های بزرگ و ابدال یاران هستند که همه آنها (عبدالله) نام دارد ۳ نفر از دوستان اهل بیت به نام‌های عبدالله - مخنف - براک ۴ نفر از دوستان انبیاء به نام‌های - صباح - صیاح - میمون - هود ۲ نفر غلام به نام‌های - عبدالله - ناصح جزء یاران امام مهدی (عج) و از خواص هستند. مجموع آنها ۳۱۳ نفر می‌باشند.

اماکن مقدّسه در رابطه با امام زمان (عج)

الف: سرداب مقدس سامرا: در مورد این مکان مقدّس توجّه به نکات زیر بسیار قابل توجّه است.

۱- عده‌ای از علمای مغرض اهل سنت، ناجوانمردانه عقاید بی اساسی را به شیعه نسبت می‌دهند و اغلب با این عقاید بی پایه علیه شیعه صحبت‌هایی را بیان می‌کنند.

۲- این سرداب که در شهر سامرا قرار گرفته است محل زندگی سه امام معصوم یعنی حضرت هادی امام دهم (ع)، حضرت عسکری (ع) امام یازدهم، حضرت مهدی (عج) امام دوازدهم.

۳- خانه ایست که در سند قطعی آن، بعنوان خانه ائمه هیچگونه شک و تردیدی وجود ندارد، و در تمام ادوار تاریخ یعنی بیش از یکهزار و یکصد سال بعنوان خانه‌ی این سه امام مشهور و معلوم بوده است.

و لذا از این جهت برای ما شیعیان بعنوان یک مکان مقدّس قرار گرفته است.

۴- در مورد خارج شدن امام بعد از مراسم نماز میت پدرش و با توجّه به ازدحام انبوه دوست و دشمن بخصوص مأموران دستگاه عباسی، قطعاً ثابت شده است که امام (عج) نه در دیوار سرداب فرو رفته است. نه به زمین، نه به آسمان و نه به شکل جن یا پری از بین آنها خارج شده باشد.

ایشان نیز مثل جد بزرگوارش رسول اکرم (ص) که در شب هجرت به منزل ایشان حمله شد. و به امر خداوند از میان آنها خارج شد و او را ندیدند، حضرت مهدی (عج) نیز با توجّه به این سنت الهی از بین آنها خارج شد و کسی او را مشاهده نکرده است.

۵- در بغداد شخصی به نام عثمان بن سعید عمروی به دستور امام حسن عسکری (ع) و اشاره حضرت مهدی (عج) به عنوان اوّلین نایب خاص انتخاب می‌شود، وی عالمی بزرگوار و راوی احادیث و مورد وثوق کامل امام حسن عسکری (ع) و امام زمان (عج) بوده است و رابط امام زمان (عج) و شیعیان بوده است

ولی به خاطر کتمان حقیقت وجود امام، ایشان به شغل روغن فروشی و به عنوان یک انسان عادی زندگی می کرد. و شاید امام در منزل ایشان یا دوستان ایشان زندگی می کرد ولی هیچ کس از این بابت اطلاع نداشت و پرسیدن از اسم و مکان امام حرام بود.

۶- در حیاط منزل چاهی هست که از آن آب می کشیدند، این چاه به اعتقاد شیعه جز چاهی که از آن آب می کشیدند، قداست دیگری ندارد. و اینکه اهل تسنن شایع کرده اند که شیعیان از خاک آن برمی دارند و یا نامه در آن می اندازند، و یا یک عرب سنی بالای چاه نشسته و با شمشیر منتظر بیرون آمدن امام از چاه هست تا او را بکشد، تمام این ها دروغ، تهمت و با اهداف ضربه زدن به پیروان و شیعیان اهل بیت (علیهم السلام) می باشد.

ولی اگر شیعه به این چاه یا سرداب احترام می گذارد به خاطر یاد آن روزهای سرنوشت سازی است که سه امام در این مکان و یا از این چاه استفاده کرده اند و اسلام و قرآن و ولایت و امامت را پاسداری نموده اند.^۱

تاریخچه مسجد مقدس جمکران:

الف: آشنایی با مسجد مقدس جمکران:

مسجد مقدس جمکران در ۶ کیلومتری شهر مقدس قم واقع شده و همواره پذیرای زائرینی از نقاط مختلف ایران و جهان می باشد. این مکان مقدس، تحت توجهات و عنایات خاصه حضرت بقیة اله الاعظم (ارواحنا فداء) قرار دارد و شیعیان خود آن حضرت خواسته اند که به این مکان روی آورند. و از این مکان مقدس، حداکثر استفاده را ببرند و مراقب باشند که مسائل فرعی توجه شان را به خود جلب نکند و خود را در برابر حضرت مهدی (ارواحنا فداء) حاضر بینند و از آنجا اعمالی که قلب مبارک آن حضرت را آزرده می سازد خودداری کنند. شایان توجه است که

۱ - گفتارهایی پیرامون امام زمان (عج) دکتر سید حسن افتخارزاده

علماء و شیفتگان آن حضرت استفاده‌های فراوان از این مسجد مقدس برده‌اند. بنابراین سعی کنید در این مکان مقدس، لحظاتی را با آن عزیز خلوت کرده و خالصانه برای ظهور مقدس حضرتش دعا کنید، چرا که بر طرف شدن گرفتاریها تنها با ظهور آقا امکان پذیر است.

ب: تاریخچه مسجد مقدس جمکران و نماز حضرت حجت (عج):

شیخ حسن بن مثله جمکرانی می‌گوید: من شب سه‌شنبه، ۱۷ ماه مبارک رمضان سال ۳۹۳ (و به قولی ۳۷۳) در خانه خود خوابیده بودم که ناگاه، جماعتی از مردم به درخانه من آمدند و مرا از خواب بیدار کردند و گفتند: «برخیزد و مولای خود حضرت مهدی (عج) را اجابت کن که تو را طلب نموده است» آنها مرا به محلی که اکنون مسجد جمکران است آوردند. چون نیک نگاه کردم، تختی دیدم که فرش نیکو بر آن تخت گسترده شده و جوانی سی‌ساله بر آن تخت، تکیه بر بالش کرده و پیرمردی هم نزد او نشسته است. آن پیر، حضرت خضر (ع) بود که مرا امر به نشستن نمود. حضرت مهدی (عج) مرا به نام خودم خواند و فرمود: «برو به حسن مسلم که در این زمین کشاورزی میکند بگو: این زمین شریفی است و حق تعالی آن را از زمینهای دیگر برگزیده است. و دیگر نباید در آن کشاورزی کند» عرض کردم یا سیدی و مولای! لازم است که من دلیل و نشانه‌ای داشته باشم و گرنه مردم حرف مرا قبول نمیکنند! آقا فرمودند: «تو برو و آن رسالت را انجام بده، ما نشانه‌هایی برای آن قرار می‌دهیم و همچنین نزد سید ابوالحسن یکی از علمای قم برو و به او بگو: حسن مسلم را احضار و سود چند ساله را که از زمین به دست آورده است وصول کند و با آن پول در این زمین مسجدی بنا نماید. به مردم بگو: به این مکان رغبت کنند و آنرا عزیز دارند و چهار رکعت نماز در آن گزارند. دو رکعت اول: به نیت نماز تحیت مسجد است، در هر رکعت آن یک حمد و هفت قل هو الله احد خوانده میشود و در حالت رکوع و سجود هم هفت مرتبه ذکر را تکرار کنند. و دو رکعت

دوم: به نیت نماز امام صاحب الزمان (عج) خوانده می‌شود، بدین صورت که سوره حمد را شروع کرده و آیه «ایاک نعبد و ایاک نستعین» صد مرتبه تکرار می‌شود و بعد از آن بقیه‌ی سوره حمد خوانده می‌شود و سپس سوره قل هو الله احد را فقط یکبار خوانده و به رکوع رفته و ذکر سبحان ربی العظیم و سبحان ربی الاعلیٰ بحمده هفت مرتبه، پشت سر هم تکرار می‌شود و پس از آن به سجود رفته و ذکر سبحان ربی الاعلیٰ و بحمده را نیز هفت مرتبه پشت سر هم تکرار می‌شود. رکعت دوم را نیز بهمین ترتیب می‌خوانند. چون نماز به پایان برسد و سلام داده شود، یکبار لا اله الا الله را گفته و به دنبال آن تسبیح حضرت زهرا «س» خوانده شود و بعد از آن به سجده رفته و صد بار بگویند: «اللهم صل علی محمد و آل محمد» آنگاه امام «عج» فرمودند: هر که این دو رکعت نماز را در این «مسجد مقدس جمکران» بخواند، مانند آن است دو رکعت نماز در کعبه خوانده باشد. چون به راه افتادم، چند قدمی هنوز نرفته بودم که دوباره مرا بازخواندند و فرمودند: «بزی که در گله جعفر کاشانی است، آنرا خریداری کن و بدین مکان آور و آن را بکش و بر بیماران انفاق کن، هر بیمار و مریضی که از گوشت آن بخورد، حق تعالی او را شفا دهد» حسن بن مثله می‌گوید: من به خانه بازگشتم و تمام شب را در اندیشه بودم، تا اینکه نماز صبح را خوانده و به سراغ «علی المنذر» رفتم و ماجرای شب گذشته را برای او نقل کردم و با او به همان مکان شب گذشته رفتیم. در آنجا زنجیرهایی را دیدیم که طبق فرموده امام (عج) حدود بنای مسجد را نشان می‌داد. سپس به قم نزد «سید ابوالحسن رضا» رفتیم و چون به در خانه او رسیدیم، خادم او گفت: آیا تو از جمکران هستی؟ به او گفتم: بلی! خادم گفت: سید از سحر در انتظار تو است. آنگاه به درون خانه رفتیم و سید مرا گرامی داشت و گفت: ای حسن بن مثله! من در خواب بودم که شخصی به من گفت: «حسن بن مثله، از جمکران نزد تو می‌آید، هر چه او گوید، تصدیق کن و بر قول او اعتماد نما، که سخن او سخن ماست و قول او را رد نکن» از هنگام بیدار شدن تا این ساعت منتظر تو بودم. آنگاه من ماجرای شب گذشته را برای وی تعریف کردم. سید بلافاصله

فرمود: تا اسبها را زین نهادند و بیرون آوردند و سوار شدیم. چون به نزدیک روستای جمکران رسیدیم، گله‌ی جعفر کاشانی را دیدیم، آن بز از پس همه گوسفندان می‌آمد، به میان گله رفتم، همین که بز مرا دید به طرف من دوید، جعفر سوگند یاد کرد که این بز در گله من نبوده و تاکنون آن را ندیده بودم. به هر حال آن بز را به محل مسجد آورده و آن را ذبح کرده و هر بیماری که از گوشت آن خورد، با عنایت به خداوند تبارک و تعالی و حضرت بقیةالله (ارواحنا له الفداء) شفا یافت. ابوالحسن رضا، حسن مسلم را احضار کرده و منافع زمین را از او گرفت و مسجد جمکران را بنا کرد و آن را با چوب پوشانید. سید زنجیرها و میخ‌ها را با خود به قم برد و در خانه خود گذاشت، هر بیمار و دردمندی که خود را به آن زنجیرها می‌مالید، خدای متعال او را شفای عاجل عنایت می‌فرمود. پس از فوت سید ابوالحسن، آن زنجیرها ناپدید شد و دیگر کسی آنها را ندید (به نقل از کتاب نجم الثاقب).^۱

جایگاه و منزلت قم در فرمایشات معصومین (علیهم السلام)

یکی از مطالب مهمی که در رابطه با ظهور حضرت مهدی (عج) قابل توجه است موضوع شهر قم است که از دو جهت در روایات به آن اهمیت داده شده است، یکی مسئله وجود مبارک و پر برکت حضرت فاطمه معصومه (س) دختر هفتمین ستاره ولایت حضرت امام کاظم (ع) که به این شهر قداست خاص بخشیده است و یکی موضوع قیام شخصیت بزرگوار سیدی که قبل از ظهور از قم حرکت می‌کند تا زمینه‌سازی و یاری امام مهدی (عج) را آغاز نماید.

الف: موضوع قیام مردی از قم:

۱- در بحار ج ۶۰ ص ۲۱۶ از امام کاظم (ع) روایت شده است که فرمود:

۱ - جمکران میعادگاه نور - تألیف مسجد مقدس جمکران. به نقل از نجم الثاقب.

«مردی از قم، مردم را به سوی خدا دعوت می‌کند، افرادی گرد او جمع می‌شوند که قلب‌هایشان همچون پاره‌های آهن ستر است که بادهای تند حوادث، آنان را نمی‌لغزاند، از جنگ خسته نشده و نمی‌ترسند، اعتماد آنان برخداست و سرانجام کار از آن پرهیزکاران است.

ب: در رابطه با منزلت و جایگاه شهر قم در روایات:

۱- در روایات آمده است که مؤسس و بنیانگذار این شهر و طرح ایجاد آن در قلب ایران در سال ۷۳ هجری قمری به دست مبارک امام باقر(ع) و نظارت امام جعفر صادق(ع) صورت گرفته است البته توسط عبدالله پسر مالک اشعری و برادرش، احوص و دوستان آنها که یاران امام باقر(ع) بوده‌اند.

۲- برخی روایات صراحت دارد در اینکه فلسفه نام گذاری این شهر مقدس به قم، مناسب با نام مبارک حضرت مهدی(عج) که قائم به حق است و دلالت روشنی است با قیام و پیاختن ایرانیان از شهر مقدس قم جهت زمینه‌سازی و یاری نمودن آن حضرت است. البته در زمان ساخت شهر روستایی به نام کمندان یا کمد وجود داشته که شاید در تغییر و تحول فارسی آن به نام قم به وجود آمده باشد ولی مطلب شفاف نیست.

۳- در بحار ج ۶۰ ص ۲۱۶ عفان بصری از امام صادق(ع) روایت کرده است که گفت: «امام به من فرمود: آیا می‌دانی از چه رو این شهر را قم می‌نامند؟ عرض کردم: خدا و رسولش آگاه‌ترند. فرمود: همانا قم نامگذاری شده برای اینکه اهل قم، اطراف مهدی(عج) گرد آمده و با وی قیام می‌نمایند و در کنار او ثابت قدم مانده و او را یاری می‌کنند».

۴- بسیار جالب است که امام صادق(ع) در سال ۱۲۸ هجری یعنی قبل از هفتاد سال و قبل از تولد حضرت کاظم(ع) ورود حضرت فاطمه معصومه را به قم اعلام می‌نماید.

۱- زندگانی حضرت معصومه (س) و تاریخ قم، سید مهدی صحیفی، چاپخانه مهراستوار قم - با بهره‌گیری از تألیفات حاج شیخ عباس قمی، چاپ دوم، ۱۳۴۷.

«وقتی جمعی از ری حضور حضرت شرفیاب می‌شوند، عرض می‌کنند ما اهل ری هستیم، امام می‌فرماید خوش آمدید برادران قمی، عبارت اهل ری، و تأکید امام به اهل قم چندین بار تکرار می‌شود. سرانجام امام می‌فرماید: خداوند دارای حرمی است که عبارت است از مکه مکرمه و پیامبر دارای حرمی است و آن مدینه منوره است و امیرالمؤمنین (ع) دارای حرمی است که کوفه است و ما اهلیت نیز دارای حرمی هستیم که آن شهر قم است، بزودی بانویی از سلاله‌ی من بنام فاطمه در این شهر دفن خواهد شد، کسی که آن بزرگوار را در قم زیارت کند اهل بهشت می‌باشد».

نکته مهم این است که امام اهل ری و شاید تمام ایرانیان را که یاران حضرت مهدی (عج) هستند اهل قم می‌داند.

۴- سرگذشت حضرت معصومه (س) به نقل از بزرگان قم و معصومین (علیهم السلام):
 زمانی که مأمون حضرت امام رضا (ع) را در سال ۲۰۰ هجری از مدینه به مرو احضار می‌کند، در سال ۲۰۱ هجری خواهر گرامی او حضرت فاطمه معصومه (س) در پی برادر از مدینه خارج شد و به سمت ایران حرکت کرد. تا به شهر ساوه رسید، در آنجا بیمار شد، حضرت سوال کرد چقدر بین من و قم فاصله است؟ عرض کردند ده فرسخ، وقتی این خبر به اولاد سعد (سعد پسر مالک اشعری) رسید با عده‌ای به طرف ساوه حرکت کردند تا از حضرت جهت عزیمت به قم دعوت نمایند، پس از موافقت، موسی پسر خزرج مهار شتر ایشان را گرفتند و تا قم همراهی کردند، و آن بزرگوار را در منزل خود جای داد، بعد از ۱۶ یا ۱۷ روز به واسطه شدت بیماری به رحمت رضوان الهی پیوست، موسی پس از برنامه‌های غسل و کفن بدن شریف او را در جای فعلی که منزل و ملک شخصی ایشان بود دفن کردند، و سقفی از بوریا و حصیر بر قبر آن حضرت بر پا نمود. و بعداً توسط زینب دختر حضرت جواد (ع) بر قبر مطهر او گنبد و بارگاهی بنا نمودند.^۱

۱ - عصر ظهور ص ۲۴۰ به نقل از بحار ج ۶۰ ص ۲۱۹

نکته‌ی قابل توجه این‌که سن ایشان کمتر از بیست سال بوده است و شاید از این‌که فاطمه معصومه گفته می‌شود به خاطر سن کم و یا به واسطه قداست و طهارت و عظمت تقوا و ایمان ایشان باشد.

۵- در روایات آمده است که تمام معصومین (علیهم السلام) بعد از این‌که مشهور به قم شد از این مکان مقدس و مردمش به نیکی یاد کرده‌اند.

در بحار ج ۶۰ ص ۲۱۶ صفوان بن یحیی از امام رضا (ع) نقل می‌کند که: گفت: «روزی خدمت امام رضا (ع) بودم، سخن از اهل قم و علاقه‌ی آنان نسبت به حضرت مهدی (عج) به میان آمد، آن حضرت برای آنان طلب آمرزش کرد و فرمود: خداوند از آنان خشنود باشد، آنگاه فرمود: بهشت دارای هشت در است که یکی از آنها مخصوص اهل قم می‌باشد، آنان بهترین پیروان ما از بین شیعیان جهان هستند. خداوند سبحان محبت و دوستی ما را در سرشت آنان قرار داده است».

۶- در روایتی از امام صادق (ع) آمده است که:

«اهل قم از ما و ما از آنان هستیم، هر ستمگری که درباره آنان اراده‌ی سوء داشته باشد، مرگ او فرا می‌رسد تا زمانی که به یکدیگر خیانت نکنند (و در نسخه دیگر: تا زمانی که تغییر روش ندهند) اما زمانی که آلوده‌ی به چنین اعمالی شدند، خداوند سبحان، ستمگران را بر آنان حاکم می‌کند».

۷- به روایت از امام صادق (ع) می‌فرماید:

«بزودی شهر کوفه از مؤمنان خالی می‌گردد و به گونه‌ای که مار در جایگاه خود فرو می‌رود، علم نیز این چنین از کوفه رخت برمی‌بندد و از شهری به نام قم آشکار می‌شود و آن سامان معدن فضل و دانش می‌گردد به نحوی که در زمین کسی در استضعاف فکری به سر نمی‌برد حتی نو عروسان در حجله گاه خویش. و این قضایا نزدیک ظهور قائم (عج) ما به وقوع می‌پیوندند».^۱

۸- در روایتی از امام صادق (ع) آمده است:

بدانید قم حرم من و حرم فرزندانم پس از من است. زنی از فرزندان من در این شهر در می‌گذرد که نام او فاطمه (س) دختر امام موسی (ع) است و همگی شیعه در

روز قیامت به شفاعت او روانه‌ی بهشت می‌شوند.

۹- در روایت دیگری از امام صادق(ع) اهمیّت زیارت حرم مطهر حضرت معصومه(س) بیان شده است. شهر قم، حرم ماست و در آن زنی از فرزندان من مدفون می‌شود. به نام فاطمه(س) هر کس او را زیارت کند بهشت برای او واجب شود.

۱۰- امام رضا(ع) نیز توجّه خاص و سفارشات اکیدی به شیعیان در مورد زیارت خواهرش حضرت معصومه(س) می‌فرماید: ای سعد (یکی از اهل قم) در شهر شما آرامگاهی داریم؟ گفتم فدایت شوم، قبر فاطمه دختر حضرت موسی(ع). گفت بلی، هر کس آن بانو را با معرفت به حقّش زیارت کند، سزاوار بهشت گردد.

۱۱- امام جواد(ع) در جایگاه رفیع زیارت عمّه‌اش می‌فرماید:

آن کس که عمّه‌ام را در شهر قم زیارت کند، بهشت برای او واجب شود...».

اظهار نظر در مورد وضعیت ازدواج و موضوع اولاد داشتن امام(عج)

موضوع ازدواج امام(عج) و داشتن فرزند یا عدم ازدواج و نداشتن فرزند، از جمله موضوعات حاد و مشکل و مسئله ساز زندگی امام همام بوده و هست. و لذا از هر دری بحث شود، سیل اشکالات و ایرادات از دوست و دشمن بر آن وارد می‌شود. در این بحث تلاش شده با آرامش و سعه‌ی صدر مطالبی گفته شود، و قطعاً بر این نظرات و گفته‌ها ایراد گرفته می‌شود. و ممکن است توهماتی درباره آنها بر ذهن بگذارد. ان شاء الله خداوند توفیق عنایت فرماید وجود نازنین امام(عج)، خودش رهنمودهای لازم را در این مورد و موارد مشابه عنایت فرماید:

۱- اگر فرض شود امام ازدواج کرده است، کار باید به دو صورت انجام گیرد، یا بعد از ازدواج صاحب اولاد می‌شود. و یا صاحب اولاد نمی‌شود. وضعیت این اولاد با پدر که امام زمان(عج) است از نظر مدت سن اولاد، و همسر چگونه است، آیا لازم است پدر و یا مادر را بشناسند، و یا احساس شود یک سید معمولی است.

و با توجه به حالت معمولی و طبیعی برای زن و فرزندان امام (عج) مثل سایر انسان‌ها در مورد آنها اعمال می‌شود، موضوع پیر شدن و فوت زن و فرزند، و حیواناً پیدا شدن نوه‌ها و دیدن پدر بزرگ، و همین‌طور سیر پیدایش نسل این فرزندان، در کنار پدر و جدی که در روایات آمده است گر چه عمر امام زیاد می‌شود، ولی بر ظاهر امام تأثیری ندارد یعنی نمودی از پیری در چهره امام ظاهر نمی‌شود. و معمولاً ظاهر امام بین ۳۵ تا ۴۰ سالگی نمود پیدا می‌کند.

این مطلب قطعاً با هیچ دلیل و منطقی سازگار نیست، توجیه پذیر هم نمی‌باشد. و خود بخود سؤال پیش می‌آورد که موضوع چیست که پدر یا پدر بزرگ یا جد آنها نه می‌میرد و نه پیر می‌شود. این‌ها و ده‌ها سؤال نزدیک به هم، مشکلاتی هستند که موضوع ازدواج امام و فرزند داشتن را در ذهن انسان ایجاد می‌نماید.

و اینکه امام (عج) خود باید حافظ و مجری سنت پیامبر (ص) باشد که می‌فرماید: «الْكَأْحُ سُنَّتِي فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي» این مطلب صحیح است. و در برنامه‌های انسان‌ها و بخصوص مسلمانان که وضعیت طبیعی و روال معمولی زندگی را طی می‌کنند، صادق است. ولی نه در مورد امام زمان (عج).

در پیامبران و در علمای بزرگ، عرفای سرشناس موارد بسیاری به چشم می‌خورد که ازدواج نکرده‌اند از پیامبران حضرت خضر (ع) حضرت الیاس (ع) حضرت عیسی (ع) حضرت یحیی (ع) از علمای بزرگ و عرفای سرشناس مثل:

آیه الله سید جلال الدین آشتیانی، هشتاد سال (۱۳۰۴-۱۳۸۴) عمر کردند ولی ازدواج نکردند. آخوند ملا محمد کاشی، میرزا جهانگیر قشقایی، حاج شیخ مرتضی طالقانی، دکتر اعوانی و ده‌ها و شاید صدها موارد دیگر که اگر کارشناسی شود رقم درستی از اسامی به دست می‌آید. اما در مورد این حدیث قطعاً با توجه به مسئولیت خطیر و جهانی امام (عج) و برنامه‌های گسترده‌ای که در هدایت و نظارت و کنترل عالم هستی دارد، غیر ممکن است که امام با علم امامت و تدبیر و تفکر ولایت، از امر جدش اعراض کرده باشد، مصلحت الهی و مقدرات الهی و توجه به جواز یا عدم

جواز الهی اینها نکاتی هستند که امام (عج) خود مختار نیست که بگوییم اعراض کرده است، وجود مبارکش مطیع امر خداوند است، امر، اراده و خواست خداوند است، حضرت خضر (ع) را یک جور برنامه می دهد. حضرت عیسی (ع) را یک جور مسئولیت می دهد، و هر کدام از پیامبران و امامان را که بررسی نماییم، تحت یک نوع خاص خودش از طرف خداوند مأموریت پیدا می کنند.

در مورد امام زمان (عج) هم مطلب، اراده و مشیت الهی مطرح است. لذا اینکه خدای نکرده اسائه‌ی ادب شود، و نسبت اعراض به سنت پیامبر (ص) به وجود مقدسش داده شود. اصلاً مطلب پسندیده و مطلوبی نیست.

و در دعای ندبه که اشاره شده است *اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ*، در اینجا این محمد منظور امام زمان (عج) و آل محمد که گفته شده است منظور فرزندان و ذریه‌ی او نیست، زیرا در یک عبارت ساده، تمام سادات را فرزندان پیامبر (ص) و امام زمان (عج) می دانیم و یا عبارت مشهور که پیامبر (ص) و علی (ع) پدران این امت هستند.

اینها نزدیکی و قرب و اخلاص و توجه پیامبر (ص) و علی (ع) را به محبت به امت می رساند. زیرا در دنباله حمد و ستایش می فرماید:

«وَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ جَدِّهِ وَ رَسُولِكَ السَّيِّدِ الْكَبِيرِ»

این صلوات دوم بر می گردد به پیامبر اکرم (ص) که دقیقاً اشاره به جد امام زمان (عج) شده است. و یا در بخشی از دعای دیگری آمده است.

«اللَّهُمَّ أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ شِيعَتِهِ وَ الْأُئِمَّةِ مِنْهُ وَ وُلْدِهِ»^۱

قطعاً استفاده از این واژه‌ها و کلمات، هیچگونه سندیت قاطع و قانع کننده‌ای را همراه ندارند بلکه برداشت معنای صوری به دست می آید و بیشتر جنبه عشق و شور رابطه بین شیعیان مخلص و سربازان فداکار و جان بر کف در محضر ولی نعمت خود را می رساند. و اگر انسان صبح جمعه در دعاهای ندبه شرکت نماید، مشاهده

۱ - شیخ عباس قمی - مفاتیح الجنان - دعای عصر جمعه صلوات ابوالحسن ضراب اصفهانی از کتاب گفتارهایی پیرامون امام زمان (عج) دکتر سید حسن افتخارزاده

می شود که مدّاح و یا عزیزی که دعا را می خواند، از واژه‌هایی مثل پدر مهربان، پدر ذرّه پرور، ولی نعمت ما، آقای ما، صاحب اجازه‌ی ما و صدها واژه دیگر که اگر دقّت شود کلمات دقیقاً از مترادفات ذریّه و یا کلماتی مشابه آن می باشد.

این‌ها مطلقاً دلالت بر فرزند داشتن و یا ذریّه و نوه و نبیره داشتن را نمی‌رساند. باید دقّت نمود که شاید تاکنون هیچ منبع موثّق، و یا هیچ مرجع و شخصیت امام شناس، نتوانسته است با قاطعیّت و شفافیت تمام و با توضیحات کافی مسائل جنبی موضوع ازدواج امام و وضعیت همسر و فرزندان آن بزرگوار را، آنگونه قانع کننده باشد اظهار نظر کرده باشد. اغلب مسائل به صورت فرضیه و اظهار نظرهای عادی و گذرا هستند. نکته‌ی دیگری هم که باز مطرح است موضوع ازدواج امام هست ولی بدون داشتن فرزند زیرا مثلاً بعضی‌ها استشهاد کرده‌اند که عدّه‌ای از بزرگان هستند ازدواج کرده‌اند ولی فرزند ندارند مثل:

۱- آیه الله سید حسینی بحر العلوم.

۲- آیه الله آقا سید محمد حسن آل طیب شوشتر.

۳- آیه الله سید علی نجف آبادی.

۴- آیه الله آقا رحیم ارباب از مراجع تقلید.

و ده‌ها موارد دیگر که اگر کارشناسی شود، مشخص می‌گردد.

نهایتاً با توجه به عدم مدارک متقن در مورد ازدواج یا ترک ازدواج و داشتن اولاد یا نداشتن اولاد در دوران غیبت صغری و غیبت کبری، همانطور که در طول دوران عمر مبارک امام (عج) نیامده است که از طرف نوّاب خاص و یا اشخاصی که لیاقت حضور و تشرف در دیدار داشته‌اند از آقا در این مورد سوال کنند، و یا تکلیف نبوده است، بهتر آنست که فعلاً همین اطلاعات و استنادات از هر دو گروه که ازدواج و اولاد را تأیید و یا بدون دلایل مکفی رد می‌کنند، قناعت شود و زیاد در این بحث پافشاری صورت نگیرد.

نکاتی در مورد محل و چگونگی زندگی حضرت مهدی (عج)

الف: اظهار نظر در مورد مکان و محل زندگی امام زمان (عج):

۱- با بررسی برخی از روایات و احادیث بر می آید که امام (عج) مکان و جای خاصی به عنوان مکان زندگی به طور دائمی انتخاب نکرده است، بلکه زندگی او به گونه‌ای است که در سراسر جهان باید وجود مبارکش اشراف داشته باشد. و دائم در تردد می‌باشد و باید بین جوامع بشری حضور فعال داشته باشد، تا بتواند بر تمام مسائل و امورات جهان و مردم نظارت داشته باشد.

۲- زندگی امام (عج) در تمام اماکنی که تردد دارند، به صورت عادی و مثل همه‌ی مردم است، او همه را می‌بیند ولی مردم گرچه او را می‌بینند ولی نمی‌شناسند، مثل حضرت یوسف (س) که او برادرانش را می‌شناخت ولی آنها او را نمی‌شناختند، تا حضرت اشاراتی کردند و برادران به صورت سوال از او پرسیدند آیا تو یوسف هستی؟ بعد شناسایی شد.

۳- با توجه به مطالعه‌ی بعضی از توقیعات امام (عج) امکان دارد در طول سال مکان خود را تغییر دهد، یعنی گاهی در کوهستان، گاهی در دشت و بعضی وقت‌ها در عربستان، عراق، ایران، و یا کشورهای دیگر باشد. مثلاً حضرت در نامه‌ای که به شیخ مفید نوشته است، می‌فرماید، که ما اکنون به عللی از محل قبلی زندگی خود بیرون آمده و در جایگا همان در فراز کوهی سکونت داریم و به زودی از اینجا به دشتی هموار و نزدیک آبادی منتقل خواهیم شد.

۴- طبق گزارش افراد موثق و بعضی از علمای بزرگ و یا حتی انسان‌های مؤمن و در سطح عادی جامعه که توانسته‌اند اسباب انس و موانست با امام (عج) را توفیق حاصل نمایند بیشتر در مکان‌هایی مثل مدینه منوره، مکه معظمه، نجف اشرف، کوفه، کربلا، کاظمین، سامرا (سرداب مقدس) مشهد مقدس، مسجد کوفه. مسجد سهله، مسجد صعصعه، مسجد مقدس جمکران، مقام صاحب الزمان در وادی السلام، و

بغداد، و در حله و اماکن مقدسه دیگر و مساجد دیگر و در جلسات مذهبی حضور یافته و دیدار و حل مشکل نموده است.

۵- بعضی استدلال به بخشی از دعای ندبه می کنند که می فرماید: لَيْتَ شِعْرِي أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ أَيُّ أَرْضٍ تُقَلِّكَ أَوْ ثَرِي، اَبْرَضُوى أَوْ غَيْرِهَا أَمْ ذِي طُوى.

و ادعا می کنند که امام زمان (عج) در محل و جای خاصی زندگی می کند و بنا بر ضرورت در مکان های دیگر نیز شرکت می کند ولی جای ثابت او مکان رضوی و ذی طوی می باشد. با توجه به عدم استدلال و دلایل مستحکم در این مورد، قطعاً نمی تواند ثابت کند که امام جای ثابتی اقامت داشته باشد.

۶- بعضی از کارشناسان روایات، برداشت کرده اند که مکان دائمی امام (عج) در سرداب مقدس سامرا می باشد، زیرا غیبت او از آنجا شروع شده و نماز پدرش را نیز در آنجا انجام داده است و افراد زیادی آقا را آنجا زیارت کرده اند، ولی به عنوان مکان ثابت، از منبع موثقی تایید نشده است.

از امام صادق (ع) در مورد مکان زندگی امام (زمان) (عج) سؤال می شود، امام (ع) می فرماید: هیچ کس، از دوست و بیگانه بر جایگاه او آگاهی ندارد، مگر آن خدایی که اختیار او را در دست دارد.^۱

از بعضی روایات برداشت می شود با انتخاب اولین نایب خاص امام زمان (عج) از طرف امام حسن عسکری (ع) و امام زمان (عج)، عثمان بن سعید چون بسیار مورد وثوق این دو بزرگوار بوده است، اغلب اوقات زندگی حضرت مهدی (عج) در خانه ی ایشان سپری می شد.

۷- موضوع جزیره خضراء: بعضی عقیده بر این دارند که حضرت در جزیره ی سرسبز و خرمی به نام جزیره خضراء که در وسط یکی از دریاها ی بزرگ قرار دارد زندگی می کند. و اما مسائل مربوط به آن.

الف - راوی حدیث جزیره‌ی خضراء شخصی به نام علی بن فاضل که در روایت به نام مازندرانی خود را نامیده است، و خود را از اهالی عراق می‌خواند و سعی کرده است فضائل و کراماتی را به خودش نسبت دهد و خود را به عصری و زمانی انتساب داده است که علامه‌ی حلّی و ابن داود زندگی می‌کردند، و این دو بزرگوار به طور کلی اسمی از چنین شخصی در ایام زندگی خود در هیچ نوشته‌ای ندارند.

ب: درباره سید شمس الدین که علی بن فاضل ادعا می‌کند در جزیره‌ی خضراء خدمت او بوده است، و ادعا می‌کند که او از فرزندان امام زمان (عج) است و با پنج واسطه به امام می‌رسد و به دستور امام و دست خطی از امام به عنوان نایب خاص امام معرفی شده است. وقتی خود علی بن فاضل مجهول باشد، قطعاً طرح سید شمس الدین هم توهمی بیش نیست.

ج: علی بن فاضل وقتی تأمین غذا را برای ساکنین جزیره‌ی خضراء از سید شمس الدین سوال می‌کند، سید می‌گوید به امر خداوند و دستور و تقاضای امام زمان (عج) سالی دو بار کشتی‌های زیادی غذاهای لازم به جزیره وارد می‌شود.

د: سید شمس الدین به نقل از علی بن فاضل در بحثی با او می‌گوید: ابوبکر عدّه‌ای از مسلمین را جمع کرد و قرآن را جمع آوری و اصلاح کرد زیرا در زمان پیامبر (ص) فرصت جمع آوری قرآن فراهم نشد. و ابوبکر توانست خیلی از اضافات قرآن را حذف و بعضی از کمبودهای آن را اضافه نماید. عزیزان خواننده، اگر دقت کنند به نکاتی می‌رسند که اغلب آنها شاید ماهیت وجودی نداشته باشد از جمله خود این دو شخصیت که از آنها نام برده شده است، جایگاهی که برای سید شمس الدین اعلام گردیده است. مسئله تحدی^۱ که در قرآن طرح شده است و از مسلمات است که در زمان پیامبر (ص) توسط علی (ع) قرآن جمع آوری و به تأیید پیامبر رسیده است. و قرآن اعلام کرده است. «أنا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون»

در کدام کتاب و به ادعای چه کسی از قرآن کم شده است و یا به آن اضافه شده است؟

بنابراین باید پیرامون این مطلب بیشتر کارشناسی شود و عزیزان را به مطالعه‌ی «کتاب جزیره‌ی خضراء افسانه یا حقیقت» نوشته علامه سیدجعفر مرتضی عاملی توصیه می‌نمایم.

ب : اظهار نظر در مورد لباس امام زمان (عج)

موضوع لباس یک امر شخصی و کاربرد زمان و مکان و موقعیت خاص خودش را دارد. در مطالعات زندگینامه افرادی که با صور مختلف از وجود پربرکت امام (عج) کسب فیض نموده‌اند، یا در همان لحظه و یا بعد از رفتن امام، و یا در حالات مکاشفات یا رؤیا یا توفیق انس پیدا کرده‌اند او را در لباس‌های مختلف زیارت کرده‌اند.

گاهی با لباس‌های معمولی روحانیت، گاهی با لباس عربی، زمانی با لباس غیرعربی، و گاهی با کت و شلوار و خلاصه درحالات مختلف پوشیدن لباس، او را ملاقات کرده‌اند. و اینکه حتماً به طور قطعی یک نوع لباس برای امام (عج) در نظر گرفته شود، نه ضرورت دارد، نه مشکلی ایجاد می‌کند و نه گره‌ای را باز می‌نماید. ولی این ثابت شده است که امام (عج) در مواقع لازم تغییر لباس می‌دهد و هیچ اشکالی ایجاد نمی‌کند.

ج : اظهار نظر در مورد قیافه و سن ظاهر امام (عج) :

از روایات و سخنان بزرگوارانی که توفیق زیارت نصیب آنها شده است، به طور قطع و یقین این مطلب به دست آمده است که امام در قیافه‌اش تغییرات خاصی نمی‌دهد، هیچگاه خود را به صورت پیرمرد، و یا کودک تبدیل نمی‌نماید. و یا خود

را به صورت نابینا، ناقص العضو نشان نمی‌دهد، در روایات آمده است که او همیشه «شباب المنظر» است یعنی به صورت جوان برومند و رشید و بشاش است. بر سن او افزوده می‌شود. ولی بر ظاهر او تأثیری ندارد.

د : اظهار نظر در مورد غذا خوردن امام (عج) :

دقیقاً غذا خوردن امام (عج) مثل پیامبران و امامان بزرگوار اجدادش می‌باشد، غذاهای آنها ساده و در حد افراد معمولی است، تشریفات خاصی برای غذا خوردن ندارند. البته گفته شده است و روایت شده که وقتی برای امام (عج) پذیرایی از مهمان یا مهمانانی پیش آمده است با قدرت ولایت تکوینی بنا بر ضرورت، وضعیت خاص مهمانداری را فراهم می‌نماید.

نحوه ملاقات با امام زمان (عج)

در مورد مسئله امکان ملاقات و مشاهده وجود نازنین حضرت مهدی (عج) چند مطلب قابل طرح است.

۱- در بخش آیات قرآن و احادیثی که در مورد حضرت مهدی (عج) و ضرورت وجود او آمده است همگی دلالت و استناد قطعی دارد که امام زمان (عج) از واقعیات قطعی است که ظهور خواهد کرد، و عالمی را که پر از ظلم و جور شده است، نجات خواهد داد و زمینه‌ی عدالت الهی را فراهم خواهد نمود.

۲- در موضوع تولد امام (عج) بخصوص ایام پنج سال حضور در محضر پدر بزرگوارش (۲۶۰ تا ۲۶۵ هـ.ق) گفته شد که افراد زیادی از طرف امام حسن عسکری (ع) دعوت شدند و امام خود را رؤیت نمودند و گاهی مأمور به پرسش‌هایی از امام شدند تا آن‌ها متوجه شوند که علم و توانایی رهبری به سن امام بستگی ندارد.

۳- در بخش غیبت صغری و به خصوص دوران نمایندگی نواب خاص مفصل صحبت شد که توسط این بزرگواران که سرآمد جامعه بودند، وجوہات، سؤالات و امورات دیگر از طریق ایشان به امام ارائه می‌شود و امام دستورات لازم را صادر می‌فرمودند. و گاهی به ضرورت، افراد را به طور حضوری ملاقات و با آنها صحبت می‌فرمودند.

۴- در دوران غیبت کبری که بیش از هزار و دویست سال می‌باشد، به طور دقیق و مستند صفحه آرای شده است، و لحظه به لحظه تاریخ مملو از مسائل و مطالب در مورد امام زمان (عج) می‌باشد.

کتاب‌های زیادی تدوین شده است که فقط پیرامون افرادی صحبت شده است که به عناوین مختلف با امام زمان (عج) مرتبط بوده‌اند و از خورشید تابناک وجود آن بزرگوار بهره گرفته‌اند. که ذیلاً برای نمونه چند عنوان کتاب یادآوری می‌شود.

عزیزان مشتاق به حالات معنوی این بزرگواران و رسیدن به توفیقات آنها می‌توانند به کتاب‌هایی که ذکر می‌شود مراجعه نمایند.

۱- کتاب برکات حضرت ولی عصر (عج) خلاصه العَبْقَری الحسان.

تألیف علامه حاج شیخ علی اکبر نهاوندی (ره) ترجمه سید جواد معلّم.

این کتاب شریف در پنج بخش تنظیم شده است و در هر بخش بهره‌گیری از آفتاب فروزان امام (عج) توضیح داده شده است.^۱

بخش اول: هشتاد و پنج نفر به محضر مبارک امام (عج) تشرّف پیدا کرده‌اند و با او صحبت نموده‌اند.

بخش دوم: هشتاد و چهار نفر به محضر امام (عج) رسیده‌اند و امام برای آنها مکشوف شده است و با آنها حرف زده است ولی بعد از رفتن امام (عج) متوجّه شده‌اند امام بوده است.

بخش سوم: بیست و سه نفر در رؤیاهای صادقانه به محضر امام رسیده‌اند و از ایشان سؤالاتی کرده‌اند و جواب دریافت داشته‌اند.

بخش چهارم: هشت نفر وجود امام (عج) بر آنها تجلّی شده است.

بخش پنجم: هفده نفر با توسلاتی که داشته‌اند، به طریقی از برکات حضرت بهره گرفته‌اند و به حاجات خود رسیده‌اند.

تلفن: قم - ۷۷۳۳۹۰۰ ، مشهد - ۸۸۰۳۱۳۳

۲- کتاب عنایات حضرت مهدی (عج) به علما و طلاب. تألیف جناب حاج آقای

محمد رضا باقی اصفهانی این کتاب ارزشمند در ۲۶ بخش به نحو مطلوب و مستند تنظیم شده است که می‌تواند رهگشای مطالب بسیار مهمی در مورد آقا امام زمان (عج) باشد.

تلفن قم: ۷۷۴۴۴۳۹ - ۷۷۴۲۴۲۸

۱- در بخش معرفی چند کتاب ص ۲۰۹ بیان شده است ولی برای تأکید و توضیحات بیشتر باز تکرار می‌شود.

شماره بخش	عنوان	موارد	صفحه
اول	پاسخ امام زمان (عج) به سوال‌های علما	۸	۱۳
دوم	ارشاد علما در امور مصداقی (مواردی در ص ۱۱۸ و ۱۱۹)	۵۳	۲۹
سوم	تعلیم دعا	۷	۵۷
چهارم	تصحیح دعا	۳	۶۷
پنجم	تشویق به علم آموزی	۴	۷۵
ششم	حمایت و دفاع از علما	۶	۸۷
هفتم	تعیین مراجع تقلید به عنوان وکیل امام زمان (عج)	۱۱	۹۹
هشتم	تعیینی استاد	۳	۱۲۷
نهم	فرمان‌های امام زمان (عج)	۱۲	۱۳۵
دهم	فرمان به تألیفات کتاب (و موارد دیگر)	۴	۱۵۷
یازدهم	اخطار به علما	۷	۱۷۷
دوازدهم	شفای امراض به برکت امام زمان (عج) (و موارد دیگر)	۱۵	۱۹۵
سیزدهم	اتمام حجت و اتمام حجت‌های دیگر در این کتاب	۶	۲۱۳
چهاردهم	عطایای شهریه طلاب توسط حضرت امام زمان (عج)	۸	۲۲۵
پانزدهم	عطایای نقدی حضرت امام زمان (عج) به علما و طلاب	۱۴	۲۵۱
شانزدهم	عطایای غیرنقدی حضرت امام زمان (عج) به علما و طلاب	۳	۲۵۹
هفدهم	عطایای خاص حضرت امام زمان (عج) به علمان و طلاب	۸	۲۷۳
هجدهم	برآوردن حاجات و رفع مشکلات علما و طلاب	۷	۲۸۵
نوزدهم	عزت بخشیدن به دین و تعظیم شعائر الله	۴	۳۰۳
بیستم	نجات شیعیان به برکت حضرت (عج)	۷	۳۱۷
بیست و یکم	نجات از دست ستمکاران به برکت حضرت بقیة الله (عج)	۱۱	۳۳۹
بیست و دوم	نجات از مرگ به برکت حضرت بقیة الله و ارواحنا له الفداء	۵	۳۴۷
بیست و سوم	عیادت از علما و طلاب	۴	۳۶۱
بیست و چهارم	شرکت حضرت (عج) در مراسم سوگواری و تشییع جنازه	۷	۳۷۱
بیست و پنجم	زیارت جمال حضرت بقیة الله ارواحنا له الفداء	۲۵	۴۱۱
بیست و ششم	نجات گمشدگان توسط حضرت بقیة الله (عج)	۱۴	

۳- کتاب ملاقات با امام زمان (عج)، تألیف سید حسن ابطحی جلد اول.

در این کتاب سرگذشت هفتاد شخصیت بزرگوار که توفیق حضور به محضر حضرت مهدی (ع) پیدا کرده‌اند و با امام صحبت داشته‌اند، بیان شده است و به طور مطلوب اسناد و مدارک ملاقات‌ها را نیز آورده است. چاپخانه دفتر نشر فرهنگ اسلامی - تلفن ۵۵۶۹۶۹۳

۴- کتاب با محرمان راز، تألیف حضرت آیه الله حاج سید محمد موسوی جزایری

ناشر مؤسسه مطبوعاتی دارالکتاب جزایری - چاپ اول زمستان ۱۳۷۳ - قم تلفن ۲۴۵۶۸

در این کتاب شریف سی و یک مورد به صورت سرگذشت و قصه‌های فائزین به لقاء حضرت ولی عصر (عج) و پاره‌ای معجزات اهل بیت و مکاشفات آمده است. در این کتاب پربرکت عوامل رسیدن به فیض زیارت خورشید تابناک امام زمان (عج) را در چهار مطلب بیان کرده است.

الف: نقش توجه قلبی و دائمی به امام زمان (عج)

ب: توجه به انتظار فرج و زمینه سازی در آماده بودن برای ظهور آن بزرگوار (عج)
ج: خواندن دعاها و اذکاری که می‌تواند زمینه ساز انس و موانست با امام (عج) باشد.

د: پیدا شدن روحیه‌ی محبت و خیرخواهی و نیکوکاری در مورد بندگان خداوند بخصوص انسان‌های نیازمند. و به ویژه داشتن روحیه به امر به معروف و نهی از منکر.

توضیحات بیشتر را از کتاب مذکور مطالعه بفرمائید.

۵- کتاب چگونگی ملاقات با امام زمان (عج) - محدث نوری

ناشر گل یاس، نوبت اول ۱۳۷۸ - ۷۷۴۴۰۸۳ - قم - پاساژ قدس - طبقه پنجم

پلاک ۱۷۹

این کتاب از کتاب نجم الثاقب تألیف میرزا حسین طبرسی نوری، استخراج شده است و کتاب نجم الثاقب به خاطر اینکه مورد استفاده بیشتر قرار گیرد در شش کتاب مستقل تنظیم شده که این بخش یکی از قسمت‌های آن کتاب پر ارزش می‌باشد.^۱ این کتاب در پنج بخش به شرح زیر تنظیم شده است.

بخش اول: بیان حکایات و داستان‌هایی از درماندگان که مورد تفقد امام زمان (عج) قرار گرفته‌اند.

بخش دوم: بیان شرح وظایف شیعیان در برابر وجود مبارک آقا امام زمان (عج)

بخش سوم: آزمون و مکان‌هایی که به آقا امام زمان (عج) تعلق دارد.

بخش چهارم: در ذکر اعمال و آدابی که احتمالاً بتوان با انجام آنها از عنایت آقا (عج)

برخوردار شد.

بخش پنجم: در ذکر اشعار و مدایحی در شأن و مقام امام زمان (عج)

۶- چهره‌هایی که در جستجوی قائم (عج) پیروز شده‌اند. تألیف حبیب الله

مرزوقی شمیرانی - چاپ مهر قم - آدرس نگارنده - قم خ ارم - کوی ارک - کوچه

زنجانی - پلاک ۱۰

۷- کرامات المهدی - واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران - ۱۳۷۶

تلفن انتشارات مسجد مقدس جمکران ۰۲۵۲۵-۳۳۴۰

گزارش ۲۵ مورد از عنایات آقا امام زمان (عج) به افراد مختلف با مشکلات گوناگون

۸- ستاره پنهان. تألیف سید جمال الدین حجازی، ۱۳۳۲، به کوشش حمید خرمی

۱۳۷۷ ناشر لوح محفوظ. تهران ۶۴۱۳۸۶۴ - اصفهان ۲۲۱۹۹۵

۹- کتاب ملاقات در صاریا. تألیف سید جمال الدین حجازی - نشر مولود کعبه

۱- شش کتاب عبارتند از: بخش ۱ و ۶ (کتاب شگفتی‌ها و معجزاتی از امام زمان (عج))، بخش ۲ و ۳ کتاب بهشت دنیایی و جامعه مدنی در بعد از ظهور، بخش ۴ و ۵ کتاب امام زمان (عج) خیال یا واقعیت، بخش ۸ و قسمتهایی از ۷ کتاب ما امام زمان را دیده‌ایم، قسمت‌های دیگر بخش ۷ کتاب طول عمر امام زمان (عج) و قواعد نجوم در این مورد، بخش‌های ۹ و ۱۰ و ۱۱، کتاب راه‌های ملاقات با امام زمان (عج)

قم ۷۷۴۱۷۲۶ - چاپ سوم نیمه شعبان ۱۴۲۰ - ملاقات عیسی بن مهدی جوهری با امام زمان (عج)

۱۰- راهی بسوی نور - حجة الاسلام علی رضا نعمتی ۱۳۴۳ - ناشر مؤلف - همراه ۰۹۱۲۱۲۲۳۳۵۵ - قم - ۷۷۴۲۵۱۹ - مباحث بسیار ارزنده‌ای در رابطه با پیرامون ارتباط روحی با امام زمان (عج)

۱۱- جوان مسیحی در خدمت حضرت بقیه الله (عج) - محمدخادمی شیرازی ناشر مؤلف - چاپ ۱۳۶۹

۱۲- امام زمان (عج) و سید بن طاووس - تألیف سید جعفر رفیعی.

موسسه یاران قائم (عج) - ۱۳۷۷ - قم - ۷۷۳۳۹۰۰ - تهران ۶۰۰۷۰۴۰

۱۳- داستان‌های شگفت انگیزی از مسجد مقدس جمکران. تألیف حیدر قنبری

قزوینی.

ناشر فاتح خیبر. ۱۳۸۴ - قم ۷۷۴۸۸۹۰

و ده‌ها و شاید صدها کتاب دیگر که از کرامات و اعجازها و توجهات امام زمان (عج) در حل مشکلات و راهنمایی‌های حکیمانه آن بزرگوار، تدوین و نشر پیدا کرده است، طالبین و مشتاقان به برخورداری از چشمه‌های فروزان آن بزرگوار، می‌توانند آن‌ها را از کتاب فروشی‌ها و یا انتشارات در سطح مملکت تهیه و کسب فیض نمایند. (بخصوص از نمایشگاه دائمی کتاب در مسجد مقدس جمکران)

نکاتی که می‌تواند در آماده شدن انسان جهت بهره‌گیری از وجود مبارک امام زمان (عج)، کارساز باشد:

کلاً وسائل لازم برای این مقصود گاهی به صورت قلبی، زمانی ریاضت عبادت، و گاهی به صورت خدماتی، و زمانی مال و دارایی خود را باید در راه نشر فرهنگ

انس با امام زمان (عج) هزینه نمود. طبق بررسی آیات و احادیث و تجربه‌های بزرگان دین که در این راستا به دست آمده است موارد زیر می‌تواند کارگشا باشد.

۱- انسان باید در حالتی قرار بگیرد که گویا عزیزترین و یا ارزشمندترین موردی را که در دست داشته‌اش، گم کرده باشد. یعنی دائم در یک حالت حزن و اندوه برای پیدا کردن گمشده‌اش باشد. و این به واسطه تشنگی او نسبت به دیدار ولی خود و آقای خود می‌باشد.

۲- تمرین و ممارست در شکل‌گیری اعتقادی در وجود خود که عالم هستی بعد از خداوند، کسی جز امام زمان (عج) حاکم و صاحب و خلیفه خدا نیست، فقط و فقط او شایستگی نمایندگی خداوند را بر جهانیان دارد و بس. و او زنده است، ناظر است، و تدبیر امور در دست اوست تا روزی که خداوند فرمان دهد و ظهور نماید و حکومت عدل الهی را بین جوامع بشری مستقر گرداند.

۳- مشکل شدن وضعیّت شیعیان در حفظ دین و اعتقادات خود، اکثراً گمراه می‌شوند و اختلاف شدید بین آنها شکل می‌گیرد، به گونه‌ای که علیه همدیگر جدال و قتال می‌کنند.

امام صادق (ع) می‌فرماید: «والله! هر آنکه که شکسته می‌شدید. شکستن کوزه. و کوزه چون شکست، بر نمی‌گردد، چنانچه بود و قسم خدا که ریخته خواهد شد. و قسم به خدا که جدا خواهید شد. و قسم به خدا که امتحان خواهید شد تا آنکه نماند از شما مگر اندکی و کف مبارک را خالی کردند.»^۱

مولا علی (ع) می‌فرماید: «گویا می‌بینیم شماها را که گردش می‌کنید گردش شتر، می‌طلبید چراگاه را پس نمی‌یابید آن را ای گروه شیعه!»^۲

۱- نجم الثاقب - محدث نوری (از کتاب چگونگی ملاقات با امام زمان) ص ۳۲

۲- کمال الدین شیخ صدوق - از کتاب چگونگی ... ص ۳۳

۴- انتظار فرج

یکی از سنت‌های مسلم الهی، موضوع غیبت امام دوازدهم (عج) است. و در کنار آن اراده الهی در مسئله انتظار مؤمنین و معتقدین واقعی به دین در زمان غیبت و تمرین در صبر و شکیبایی تا ظهور آن حضرت (عج) است. در فرمایشات خداوند در قرآن و معصومین (علیهم السلام) در این رابطه نکات ارزشمندی وارد شده است که بخشی از آن‌ها یادآوری می‌گردد.^۱

۱- اشاراتی در آیات قرآن. از محمد بن فضیل روایت شده است که گفت «فرج را از حضرت رضا (ع) سوال کردم»

حضرت فرمود: «آیا انتظار فرج از فرج نیست؟» خدای عزوجل فرموده است:

فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُتَنْظِرِينَ. (اعراف - ۷۱)

شما منتظر باشید. بدرستی که من نیز با شما از منتظران می‌باشم.

در آیات ۲۰ و ۱۰۲ سوره یونس خداوند موضوع منتظر ماندن مشرکین برای عذاب و پیامبران را برای نصرت و فتح و پیروزی مطرح کرده است.

و می‌فرماید: ، فرج مراد من تا آن زمان که برای این امر مصلحت دانستم که آن وقت خواهد آمد. منتظر باشید، بدرستی که من نیز با شما از منتظران می‌باشم.

و نیز حضرت رضا (ع) با توجه به آیه ۹۳ سوره هود می‌فرماید:

چه نیکوست صبر انتظار فرج آیا نشینده‌ای قول خداوند را که فرمود.

فَارْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ فَاَنْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُتَنْظِرِينَ.

در سوره احزاب آیه ۲۳ می‌فرماید:

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رَجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَ مَا بَدَلُوا تَبْدِيلًا. اشاره به تعهد مؤمنین در اطاعت از خداوند است که عده‌ای شهید شدند و عده‌ای منتظر اوامر خداوند هستند.

۱- کتاب چگونگی ملاقات با امام زمان (عج) - محدث نوری

۲- اشاراتی در فرمایشات معصومین (علیهم السلام)

برقی از امیرالمؤمنین (ع) روایت کرده که فرمود «افضل عبادت مؤمن، انتظار بردن فرج حق است.» و نیز از شیخ صدوق در کتاب کمال الدین روایت شده است که مولا علی (ع) فرمود:

«و هر کس منتظر امر ماست مانند کسی است که در راه خداوند، در خون خود غلطیده باشد.»

شیخ نعمانی در کتاب غیبت از امام جعفر صادق (ع) روایت می‌کند: «و کسی که منتظر امر غیبت باشد مانند کسی است که در خیمه‌ی حضرت قائم (عج) است.» و نیز از امام صادق (ع) روایت کرده است که:

«هر که از شما بمیرد با دوستی اهل بیت و انتظار کشیدن فرج، مثل کسی است که در خیمه‌ی حضرت قائم (عج) باشد.»

و نیز شیخ برقی از امام صادق (ع) روایت کرده است که: قبول اعمال شما به چند چیز بستگی دارد: شهادت به یگانگی خداوند، اقرار به رسالت پیامبر (ص). اقرار به امر خداوند در دوستی با اهل بیت و دشمنی با دشمنان آنان، اطاعت و پیروی از ائمه (علیهم السلام)، ورع و اجتهاد و آرامش و انتظار کشیدن برای حضرت قائم (ع).

در روایت دیگر می‌فرماید: «بلکه مثل کسی است که با رسول خدا (ص) باشد. و در روایت دیگر می‌فرماید: «بلکه مثل کسی است که با رسول خدا (ص) شهید شده باشد.»

و نیز در روایت دیگر می‌فرماید: «هر که انتظار برد ظهور حجت دوازدهمین امام (عج) را مانند کسی است که شمشیر خود را برهنه کرده و در پیش روی رسول خدا (ص)، دفع دشمنان آن حضرت می‌کند.»

شیخ طبرسی در احتجاج روایت کرده که توقیعی از حضرت صاحب الامر (عج) بیرون آمد به دست محمدبن عثمان (کاتب خاص آن حضرت) و در آخر آن مذکور

است که:

«دعا بسیار کنید برای تعجیل فرج، بدرستی که فرج شما در آن است»
و نیز از مدارج اعتقادات قلبی مؤمن، ایمان به فرج و ظهور آقا امام زمان (عج) است.

اعتقاد به ایجاد حکومت مطلقه‌ی خداوند و گسترش عدل و داد در عالم هستی و ریشه کن کردن ظلم و ستم است، و شکل دادن جوامع بشری به یک اجتماع واحد، و توسعه‌ی رفاه، و آسایش بشر، و فور نعمت، رفع غم و اندوه و ترس و اضطراب از جوامع عالم چنانچه در فرازی از زیارت آن حضرت آمده است:

«السَّلَامُ عَلَى الْمَهْدِيِّ الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ بِهِ الْأُمَّمَ أَنْ يَجْمَعَ بِهِنَّ الْكَلِمَ وَ يَلْمَ بِهِنَّ الشَّعْثَ وَيَمْلَأُ بِهِنَّ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا وَ يَنْجِزُ بِهِنَّ وَعْدَ الْمُؤْمِنِينَ».

سلام بر مهدی، آن چنانی که وعده داده به او، جمیع امت‌ها را که جمع کند به وجود او کلمه‌ها را یعنی اختلاف را از میان ببرد و دین یکی شود. و گرد آورد به او پراکندگی‌ها را، پُر کند به او زمین را از عدل و داد، و انفاذ فرماید به سبب او، وعده‌ی فرجی که به مؤمنین داده است.

فرمایشات گهربار امام زین العابدین (ع) در بالا بودن عقل و شعور مؤمنین در زمان غیبت کبری:

شیخ طوسی در کتاب «احتجاج» روایت کرده از ابوخالد کابلی که گفت: حضرت امام زین العابدین (ع) فرمود که: «طولانی می‌شود غیبت به ولیّ دوازدهمی خداوند از اوصیای رسول خدا (ص) و امامان بعد از او.

ای ابوخالد: بدرستی که اهل زمان غیبت او و اعتقاد دارندگان به امامت او انتظار برندگان ظهور آن حضرت. افضل اهل هر زمانند، زیرا که خداوند عطا کرده به ایشان از عقل و فهم و معرفت، آن مقدار که غیبت نزد ایشان مشاهده گردیده و حق تعالی ایشان را گردانیده به منزله‌ی آن کسانی که در پیش روی رسول اکرم (ص) با شمشیر

جهاد می کردند. ایشانند دوستان ما از روی اخلاص و شیعیان ما از روی صدق و خوانندگان به سوی دین خدا در پنهان و آشکار».

در فرمایشات معصومین (علیهم السلام) انتظار فرج از اعظم فرج است. رسول اکرم (ص) در بهره‌گیری از «یومنون بالغیب» مؤمنین را برادران خود خوانده و از برای تحمّل زحمات و مشقت ایشان در حفظ و حراست دین خود وعده داده‌اند.^۱

۵- دعا کردن جهت حفظ وجود مبارک امام عصر (عج):

کلاً موضوع دعا بحث گسترده‌ای دارد. و در اینجا نمی‌شود به طور کامل بحث نمود.^۲ ولی همین اندازه لازم به ذکر است که دعا عالی‌ترین و با ارزشمندترین راه انس و تقرّب به خداوند است و خود اجازه داده است که بندگان از این راه با او نزدیک شوند. قرآن می‌فرماید:

«أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ».

«أَمَّنْ يَجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوء».

در بررسی دعا و اثرات آن، به طور ساده و روان، به سه نکته می‌توان اشاره نمود.

اول رسیدن انسان به پایگاه تقدیس و لیاقت در رسیدن به پیوند با خداوند.

دوم عزّت و حرمت پیدا کردن نزد خداوند از طریق توسّل به امام زمان (عج) یا هر کدام از معصومین (علیهم السلام).

سوم: پیدا کردن منزلت و حرمت نزد امامان معصوم (علیهم السلام) بخصوص امام زمان (عج). شرط ادب و ارادت به محضر وجود مبارک امام زمان (عج)، ایجاب می‌نماید که در تمام اوقات و تمام مقاصد خود، اوّل برای آن بزرگوار دعا کرده، درخواست‌های مشروع خود و برای دیگران را بعد از آن قرار دهیم. اینکار هم

۱- چگونگی ملاقات با امام زمان (عج) ص ۱۰۷

۲- کتاب جامعی در باب شأن و آداب دعا از مؤلف در دست چاپ می‌باشد.

خشنودی خدا را همراه دارد و هم شادمانی امام و ولی نعمت خود را در پی دارد. و قطعاً چنین روشی در اجابت دعا تاثیر به سزایی خواهد داشت.

بنابراین توصیه می‌شود، در تمام مواقعی که به صورت تنهایی یا جمعی به ذکر و دعایی می‌نشینیم، اول صلوات با پشت بند آن «وَعَجَّلْ فَرَجَهُمْ» گفته شود و بعد حتماً دعای فرج و دعا برای سلامتی آن جناب قرائت شود، بعد هر مطلب دیگری انجام گیرد.

علامه امینی (رحمة الله علیه) نویسنده کتاب عظمای الغدیر می‌فرماید: هر کس بعد از صلوات عبارت (وَعَجَّلْ فَرَجَهُمْ) را بگوید در پنجاه درصد ثواب تدوین و تألیف کتاب الغدیر شریک است.

موارد ادعیه و اذکار منسوب به امام زمان (عج) بنابر سفارش معصومین (علیهم السلام) بسیار زیاد می‌باشد و ذکر آنها در این مختصر مقدور نیست ولی به کتب و مؤاخذی توصیه می‌شود تا علاقه مندان به آنها مراجعه نمایند.

۱- کتاب نفیس مفاتیح الجنان بخش عمده‌ای از ادعیه و توسلات را دارد.

۲- کتاب چگونگی ملاقات با امام زمان (عج) از ص ۴۵ تا ۶۹، دعاها و بسیار ارزشمندی را بیان کرده است.

۳- ارتباط معنوی با امام زمان (عج) شامل ادعیه‌های مخصوص به حضرت مهدی (عج). تألیف سید ابوالحسن حسینی.

قم - ناشر برگ شقایق - ۶۶۳۰۸۶۵ قم مسجد جمکران ۷۷۳۲۵۷۲ - تهران سازمان تبلیغات اسلامی - ۷۵۲۱۹۷۵ اصفهان نشر امام عصر (عج) ۲۲۰۴۹۳۳.

۴- صحیفه مهدیه: دعاها و زیارت‌های مخصوص امام زمان (عج) تألیف سید مرتضی مجتهدی.

نشر حاذق، ۱۳۸۳ - قم - ۷۷۴۲۵۴۳ - ۰۹۱۲۱۵۱۸۰۷۶

۵- تفسیر و شرح زیارت آل یاسین . تألیف سید جعفر رفیعی. ناشر موسسه یاران قائم (عج) - ۱۳۷۹ - قم - ۹۳۴۰۲۵ - ۷۷۴۲۵۱۹ - ۲۲۳۶۵۶۶ - ۰۹۱۱

جهت تبرک و کسب فیض، چند مورد از ادعیه‌های منسوب به امام زمان (عج) به مشتاقان به ساحت قدسیه‌ی اش تقدیم می‌شود. امید است به نیابت از تمام مؤمنین و مؤمنات دعا برای آن حضرت توفیق حاصل گردد. انشالله.

۱- سلام مخصوص به امام زمان (عج)

علامه مجلسی در بحار الانوار از امام باقر (ع) این سلام را نقل می‌کند که حضرت فرمود بگویید:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَ مَعْدَنَ الْعِلْمِ وَ مَوْضِعَ الرِّسَالَةِ»

۲- نماز مشهور و معروف امام زمان (عج) در مفاتیح الجنان بخش نمازهای چهارده معصوم (علیهم السلام) علامه مجلسی (ره) در بحار الانوار نقل می‌کند. برای توسل به آقا (عج) دو رکعت نماز می‌خوانی، در هنگام قرائت سوره حمد (در هر دو رکعت) چون به «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» رسیدی، آن را صد مرتبه تکرار کن، بعد سوره را تمام می‌کنی، و سوره اخلاص را می‌خوانی رکعت دوم هم به همین طریق. بعد از نماز این دعا را می‌خوانی:

اللَّهُمَّ عَظْمَ الْبَلَاءِ، وَ بَرِحَ الْخِفَاءِ، وَ انْكَشَفَ الْغَطَاءِ، وَ ضَاقَتِ الْأَرْضُ بِمَا وَسَعَتِ السَّمَاءُ، وَ الْيَاكَ يَا رَبَّ الْمُشْتَكَى، وَ عَلَيْكَ الْمُعْوَلُ فِي الشَّدَّةِ وَ الرَّخَاءِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ. الَّذِينَ أَمَرْتَنَا بِطَاعَتِهِمْ، وَ عَجَّلْ لَهُمْ فَرَجَهُمْ بِقَائِمِهِمْ، وَ أَظْهِرْ عِزَّهُ، يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ كَافِيَايَ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ أَنْصُرَانِي فَأَنْكُمَا نَاصِرَايَ، يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ، احْفَظَانِي فَأَنْكُمَا حَافِظَايَ، يَا مُوَلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، يَا مُوَلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ يَا مُوَلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، الْغُوثُ الْغُوثُ الْغُوثُ، ادرکنی ادرکنی ادرکنی، الامان - الامان - الامان.

۳- دعای فرج امام زمان (عج):

محدث نوری (ره) روایت نموده است (در کتاب نجم الثاقب) برای گشایش در کارها و فرج آن حضرت بعد از صلوات بر محمد و آل محمد این دعا را می خوانی، از مجربات است.

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ الْمَهْدِيِّ وَعَلَى آبَائِهِ أَفْضَلَ الصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَكَلِيًّا وَحَافِظًا وَدَلِيلًا وَمُؤَيِّدًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوَّلًا، وَعَرَضًا وَتَجْعَلَهُ وَذُرِّيَّتَهُ مِنَ الْأَئِمَّةِ الْوَارِثِينَ. اللَّهُمَّ أَنْصُرْهُ وَانْتَصِرْ بِهِ، وَاجْعَلِ النَّصْرَ مِنْكَ لَهُ وَعَلَى يَدِهِ، وَاجْعَلِ النَّصْرَ لَهُ وَالْفَتْحَ عَلَى وَجْهِهِ وَلَا تَوَجِّهْ الْأَمْرَ إِلَى غَيْرِهِ. اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَسُنَّةَ نَبِيِّكَ حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ وَتُعِزِّبُهَا إِلَّا سَلَامًا وَأَهْلَهُ وَتُدُلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَأَهْلَهُ وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَالْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ وَأَجْمَعْ لَنَا نَحْبًا فِيهَا وَاجْعَلْ لَنَا فِي ذَلِكَ الْخَيْرَةَ بِرَحْمَتِكَ وَمَنْكَ فِي عَافِيَةِ أَمِينِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَزِدْنَا مِنْ فَضْلِكَ وَيَدِكَ الْمَلَاءِ فَإِنَّ كُلَّ مُعْطٍ يَنْقُصُ مِنْ مُلْكِهِ وَعَطَاؤُكَ يَزِيدُ فِي مُلْكِهِ^۱.

۴- توسل به حضرت مهدی (عج) جهت رفع مشکلات شدید، بسیار مجرب است:

بعد از نماز صبح، دست بر سینه می گذاری و هفتاد مرتبه (یا فتاح) می گویی، سپس دست بر دعا می گشایی و این دعا را می خوانی و به طور قطع خداوند به دست مبارک حضرت بقیة الله (عج) حوائج تو را برآورده می گرداند ان شاء الله.

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وُلَدًا وَلَا وَلَدًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ، وَ كِبْرَةٌ تَكْبِيرًا. بعد می گویی:

۱- ارتباط معنوی با امام زمان (عج) ص ۳۹ (سید ابوالحسن حسینی)

بِسْمِ اللَّهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَافْوَضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ،
فَوْقِيهِ اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكْرُوا، لِإِلَهِ الْأَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، فَاسْتَجِبْنَا لَهُ
وَ نَجِّنَا مِنْ الْغَمِّ وَ كَذَلِكَ نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ، وَ حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ، فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ
مِنَ اللَّهِ، وَ فَضْلٍ لَمْ يَمَسِّنْهُمْ سُوءٌ، مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ لَا مَا شَاءَ
النَّاسُ مَا شَاءَ اللَّهُ وَ إِنَّ كَرِهَ النَّاسُ، حَسْبِيَ الرَّبُّ مِنَ الْمَرْبُوبِينَ، حَسْبِيَ الْخَالِقُ مِنَ
الْمَخْلُوقِينَ، حَسْبِيَ الرَّازِقُ مِنَ الْمَرْزُوقِينَ، حَسْبِيَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ حَسْبِيَ مَنْ هُوَ
حَسْبِي، حَسْبِي مَنْ لَمْ يَذَلْ حَسْبِي، حَسْبِي مَنْ كَانَ مُذْ كُنْتُ لَمْ يَزَلْ حَسْبِي، حَسْبِي
اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ.^۱

۵- دعایی است مجرب جهت توفیق در دیدار حضرت مهدی (عج)

اگر بعد از نمازهای واجب مداومت شود. ان شالله، عنایت خداوند شامل می گردد.
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، اللَّهُمَّ إِنَّ رَسُولَكَ الصَّادِقَ الْمُصَدِّقَ صَلَوَاتِكَ
عَلَيْهِ وَ آلِهِ قَالَ إِنَّكَ قُلْتَ مَا تَرَدَّدْتُ فِي شَيْءٍ أَنَا فَاعِلُهُ كَتَرَدَّدِي فِي قَبْضِ رُوحِ عَبْدِي
الْمُؤْمِنِ، يَكْرَهُ الْمَوْتَ وَ أَنَا أَكْرَهُ مَسَاءَتَهُ، اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ
لَوْلِيكَ الْفَرَجَ وَ النَّصْرَ وَ الْعَافِيَةَ وَ لَا تَسُوْنِي فِي نَفْسِي، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ
مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ.

۶- دعای سمات:

با توجه به اینکه ساعاتی از غروب متعلق به امام زمان (عج) دارد، بخصوص
غروب جمعه لذا مرحوم علامه مجلسی در بحار به نقل از امام باقر (ع) و امام
صادق (ع) سفارش شده است که در عصر جمعه خوانده شود، (در ایجاد ارتباط با
امام زمان (عج) بسیار مجرب است و از قدیم الایام در اکثر شهرها متداول می باشد).^۲

۱- ارتباط معنوی با امام زمان (عج) ص ۹۴

۲- به مفاتیح الجنان مراجعه شود

۷- دعای عهد:

از دعاهای بسیار مجرب و از قدیم لایام جزء برنامه‌های مستمر شیفتگان به وجود مقدس حضرت مهدی (عج) بوده است. از حضرت صادق (ع) نقل شده است، هر کس چهل صبح آن را بخواند، از یاوران حضرت قرار می‌گیرد، و اگر قبل از ظهور بمیرد، در وقت ظهور، خداوند او را از قبر بیرون می‌آورد و در محضر امام (عج) قرار می‌گیرد، و به واسطه این دعا هزار حسنه به او داده می‌شود و هزار گناه بخشیده می‌شود.^۱

۸- زیارت آل یاسین:

از زیارات بسیار مجرب و از ویژگیهای خاص انتساب به وجود مقدس حضرت مهدی (عج) دارد. علامه مجلسی (ره) در بحار الانوار نقل می‌کند، در پاسخ سوالاتی که (جهت انس و ارتباط) از حضرت (عج) شد، حضرت فرمودند: اگر می‌خواهید به وسیله ما به خدا و ما توجه پیدا کنید، این زیارت و دعا را بخوانید.^۲ سلام علی آل یس . . .

۹- بهترین دعا برای ظهور حضرت مهدی (عج)

از امام صادق (ع) روایت شده است که برای تعجیل در فرج آقا امام زمان (عج) بعد از نماز صبح هر روز صدبار گفته شود.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»^۳

۱۰- فضیلت قرائت سوره بنی اسرائیل:

از امام صادق (ع) نقل شده است که آن حضرت فرمود:

هر کس سوره بنی اسرائیل را در هر شب جمعه بخواند، نمی‌میرد تا امام قائم (حضرت مهدی (عج)) را درک کند و از اصحاب آن بزرگوار باشد.^۴

۱۱- تاکید حضرت مهدی (عج) به شیعیان در خواندن دعای افتتاح:

۱- به مفاتیح الجنان مراجعه شود

۲- به مفاتیح الجنان بعد از دعای ندبه مراجعه شود

۳- مصباح المجتهد ص ۳۶۸، منهاج العارفين ص ۱۰۸، صحیفه الصادقیه ص ۱۶۹

۴- مکیال المکارم ج ۲ ص ۳۷۸، نواب الاعمال ص ۱۰۷، تفسیر عیاشی ج ۲ ص ۲۷۶

از علامه مجلسی، به سند معتبر روایت شده که: امام عصر (عج) خطاب به شیعیان فرموده‌اند: این دعا را در تمام شب‌های ماه مبارک رمضان بخوانید، زیرا فرشتگان به آن گوش فرا می‌دهند و برای خواننده‌ی این دعا، طلب بخشش می‌کنند.^۱

۱۲- دعایی مجرب برای ظهور حضرت مهدی (عج) از امام جواد (ع):

بعد از نمازهای واجب می‌خوانی:

رَضِيتُ بِاللّٰهِ رَبًّا، وَ بِالْإِسْلَامِ دِينًا، وَ بِالْقُرْآنِ كِتَابًا، وَ بِمُحَمَّدٍ (ص) نَبِيًّا، وَ بِعَلِيٍّ وَليًّا، وَ بِالْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ، وَ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ، وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ عَلِيٍّ ابْنِ مُوسَى، وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ الْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ أئِمَّةً. اَللّٰهُمَّ وَلِيَّكَ الْحُجَّةُ، فَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ، وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ، وَ عَنْ شِمَالِهِ، وَ مِنْ فَوْقِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ، وَ اَمُدُّ لَهُ فِي عُمُرِهِ، وَ اجْعَلْهُ الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ الْمُنْتَظَرَ لِدِينِكَ، وَ أَرِهِ مَا يُحِبُّ وَ تَقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ فِي نَفْسِهِ وَ فِي ذُرِّيَّتِهِ، وَ أَهْلِهِ وَ مَالِهِ، وَ فِي شِيعَتِهِ وَ فِي عَدُوِّهِ، وَ أَرِهِمْ مِنْهُ مَا يَحْذَرُونَ، وَ أَرِهِ فِيهِمْ مَا يُحِبُّ وَ تَقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ، وَ اشْفِ بِهِ صُدُورَنَا وَ صُدُورَ قَوْمِ مُؤْمِنِينَ.

۱۳- دعایی است بسیار مجرب از امام زمان (عج) قبل از نمازهای واجب هنگام نیت: حضرت مهدی (عج) سفارش فرموده است و مستحب مؤکد است که قبل از نمازهای واجب این دعا خوانده شود:

«وَ جَهَّتْ وَ جَهِّي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضَ حَنِيفًا مُسْلِمًا عَلَيَّ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ وَ دِينَ مُحَمَّدٍ وَ هُدَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ، إِنَّ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، لَا شَرِيكَ لَهُ وَ بِذَلِكَ أُمِرْتُ وَ أَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ، أَعُوذُ بِاللّٰهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

سپس وارد نماز می‌شود و حمد را بخواند.^۲

۱- صحیفه مهدیه ص ۳۰۰

۲- صحیفه مهدی ص ۳۹۰، به نقل از بحار الانوار ج ۸۴ ص ۳۵۹

۱۴- دعای بسیار مجرب از امام زمان (عج) به نام «یا نُورَ النُّورِ»:

این دعا شریف را کفعمی (رحمة الله علیه) در کتاب المصباح از مولایمان حضرت مهدی (عج) نقل کرده است.

یا نُورَ النُّورِ، یا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ، یا باعِثَ مَنْ فِي الْقُبُورِ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ لِي وَلِشِيعَتِي مِنَ الضِّيقِ فَرَجاً وَ مِنَ الْهَمِّ مَخْرَجاً، وَ أَوْسَعُ لَنَا الْمَنْهَجَ، وَ أَطْلِقْ لَنَا مِنْ عِنْدِكَ مَا يُفَرِّجُ، وَافْعَلْ بِنَا مَا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا كَرِيمُ.^۱

۱۵- حرز امام زمان (عج):

سید بزرگوار علی بن طاووس در کتاب مهج الدعوات حرز مولا حضرت مهدی (عج) را چنین نقل کرده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. يَا مَالِكَ الرَّقَابِ، وَ هَازِمَ الْأَحْزَابِ، يَا مُفْتَحَ الْأَبْوَابِ، يَا مُسَبِّبَ الْأَسْبَابِ، سَبَّبْ لَنَا سَبَباً لَا نَسْتَطِيعُ لَهُ طَلَباً، بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ.

۱۶- توسل به حضرت مهدی (عج) در هنگام گرفتاری‌ها و مشکلات:

هنگام گرفتاری و مشکلات دنیا و آخرت، به صحرا رفته و این دعا هفتاد بار تکرار شود. مجرب است.

یا فارسَ الْحِجَازِ أَدْرِكُنِي، یا أَبَاصِلِحَ الْمَهْدِيِّ أَدْرِكُنِي، یا أَبَالَقَاسِمِ أَدْرِكُنِي، وَ لَا تَدَعْنِي، فَإِنِّي عَاجِزٌ ذَلِيلٌ.^۲

۱۷- توسل دیگری از امام زمان (عج) هنگام گرفتاری و شدت و مصیبت.

قرائت هفتاد بار ذکر شریف زیر در توسل به امام زمان (عج) بسیار مجرب است.

«یا اللَّهُ یا مُحَمَّدُ یا عَلِيُّ یا فَاطِمَةُ یا صَاحِبَ الزَّمَانِ، أَدْرِكُنِي وَ لَا تُهْلِكُنِي».^۳

۱۸- از توسلات بسیار مجرب به آقا امام زمان (عج):

۲- صحیفه مهدی ص ۳۹۶ به نقل از المصباح ص ۴۰۷

۳- منتخب الختموم ص ۱۹۶

۴- منهاج العارفين ص ۴۸۳

بعد از نماز مغرب صد مرتبه صلوات فرستاده و سپس هفتاد بار اذکار زیر قرائت می شود.

«یاالله یا محمد یا علی یا فاطمة یا حسن یا حسین یا صاحب الزمان، اذکرکنی یا صاحب الزمان».

و بالاخر صد بار دیگر صلوات فرستاده می شود، و بعد از آن طلب حاجت شود، مجرب است.^۱

۶- صدقه دادن برای حفظ وجود مبارک امام زمان (عج):

موضوع صدقه دادن اعم از امورات مادی و یا به صورت اهداء اذکار و ادعیه و سور قرآن و بخصوص ختومات صلوات، در روایات و فرمایشات معصومین (علیهم السلام) از مسلمات است. که هم اثرات و برکاتی برای فردی که اقدام می کند دارد و هم برای کسانی که برای آنها صورت می گیرد. برای نمونه می توان گفت:

۱- جناب رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار (صلوات الله علیهم) جهت سلامتی و حفظ وجود خود و وابستگان و یا حتی صحابه و آشنایان و متقاضیان از دفع شر جن و انس و حوادث غیر منتظره، به صور مختلف صدقه می دادند. و این برنامه در تمام ایام شب و روز و بخصوص ایام خاص و اماکن مشخص، که لازم می شد، صدقه می دادند و خیرات و مبرات می کردند.

۲- از قدیم الایام مرسوم است که وقتی حادثه ای و یا بلایی و یا مصیبتی با عنایات خداوند از شخصی یا اشخاصی یا بلادی دفع می گردید. برنامه های متنوعی شکل می گرفت تا در آن افراد جهت صرف غذا و یا گرفتن هدایا حاضر می شدند.

۳- معمولاً برای جلوگیری از حسادت ها و بخل ها و چشم زخم ها وقتی گشایش برای کسی از نظر موقعیت های دنیایی مثل خرید منزل، گشایش محل کار کسب و کار، توفیق زیارت و یا امر خیر ازدواج، مردم ولیمه می دادند و افراد زیادی را در

مراسم شام دعوت می‌کردند تا روحیه‌ی نشاط و شادمانی از این موقعیت در ذهن آنها فراهم گردد. و زمینه‌های بخل و حسادت افراد کم شود.

۴- حال که انسان در مورد خود و نزدیکانش چنین فرهنگ و ادب و حساسیتی را نشان می‌دهد، آیا وجود نازنین پیامبر (ص) و ائمه اطهار (علیهم السلام) و بخصوص امام زمان (عج) که کل هستی به خاطر آنها خلق شده است و هر چه آرامش و برکت هست از لطف خداند به این عزیزان به ما می‌رسد، آیا چنین کارهایی را نباید در حق این بزرگواران در اولویت قرار دهیم؟

لذا طبق فرمایش رسول اکرم (ص) در اولویت قرار دادن آنها بر تمامی جوامع بشری می‌فرماید:

«ایمان نیاورده احدی از شما تا اینکه بوده باشیم من و اهل بیت من محبوبتر نزد او از جان و فرزند و تمام مردم».

وقتی خداوند و ملائکه و مؤمنین مأمور به درود و صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد (ص) هستند.^۱ ما نیز باید آنها را بر همه چیز تقدّم دهیم تا به واسطه‌ی این ادب، مورد توجهات خاص خداوند و پیامبر و معصومین (علیهم السلام) قرار گیریم.

۵- علامه سید جلیل علی بن طاووس در کتاب «کشف المحجّه» بعد از وصایایی به فرزندش تأکید می‌کند که «مقدم دار حوائج آن جناب را بر خود و وقتی که نماز حاجت می‌خوانی و صدقه از جانب او را پیش از صدقه از جانب خود و از هر کسی که گرامی است نزد تو و دعا کردن برای آن جناب را پیش از دعا برای خود و مقدم دار آن جناب را در هر چیز که این عمل وفاست برای او یعنی وفاست به عقد بیعت و عهد بندگی که بستی با او و مقتضی است بر تقدّم داشتن او بر خود، و با این ادب جلب احسان آن جناب به سوی خود».^۲

۱- ان الله و ملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین امنوا صلوا علیه و سلموا تسلیماً

۲- چگونگی ملاقات با امام زمان ص ۷۲

۷- موضوع شیطان و لشکریان او:

طبق آیات قرآن و احادیث، از مسلمات است که جسورترین و بی ادب‌ترین و دشمن‌ترین نوع موجودات عالم شیطان و لشکریان او هستند. در روایات آمده است، دشمنی آنها در حق آدم و اولاد او مشخص و مسلم است. لذا مطلبی که به طور مسلم در روایات هست بعضی از شیاطین و یا حتی جن‌های خبیثه در کمین سرقت اعمال خیر و حسنات مؤمنین هستند، ولی اگر اعمال خیر و حسنات و اذکار و ختومات و سایر عبادات مستحب به نیابت از معصومین (علیهم السلام) و یا هدیه به آنها شود، از دستبرد این چنین موجوداتی در امان می‌باشند، به ویژه اگر ارتباط پیدا کنند به حضرت مهدی (عج) دیگر ترس و خطری متوجه چنین اعمال نیکی نخواهد شد.^۱

۸- توفیق حج کردن و زیارت معصومین (علیهم السلام) و یا اماکن متبرک که:

یکی دیگر از برنامه‌هایی که می‌تواند تواضع و ادب و ارادت مؤمن را به ساحت مقدس معصومین (علیهم السلام) به ویژه حضرت مهدی (عج) نشان دهد. حج کردن و زیارت کردن ائمه‌ی اطهار و نبی اکرم (ص) و حضرت زهرا (س) یا اولاد آنها و شخصیت‌های بزرگ عالم تشیع است.^۲

به نیابت از آنها می‌باشد. که از قدیم الایام مرسوم است و الان هم مومنین ارادتمند به معصومین (علیهم السلام) و دیگر بزرگان این کار پسندیده را انجام می‌دهند و مورد تایید می‌باشد.

۱ - استند میرزا عباسی از عرفا و سالکین مشهد مقدس در یک جلسه حضوری برای حفظ و حراست از توسلات را تأکید فرمودند.

۲ - توجه خداوند در قرآن به مساجد و اماکن مقدسه که محل نزول ملائکه و انفاس قدسیه می‌باشد و به خصوص تجربیات شخصی بنده در ایجاد آرامش روحی برای وصال با خداوند در این اماکن.

۹- توصیه‌های مفید و کارساز در بهره‌گیری از وجود با برکت امام زمان (عج)

تمام آنچه را که در مطالب قبل گفته شده، هر کدام به نوبه خود در رسیدن انسان به معرفت و عرض ادب به محضر ساحت قدسیه امام زمان (عج) بسیار مفید و کارساز است، ولی بعضی از امور هستند که در کوتاه مدت و سرعت بیشتر انسان را به بهره‌گیری از وجود مبارک خورشید تابناک ولایت و امامت برخوردار می‌نماید، از جمله:^۱

۱- توجه و حساسیت کامل و دقیق در نماز اول وقت خواندن، از علامت‌های بارز و شفاف ادب در محضر خداوند است. با اذان شرعی و در وقت مفید سفارش شده است، که انسان مؤمن به نماز به بایستد، زیرا امام زمان (عج) در این لحظه در برابر معبودش به راز و نیاز مشغول است. لذا وقتی انسان چنین فرهنگ و ادبی را در خودش ملکه گرداند، همراه امام زمانش به عبودیت خداوند ایستاده و نمازش همراه با نماز مولای خود به محضر خداوند عرضه می‌شود قطعاً مهر قبولی بر آن زده خواهد شد و هر گاه نماز انسان قبول شود، دیگرانسان برای رسیدن به کمال مشکلی ندارد.

در مطلبی از لقمان حکیم خواندم که می‌فرماید چهار هزار سال عمر کردم، مصاحبت با چهار صد پیامبر را همراهی داشتم، آنچه را که از حساسیت بین خدا و پیامبران دیدم، توجه و تأکید خداوند به آنها در امر توجه به نماز اول وقت بود. لذا

۱ - توصیه‌های مکرر خداوند در قرآن مثلاً قولوا لا اله الا الله تفلحوا، یا قد افلح من زکيها، و یا توصیه‌های فراوان چهارده معصوم (علیهم السلام) در کتب حدیث، و یا سفارشات فائزین به درجه ایمان و تقوا که در زندگینامه‌های آنها بیان گردیده است. مثل هدایتگران راه نور، زندگینامه چهارده معصوم علیهم السلام آیه... سید محمد تقی مدرسی در دو جلد، حسین (ع) راهنمای من به سوی تشیع ادریس حسینی ترجمه سید حسن موسوی محفوظی، فرهنگ جامع سخنان امام حسین (ع) ترجمه علی مویدی نشان از بی‌نشان‌ها شرح زندگی حاج حسنعلی نخودکی اصفهان - زندگانی شیخ انصاری - تألیف شیخ مرتضی انصاری - سیری در آفاق زندگی نامه علامه بهاء الدینی تألیف حسین حیدری کاشانی - لاله‌ای از ملکوت - شیخ جعفر مجتهدی - حمید سفیدیان - فریاد گر توحید - زندگینامه علامه بهجت، عطش - سیر توحیدی علامه سید علی قاضی طباطبایی - حماسه عرفان - آیه... جوادی آملی و صدها زندگی نامه و سیر و سلوک از بزرگان اسلام.

این مطلب را محکم گرفتم و باب حکمت بر قلبم باز شد و به جایی رسیدم که جز خداوند، معبودی را برای خود انتخاب نکردم، و می‌بینیم که لقمان با توجه به نماز اول وقت به جایی رسید که یک سوره‌ی قرآن به نام او نامگذاری می‌شود و فرمایشات و نصایح او به عنوان آیات قرآن، صفحاتی از قرآن را پر می‌نماید. توصیه می‌شود، به طور آزمایشی مدتی کوتاه این عمل انجام گیرد و آثارش مشهود گردد.

۱۰- توسّل و تمسک به سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین (ع) است.

نکات عجیبی در شأن و منزلت و کارگشایی امور به دست مبارک امام حسین (ع) به چشم می‌خورد، از جمله:

از رسول مکرم (ص) روایت شده: وقتی به معراج مشرف می‌شود، و به عرش الهی می‌رسد قبل از ورود در سیطره و جایگاه عرش الهی، سردر بزرگی در جلو عرش نصب شده است و در جلو این سردر با خط نور الهی درشت نوشته شده است.

«انّ الحسین مصباح الهدی و سفينة النجاة»

این عبارت عالی‌ترین جملات نورانی است در شأن و مقام امام حسین (ع) و قطعاً باید این چنین باشد.

بحقّ باید سر در ورودی عرش الهی با نام حسین (ع) و شأن مقام امام حسین (ع) زینت شود.

زیرا او تمام هست و نیست خود را در طبق اخلاص به محضر خداوند هدیه نموده است. از امام صادق (ع) و امام هادی (ع) نقل می‌کنند هر گاه خود یا افرادی از خانواده آنها مریض می‌شدند، افرادی را روانه حرم امام حسین (ع) می‌کردند و شفا و سلامتی خودشان و آنها را از امام حسین (ع) در خواست می‌کردند. وقتی مورد سوال اطرافیان قرار می‌گرفتند، می‌فرمودند: امام حسین (ع) قطب خداست، مرکز ثقل عشق به خداوند است. فرمودند: نبی اکرم (ص) قطب خداست، اشرف الرّسل و همه‌ی

هستی است، ولی به امر خداوند، باید دور کعبه طواف کنند تا اتحاد مسلمانان در جهان نشان داده شود.

لذا با کمی دقت، به دست می‌آید که جایگاه امام حسین (ع) به حدی است که مراسم شهادت او نه تنها در دو ماه محرم و صفر داغ است، در تمام طول سال به صورت مجالس هفتگی و ماهانه با نام‌های مختلف برقرار است. نیز جایگاه رفیع زیارت حضوری در حرم مبارک او و زیارت او از راه دور و به ویژه زیارت وارث، عاشورا و زیارت‌های منسوب به ایشان در تمام ایام الله و شب جمعه و روز جمعه، تربت مقدس ایشان، ختم ذکر نام مبارک حسین (ع) (۱۲۸ مرتبه) و خلاصه انواع و اقسام نذر و نیازها به ساحت قدسیه وجود بی‌همتای او نه تنها در بین شیعیان بلکه بین تمام مسلمانان و حتی غیر مسلمانان مرسوم و مشهور است.

۱۰- تمام عنایات خداوند از طریق معصومین (علیهم السلام) به عالم خلقت افاضه می‌شود.

الف: شیخ طوسی در کتاب غیبت به سند معتبر از ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی نایب خاص سوم امام زمان (عج) در حدیثی از امام صادق (ع) که فرمود: «هرگاه اراده نمود خدای تعالی امری را، عرضه می‌کند آن را بر رسول خود (ص) آنگاه امیرالمؤمنین (ع) و یکایک از ائمه (علیهم السلام) تا منتهی شود به حضرت صاحب الزمان (عج) آنگاه بیرون می‌آید به سوی دنیا و چون اراده نمودند ملائکه بالا برند عملی را به سوی خداوند عزوجل، عرض می‌شود بر صاحب الزمان (عج) آنگاه بر هر یک تا اینکه عرض می‌شود بر رسول خدا (ص) آنگاه عرض می‌شود بر خداوند عزوجل، پس هر چه فرود می‌آید از جانب خداوند بر دست ایشان است و آنچه بالا می‌رود به سوی خداوند عزوجل بر دست ایشان است و بی‌نیاز نیستند از خداوند عزوجل به قدر به هم زدن چشمی».^۱

ب: از امام حسن عسکری (ع) روایت شده است که فرمود: «چون حضرت صاحب الزمان (عج) متولد شدند، توسط دو ملائکه او را به آسمان بردند تا سرداق عرش الهی و در محضر خداوند قرار گرفتند: خداوند به او فرمود، مرحبا به تو! عطا می‌کنم، و به تو می‌آمزم، و به تو عذاب می‌کنم».^۱

ج: شیخ کشی در (کتاب بصائر) در گفتگوی رُمیله (از صحابه‌ی امیرالمؤمنین (ع)) با امیرالمؤمنین (ع) بعد از نماز آقا به او می‌گوید: وقتی بر مبنر بودم حالت را در هم می‌دیدم. رُمیله حالت تب و مریضی خود را بیان کرد. مولا فرمود:

«ای رُمیله نیست مؤمنی که مریض می‌شود مگر آنکه مریض می‌شویم ما به جهت مریضی او و محزون نمی‌شود مگر آنکه محزون می‌شویم به جهت حزن او و دعا نمی‌کند مگر آنکه آمین می‌گوییم برای او و ساکت نمی‌شود مگر آنکه دعا می‌کنیم برای او».

و فرمودند: «ای رُمیله! غایب نیست یا نمی‌شود از ما مؤمنی در مشرق زمین و نه در مغرب آن».^۲

د: در کتاب «تُحْفَةُ الزَّائِرِ عَلَامَةُ مَجْلِسِي» و «مَفَاتِيحُ النِّجَاةِ سَبْزَوَارِي» که شرح چگونگی عریضه نویسی را به محضر امام زمان (عج) توضیح داده‌اند. (ان شاء الله بیان خواهد شد).

چنین استفاده می‌شود که، گر چه نوآب خاص (عثمان بن سعید، محمد بن عثمان، حسین بن روح نوبختی، و علی بن محمد السمری) در دوران غیبت صغری رابط مستقیم بین امام (عج) و شیعیان بوده‌اند. بعد از مرگ آنها نیز در دوران غیبت کبری، آنها در رکاب همایون آن جناب هستند و همان امورات را به طور کامل انجام می‌دهند و به همان منصب بزرگ خود مفتخر و سرافرازند، و می‌توان از طریق ایشان در عرض حوایج و رقاع و گرفتن جواب و ابلاغ توقیعات بهره گرفت.^۳

۱- همان ص ۹۴

۲- چگونگی ملاقات امام زمان، ص ۹۵

۳- همان، ص ۹۷

۴- قطعیت کامل در امکان بهره‌گیری از انوار طیبه‌ی چهارده معصوم (علیهم السلام) به ویژه امام زمان (عج).

الف: در بحث و گفتگویی بین حضرت جابر انصاری و حضرت رسول اکرم (ص) در کتاب کمال‌الدین شیخ صدوق آمده است. هنگامی که از چگونگی انتفاع شیعیان از امام زمان (عج) در دوران غیبت کبری مطرح می‌شود، رسول اکرم (ص) فرمود: قسم به آنکه مرا به پیغمبری مبعوث کرده است که ایشان هر آینه منتفع می‌شوند به او و استضاء می‌کند به نور ولایت او را در غیبت او مثل انتفاع مردم به آفتاب هر چند بپوشاند او را ابر»^۱.

ب: به تواتر از جناب رسول اکرم (ص) رسیده است که فرمود: «اهل بیت من. امان اهل زمینند، چنانکه ستارگان، امان اهل آسمانند». در قرآن نیز آیه ۳۳ سوره انفال بهترین سند این حدیث است که می‌فرماید: «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ».

رسم خداوندی چنین نیست که خلق را عذاب کند و حال آنکه تو که رحمة للعالمین هستی در میان ایشانی»^۲.

۵- توجه به واجبات و اجتناب از محرّمات:

برای توجیه مطلب، اگر راننده‌ای تمام مقررات راهنمایی و رانندگی را احترام بگذارد قطعاً هم خودش آرامش دارد و هم نظام اجتماعی را سالم می‌کند و چنین انسان‌ها، افرادی قانونمند و مورد توجه خاص و عام هستند. ولی بر عکس، افراد بی‌نظم و آنانکه اصول و مقررات را رعایت نمی‌کنند، دائم خود و مسئولین مربوطه و جامعه در آسیب و عذاب و مزاحمت آنها قرار دارند و قطعاً حرمتی در جامعه ندارند.

۱- همان، ص ۱۰۱

۲- چگونگی ملاقات امام زمان، ص ۱۰۳

انسانهایی که عمل به واجبات دین و دستورات خداوند می نمایند، هم خود راضی و آرام هستند و هم جامعه. لذا چنین افرادی مورد توجه خداوند و اهل بیت و امام زمان (عج) که صاحب عالم هستی می باشد قرار می گیرند و احترام خاص در دستگاه الهی دارند.

۶- توجه به لقمه‌ی حلال و شغل حلال:

یعنی اینکه انسان امورات زندگی روزمره‌اش از مسیر سالم کسب شود. زیرا لقمه‌ی حرام مثل اسید است که انسان پای گلی بریزد، همانطور که اسید گل را از ریشه می سوزاند، لقمه‌ی حرام نیز از ریشه و بیخ و بن ایمان و اعتقادات انسان را می سوزاند و موجودی می شود که جز درندگی اقتصادی و تجاوز و غارت و بی احترامی به دیگران از او چیزی دیده نمی شود. مخصوصاً اینکه یکی از راه‌های خطرناک وارد شدن شیطان از ایجاد طمع و حرص در آدم‌های دنیا پرست می باشد. چنین افرادی بویی از رحم و عاطفه ندارند و حاضرند برای رسیدن به مسائل مادی به هر جنایتی دست بزنند حتی از کشتن عزیزترین و نزدیک‌ترین بستگان خود دریغ نمی کنند. نمونه اعمال چنین حیوانات انسان‌نمایی سراسر برگهای تاریخ و زندگی کنونی بشر را پر کرده است. و نیازی به مثال نیست.

۷- تلاش در تزکیه‌ی نفس و رسیدن به تقوای لازم:

باید دقت نمود که این عمل نباید به منظور رسیدن به حضور مولا امام زمان (عج) باشد. بلکه انسان ریاضت رسیدن به تزکیه‌ی لازم را برای رضای خدا و ادب در محضر خداوند انجام بدهد و خود را بنده‌ی مخلص و خاضع تربیت نماید، چنانچه خداوند مصلحت بداند، اسباب ملاقات فراهم خواهد شد و آلا کار بر مبنای خواست ما و یا رغبت مولا امام زمان (عج) پیش نخواهد آمد. اصل مطلب خواست و اراده‌ی خداوند است.

۸- یکی از ضروریات توجّه مؤمنین و شیعیان موضوع کسب معرفت و آگاهی به دین و چهارده معصوم (علیهم السلام) است، زیرا هر چه شیعه نسبت به مسائل مورد نیازش در رسیدن به کمال آگاه‌تر باشد، شیطان و پیروان او و دشمنان شیعه نمی‌توانند در برنامه‌ریزی‌هایشان موفق شوند.

آقا امام صادق (ع) می‌فرماید:

بعضی از شما بیشتر از دیگری نماز می‌خواند، و بعضی از شما بیشتر از دیگری حج به جای می‌آورد، و بعضی از شما بیشتر صدقه می‌دهد و بعضی بیشتر روزه می‌گیرد، اما با فضیلت‌ترین شما آن کس است که بیشتر معرفت داشته باشد. و باز در حدیثی دیگر می‌فرماید:

ما اهل بیت راستگو هستیم، سعی کنید تمام همّ و غمّتان آشنایی با نشانه‌های دیتان باشد. و بدانید که تمام همّ و غم دشمنان شما در از میان بردن آبروی شماست، قلب‌هایشان مملو از بغض و کینه و حسادت نسبت به شماست، همه‌ی آنها آنچه را از شما می‌شنوند تحریف می‌کنند و بر ضدّ شما به کار می‌گیرند، سپس به شما تهمت و بهتان می‌زنند و همین معصیت بزرگ نزد خداوند برای آنها کافی است که آنها را برای ابد به جهنم بفرستد حتی اگر گناه دیگری نداشته باشند.

با توجّه به این دو کلام نورانی امام صادق (ع) بر تمام شیعیان واجب است نسبت به مسائل ضروری دین بخصوص در امام شناسی و به ویژه معرفت به امام زمان (عج) معرفت پیدا نمایند.

«آمین یا ربّ العالمین»

منابع و ماخذ

صفحه	مؤلف - مترجم	عنوان کتاب	محل چاپ	ناشر	نوبت	سال
۱	آیة الله سید محمد حسین طباطبایی	تفسیر المیزان	قم	بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی	دوم	سوم ذی الحجه ۱۳۷۷
۲	آیة الله مکارم شیرازی	تفسیر نمونه	تهران	دارالکتب الاسلامیه	۴۸	۱۳۸۴
۳	آیة الله سید ابوالقاسم موسوی خویی	البيان فی تفسیر القرآن	قم	انوار الهدی	اول	۱۴۰۱ هـ - ق
۴	محمد تقی شریعتی	تفسیر نوین	قم	دفتر نشر و فرهنگ اسلامی	اول	—
۵	سید علی اکبر قرشی	قاموس قرآن	تهران	دارالکتب الاسلامیه	اول	۱۳۵۴
۶	دکتر محمد باقر محقق	دائرة الفرائد	تهران	انتشارات بعثت	اول	—
۷	حجة الاسلام شیخ محسن قرآنی	تفسیر نور	قم	موسسه راه حق	سوم	۱۳۷۵
۸	استاد عبدالله جوادی آملی	تفسیر موضوعی قرآن	قم	مرکز نشر فرهنگی رجاء	اول	۱۳۶۳
۹	استاد سید علی کمالی	قرآن ثقل اکبر	قم	انتشارات اسوه	اول	۱۳۷۲
۱۰	به تصحیح حبیب یغمایی	ترجمه تفسیر طبری	تهران	انتشارات توس موسسه فرهنگی	سوم	۱۳۶۷
۱۱	دکتر احمد فرامرزی قراملکی	روش شناسی مطالعات دینی	مشهد	قدس دانشگاه علوم اسلامی رضوی	اول	۱۳۸۵
۱۲	دکتر علی دلاور	مبانی نظری و علمی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی	تهران	انتشارات رشد	اول	۱۳۸۲
۱۳	بسه کوشش جمعی از نویسندگان	امامت پژوهی	مشهد	دانشگاه علوم اسلامی رضوی	اول	۱۳۸۱
۱۴	ابوالحسن علی واحدی نیشابوری جلال السدین عبدالرحمن سیوطی	شان نزول آیات مترجم دکتر محمد جعفر اسلامی	تهران	بنیاد علوم اسلامی	اول	۱۳۶۲
۱۵	سید اسماعیل رسول زاده	شرح یکصد و چهل اربعین حدیث	تهران	کتابخانه صدر	اول	۱۳۷۰
۱۶	شیخ کلینی ترجمه سید جواد مصطفوی	اصول کافی	تهران	انتشارات علمیه اسلامی	—	—

صفحه	مؤلف - مترجم	عنوان کتاب	محل چاپ	ناشر	نوبت	سال
۱۷	مترجم حسین ردایی آملی محدث جلیل القدر شیخ	نهج الفصاحه	قم	نسیم حیات	اول	۱۳۸۵
۱۸	ابو محمد حرانی صادق حسن زاده	تحف العقول	قم	آل علی (ع)	دوم	۱۳۸۲
۱۹	علامه مجلسی ترجمه سید هاشم رسول محلاتی	سخنان حکمت آمیز معصومین سر رسید مختص یار مهربان	قم	دفتر نشر و فرهنگ اسلامی	اول	۱۳۷۸
۲۰	محمد علی رشیدی کلروی	۱۳۸۷ (احادیث مربوط به امام زمان (عج)) ۱۳۸۷	تهران	عصر رهایی	اول	۸۶
۲۱	حاج شیخ عباس قمی آیه الله سید محمد تقی	منتهی الامال	قم	هجرت	مکرر	۱۳۷۷
۲۲	موسوی اصفهانی مترجم سید مهدی حائری قزوینی	مکیال المکارم	قم	برگ شقایق	اول	۱۳۸۰
۲۳	آیه الله سید حسن شیرازی	کلمة الامام المهدی	تهران	نشر آفاق	اول	۱۴۰۷ (هـ-ق)
۲۴	حاج شیخ علی اکبر نهاوندی سید جواد معلم	برکات حضرت ولی عصر (عج)	مشهد	مؤلف	اول	۱۳۷۷
۲۵	محمد رضا باقی اصفهانی	عنايات حضرت مهدی به علما و طلاب	قم	نصایح	دوم	۱۳۸۱
۲۶	علیرضا نعمتی	راهی بسوی نور	قم	مؤلف	اول	۱۳۷۷
۲۷	محمد رضا حکیمی	خورشید مغرب	قم	دلیل ما	۲۴	۱۳۸۲
۲۸	دکتر سید حسن افتخارزاده	گفتارهای پیرامون امام زمان (ع)	قم	نیک معارف	دوم	۱۳۷۴
۲۹	حسین حیدری کاشانی	حکومت عدل گستر	قم	مؤلف	اول	۱۳۶۲
۳۰	سید جمال الدین دین پرور	جهانگشای عادل	تهران	الامام المهدی	پنجم	۱۳۵۷
۳۱	محمد تقی خلجی	تشیع و انتظار	قم	میثم تمار	سوم	۱۳۷۸
۳۲	استاد مرتضی مطهری	قیام و انقلاب مهدی (عج)	قم	صدرا	پنجم	۱۳۹۸ (هـ-ق)
۳۳	محمد حسین صفاخواه	امام مهدی (عج)	تهران	کتابچی	اول	۱۳۷۶
۳۴	لطف الله صافی	اصالت مهدویت	قم	هادی	اول	۱۳۶۰
۳۵	عباس راسخی نجفی	سفیران امام	قم	مخب	دوم	۱۳۷۵
۳۶	اداره پژوهش و نگارش	خصال یاوران مهدی	تهران	وزارت ارشاد	ششم	۱۳۶۵
۳۷	حیدر قنبری	داستانهای شگفت انگیزی از	قم	فاتح خبیر	اول	۱۳۸۴

صفحه	مؤلف - مترجم	عنوان کتاب	محل چاپ	ناشر	نوبت	سال
۳۸	سید جعفر رفیعی	امام زمان (عج) و سید بن طاووس	قم	یاران قائم (عج)	اول	۱۳۷۷
۳۹	محمد خادمی شیرازی	جوان مسیحی در خدمت بقیة الله	—	مؤلف	اول	۱۳۶۹
۴۰	حمید خرّمی	ستاره‌ی پنهان	قم	لوح محفوظ	اول	۱۳۷۷
۴۱	واحد تحقیقات مسجد مقدس مجکران	کرامات المهدی	قم	مسجد مقدس مجکران	چهارم	۱۳۶۷
۴۲	حبیب الله مرزوقی شمیرانی	چهره‌هایی که در جستجوی قائم پیروز شدند	قم	مهر	اول	۱۳۵۳
۴۳	سید حسن ابطّحی	ملاقات با امام زمان (عج)	مشهد	کانون بحث و انتقاد دینی	اول	۱۴۰۴ (هـ - ق)
۴۴	سید جمال‌الدین حجازی	ملاقات در صاریا	قم	مولود کعبه	سوم	۱۴۲۰ (هـ - ق)
۴۵	آیه الله حاج سید محمد موسوی جزایری	با محرمان راز	قم	دارالکتاب جزایری	اول	۱۳۷۳
۴۶	سید حسین هاشمی دهرخی	ده بحث پیرامون حضرت حجت (ع)	قم	مؤلف	اول	۱۳۵۹
۴۷	سید محمد باقر صدر	پژوهش پیرامون مهدی (عج)	قم	امید	اول	—
۴۸	سید حسن ابطّحی	پاسخ ما به مشکلات جوانان ۲ و ۵	مشهد	کانون بحث و انتقاد دینی	سوم - چهارم	۱۳۵۳
۴۹	محمد حسین رحیمیان	دلیل آفتاب	قم	دلیل ما	دوم	۱۳۸۲
۵۰	گروه کتاب نشر گلستان کوثر	توصیه‌های حضرت مهدی (عج)	تهران	گلستان کوثر	ششم	۱۳۸۵
۵۱	سید ابوالحسن حسینی	ارتباط معنوی با امام زمان (عج)	قم	برگ شقایق	اول	۱۳۸۰
۵۲	سید مرتضی مجتهدی سیستانی	صحیفه مهدیه	قم	نشر حاذق	سوم	۱۳۸۳
۵۳	سید جعفر رفیعی	تفسیر و شرح زیارت آل یاسین	قم	یاران قائم (عج)	اول	۱۳۷۹
۵۴	محدث نوری	چگونگی ملاقات با امام زمان (عج)	قم	گل یاس	اول	۱۳۷۸
۵۵	ابن بابویه قمی	صفات شیعه	قم	یار غائب	اول	۱۳۸۵

آثار منتشر شده‌ی مؤلف :

- ۱- اصول آموزش روخوانی قرآن کریم - چاپ چهارم - ۱۳۸۱، انتشارات نشاط قم.
- ۲- اصول آموزش تجوید قرآن کریم - چاپ دوم - ۱۳۸۱، انتشارات نشاط قم.
- ۳- یس قلب قرآن مجید (آداب دعا و ادب در محضر خداوند)، چاپ اول، ۱۳۷، انتشارات آیات اهواز.
- ۴- جهاد و شهادت از دیدگاه قرآن و حدیث - چاپ اول، ۱۳۷۸- انتشارات اسوه قم.

آثار در دست تألیف :

- ۱- دعا گنجینه‌ی سلامت و رستگاری در اعجاز اسماءالله - اذکار - ادعیه و سور قرآنی.
- ۲- گوهرهای الهی در انفاس ملکوتی راهیان سیر و سلوک.
- ۳- سنت‌های الهی در جهان هستی از دیدگاه قرآن کریم.
- ۴- علی (ع) خورشید تابناک عالم هستی.
- ۵- ازدواج راهی به سوی رشد و کمال عقل از دیدگاه قرآن و حدیث و دانشمندان.
- ۶- والدین عالی‌ترین بستر آرامش برای نسل جوان.
- ۷- خودشناسی رمز کمال و قرب به خداوند.
- ۸- مضلین، مغضوبین، ملعونین در قرآن.
- ۹- ایمان در قرآن.
- ۱۰- اسلام یک حقیقت الهی در تمام ادیان آسمانی در قرآن.
- ۱۱- مدیریت در قرآن و حدیث و صاحب نظران.
- ۱۲- هدایت در قرآن.
- ۱۳- منافقین در قرآن و حدیث.
- ۱۴- راهکارهای مطلوب در مناظره و مباحثه از دیدگاه قرآن و حدیث.
- ۱۵- پرسش و پاسخ پیرامون جنّ در قرآن و حدیث و صاحب نظران.